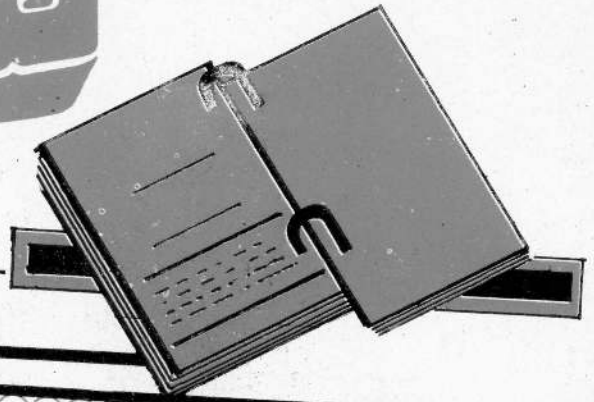


# سپاوون

شماره پنجم - آبان ۱۳۶۲  
قیمت ۱۰۰۰ ریال

[Ketabton.com](http://Ketabton.com)

# سپاه ویران



شماره پنجم ماه اسد ۱۳۲۰ سال چهارم شماره مسلسل ۳۹



منار سپاهی کتنام - واقع جاده میوند

روی جلد: گلناره هنرمند تا چشمک .  
مصاحبه: اوراد رشماره آینسده بخوانید .

# میا میکل

صفحو ۵۰



## روپياد هادر سكو

صفحو ۱۴ - ۱۷



## هنرمندان ما ميکل

صفحو ۲۲ - ۲۵



## ايا چي دښتيد؟

صفحو ۲۹ - ۳۱



## گل زمان د ستارونو

صفحو ۲۶ - ۴۷

## نهضت روښنگران در ساکها آزادي

صفحو ۶ - ۷

## امتياد کنيد! تقلب در بهر جا و در بهر چر

صفحو ۳۰ - ۳۱

## صدا رت به کي تعلق گرفت؟

صفحو ۴۰ - ۴۱

## صديق مخترع و اختراعات جديد

صفحو ۷۴ - ۷۵

هويت تحریر  
در ویرایش  
مضامین دست  
باز دارد.

اندیشه و عقاید  
مضامین به  
نویسندگان  
تعلق دارد.

**SABAWOON**  
Monthly Magazine of  
Journalists Union of  
Afghanistan  
Editor-in-Chief  
Dr. Z. Tanin  
Assistant  
M. A. Maroof  
Add:  
Block 106, 3rd Microrian  
Kabul — Afghanistan

مدیرمسئول: دکتور ظهیر زین  
تلفون: ۲۵۹۱۰  
معاون: محمد آصف مروف  
تلفون: ۶۲۷۵۲  
سیکرترمسئول: ضیاء میانی  
نشریه انتحاریه ژوند نالستان  
خطاب: کیرامیر و محمدنیم  
نیکزاد  
گسرهلیک: نورمحمد ورفیبه  
عکاس: شچین گل  
نايب: محمدجمعه، خواججه  
مرزا محمد و زلمی بویل.  
همکاران چاپ: محمد ظاهر  
(ظفوری)، عبدالله و عبدالله  
آدرس: مکروریان سوم،  
بلاک (۱۰۶) ۸ هافانستان  
پانک  
کابل - افغانستان



# دکستهای آزادی

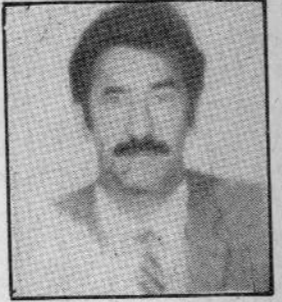
# مردم در قیام



دانشمند کاندید اکادمیسین  
محمد اعظم حسینی  
لطفاً در مورد بزرگترین درس  
های تاریخ نبرد استرداد  
استقلال کشور در سال ۱۹۱۹  
به خواننده گان مجله نظر خود  
را ابراز دارید  
سال ۱۹۱۹ میلادی یکی  
از سالهای پر خاطره و افتخار  
برانگیز در تاریخ کشور ماست.  
در این سال است که ملت غرور  
و شایسته افغانستان به قیام  
دست ظاهر و دلبر شاه امان  
الله خان برای استرداد  
استقلال کشور مردم را به  
جهاد علیه انگلیس دعوت کرد  
و با استقلال پر شور تمام افشار  
و طبقات و اقوام و قبایل ساکن  
کشور قرار گرفت. بزودی ممکن  
دسته های مجاهد و پیکار  
جوی در شهرها و مراکز عمده  
کشور آماده گوی خود را برای  
جنگ با استعمار انگلیس اعلام  
داشتند و در اوایل ماه می  
چنگ مقدس میهنی برای استر-  
داد استقلال کشور در سه جبهه  
شرق، جنوب و جنوب غرب  
آغاز یافت و پس از یکماه دشمن  
مجبور به مذاکره و قبولی استر-  
داد استقلال کشور گردید.  
مجاهد صلح را ولیندی میهن

نمایندگان مختار و کشور در  
هشتم اگست ۱۹۱۹ میلادی  
به امضاء رسید. غازی شاه  
امان الله با آنکه با برخی موا  
این معاهده موافقت نداشت  
سرانجام آنرا بتاريخ ۱۸ اگست  
مطابق ۲۸ اسد توشیح نمود و  
از آن تاریخ به بعد هر سال در  
۲۸ اسد جشن استرداد  
استقلال کشور مورد گرامی داشت  
قاپیم مردم افغانستان قرار  
میگیرد.  
بزرگترین درس های که  
میتوان از نبرد سوم افغان  
و انگلیس آموخت:  
اول: اتحاد و همبستگی و هم-  
لی مردم افغانستان در لحظات  
دشوار تاریخ است که بدون  
تعصبات قومی و نژادی و لسانی  
و دینی و چون تن واحد به  
دور شاه امان الله جمع شدند  
و سلطه بیگانه را از گردن میدور  
انداخته اند.  
دومین درس این رخداد و  
قطع مداخله بیگانگان در امور  
کشور یعنی قطع مداخله در  
سیاست داخلی و خارجی است  
افغانستان است.  
سومین درس بزرگ نبرد  
استقلال و برصمیمت شناختن  
افغانستان بحدی یک کشور  
مستقل و آزاد در نقشه جغرافی-  
فهای آسیای جنوب غربی است

چهارمین درس تاریخ  
این است که به پیروی از جنبش  
استقلال طلبی افغانان  
آزادی طلبی و مبارزه در میان  
سایر مستعمرات انگلیسی و از  
جمله هند برتانوی بیدار شد و از  
آنجا به جزایر شرق الهند نیز  
سرایت نمود و تعدادی از کشور  
های منطقه به آزادی و استقلال  
خویش نایل آمدند.  
پنجمین درس نبرد استقلال  
این است که به مردمان جهان  
و استعمارگران ثابت ساخت که  
مردم افغانستان مردمانی  
آزادی دوست اند و این مردم  
به هر قیمتی که باشد آزادی  
و هویت خود را حفظ کرده  
و میکنند و از هیچگونه قدرت  
بیگانه بیم و یاسی ندارند.  
ششمین درس هم اینست  
است که مردم افغانستان  
دارای حس سلحشوری و غرور  
افغانی اند و هرگاه غرور افغانی  
وحیثیت آنان از طرف کسی مورد  
توهین و تحقیر قرار گیرد، آنرا  
نمی بخشند و تا پای جان  
از شرف و حیثیت و وقار افغانی  
خویش دفاع مینمایند. حتی  
از این روحمه و خصلت آزادی  
دوستی و استقلال طلبی  
افغانان دانشمندان و فلاسفه  
نامدار اروپایی نیز توشیح و  
تعریف کرده اند.



سند محترم عبداللهمریسان  
لحقاً توضیح بفرمایید که:  
رهبران قیام های مردم  
در سال های حصول استقلال  
کدام عناصر به خاطر تشکيل  
ساختن ملت های ساکن  
در کشور غرض قابله با بیگانه گان  
حساب میکردند؟  
در رابطه به نقش رهبر-  
ان قیام های مردم در سالهای  
حصول استقلال و عناصری که  
ایشان در بسج نیروهای ملی  
از آنها علیه اشغالگران خا-  
رجی استفاده مینمودند یا-  
ید گفت که در طول تاریخ با-  
مدت زمان نفوذ استعمار  
گران و عناصر و ظنیرست در  
هر گوشه و کنار سلطنت درین افشار  
طبقات و گروه های مختلفی اعم  
از ملیتی و مذهبی و منطقه ای  
دست به اقداماتی زدند که  
زمینه را برای حصول استقلال  
کشور و طرد استعمارگران  
از کشور ما مساعد مینمود.  
پنجمین در رابطه به مبارزه نیرو  
های ملی و ویژه رهبران قیام  
های ملی و طرق عملکرد ایشان  
باید خاطر نشان ساخت  
که از آغاز سلطنت اول امیر  
دوست محمد خان در سال  
۱۸۳۴ میلادی تا قتل امیر-  
حبیب الله خان در سال ۱۹۱۹  
انگلیس مابصورت مستقیم یا غیر

مستقیم در امور داخلی و خارجی  
کشور مداخله نموده و به  
حاکمیت سیاسی اثر وارد  
میکردند، که این وضع اسباب  
نگرانی و نارضایتی مردم ما را  
هرچه بیشتر فراهم ساخت.  
چنانچه در طول دوره امام-  
رت امیر حبیب الله خان دست  
از روشنفکران کشور بنام مشر-  
وطه خواهان غلبه استعمار  
گران خارجی و استبداد دا-  
خلی و دست مبارزه زدند  
و گام های درجهت تنویر افکار  
عامه و روشن ساختن از هسان  
مردم برداشتند تا جایکه عده  
زیاد ازین مبارزین را ما استقلال  
و وطن جان های شورین خود را  
از دست دادند، اما هیچگاه  
این فریاد ایشان فرو نه نشست  
زیرا آتش را که ایشان افروخته  
بودند، گروه مشروطه خواهان  
دوم فرزندان ساختند و قیام  
ملی و جنبش آزادی طلبی را  
هرچه بیشتر قوام بخشیدند.  
از آنجاییکه وجود امیر-  
حبیب الله خان بحدی پادشاه  
افغانستان یکی از موانع عمده  
اراده حصول استقلال کشور  
بحساب معرفت لذا عده  
از آزادی خواهان در آن مهان  
مدت میان تاج و تخت سلطنت  
نیز شامل بودند در عهد قتل  
وی برآمدند و این برنامه

کلیق پلان طرح شده قبلی  
عملی گردید و شاهزاده امان  
الله در راس جنبش جدید  
قرار گرفت و حکومت جدید  
بر رهبری امیر امان الله خان  
در همان لحظات نخستین  
اعلامیه را بنی بر جلب حما-  
یت مردم و تأمین و تحکیم وحدت  
و همبستگی اقشار و طبقات  
مختلف مردم افغانستان به  
نشر رسانید. در رهن ایمن  
اعلامیه کت مردم برای تحقق  
اندیشه ها و آرمانهای دیر-  
ینه شان مبنی بر استقلال  
کامل سیاسی افغانستان که  
یکی از وظایف نخستین ملت  
افغانستان را تشکیل میداد.  
این اعلامیه که با خواست  
و آرمانهای مردم ما مطابقت  
داشت مورد استقبال و پشتیبانی  
مردم قرار گرفت و در نتیجه قیام  
مسلحانه ملی و جنگ رویارویی  
با استعمار یون غارتگر و مستعمر  
انگلیس آغاز گردید که مبارزین  
ملی و رهبران قیام های مردم  
با شعارهای اتحاد و همبستگی  
چون مشت واحد در برابر  
تجاوزگران انگلیس قیام نمودند  
و مردم را به اتحاد و همبستگی  
و درجه و تحکیم وحدت ملی  
فراخواندند که این پیرو سدر  
جبهه قندهار تحت رهبری  
بقیه در صفحه (۸۷)

# نهضت روشنفکری

نوشته داود سیاروش

اگر به اوراق پریشان تاریخ بدون افتادن به دام اسطوره و یا درک افراطی از مفهوم صادی تاریخ نگاه کنیم و در آن جستارهای از نهضت روشنفکری را در اواخر قرن (۱۹) مطالعه نماییم به وضاحت دیدیم میشود که این موج تاریخی از دوران امیرشهرعلی خان به تلاطم آمده است.

اگر در باره امیر دوست محمد خان استعداد استفاد از مفکوره های روشنفکرانه سید جمال الدین افغانی را در پی بگیریم پسندیدن ترقیات عصر و آوردن تحولات و پیروم های متناهی سبب به زمان نداشت، انهرشود علی خان از لحاظ ذهنی - آماد بود پذیرش چنین پیروم ها بود، ولی چون سید جمال الدین افغانی رقیب سیاسی و برادر شکست خوردده امیر را در صباوت تدبیر کرده بود نزد امیر این تشویش پیدا شد که مبادا سید به پستگاه گاه طرفداران محمد اعظم خان در دربار مبدل گردد و روی همین ملاحظه ثواب کار را در آن دید که سید بدین ملاقات با محمد اعظم خان در استمران به خارج از کشور برود. روز وداع در ارک بالاد

حصار سید جمال الدین افغانی تمام نظریات و پروگرام های اصلاحی خود را به امیر تقدیم کرد و او وعده داد که آنها را در عمل تحقیق میکند سید چه نظریاتی داشت: او - در افغانستان دولت قوی مرکزی میخواسته در ایران ترکیه که دولت مرکزی موجود بود رژیم دیوکرات طلب میکرد. . . . در هندوستان و مصر مبارزه ضد استعمار را مشتعل میخواست و در کشور های اسلامی آسیا و آفریقا غرض تمرکز قوا در مقابل اروپای مستعزیزین اتحاد اسلام (پان اسلامیزم) را شعار میداد. . . .

با آنکه تمام مفکوره های سیاسی سید در حد پذیرش برای دولت امیر قرار نداشت، به هر حال، با رفتن از یک سلسله اصلاحات در کشور آغاز گردید. قوه اجراییه تشکیل شد و - مکتب یکی ملکی و دیگری نظامی تاسیس گردید، مطبوعه با لاد حصار بوجود آمد، جریده هفت سالتهار در (۱۶) صفحه به چاپ رسید، کارخانه توپ تفنگ و باروت سازی تاسیس گردید، ولی با حلات پنهانه - جویانه انگلیسها و فرار امیر سلسله این تحولات از حرکت ماند، تا آنکه در دوره امیر -

حبیب الله با رشد نسبی شعور سیاسی بلاثر یک رشته تحولات معین، چون بوجود آمدن فابریکات، تاسیس مکتب، منجمله مکتب حبیبیه آمدن یک تعداد معلمین هندی به کابل، چون داکتر عبد العنی و برادرانش، عودت محمود بیک - خان طرزی با مفکوره های تحول طلبانه و برداشت عمیق مصلحتی از وضع جهان روزند - تحولات و نهضت های دنیا، زمین اذهان جوانان را آماده پذیر اندیشه های جوان سها سی نمود. در این وقت نشرات جمیل المتهین و مسک، تعداد نشرات دیگر از هندوستان به کشور سی آمد و تحولات سیاسی - ترکیه و اینترنشنال به افکار روشنفکران اثر میگذاشت. در میان قشر جوانان دلچسپی به مطالعه و درک مسائل و رویداد های بین المللی افزایش مییافت. به قول میرغلام محمد تاج: سوس گردید، مطبوعه با لاد حصار بوجود آمد، جریده هفت سالتهار در (۱۶) صفحه به چاپ رسید، کارخانه توپ تفنگ و باروت سازی تاسیس گردید، ولی با حلات پنهانه - جویانه انگلیسها و فرار امیر سلسله این تحولات از حرکت ماند، تا آنکه در دوره امیر -

خان مامور بار چالانی امیر - پار بیک خان دروازی و غیره جوانانی که در داخل در - باره به مطالعات کتب و جراید خارجی میپرداختند و به مسائل سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی دلچسپی میگرفتند.

۲- حزب جمعیت سری ملی که مرکز عمده آن مکتب حبیبیه بود اعضای این حزب علاوه بر رفیروها تابدیل رژیم مطلق العنان را به رژیم دیوکرات میخواستند.

۳- روشنفکران منفردی که خارج حلقه دربار و خارج شتند. مکتب حبیبیه از سال (۱۹۰۳) یعنی سال تاسیس آن تا سال (۱۹۰۹) مرکز داغ - فعالیت های سیاسی حزب - جمعیت سری ملی در کشور بود در این حزب یک حلقه مسلمانان هندی نیز موجود بود که رئیس آنان داکتر عبد العنی پنجابی و اعضای آن مولوی نجف علی و مولوی محمد چراغ و دیگران بودند. در مراسم جمعیت منجمله ده هدف - اساسی که بیان شده بود تبدیل حکومت مطلق به حکومت مشروطه، تحصیل استقلال افغانستان و نشر تمدن و فرهنگ جدید در سرلوحه آن قرار

# نهضت روشنفکری

داشت.

با افشای یکر از تصاویر حزب "جمعیت سری ملی" یعنی برای ننگه "مصلح باید بسود" و افتادن لست فعالین جمعیت سری ملی به دست امیر حبیب الله اعضا این سازمان - تصمیم گرفتند عرضه ترتیب - نموده به امیر تقدیم کنند. در غلام محمد که چهارمین از فعالین این حزب به ناساسی لعل محمد خان غلام بچه و جوهر شاه خان غلام بچه و محمد عثمان خان سرورانی و محمد ایوب خان سوسولستانی به امیر سپردند. اثرات فکری این گروهی از معاصران تاریخی آنانرا اقدام نمود و بر سر راهی از راه باید علاوه نمود که در روند جاری این وقایع جمعی از روشنفکران و دانشندان کشور از مدرسه شاهی و مکتب حبیبیه که در واقعیت همان روشنفکران ترقی خواه بودند به دربار پیشنهاد نمودند که انجمن دانشندان افغانی بوجود آید تا یک جریده پانزده روزه را بنام سراج الاخبار افغانی در کابل نشر نمایند. در راه این انجمن مولوی عبد الرؤف خان کندی هاری - متخلص به "خاکی" سرمد رس مدرسه شاهی و ملای حضور

بود.

اولین شماره سراج الاخبار افغانستان در جنوری ۱۹۰۹ (۳۱) صفحه چاپ سنگی به نشر رسیده، ولی بعد از نشر شماره اول به خاطر مخالفت های انگلیسها متوقف شد.

با کشته شدن مولوی محمد سرور خان وعده دیگران - لهن حزب جمعیت سری ملی و توقف نشرات سراج الاخبار افغانستان شعله نهضت استقلال طلبانه و مشروطه خواهی ظاهر گردید.

ولی در حال بعد از این بار دیگر به تقاضای عصر و اجبار زمان سر فرو آورده اجازه - نشر سراج الاخبار را به محمود بیک طرزی داده، محمود طرزی که با افکار تازه و مشیوع از استقلال طلبی، مشروطه خواهی و درک عالی از روسه های جهانی به وطن برگشته بود سراج الاخبار را به مدرسه شاهی ترتیب جوانان باروچیه استقلال طلبی و مشروطه خواهی مبدل ساخت. جریده که از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۹ به نشرات پرداخت با جرکت تمام از هیچ وسیع دستگناه دولت انتقاد نموده از استقلال افغانستان سخن میگفت. این نشریه که سری فکری روشنفکران

منجمله شهزاده امان الله - خان بشمار معرفت تعداد مشترکین آن در همان زمان به (۱۴۰۰) نفر بالغ میشد.

نشرات سراج الاخبار، دولت هند بریتانوی و روسه تزاری را به لرزه آورده انگلیسها در ابتدا تلاش ورزیدند نشرات آنرا قطع کنند، ولی بعد از صلاح کار را در آن دانستند که نوعی با نشرات آن عادت کنند. اما جنرال کورا پاتکین حکمران روسه تزاری در - ترکستان تلگرامی به نمایندنده روسه تومسکی که در هند بود فرستاد، خاطر نشان نمود که شماره های سراج الاخبار در بخارا و ولایت دیگر ترکستان منتشر میگردد و از مقالات آن احساسات فدر روسی بریتانوی در مردم به جو شریک پیدا میسر دولت هند بریتانوی باید بر امیر افغانستان فشار آورد تا این جریده خط مشی تبلیغی خود را تغییر دهد.

استاد عبدالحی حبیبی در کتاب جنبش مشروطیت مینویسد که صدرالدین عینی به او گفته بود آنها سراج الاخبار را در شرایطی که این نشریه تحت تعقیب پولیس روسه بود بدست می آورند و مخفیانه مطالعه میکنند.

سراج الاخبار که در واقعیت امر بنیاد گذار مرحله استقلال طلبی و مشروطه فواهی در افغانستان بود تا تحت اثرات بزرگی در همه کشور های روشنفکران منجمله در بار بگذارد.

میرغلام محمد غبار مورخ شهیر کشور در افغانستان در رساله تاریخ مینویسد: به علاوه این جنبش های فکری، سری و علنی و هسته تحول در نفس دربار نشو و نما میکرد. اصلاح طلبان از روش امیر منجز بودند، و چون خود قدرتش نداشتند باید دورپس از اعضای خاندان شاهی جمع میشدند. این فرد سردار

نصرت الله بزرگترین فرد خا - نواده شاه نبود، زیرا او آنکه مرد خداست و مویها همان استقلال کشور بود. ر اداره دولت دلبستگی به نظام قرون وسطایی داشت. . . . پس گانه شخصی که در دربار خاندان مورد توجه نبرالهای دربار قرار گرفت. همین الدوله امان الله خان بود. . . . او ناست نایب السلطنه را بجهت رهس این انجمن سری شامل نقشه کودتا نماید که امیر را در جلال آباد بکشند و جایش نایب السلطنه را بنشانند. دستور اجرای این عمل روانه امیر دادند. نفر از اعضای جمعیت سری ملی در قرآن تحریر و امضا نموده به سردار سپردند. ولی روز مهمن سردار از خانه تنه بر آمد و با کشتن برادر مخالف کرده نسخه قرآن شریف نزد او ماند. امیر حبیب الله کشته شد و امان الله خان به حمایت بالقوه و بالفعل مشروطه خواهان به قدرت رسید. شاه تاج پادشاه هی را به شرط اعلان استقلال افغانستان بر سر گذاشت و این همان خط اول برنا روشنفکران بود. روشنفکران مشروطه خواه در جهاد کبیر ملی علیه انگلیس سهم فعال گرفته این افراد با ایمان و صاحب اندیشه در خط مقدم پیشکارتد انگلیس مردانه زمیندند و بعد از اعلان متارکه در اضا سند استرداد استقلال وطن، که با خون غازیان و مجاهدین سر به کراه وطن نوشته شد بود، سهم فعال گرفتند. شاه غازی در ابتدا با روشنفکران صمیمانه برخورد نموده، محبوبین سیاسی مشروطه خواهان را از زندان ها آزاد ساخت و یک تعداد آنان را در پستهای مهم - اداره امور کشور گماشت. ولی شاه که حاضر نبود گام در راه جهت تحقق اهداف برنامته روشنفکران بردارد، به تدبیر باعکس العمل های روشنفکران بجهت دفعه (۸۹)



بر فرق کدامین تانک -

کدامین بوته -

و کدامین سنگه تاج میگذاشت؟

و گریبان تنگه کدامین را -

کفشهای کهنه ات را -

هدیه میگرفت؟

خدا میداند؟

شبهای بی ماهستاب

وقتی در سیدهای کوچک چشمان خود

ستاره میسوردی

و نگاههای پریشانیت -

سینه آسمان را شیار میکرد -

تووز عشق کدامین عزیز

در چهره زده هنت

میوه یاد میبخت؟

خدا میداند؟

وقتی سفیرد شین - در زبان شیاطین

در بگوشهایت را

با رخوت میگرفت -

خون در رگهایت -

با چه لپهیی جوش میزد؟

و آنگاه -

عاشقانه تکبیر میزدی - جنگه را

تا ممر کمره فتح میکردی -

●●●

آهای سپاهی آزادی!

در کدامین روز بی آفتاب -

شهبان -

از دم مرکب تاریکی -

جان جادو بی میبخت؟

که آغوی روحت -

یکبارها از چشمه سار آتشمن تن

رو کرد -

و دیگر خنجره های مزه گانت

به قیام بر نداشتند -

دیگر -

شبهانه هانامدی

و مادرت هر گز -

سید پرگل تنهایش را

روی طاقچه دیدارت نگذاشت -

پوچساره -

دیگر مسافری نداشت

که جام لبریز چشمانش را

در بی او فرو بهاشد -

- ۳ -

آهای سپاهی کاکلسی!

دیشب مسافری -

از دیار پریشانی آمد -

با یک مشت نشانی

از گیسوان خونین است -

گفتم:

آه همد پسته خداست -

این ریشه های جنسی -

زود است - زود است

کزین ریشه های جنسی

در دشت یاد های دهکده -

جنگلی بکارم -

که اگر روزی -

میوه وحشی آن را -

زاغها بخورند - کیوتر کردند -

مسا فر نهایید -

گفتش باش -

باش تا باری دامن رنگمده ات را

به دیده بهالم -

آخر چهار دشتی دارد -

و - دود گوهی

و عطر خونسی -

مسافر پیهم لب میزند -

مسافر - هیچ نمیکند -

باری آبله عقده

در گلپوش ترکمید

و فقط اینقدر رگت:

(( رضای خداست ))

مسافر برگشت -

به جانب ناپیدا -

به سوی سرگردانی -

آی مرد خدا!

مسافر بوی ترا داشت -

کاکلس -

کاکل مست ترا میبند -

کفشهایش - پینه پینه بود و کامهایش

کامهای بی شکست ترا میبند -

●●●

هان - عزیز من!

وقتی عزیز همگسرت

گلناره های نهمسخته بیکرت را -

تکسه تکسه به دا من میچسبد -

بادها آنگاه دریافتند -

که بهد خونین بهشتی -

چه عطری دارد!

●●●

های دیوانه آ زادی!

من نیز آبله پاییستم

در سحاری دیوانه گان

من به ز بارت لاله ها میروم -

تا معنی سنارت سخن کامیابیت را

لصکم

و خنک عقل مسخره نرود -

من خویشتن را -

با کل خواهم شوخاند -

با گیاه خواهم روپاند -

با برکه خواهم آویخت -

جاری خواهم شد -

همخط رود خانه

و خواب خواهم رفت -

همسر کوره -

تا یافت کم

لالایی را

که در شبهای بی مادر

با آن میخفتی -

و هابوی را

کز کوتاهترین خواب زمان

بیدارت میساخت -

●●●

آ زاده مرد اسفندوره قامت!

مردا نه گیت را!

در قلمرو تعریف

گنجایشی نیست -

کسوه -

نامت را پس میدهد -

دشسته

شهادت را تنگی میکند

و رود خانه -

راهی شدنت راه

چه آرام است و چه کم امتداد!

و من -

جوانم ترا -

چه قد زکودکم!

●●●

عزیز ملت من - سپاهی آزادی!

سوادت -

در سه واژه تمام بود:

خدا - مادر - آ زادی

و از نام خویش -

هیچ حرفی به یادت نبود -

با نهنوشتی!

اگر هنگام تو بودم

از افتخای تو -

شعر بلند روزگار را -

به ودیعه میگرفتم -

خیر باشد -

نامت با زمین -

نامت با ستاره -

نامت با خدا -

گره خورد - است -

●●●

های غریب زاده

مرد رفته در بی گنهای نامی!

نامت - نورواژه بیست -

در قاموس بی ردیف شیکرد های خرابان -

که تجلی حروفش،

جاد و کران مشرق و مغرب را -

کور میبکشد -

باکی نیست

اگر خلیفه های نا خلف -

مفتیان بی طهارت را -

به سود خویش خریدند -

و سپاهد اران ساسانیان

پیمان یاری - پیمان خونت را

با فرا بن بی مهر

بپردند -

همین بیست -

که فرزانه گان زمین -

دیدند:

تو بر سجاده سخن مشرق

عاشقانه ترین نیاز را -

نماز آزادی را -

به آذان برخاستی - به تکبیر ایستادی و ادایش کردی -

عزیز شعر من عزیز زندگی من!

من -

شهادتت را

با کدامین قصیده خونین

به آمین بر خیزم?

■

# تصویرهای از



ملا عبدالله مشعوره ملای لنگه که تمام سمت جنویسی را در سال ۱۹۲۳ در زمان زمام داری امان الله خان رهبری میکرد.



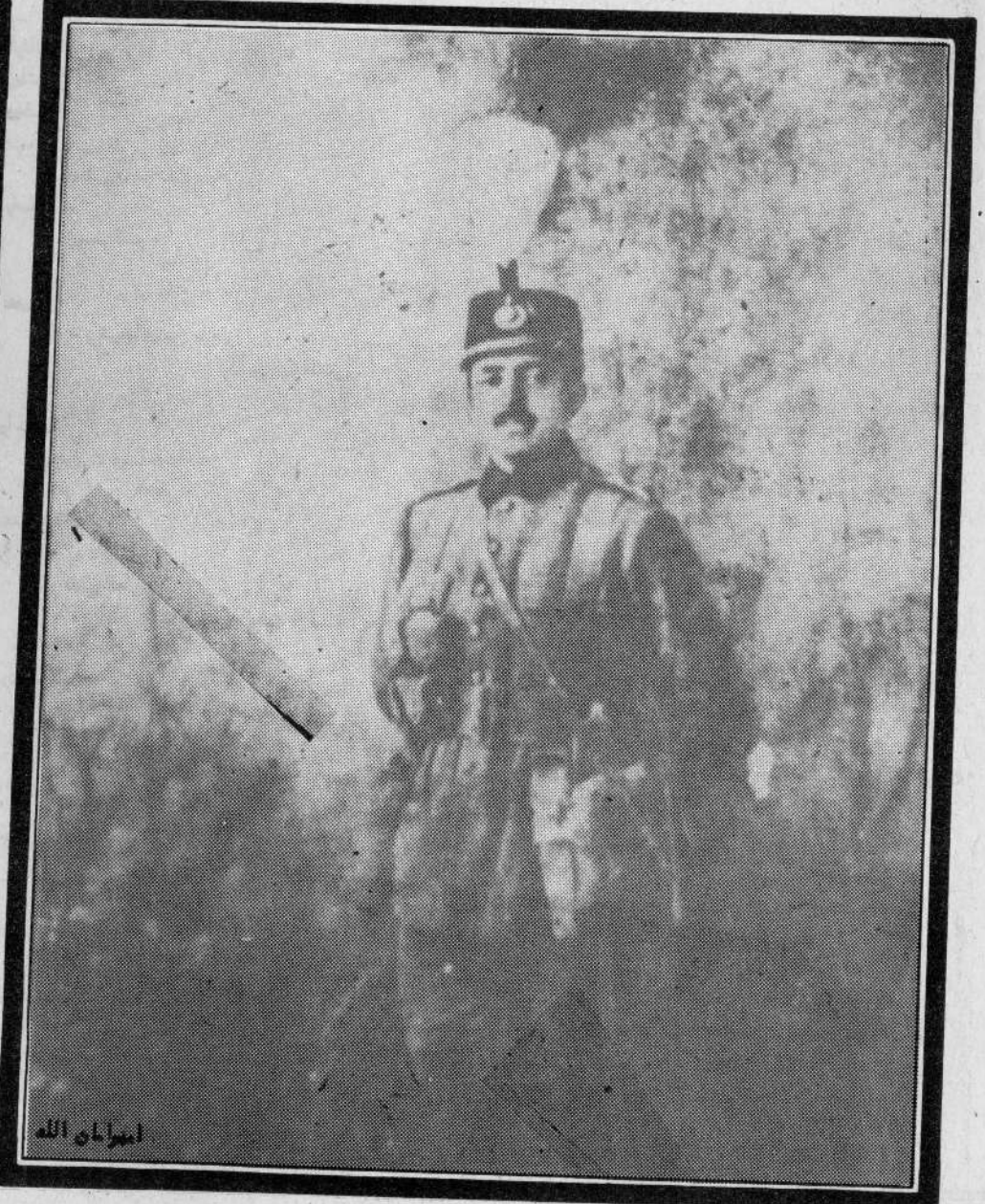
امیرامان الله  
حین وداع با سربازان گارد شاهی در انتهای ترک وطن.



پاکتن ازجا سومان انگلیسی بهنام لا رس که در تحویل یک واحد دسایس علیه نهضت امانی سهم فعال داشت.



طلاب و نهضات رهبری مکتب جوییه در زمان امیرامان الله



امیرامان الله



# کله جهان دنگلاند

و کالینین که به عمارت پارلمان روسیه یا قصر سپید روسیه می انجامد از تانک‌ها، ماشین‌های محاربه‌ای و موتورهای نفر بر نظامی پر شد. دیگر ترافیک شهری اختلال شده بود. مابین بیرون هتل رتیم، تانک‌ها پارلمان روسیه را محاصره نموده بود. ظاهراً اسپ کودتاچیان بد و مانعش به پیش می‌تاخت. اما صرف چند دقیقه بعد گروه بزرگی از رهبران پارلمان روسیه از عمارت لطفاً صفحه برگردانید

و ترجمان راه اقامتگاه را در هتل از کرایین که در یکی از نقاط مرکزی ماسکو واقع است، در پیش گرفتیم. رفت و آمد در جاده‌ها بصورت طبیعی ادامه داشت. چهره‌های رنگ پریده مردم از شوک خبر می‌داد که هنوز پایان نواخته بود. مغازه‌ها باز بود و از تانک‌ها اثری دیده نمی‌شد. با جابجایی در هتل غرض تانک‌ها در جاده‌ها آرامش و بی‌تفاوتی مردم را - اختلال کودتا حوالی ساعت ۳:۱۱ دیگر دوجاده بزرگ کوتسوزف -

وانها برای آن که قدرت را نگه دارند به کودتا متصل شدند. بسیاری از مقررات در دهلوز هلهبه دود کردن سنگ‌تاق نمودند. مثل هر حادثه، پس مردم نا آشنا از یکدیگر سوال نمودند و با ابراز نظری می‌کردند. در دوطرف خط ریل عابری ساده نیز مشغول گشت و گذار بودند. مثلیکه آنها هنوز از حادثه اطلاعی نداشتند. ترن حامل مسافر ساعت ده و نیم صبح به ایستگاه ماسکو رسید. ما همرا باهمانند از

کمیته فوق العاده قدرت را دست گرفت. گریچف به خاطر دلایل صحت بر کار شد، یا نایف معاون اول رئیس جمهور رهبری کشور را به عهده گرفته بود. یگونسه مارینا سور کف ترجمان ما در حالی که صدایش می‌لرزید و خشم از چشمانش فوران می‌کرد، در کوبه ترن از حادثه اطلاع داد. او سخنانش را با این جمله ختم کرد که: "خونتا (محافظة کاران وحشی می‌خواهند دموکراسی را بکنند)". ساعت ۱۰:۲۵ صبح بود. ترن تا یک ساعت دیگر باید به ماسکو می‌رسید. مسافری ۱۳ ساعت سفر را پشت سر گذاشته بودند. راه‌پوی سراسری شوروی در اتساق های ترن خطاب کمیته فوق العاده را بختر می‌کرد. فکر میشد که زمان به عقب برگشته است. شاید این نه سال ۱۹۱۱ بلکه سال‌های ۶۰ هجری است که رهبران شوروی زیر نام شماره‌های مانند "زند" باد کونیزم زند باد مردم" بمساط یک دیکتاتوری جدید را بر پا می‌دارند.

در دهلوز واگون ترن مردم با سه‌های تکیه و مضطرب با یکدیگر صحبت می‌نمودند. یک خانم گریه میکرد و می‌خندید. به من نگاه نموده و گفت: "فردا باید قرارداد اتحاد در میان جمهوری های شوروی امضا می‌شد، در آنصورت محافظه کاران و کونیست ها قدرت را از دست می‌دادند"



پلتن جسونانه رهبری مقاومت در برابر یوچوست ها راه عمده گرفت.

## بیرنده اصلی مبارزه برای دموکراسی ملیت است

نوشته دوکتور خلف هرطین

همزمان کودتای ناکام در اتحاد شوروی و پیروزی بران (۱۹ تا ۲۵ اگست - ۱۹۱۱) بدیر مسوون مجله سیارون همراه با یک عده ژورنالستان افغانی، در ماسکو اقامت داشت. وی در بازگشت به وطن، گزارشی و تحلیل جریبان کودتا و انقلاب ۲۲ اگست را که به پیروزی دموکراسی شوروی انجامید، نام به نام از راه اخبار گفته به نشر سپرد. از آن جا که مجله سیارون خواننده کان و یژه خود را دارد و نیز به خاطر آن که این مطلب جالب و مهم به وسعت و فراخانی بیشتر بدسترس خواننده کان و علاقه مندان فرار گرفته باشد، این متن گزارشهای مذکور را بدون هیچ تزئید و تصرفی به نشر میسپارد.



تانک های تانک های روسیه

# ۷۲ ساعتی که جهان را تکوان داد

پارلمان پایین آمده و راه صحبت با تانکیست ها را در پیش گرفتند. هنگام صحبت گروهها چند صد نفری مردم به دور آنها جمع شدند به انبوه جمعیت لحظه به لحظه افزوده میشد و بدینگونه مقاومت در برابر کودتا آغاز شد.

«قصر سپید روسیه» یا عمارت پارلمان جمهوری روسیه بنه مرکز ایستاده گن در برابر کودتا چنان کمونیت مبدل شد. بنا افزایش جمعیت مردم تانک ها را مجبور شدند از نزدیکی پارلمان دور تر بروند. مردم عادی که مزه آزادی را بعد از هفتاد سال ترهتاریان نیزم و استبداد یک حزبی چشیده بودند، خود به کار سنگر بندی ها در اطراف «قصر سپید» آغاز نمودند.

علی الرغم دستور کودتاچیان در مورد منع تظاهرات و گرد همایی ها مردم جان در کف نه تنها در برابر پارلمان بلکه در سایر میدان ها و نقاط عمده ماسکو گرد همایی های چند هزار نفری را آغاز نمودند.

این گرد همایی ها در ظرف ۲۴ ساعت به تظاهرات و میتنگ ها مبدل شد.

کودتاچیان اعلامیه هایی را که متن کامل آن ها (المجب ) در روزنامه «پیام ما بطور کامل نشده شده از اردیو و تلویزیون پخش میشوند.

اعلامیه ها حرف های زیادی نداست. جامعه در بحران است، دسپلین وجود ندارد، بی ثباتی سیاسی و اقتصادی تعمیق یافته از اتوریته شوروی در خارج کاسته شده، بی قانونی و جنایات افزا

پیش میباید و چیزی های دیگری از این قبیل که همه جامعه شوروی پر از کودتاچیان آن را درک می نمودند. اما باید تفاوت که کودتاچیان بحران شوروی را -

خالی در برابر مردم ایستاد و سی هراس خراب به آنها سخن گفت و از آنها طلب ایستاده گسی و مقاومت نمود.

راد پوی روسیه به محل تبارز اراده

دستاویز غصب غیر قانونی قدرت برای خود قرار دادند. همان راهی را در پیش گرفتند که اسلاف شان اقایان پولیتس بهر هائی گذرشته در مورد رهبران قبلی کشور در پیش گرفته بودند. بی خبر از اینکه دیگر جامعه شو روی دیگر گون شده و نیروهای بی بدید آمده اند که آماده اند در راه آزادی تا پایان بجنگند.

در نخستین ساعات کودتا بوریس یلتسن جسورانه رهبری مقاومت روسیه را در دست گرفت. او تمام موسسات روسیه را به اعتصاب فرا خواند، او مردم را به برپایی تظاهرات دعوت نمود. او با دست

میدان مقابل پارلمان روسیه را ترنگتند. جوانان شب روز از سنگرها دفاع می نمودند و با شور و انرژی که انقلاب ها فراهم می آورد راه پاسداری از دموکراسی و آزادی را در پیش گرفتند.

کودتاچیان در وضع دشواری قرار گرفتند. کمیته فوق العاده آنها که شامل پروکاه وزیر داخله، کرپچکوف رئیس ک. ج. ب. پاولوف صدراعظم، یازوف وزیر دفاع، یینایف معاون رئیس جمهور، تیزیکوف رئیس کمیته علوم و صنعت، بگلا قوف مشاور امنیت رئیس جمهور و استرا دوپف رئیس کمیته دهقانان شوروی بود، هسته هسته دچار اختلافه پس از اردگی شد. روز و کودتا پاولوف به بهانه فشار بلند بازاری ترک نمود. به نظر می رسید که نظامیان نیز در نحو

میدان مقابل پارلمان روسیه را ترنگتند. جوانان شب روز از سنگرها دفاع می نمودند و با شور و انرژی که انقلاب ها فراهم می آورد راه پاسداری از دموکراسی و آزادی را در پیش گرفتند.

کودتاچیان در وضع دشواری قرار گرفتند. کمیته فوق العاده آنها که شامل پروکاه وزیر داخله، کرپچکوف رئیس ک. ج. ب. پاولوف صدراعظم، یازوف وزیر دفاع، یینایف معاون رئیس جمهور، تیزیکوف رئیس کمیته علوم و صنعت، بگلا قوف مشاور امنیت رئیس جمهور و استرا دوپف رئیس کمیته دهقانان شوروی بود، هسته هسته دچار اختلافه پس از اردگی شد. روز و کودتا پاولوف به بهانه فشار بلند بازاری ترک نمود. به نظر می رسید که نظامیان نیز در نحو



جریان تکفرائس مسیجاتی کودتاچی ها

اعمال کودتا دچار اختلاف هستند. تلویزیون سی. ان. ان از کنار رفتن کرپچکوف و یازوف نیز خبر می داد.

از سوی دیگر علوی که یک ژورنالیست شوروی اظهار نمود کوشاچیان خود را مشکت را انتخاب نمودند. آنها پلان توطئه را مانند سال ۱۹۶۴ که خروشچف برنار شد طرحی می نمودند. بدینگونه که در بین خود فیصله نمودند که وقت برای آن فرا رسیده که «شف» را به دلیل اینکه به «سمت» مطلوب نمی راند برطرف کرد. آنها حتی این زحمت را متقبل نشدند که فورول جدید برکناری بسازند و با همان فورول کهنه و اشنای «معادیر سخن» عمل کردند و با بره اندازی بازی «شگرف» و «کین گرخ» خواستند مردم را - بشناسند. آنها طوری محاسبه نموده بودند که با این حرکات می توانند درست مانند سال ۱۹۶۴ همه را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند. اما آنها نمی فهمیدند و از تاریخ نیا موخته بودند که سال ۱۹۹۱ و سال ۱۹۶۴ نیست. آنها تصور کردند که در زنده گی جدید بازم می توانند به همان اشکال کهنه قدرت دموکراسی حزبی دولتی عمل کنند. آنها خواستند همه مسائل را خودشان حل کنند، نهرا به این امر عادت نمودند بودند. آنها عادت نموده بودند که فکر کنند نظر شخصی آنها نظر همه ملت است، که دموکراسی صرف یک کلمه جان نمی است، که دموکراتها ارزشی ندارد. توطئه گران تصور نمودند که آنها

تنگه دار حاکمیت هستند و قدرت برایشان از بالا ها بخشیده شده است.

رهبران کودتا که به گته متفکر عمده، بازسازی و دوست ما بسبق گریچف الکساندر ساکولفیف حتی سوسالتم ربه معنای دادن چند گرام مسکه و چند توت کلباسه و چند پارچه نان خشک به مردم درک می کردند، در نخستین برآمد مطبوعات خورش در برابر مردم هیچ چیزی جز نفرت و دشمنی طبلونه انسان را به دست نیاروند. بانایف این بازچه «دست ایاارات حزبی و نه امان توطئه گر در حالی که دستانش می لرزد و هر لحظه به ا غرائبان خودنگاه می کرد نتوانست کترین شطقی برای امتناع مردم در مورد عملی که انجام شده ارائه کند. یک ژورنالیست خارجی با یک سوال بسیار بر معنا از او پرسید که شما وقتی کودتا می کردید، آیا یا - بیخوبیت مشوره نموده بودید؟



مقاومت مردم در برابر کودتا چنان در برابر پارلمان روسیه

کودتاچیان بر علاوه، تفسیرات درجهان معاصر و نشان را که غرب پس از بهالهای بازسازی و اصلاحات در زمین گرایشهای حیات سیاسی، اجتماع شوروی کسب نموده است مورد ارزیابی قرار دادند. امیکا و غرب در کنار مقاومت و نیرو های طرندار دموکراسی قرار گرفت. رهبر - ان کشور های غربی بابر قراری - لن داغ یا بورس یلتسن مستقیم در مقاومت علیه کودتاچیان اشتراک نمودند. بدینگونه یلتسن به مکانه مقام قابل اتکا چه در میان ملیون ازادخواه شوروی - بلکه همچنان نزد رهبران غرب مبدل شد. در تجربه رویداد های اخیر امریکا و سایر کشورهای غربی نشان دادند که آنها دیورد استقرار نظم نوین جهانی و دفاع از دموکراسی درجهان پایدار ایستاده اند. کودتاچیان محاسبه - درستی رادر مورد موفق میخائیل

گر با چف نیز انجام دادند. آنها فکر می نمودند که گر با چف را می توانند وادار به تسلیم کنند. اما او تسلیم نشده، او طوری که خودش در صحنه مطبوعات پس از برگشت به کپلین در روز پنجشنبه ۳۱ اسد امشا کرد از امسا هر گونه سندی در باره اشعاع و با تحویل قدرت به معاو - تشریح می توانست که نتایج را در مومعت ناها را، نانونی قرار دهد. اما ورزند.

تمام این عوامل گروه هشتگانه رادرمومعت دشوار قرار داد. حتی حزب کمونیست که رهبری آن بدون اعلامیه رسمی و خاموشانه در عقب کودتاچیان قرار داشت، حرکت نه نمود بر امثال کودتا مبر تا بعد بگذارد. روزنامه «پراودا» و «شیخ روزنامه دیگری که زیر تسلط کور نیست» قرار داشتند که تمام اسناد و مصوبات توطئه گران را چاپ نموده اند. این تزلزل به ستایش کودتاگشود نتوانستند.

رهبران کودتا برخلاف جهان تاریخ و زنده گی عمل نمود مو قانوس - نعتی را که خود به ان رای داده - بودند. نهر پامی گذاشتند. از همین جهت هم طی سه روز کودتا ما با - کس بیخوردیم که بتواند از کودتا دفاع کند. در حالیکه جوانان مردم عادی اشک می ریختند و تمام اسد شان را به یلتسن بک بودند. تمعجب او راست که در جریان یک صحبت ما با معاون روزنامه «پراودا» اتای گارچف در روز مس - کودتا که هنوز کمیته فوق العاده - عمل می کرد، می توانست موضع حزب کمونیست را روشن سازد. هاز بقیه در صفحه (۱۶)

شود که در سال ۱۹۹۱ چهار سده و هفتاد و پنج قصبه آدم - کسی درین جا رخ می دهد . کمیته قضایی سنای امریکا حوادث آدم کشی را در ایالات متحده امریکا در سال گذشته عیسوی (۲۳۲۲۰) حادثه می بیند یعنی کرده بود ، در حالیکه حوادث قتل در سال گذشته در آنتشور به (۲۳۴۴۰) می رسد .

## میتلایله سرطان در کانادا

لبیر گزار به سازمان جنومنی کانادا که به تاریخ ۲۵ جولای به نشر رسیده از رسمه نفر کانادایی ، یک نفر در نون حیات خود به سرطان مبتلا خواهد شد . سازمان موسوم به " ستانیتدن کانادا مکتوبید " در جریان سال ۱۹۹۱

پند و نه هزار واقعه جدید سرطان در کانادا ثبت و تشخیص خواهد شد . تعداد وقایع جدید سرطانی از (۲۰۰۰) به (۳۰۰۰) در هر سال افزایش خواهد یافت . به غیر صورت خیر خیری هم نشر شده و آن اینکه مرگ های ناشی از سرطان دوره طفولیت نسبت به اوایل دهه هفتاد به نصف کاهش یافته است .

## بجامعه اروپایی مبارزه با فرار آژانس

برای جلوگیری از تولید محصولات اضافی در پایتخت های جامعه اروپایی تدابیری اضطراری روی دست گرفته شده است .

قرار اطلاع آژانس نووستی سال گذشته بهست پنج میلیون تن گندم محصولات جامعه اروپایی به فروش نرسیده و در گدام ها ذخیره مانده است . به همین می شود که در سال جاری ۱۸۰ میلیون تن گندم جمع آوری شود . در حالیکه مصارف جامعه اروپایی ۱۴۰ میلیون تن است . تصمیم اتخاذ شده تا قیمت خرید گندم در حدود یک

سه حصه کاهش یابد که جبران خساره فارم داران نیز در آن در نظر گرفته شده است . اما جامعه اروپایی هوشدار داده که در کشت گندم کاهش بعمل آید .

## کفرانس بین المللی

در اکتوبر سال ۱۹۹۱ در شهر پراگ نخستین کفرانس بین المللی درباره جنایات کوننهم دایر میگردد . در این کفرانس نماینده کان کشور رمای اروپایی و امریکایی و آسهای اشترک خواهند ورزید .

## تفاوت بزرگ میان زنان مرد و خود در

در نهم یارک نتایج تحقیقات در مورد زنان جهان تحسنت عنوان " زنان جهان بگرایش واحصائیه سالهای ۱۹۷۰ - ۱۹۹۰ " به چاپ رسیده است . این نخستین تلاش کار شناسان ملل متحد در زمینه ارزیابی وضع و حقوق زنان در ۱۷۸ کشور جهان است . پسر اساس این تحقیقات زنان در برابر کار مساوی با مردان طور اوسط (۳۰-۴۰) فیصد کمتر مزد بدست می آورند .

تعداد زنان بی سواد از - ۵۴۳ میلیون در سال ۱۹۷۰ به ۵۶۷ میلیون در سال ۱۹۸۰ - افزایش یافته است . طول عمر زنان در حال حاضر صر به مقایسه مردان طور اوسط در کشور های رشد یافته ۶۵ سال و در امریکا ۷۵ سال است . طبق اطلاع آژانس نووستی و ستی که این گزارش را منتشر کرده تعداد زنان جهان به مقایسه مردان کمتر است .

## آب عراق عربی را نخواهد دید

سریلانکا از جمله کشور هایست که در جنگه خلوج فارس خسارات زیادی را متقبل گردیده است . عودت کارگران متخسمن این کشور به وطن که تا قبل از آغاز جنگه خلوج در کویت کار می کردند ، برابلیم های زاد رجعت کارهای آنها برای سریلانکا پدید آورده و این کشور منابع اسماری خود را از دست داده است . غرامت کشور سریلانکا را باید عراق مطابق قطعنامه سازمان ملل متحد بپردازد اما تا هنوز معلوم نیست که عراق برای این کار آماده است یا نه و اگر برای پرداخت این غرامت حاضر هم گردد تا همین عقیده دارند که پرداخت آن نظریه مشدلات جدی اقتصادی این کشور سالها بطول خواهد شد انجامد . قبل از آغاز جنگه خلوج فارس یکصد هزار سر یلانکایی در کویت مصروف کار بودند که ۷۴ هزار نفر آن به سریلانکا برگشته اند .

# از زمین زلزله ای

تعمیر و ترمیم از زلزله

# انسان در عین پیشرفت

## نقطه پایگال

جهل پایگال از عمیق تر -  
 این جهل های جهان است  
 که عمق اعظمی آن ۱۶۳۷ متر  
 است .  
 در این تازه گی ها و لا -  
 در پیر قبالکوف دانشمند  
 استیختت جهل شناسی اکا -  
 دی علم شوروی مؤلف شد  
 به عمیقترین نقطه جهل با -  
 یگال پارسین رفته یگاردی را  
 در زمینه قائم کند . تا حال هیچ  
 کس نتوانسته بود به عمیق  
 جهل پایگال راه یابد .  
 به اسرارش آزانسی  
 نووستی موصوف باد و نفرد یگر  
 به کمک یک دستگاه به عمیق -  
 ترین نقطه جهل پایگال  
 فرود آمده و چهار ساعت رادر  
 آنجا سوری کرده به کمک پروژ -  
 کتور از کف جهل فلمبرداری  
 نموده و آب و خاک جهل را -  
 برای تحلیل و تجزیه با خود انتقال  
 داده اند .

# روز رهایی کویت

در کویت اعلان شده که  
 ۲۶ فبروری روز رهایی کویت  
 از وجود سربازان عراقی روز  
 رختی در آن کشور خواهد بود .  
 این تصمیم را کمیسیون  
 تقنین شورای ملی این  
 کشور اتخاذ نموده است . قبلا  
 پیشنهاد شده بود که روز دوم  
 اگست روز آغاز تجا و زعراقی بر -  
 کویت روز رختی اعلان گردد  
 اما کمیسیون تقنین کویت این  
 پیشنهاد را به اتفاق آرا رد  
 کرد .

# تشریح از سال پیشین شادی

در ننگولیا نیز هر سال مانند  
 سایر کشور ها به اسم حیوانات  
 مضامین شود . آنها سال  
 ۱۹۹۲ را سال شادی  
 ( میمون ) دانسته و هوشدار  
 داده اند که باید مالداران  
 برای زمستان ۱۹۹۱ - ۱۹۹۲  
 آمادگی بگیرند زیرا شرایط  
 اقلیمی نامساعد فرا خواهد  
 رسید و امکان تلف شدن حیو -  
 انات موجود است .

# ۱۴ تن مواد فضاله به کشورهای جهان برای انتقال یافتند

اخیرا " سموزیم پوسن -  
 الملی ایگولوژیکی در استیا -  
 نیول دایر گردیده بود درین  
 سموزیم دکتر کرایتوان کوری  
 طی سخنرانی گفت :  
 " در پنج سال اخیر  
 حدود ۱۶۰ میلیون تن  
 مواد فضاله در همه شرکت  
 صنعتی کشورها برشده یافته  
 به کشورهای " جهان سوم "  
 انتقال یافته است .  
 همزمان با این اعلان  
 در ترکیه جمع آوری ماضها  
 به منظور جلوگیری از آیسین  
 عمل آغاز یافته و در اسناد  
 پیشنهادی این  
 کشور تصریح شده است -  
 از حفظ محیط زیست کنترل  
 صورت گرفته تعذیرات علوسه  
 متخلفین شدت یابد .  
 قرارگزارش از انیس  
 اطلاعاتی نووستی شاروال  
 شهر استانبول که پیشتر  
 از سایر شهرها از آلوده گی  
 محیط زیست متضرر شده موضوع  
 بررسی مجددا قانون حفظ  
 محیط زیست رادر ترکیه -  
 مطرح ساخت .

# دستگیری یک ادمخوار

یک مرد آمریکایی که ۵ انفر  
 راکشته و گوشت بدن آنها را  
 خورده بود دستگیر شد و به  
 جرم خود اعتراف کرد .  
 تلویزیون سی . ان . ان -  
 در بخش خبری خود اعلام کرد :  
 - در شهر میلواکی واقع در -  
 ایالت ویسکانسین مرد ۲۱ ساله -  
 ای به نام جفری دامر به اتهام  
 قتل حد اقل ۱۵ نفر و طعمه  
 قطعه کردن بدن آنها و اد -  
 مخواری دستگیر کرده اند  
 سی . ان . ان در گزارش خود  
 افزود :  
 - اعضای پولیس میلواکی به هنگام  
 جستجوی اپارتمان این مرد ۵۶  
 سر انسان رادر داخل یخچال  
 ۱۱ جعبه و اجزای قطعه شده  
 شده چند بدن و مقدار مابیل  
 ، ملاحظه می اشخوآن راکش ف  
 کرده اند .  
 همایگان دامر گفتند که بوی  
 تعفن گوشت کندیده در دو سال  
 اخیر در فضای اطراف اپارتمان  
 وی به مشام می رسید و صدای  
 کاراره بوقی از اپارتمان وی به  
 گوش می رسید .  
 در کتر قانونی میلواکی ایسین  
 کشتار را بزرگترین و فجع ترین  
 مورد آدم کشی در تاریخ ایالت  
 ویسکانسین اعلام کرد .  
 شبکه رادیو سی . بی . سی  
 با پخش گزارش مشابهی در ایسین  
 رابطه گزارش داد :  
 - احتما می رود که این مرد  
 که قبلا نیز مدتی را بخاطر تجاوز  
 جنسی به جوانان زیر ۱۸ سال -  
 در زندان بسر برده باشد و ی  
 در ظرف دو سال گذشته بعضی  
 از ۱۸ نفر را به قتل رسانده  
 باشد .

# قطعه قطعه کردن انسان

اعضای حرکت شورشی رنامو  
 موجب قتل حداقل ۰۰۰ نفر  
 در مرکز ناحیه لائو در ایالت  
 شمالی لامپولا شدند .  
 راد یو موزامبوق به نقل  
 از شاهدان عینی گزارش داد  
 که اکثر این قربانیان را کود -  
 کان تشکیل می دهند .  
 به گزارش خبرنگاری آلمان  
 از ماپولو ، این رادیو افزود :  
 عوامل " رنامو " قتلش از  
 پایتخت لائو رادیو رادیو  
 اشغال کردند .  
 - این رادیو همچون گت :  
 امرادی که توانسته اند  
 از این منطقه بگریزند و وارث -  
 منطقه ریثا در همایگر  
 خود شوند گفتند که قربانیان  
 قطعه قطعه شده و در قفس  
 های فریشتگاها گدا رده شدند .

# قربانی بی پای بیت

یک زن و شوهر هندی که  
 کودک خود را دریای بت بزرگ  
 قربانی کردند دستگیر شدند .  
 این زوج روستایی که چند  
 سال از داشتن فرزند محروم  
 بودند در دو سال پیش با حب  
 پسری شدند .  
 " پورا انکول " و همسرش  
 " سوبیترا " نذر کردند که دو -  
 مین کودک خود را حقیق آیسین  
 بت پرستی دریای بت بزرگ  
 قربانی کنند . دومین کودک  
 آنها دختر بود که به هنگام قر -  
 بانی شدن در واه و پانزده  
 روز عمر داشت به گزارش خبر -  
 گزار می جمهوری ایلام ایران این  
 نوزاد دختر در دریای بت بزرگ  
 ماهاسویاد روستای ساتوا -  
 دای قربانی شد . پولیس  
 این زوج روستایی را به دلیل  
 قربانی کردن فرزندشان  
 دستگیر کرد .

# تشیخ از زمین از زمین & از زمان

○○○

## و فرعی دیگر به فرق خود

ماورین امریکایی به تاریخ ۴ اگست گفتند که پت زن امریکایی قبل از آنکه میله تفنگچه را به سوز خود چرخانده به خودکشی دست زند در مراسم عروسی در یک کلیسا به سوی همسرش و داماد چند بار تیرباران نمود.

این زن امریکایی که آن کوآرند و نام داشت جفت مشروس و داماد را از دوره مکتبسی شناخت و گفته می شود که با حق داماد بود.

زمانیکه جویف فلنسنگسا داماد و دینا پیوتو عروس در پت کلیسا در شهر نیویورک ایالت مستوری امریکا سوگسند و فاداری را به جا میس آورده دند و کوآرند و تفنگچه را از دستگول خود کشیده داخل

را خبر و کلیسا شده و دیار فیر کرد. درین خاد هم سرجواعت نیرداست و اما درین عروس در اثر حمله قبلی به تعقیب این خاد هم در زمان بلوسا جان سپرد.

این دختر بیست و پنج ساله از بلوسا نواز شده و دو مریس دیگر را قبل از آنکه تفنگچه را به جانب خود چرخانده و بیست مریس را به سر خالی کند به جا فیر کرد.

### سلاویها

## تشیخ از زمین

تاریخنا مان چینیایی به این نراستند که آتشموز دریا به غای نفت کویت و فعال شدن مجدد نوه آترفشان در فلپین باعث سرازیر شدن سهلاباطی چند ماه اخیر در چین شده است.

محققین در آکادمی علوم - پهن گفته اند نه امریکایی - ضخیم که از چاه های مشتعل نفت از زمان جنت خلیج به این سو متصاعد گردیده باعث کا - ستر نفوذ اشعه خورشید به زمین گردیده و درجه حرارت سطح زمین را کمتر ساخته است و پت زمستان ذروی - را ایجاد نموده است.

عده به پسران آتشفشان کوه پینا تو بو از فلپین ابرهای ضخیم خاکستر را به فضا متصاعد ساخته و درجه حرارت راد رین منقله پایان آورد و است.

سرازیر شدن سهلابهای - اخیر که شدیدترین سهلابها در قرن جاری در چین خوانده شده باعث هلاکت دو هزار نفر گردیده است.

### تاسال ۱۳۰۰۰۰

## تشریح قربانی

طبق گزارش که بتاریخ شش

است یا سالتود پرتاب هم اتنی در شهر نیویا در لندن نشر گردید و میلیونها نفر در قرن های آینده در نتیجه آزمایشات ذروی که در سراسر جهان اجرا می شود و جانهای شان را از دست خواهند داد.

این گزارش که تحت عنوان "رادیاوتیف و زمین" به نشر رسید و بخش از کارگزاران های طبی علوم سلاح های ذروی است که توسط سازمان دو کشوران بین المللی برای - جلوگیری از جنت ذروی پسراره انداخته شده است.

این گزارش تا نوسرالت آزمایشات ذروی در قضا و در زیر زمین را که توسط انگلستان چین و اتحاد شوروی و ایسالت متحده امریکا ارسال - (۱۹۴۵) به اینسو صورت گرفته مورد ارزیابی قرار داده است.

در این گزارش گفته شده که تا نهر این آزمایشات به طور یکنواختی معادل به سهول هزار هم است که در شهر نیویا پرتاب گردیده بود.

گزارش میگوید که تا نهرات بقایای ذروی این آزمایشات تا سال (۲۰۰۰) باعث آن - میشود که (۴۳۰۰۰۰) نفر از اثر سرطان بمیرند. اینس سازمان که مقرآن در لندن است مشکل از دو کشوران طب هفزد پت دانات و کارشناسان ذروی از سراسر جهان می باشد.

## تشریح قربانی

مردیکه در قبه تمام بوکلیا پسر نیویا خود را کشت تا بتواند سه هزار نفر را در آلریمه زندگی وی را بدست آورد و از طرف محکم به سه مرگ محکم شد.

دانیل بوکلیا مردیکه در شرکت بیمه کار میکرد متعسم است که پسر خود را تا سرحد مرگ لت و کوب کرده و بعد از جسد وی را در آب انداخت

درست بعد از کشتن پسرش او خواستار پرداخت پول بیمه زندگی او شده ادعا کرد که پسرش تصادفی در آب غرق شده است.

## التشخیص

## اوزون را از خورشید

اداره ملی بحر شناسی و اتوسفر شناسی امریکا به این نظرات که فعالیت کوه آتزر نشان پینا تو بودر فلپین که اخیرا بعد از شش صد سال خاموشی دوباره فعال گردیده میتواند قشر اوزون را بر فراز نیم کره شمالی در سال آینده شدیداً صدمه زند.

کاهش سطح اوزون ماده که زمین را از اشعه ماوراء بنفش آفتاب محافظت میکند - از سفر دیوا اکساید ناشی میشود که در مواد آن آتزر نشان به مقدار زیاد وجود دارد.

## بنگاله طیش

## در طوفان تشاروید

سپه الرحمن ونهراله بهنگله دیش گفته است که بهنگله دیش در طوفان تباہ کن ماه اپریل یک اعشاره هفت مهاد در خسار دید این رقم رانبری مشترک ضر - بشی بهنگله دیش و مل متحد تخمین کرده اند - همچنان طوفان مذکور باعث هلاکت (۱۳۱۰۰۰) -

نفر گردید . سپه الرحمن گفته است کشورش ۲۱ میلیون دارالراد رکناه مدت ۲۶۹ - میلیون دارال دیگر را در دوره متوسط طولانی ضرورت ارد.

## دین اسلام

## در آذربایجان

شایع ۱۲ اکتبر شرکت -  
 کند آن کفرانس برین مسموم  
 ده تانون (۱ آزادی عقاید  
 و سازمانهای مذهبی) اظهار  
 داشتند که آنها با مواد مسموم  
 ده این تانون موافق نیستند  
 به عقیده آنها در تانسون  
 مذکور اسلام باید به مشابه  
 دین رسمی حکومت تسهیل  
 گردد در ضمن صورت اداری  
 روحانیون دارای تفازسی  
 تواند حزب سیاسی شود را  
 تا "سیر نماید" شرکت کنند  
 کان کفرانس همچنان استوار  
 می دیزند تا آموزش دینی در  
 کتاب صورت گیرد.  
 به عقیده "سازماندهای معاد  
 ون کادوسی علیر ادرایمان  
 در صورت نظام شدن دین  
 اسلام به حیت دین رسمی، آذ  
 رایمان باید نام جمهوری  
 اسلامی مسمی گردد و جنین  
 قسم ضربه اختلاس  
 در نام مرکز میگردد" موصوف  
 به کوه "کفرانس سالسون  
 جلسه را ترک کرد.

### شرکت کاپیتان

### چگونگی مرگ سالیس

پولیس در جمهوری کور  
 جرستان زمانی تکان خورد  
 که تلفون متعلق به جوزف  
 ستالین دزدی شد.  
 این تلفون در موزم -  
 ستالین در شهر کوری کورستان  
 که در یک تانور شوروی در آنجا  
 تولد یافته به ناپیش گذاشته  
 شده بود. این دزد تصادف  
 می توفیق گردید و آن شوروی  
 بود که یک پولیس کوریه هنگام  
 شب یک تن از باجهن را که  
 یک شیطه را نقل میداد  
 شوق ساخته و شیطه او را  
 تلاشی کرد این دزد چاره  
 جز اصراف به خوشبختی داشت.  
 دزد مذکور در قرارگاه پولیس  
 گفت که او تصمیم داشت  
 تلفون ستالین را در منزلش  
 نصب نماید، زیرا تلفونهای  
 صری قابل اعتماد نیستند.  
 این تلفون که ستالین

در جهان جنگ در جهانی  
 از آن استفاده میکرد دوسا و  
 به موزم مسترد گردید.

## دزدی یک میلیون دلار

دزدان یکصد و پنجاه تن  
 نقره را که از جرمان تزدان  
 گذشت و قیمت آن در مارکست  
 های بین المللی اشای انشیک  
 به میلیونها دلار میرسد از موزم  
 ملی بنگه دیش دزدی کردند  
 مامورین داکه گفتند که دزدان  
 مذکور با قطع میله های آهنین  
 وارد گالری موزم که در طبقه  
 دوم قرار داشت شده و با رسو  
 دن مجسمه "میناتور" شده  
 فرار نمودند این مجسمه قسمتی  
 از تاج ماراچا دیگایانامی باشد.  
 مامورین داکه گفتند این نخستین  
 حادثه دزدی در موزم مذکور  
 در بیست سال گذشته است  
 این مجسمه شش کیلوگرم وزن  
 داشته و در بازارهای بیجا -  
 لملی میلیونها دلار ارز دارد.

### دزدی یک پونصد تن

### در اوزر با ریجان

علی حق برودی یف رئیس  
 کلوپ پدیده های غیر عادی  
 یا کو برای خبرنگار آژانس  
 "آما - ایراد" اظهار  
 داشت که در این او افسوس  
 آهسته ملاقات انسانها با  
 موجودات عجیب ثبت گردیده  
 است. یک گروه محصلین  
 مکتب عالی نظامی کسپن در  
 نزدیکی یا کو با موجودات عظیم  
 الجثه مواجه گردیدند. این  
 موجودات با پشم سیاه کورنگ  
 پوشیده بوده و یک چشم سرخ  
 داشتند که کمی پایین تر از  
 پیشانی قرار داشت و بزرگی  
 چشم آنها به اندازه یک دانه  
 انار کلان بود. در سابق نیز  
 در آهسته موزم مردم با جنین  
 موجودات ملاق شده است.  
 در زمستان سال ۱۹۸۹ با -  
 شده گان قهره کوردا خانسی

موجود دهنده را د پدند که  
 کام آنها چهار برابر گسام  
 انسان بود.

شامل علی یف در روز ششم  
 وی با کو در ماه فبروری سال  
 ۱۹۸۹ در نزدیکی استیشن  
 شروینام "د پوز" با دیویک  
 چشم مواجه گردید. امروز  
 کلوپ پدیده های غیر عادی  
 یا کو از اهالی جزیره نیسای  
 آهسته موزم خواهرش نموده تا  
 راجع به ملاقات های مشابه به  
 کلوپ مذکور خبر دهند. در  
 جهان پدیده های مشابه و -  
 جود دارد مثلا در سال -  
 ۱۹۸۹ یکی از جزایر بحر -  
 الکاهل جیمه دیویک چشم  
 کشف گردید.

### بازسازی فرد شکسته

### آبایی گریباچف

تا بیج ۱۲ اکتبر ده هکده  
 آبایی گریباچف رئیس جمهور  
 شوروی روز شکوهند است. در  
 ده هکده پیر و لئوس کلخوزی را  
 که بنام یا کو یف میگرد لئوس  
 یکی از نخستین رهبران دوم  
 لک شوروی مسمی بود لغو کرد  
 دند.

روز نامه کمسولسکا یا پرودا  
 می نویسد که جنین قسم را خود  
 اهالی ده انتخاب نمودند.  
 ایوان میخائیلنکو رئیس اسبق  
 کلخوز گفت که انجنین ده هکده  
 که تازه ایجاد میگردد رطول  
 پنج سال از ناله د ولتسی  
 معاف خواهد بود و بهتر از  
 همه اینکه دهقانان اختصار  
 دار زمین خود خواهند کسر  
 دید.

اکنون هر عضو انجنین می -  
 تواند ۱۴ ایکر زمین (مسک  
 ایکر مساوی است به ۲ جیب)  
 بدست آورد. ناگفته نماند  
 و طندا راهالی این ده هکده  
 ثل گریباچف نیز حق دار  
 مالک زمین مورش پدوش گردید.

### دزدی یک میلیون

دزدان با جوله و اخیرا  
 بی د بغداد و دیترا منهم  
 سقا پی ستین متور را قطع  
 نمود و یا خود برده اند.  
 مسموم نشده نه به مدت  
 زمان را در بر گرفته که دزدان  
 مذکور توانسته اند لوجه های  
 المونوم سقا حقیقین متور را  
 که در بناده شوت و ولستون  
 در منطقه بروکین نیویارک قرار  
 دارد بردارند اما به احتمال  
 زیاد به آما این کار را در جر -  
 یان انجام داده اند. این  
 متور بیست و نوار ساعت بازمی  
 باشد. پولیس تخمین زده -  
 که المونوم حار سرقت شده -  
 یون. قتاد تانون هزار دلار  
 زرد دارد.

### سنای امریکا و پیش

### سینا و کشتیها

سپو تحقیقی که در مجلس  
 سنار کانزوا ایالات امریکا  
 رخ ۱۱ اکتبر صورت گرفته و  
 در موریتیه گرای ششماه اول  
 سال جاری عیسور در ادامه -  
 جنایات وجود داشته باشد و  
 تا اخیرا لجناری (۲۲۷۰۰ نفر  
 در ایالات متحده امریکا به  
 قتل خواهند رسید.

شیر این تحقیق که توسط  
 کمیته قضایی مجلس سنای امریکا  
 صورت گرفته قضایای آدم کشی  
 انون نسبت به سی سال گذشته  
 دو چند افزایش یافته است.  
 (جوزف بایدین رئیس کمیته  
 بیخبر این رفتار خونریزی -  
 را نتیجه استعمال مواد مخدر  
 تشنج باند های نوجوانان  
 و دست یابی بدون کدام محدود  
 دیت به سلاح میداند.

از جمله پنجاه ویت ایالات  
 امریکا، تکران شاهد بزرگترین  
 حوادث قتل در سال جاری -  
 خواهد بود. تعداد حوادث  
 قتل در این ایالت امریکا سه  
 صد نفر بیشتر از سال گذشته  
 است. به هر صورت واشنگتن  
 دی. سی. مرکز آدم کشی  
 خواهد بود.

باری از نوه پس از چار سال  
 باز هم میزبان هنرمندان تا-  
 جیک استم • آنان خوب میخواستند-  
 نند و خوب میخواستند و خوب  
 هم میخواستند • هرچند آن سبک-  
 دستی و شور سالهای پیشین  
 را کمتر داشتند • اما هنرمندان  
 خوبشان خرمای شهرنوا بسا  
 آهنگهای خوب و ظرافتهای  
 هنرمندانه خود را گرمسای و  
 کسرتنهاشان بود •  
 آواز خوانان خوب دیگرشان  
 کرامت الله واحد اللهنیازچه-  
 های خوبی تقدیم علاقه-  
 مند آن موسیقی تاجیک نمودند •  
 بیشتر از همه خرمای با تقدیم  
 آهنگهای افغانی " اوخندا-  
 جان دلم تنگه است " بچه  
 جان لوگری " و " مشک تازه  
 مهریزد ابر بهمن کابل " یکبار  
 دیگر علاقه مندان را نوازش  
 بخشید و توانست همان محبوب-  
 بیت گذشته را در جمع د و-  
 ستان افغانی تازه سازد •  
 از مدتی به این سو هنر  
 موسیقی در تاجیکستان آمیزه  
 می بوده است از ظرافت های  
 موسیقی بالند و خاور زمین  
 با آلات بومی و محلی تاجیک  
 که گهگاه سایه روشن تا نبرات  
 و امواج تازه گرای غرب نیز  
 در آن محسوس بوده است •  
 گروه های هنری چون پلسه  
 پدیده هاه گلشن و زیبا ...



نام های ناشناخته در میان  
 هواخواهان هنر تاجیک در  
 افغانستان نمیباشند •  
 درغنائین همزبانان صمیمیت  
 و همدلی پیوسته زیبا و زینت  
 پرداخته ها بوده است •  
 گاهی از سر زمین پر بار  
 فولکلور افغانی برجیده آوایی  
 سرداده اند و زیبا نغمه های  
 ترانه های شاد و صحت مجلس  
 و گاهی نیز این جا و آن جا  
 پارچه های رابه باز خوانسی  
 گرفته اند •  
 البته خود نیز هدایایی در-  
 این زمینه داشته و با تعارف  
 دسته گل هایی را نثار شنونده  
 گان و بهننده گان افغانی خوب  
 پیش نموده اند •  
 بهتر خواهد بود از زبان  
 خود آنان بشنوم که چی هر-  
 قهایی برای شنونده گان افغانی  
 خویش دارند •  
 نخست از همه با کرامت الله  
 آواز خوان جوان و خوش صدای  
 این گروه پرشهایی را مطرح  
 نمودم که میخوانند :  
 \* بار چندم است که به افغان-  
 نستان آمده اید ؟  
 - بار سوم است که به افغان-  
 نستان دوستانه اشتی آمده ام  
 و این یگانه کشور است که خود  
 را در آن بیگانه احساس نمی نما-  
 یم چه تبار و ریشه و فرهنگ ما  
 یکوست •  
 \* تا نهر موسیقی غرب را بالای  
 موسیقی تاجیک چگونه یافته اید  
 و آیا خود نیز از این موسیقی  
 چیزی میداند ؟  
 - در حالیکه خود را دقتی به  
 سوال نشان میده و گوئی در  
 صحنه امتحان قرار دار دلش  
 را با دندان گزیده بحد میکند :  
 - شخصاً موسیقی غرب را همین  
 نکرده ام و در قسمت تکسپ  
 اروپایی در تاجیکستان باید  
 گفت که تا سال ۱۹۸۰ تکسپ  
 اروپایی بالای موسیقی ما تا نهر  
 مستقیم داشت که پس از همان  
 سال چند تن با هم کمر راسته  
 گروهی را به نام سمذیان که  
 بهلول دینهای موسیقی فارسی در  
 لطفاً صفحه برگردانند

# گروه هنرمندان تاجیکی در جشن استقلال به کابل آمدند

مباحثه از نریا سرلوری

## دلم تنگ است

### از خنجره دیگر خرمای شیرین

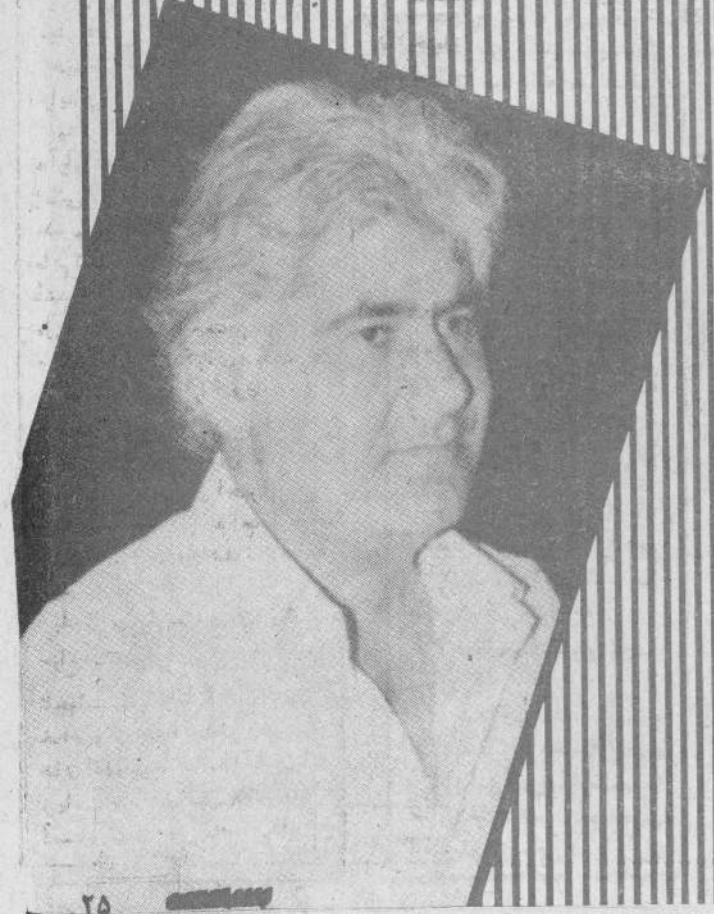
# او خدا جان





که می‌کنید چه خواهد بود ؟  
 ابرو هایش را بالا انداخته  
 می‌گوید :  
 - اولاً خدا آنکند که چنین  
 کاری شود اگر باز هم چنین شد  
 به دهکده بی مورم گانگه‌ها.  
 رم و از شیر آن مسکه هینوسر  
 و قصابی ته به منطام و در ضمن  
 می‌کوشم اولاد های زیاد به دنیا  
 بیاورم تا بانوای آنان غمهای  
 دنیا را فراموش کنم . اما ایمن  
 را از یاد نبرید که بد و ن مو -  
 سیقی نمی شود زنده گی کرد .  
 \* دو سال بعد خود را چگونه  
 پیشبینی می‌نمایید ؟  
 - من آن قدر به آینده نمی‌اند -  
 بشم آن چه برایم ارزش دارد همین  
 امروز است . آینده را خدا میدا .  
 ندوس  
 \* کدام ساز را سازگار حالات  
 خویش یافته اید ؟  
 گوی به جایی رفته است از آن  
 جا سخن می‌گوید :  
 - تنبور را دوست دارم صدای  
 بقیه در صفحه (۸۲) .

خاوی چه چیز بوده است ؟  
 باز هم می‌نمونه در گریس حالتش  
 را به خاطر می‌آورد و می‌پسند  
 چنین می‌گوید :  
 - دو سال قبل نامه بی از پست  
 جویان دریافت نمودم که در آن  
 نوشته بود " دوست و سه سال  
 دارم به آهنگسازیت غمناک  
 علاقه مندم اگر صاحب دهنه فرزند  
 هم شهید حاضر با شاهروسی  
 نامم .  
 هر دو خندیدیم - غمناک  
 پرسیدم به کدام آواز غمناک  
 چنان علاقه مندی زیاد داشت  
 رسید ؟  
 درنگی نکرده می‌گوید :  
 - علاقه خاص من به تمام هنرهای  
 سنتی است که تکیه بر  
 صورت خاص از یکی آن‌ها  
 نام بگیرم .  
 برای لحظه بی هر دو سبک  
 بیشتر به خاطر آن که خوب  
 با ن صحبت قطع نشود بهم  
 \* اگر موسیقی و آواز غمناک  
 سبب افلاک بود اولین گساری



تصویر کرد . اید ؟  
 با تمجیب می‌خندد :  
 موسیقی غرب را دوست دارم  
 اما چون از عهدش آشنی برآمده  
 نمی‌توانم . هیچگاه بی آن را  
 تصویر نکرده‌ام .  
 \* وقتی که تنها باشید چسی  
 می‌کنید ؟  
 آه کشیده می‌گوید :  
 - هنگام تنهایی آهنگهایی را  
 زمزمه می‌کنم . اما آهنگه " من و -  
 دریا " همیشه مونس تنهاییم  
 بوده است .  
 \* جالبترین نامه بی راکه تا  
 کنون دریافت داشته اید



ان راه دارد تشکیل دادیم .  
 \* موسیقی تاجیک را با موسیقی  
 کدام کشورها در نزدیکی  
 و تشابه قرار می‌دهد ؟  
 بعد از اندکی درنگ می‌گوید :  
 - موسیقی ما نزدیکی خاصی  
 با موسیقی افغانستان و هند  
 دارد که ما توانسته ایم این  
 موسیقی را در دیگر ایالت‌های  
 اتحاد شوروی نیز رایج سازیم .  
 \* در مورد نویشن و پالنفایسی  
 شدن موسیقی تاجیک چی نظر  
 دارید ؟  
 خود را تکان داده گوی چیزی  
 را از نظر می‌گذرانند بعد ادا  
 می‌دهد :  
 موسیقی باید مسلکی و اساسی  
 آمیخته شود . در سورتیکه  
 موسیقی الفبا بی شود آن گاه  
 مشکلات همه حل خواهد شد  
 چه با آما تور بودن نمی شود که  
 موسیقی را به گونه اصلی آن فرا  
 گرفت و آمیخت .  
 \* به گونه بی که دیده میشود  
 شما آهنگهای افغانی را خوب  
 اجرا می‌کنید ؟  
 برای گهش این آهنگها چی  
 معیار هایی را در نظر می‌گیرید ؟  
 خنده معنی داری نموده می  
 افزایش :  
 بیشتر از همه احترام من نیست  
 به آواز خوان آهنگه میباشند .  
 زمانی که آهنگه را پسندیدم  
 - می‌کوشم آن را طوری اجرا  
 نامم که نزدیک با همان آهنگه  
 باشد . گریه کای خوانی سبک  
 عمل پسندیده نیست . چرا  
 که با خواندن آهنگهای دیگر -  
 آن نمیشود جایی را گرفت .  
 اما کای خوانی نزد من مفهوم  
 خاصی دارد و آن این که به  
 نظر من کای خوانی احترام  
 و علاقه مندی زیاد به اصل  
 آواز خوان آهنگه میباشد نه  
 تقلید از او .  
 با ختم سخنان کرامت قربانوف  
 سراغ آواز خوان شیرین کلام -  
 آتاجیکستان راکه با اداهای  
 خاص و دوباره خوانی آهنگه  
 های افغانی علاقه مندان بی  
 زیادی در کشور مان یافته  
 است می‌گیریم . بی مقدم از

# خرما شیرین و کرامت الله بار دیگر در ستیزهای افغانی درخشیدند

میشود . علت را بپرس ؟  
 خندیده می‌گوید قرار است  
 امروز روی تربت احمد ظاهر  
 برویم و به روح پاکش دعا کنیم .  
 \* قسمی که معلوم میشود اکثریت  
 مردم تاجیک علاقه زیاد به  
 آواز احمد ظاهر دارند میشود  
 علت را بدانیم ؟  
 - نگاهش را از نقطه بی برمی‌کند  
 و ادامه می‌دهد :  
 - به خاطر آن که احمد ظاهر  
 شعرهای خوب را انتخاب نمود  
 ده و آواز به نوقردم تاجیک  
 دارد و مردم میتوانند در  
 آهنگهایش تصویری از زنده گی  
 خویش را باز یابند .  
 \* در قسمت انتخاب شعر  
 چگونه نوقردی دارید ؟  
 - شعرهایی را انتخاب می  
 نامم که به گونه بی بازندگی  
 و پهلوی های آن در رابطه با -  
 شد و اکثریت بتوانند در همان  
 شعرها لحظاتی از زنده گی  
 شان را دریابند .  
 \* آیا گاهی موسیقی غرب را -

خاتم شیرین و کرامت الله است که  
 با علاقه مندی و سمیت خاص  
 آهنگهایش را برای شنوندگان  
 آوازه را که میدارند کلام  
 سبب روز تاروز شمارا قسه  
 شدن آوازه افغانی می‌باشد .  
 خرما شیرین با چند تن  
 از ژورنالیستان دیگر مصوفی  
 مساحبه است . من هم منتظر  
 می‌مانم پس از آن که دیگران  
 رفتند من به پرسشهایم آغاز  
 کردم .  
 \* آیا از آواز خودتان خوب  
 نشان می‌دهد . چرا ؟  
 می‌نمونه دو بعد می‌گوید : خود  
 ستایی پیشه سلطان بود . من  
 خود را در هنر خود شرمندارم اما  
 هنر را در خود دوست میدارم  
 خوب در وقت صحبت غمناک  
 نا آرام معلوم میشود گاهی پارا  
 روی پای دیگرش قرار می‌دهد  
 لحظه بی دستهایش را زهر  
 پخش می‌کند . و بعد موهایی  
 را با دست نیازش می‌کند .  
 بهرسم خیلی ناراحت معلوم

ان راه دارد تشکیل دادیم .  
 \* موسیقی تاجیک را با موسیقی  
 کدام کشورها در نزدیکی  
 و تشابه قرار می‌دهد ؟  
 بعد از اندکی درنگ می‌گوید :  
 - موسیقی ما نزدیکی خاصی  
 با موسیقی افغانستان و هند  
 دارد که ما توانسته ایم این  
 موسیقی را در دیگر ایالت‌های  
 اتحاد شوروی نیز رایج سازیم .  
 \* در مورد نویشن و پالنفایسی  
 شدن موسیقی تاجیک چی نظر  
 دارید ؟  
 خود را تکان داده گوی چیزی  
 را از نظر می‌گذرانند بعد ادا  
 می‌دهد :  
 موسیقی باید مسلکی و اساسی  
 آمیخته شود . در سورتیکه  
 موسیقی الفبا بی شود آن گاه  
 مشکلات همه حل خواهد شد  
 چه با آما تور بودن نمی شود که  
 موسیقی را به گونه اصلی آن فرا  
 گرفت و آمیخت .  
 \* به گونه بی که دیده میشود  
 شما آهنگهای افغانی را خوب  
 اجرا می‌کنید ؟  
 برای گهش این آهنگها چی  
 معیار هایی را در نظر می‌گیرید ؟  
 خنده معنی داری نموده می  
 افزایش :  
 بیشتر از همه احترام من نیست  
 به آواز خوان آهنگه میباشند .  
 زمانی که آهنگه را پسندیدم  
 - می‌کوشم آن را طوری اجرا  
 نامم که نزدیک با همان آهنگه  
 باشد . گریه کای خوانی سبک  
 عمل پسندیده نیست . چرا  
 که با خواندن آهنگهای دیگر -  
 آن نمیشود جایی را گرفت .  
 اما کای خوانی نزد من مفهوم  
 خاصی دارد و آن این که به  
 نظر من کای خوانی احترام  
 و علاقه مندی زیاد به اصل  
 آواز خوان آهنگه میباشد نه  
 تقلید از او .  
 با ختم سخنان کرامت قربانوف  
 سراغ آواز خوان شیرین کلام -  
 آتاجیکستان راکه با اداهای  
 خاص و دوباره خوانی آهنگه  
 های افغانی علاقه مندان بی  
 زیادی در کشور مان یافته  
 است می‌گیریم . بی مقدم از





# دځسر لالی

د ژواک لیکه

د موسم د کلونو د نازکو پاتو سره بیره پداده چې ستا د نیا په گونو مړول ورسره برخه دي .

لالی ! ته چې دوزیسی د سهار نه مچو سره اشناهی ستا دي د نازک لونه د نازکوز و نو امله په تمه ده . لیکه د نیا په د بازار تودول تاته

جان سپارل غواړي . ته د ابا زارتو د ساته اوسرولوته یی به پیزده . ته نیا په لالی یی ، د نړی درانه لمر وړانگی ستا د مخ لوری ته گړی راگړی . ستا سو د کوشونو د

درانه سهار وزیس خولک ورنژدی کړی . داچی نن د پتنگانو د قافلې لوری تاته خړه دي ، په دې وخت کی د هغی زېدلې پانی لعا ظ ساته چې د زمان د توند با د خپری و هلی یو ، خړکله دور موشیو واکه ارد نیا په هنداره یوای ستا مخی نه ونوله

لالی ! د تاندولبتولو وړی له نظره به اچو !!

د وړوسی دی ، شونو د شپو موی خونی وخت لمر هغی خواک شه تر کور وروسته پام په گار دی مکه هلته د کپلو د سره اتق یو سره شری یی ، د هغی لالی ! پوهی یی لپوخت پخوا به ستا د کلاسی خپری شخه د هغی پتنگان یی یو اوسرولوته او ستا نیا په سره به یی یوایس ، ستا د نیا په د هغی قدر یو له ساته کیده . تاته د زانیس په ولوش هغه ماته گریه د د بیا زوی !

د نازک لالی ! د نیا په دې رنگین گزاري ، د نیا په دې د باغ د شاکو گور تاندولوتی لیسو ته پام گول د هغی د غریزې ستا د هغه رابولسی .

د اتسوپ به هیره و ا د لته چې د موسم هر کی د پتنگانوی انتظاریسی د دې غوس او براد وینه یوای د هغی خولی هکته به رابره . د هغی لالی !

لا مبر کړی دی ، ووايه د نیا په سره د نیا په بازار کی ستا د معاملت تاته سه یی ؟

لالی ! که د نیا په حساب وړ کولو د حشر په وچ ستا سره د نیا په د هغی و لو او هغی د سپارلو حساب و شو ، ستا د سپین تندي ، شین خال ، واداغ لپری کولای شی ؟

لالی د بنگلی هنر لالی ! منم چې ستا سره لاسونه او او وړی به هلته د حساب د پاره و اړی ، را وړی خو د دې سره لاسونو د حساب وړ کولو د پاره دنورو نیا په سره و نه کړی . تاته د هغی وړ کولای شی وړ کولای .

د نیا په مغروری اوسه نازی !

منم چې ستا د مخ کلاب ته د پیزه و افلوتنگانو د هغی اتن جوړی اوستا ستا په ستا د هنر د تاج محل د مرصو نه یو مخی ته د وړی

خو سره نیا په ستا د اوبل پرمانی د نیا په سره پرمانی کړی دی ستا د نورو سره گرانو سره پرمانی د اوبل کتبول . ستا د حشر شخه تر پل لپری کول یی سره زنده د هغی سره انگارک و سپارل ، پوهی یی چې ستا د هغی و شو هم د زوی نیا یی خطا کړی . ستا د خالی مړوند په اړلو وړ کولو سره خو سره د نیا په د نیا په د هغی لاهونو منم چې ته نیا په سره د سره کلاب به په سره و شو شری لالی شی ته نیا په ستا تاته د حشر د بازار د کیدلو وړ خلاص دی .

کولای ! پوهی یی چې خپل حشر پرمانه نیا په کړی ، او د خپل نیا په د کلونو د اوه دی لاس هغه و نه لوبه او هنداره هم ستا د نیا په سره و شو ته شریده خود اچی د هغی نیا په سره غور د سره و نیا په لوری ته شریده

که چگونه همه مردم چین خواستار مجازات وی میگرددند . گماهیتم کرد تا او یک لحظه در باره جبهات و حوادث ( انقلاب کلتوری ) نکرکند . در یکی از مینتنگ های ( خونفینها ) اشتراک و ضمن ابراز نطقی چنین گمت: ( مائو برای همه شاسلام می فرستد ۱۰۰۰ ) وید نیال این جمله اشتراک کننده گان باشعور و همچنان نهاد زدند: " از رفیق مائو باید بیاوزیم ۱۰۰۰ احترام به رفیق سزنان سن، تا آخرین قطره خون خود در راه شما ایستاده ایم ۱۰۰۰ " فعلا شعار کمالا تغییر کرده بود . ( سزنان سزنان سن را به ده هزار بارجه باید برهد ) ( )

مکن از روفیسوزان پوهنتون نپهاریک بنام ( اوکسانا اونیک ) در سال ۱۹۷۱ - چندین هفته را با سزنان سن سپری نموده بود چنین اظهار نظرمی کند: پسزبان سن را باید به مشا بهیک فرد با شعامت پسر هادی و یک رهبر پیشگام انقلاب یاد کرد ) سزنان سن چندین سال را در ستر می می سپری کردی در مسکو تحت تدای قرار داشت داکتران میگفتند کهوی به مرض سرطان دچار میباشد . اما با شعامت نهادحتی مرض سرطان را به زانو در آورد .

سزنان سن همیشه احساس عدم اعتماد نسبت به مائو داشت . مائو بعد از طلاق خانم اول خود که یک دختر مادی از فامیل دهقان بود بر اساس اصرار فامیل مائو با دختری از یک فامیل روشنفکر ازدواج کرد از او نیز همراه با سه طفل وی جدا شد . زن سومی مائو بخاطر ( اخلال دماغی ) به بیمارستان عقلی و عصبی نگهداری میشد . مائو علاوه بر آن دوهمرت نزدیک را ( پوشا - وسی و لنهن پهاو ) را بقتل رسانند آما سزنان سن نمیتوانست خود را آسوده احساس کند ؟

انقلاب فرهنگی از یک طرف سزنان سن را در رکس بیوری سیاسی حزب کمونیست نیست رسانند ، از جانب دیگر چین را به عقب راند و جوانان چین را از لحاظ اخلاقی و روحی معیوب ساخت . سزنان سن را مانند ( لاورنیتها پها ) - مردمانی محاکمه نمود که در مقابل مکت خود بی اندا و مقصر و گناهکار بودند . ملت چین باید تحمل داشته باشد که واقعات جدید در باره " همسر چهارمی مائو " برآید و همچنان این تحمل را باید داشته باشد که واقعات نهادی را که از سالهای ۱۹۴۹ بدین سو در آن کشور اتفاق افتاده بدانند .



# پیوه مائو

## خودکشی

### کرد

از مجله عصر نوین چاپ اتحاد شوروی

ترجمه احمد سبنا

همسر چهارمی و اخیری مائو خانم ( سزنان سن ) هنریشه سابق و عضو بیوری سیاسی حزب کمونیست و مشا به الهام دهنده ( انقلاب کلتوری ) در حدود سی سال با بیگبری و تلاش زها د تقیها موفق شد تا به تنهایی بالای بزرگترین ملت سزنان حکمفرمای کند ، وی تصویری کرد که به هدف خود نزدیک است اما بعد از مرگ مائو قربانی مبارک قدرت که خودوی به هاسال مصرف آن بود گرسد .

قبل از مرگ خود مائو برای وی ضمن نامه نوشت: ( فعلا مائو هم دیگر جدا میشود هر کدام در جهان خود بسر خواهیم بود ، صلح و بیوری را برای همه ما آرزوی کم . ممکن این چند جمله آخرین پیام من برای تو باشد . زندگی انسان محدود است اما انقلاب سرحدات رانمی شناسد اما تو میتوانی به عالیترین مقام برسی اگر توبه این هدف نایل نیامدی در آن صورت به صورت گنم سقوط خواهی کرد ، تن تو پارچه پارچه خواهد شد ، استخوانهایت خواهد شکست ) ( )

مائو ضمن بیان تاریخ ۹ سپتامبر سال ۱۹۴۷ در گذشت مراسم سوگواری او هشت روز طول کشید . در سبد گلی که برای مائو همسرش سزنان تمبه دیده بود نوشته شده بود: ( شاگرد و هممرت تو ۱۰۰۰ ) و تمدا " نی خواست پیوه مرد کبیر باشد بدین ترتیب خواست این مطلب را افشاده نماید و تصمیم گرفته بود تا جایی او را پرنماید . سزنان همیشه خاطر نشان میساخت: ( یکا نه را می گاز تبدیل شدن شخص به مهره شطرنج جلوه گری می کند پدست آوردن قدرت است ) (۱۰) خلق مائو اقای هواگو فسن تمبه این شکل فکرمی کرد .

هواگو فسن فرمان داد تا سزنان سن را از عضویت بیوری سیاسی حزب کمونیست چین اخراج و در زندان انداخته شود . پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین به " بهترین اسم وضو جنبش کمونیستی جهان داخل اقدام گردید . کمیته مرکزی خطاب به مردم چین چنین اعلان نمود: عضو بیوری سیاسی خانم سزنان سن در سال ۱۹۳۵ توسط سزنان جاسوس ( گویندگان ) استخدام شده بود .

و در سال ۱۹۳۷ با اینهان نمودن هویت خویش واقعیت را گمان نموده اصل و نسب نمودالی خود را پنهان و بدین ترتیب در حزب راه پیدا کرد . در زندان سزنان سن نمیتوانست ببیند

# چگونه خواهد آمد؟



نخواهد داشت.  
چنان برای عدد از شهرستان  
گاز مایع نیز آماده فروش است  
که انتقال آن در شهر کابل  
رودت گرفته شده است

**منبع صحبت:** معاون اول  
وزارت معیشت  
معاون اقتصادی و کشاورزی

۱- ذغال سنگ:  
امسال در نظر است تا در  
توزیع ذغال سنگ بی غداست  
های سال های گذشته تکرار  
نشود. تثبیت شده است که  
پتجاه هزار تن ذغال سنگ  
به کابل وارد شود. در زمینه  
رهایست ترا نسبت سکتور -  
خصوصا تا اخیر عقب مانده  
در این مساله است البته  
انتقال آن از همین اکنون آغاز  
شده است و در دروازه تاجیه  
شهر تذخیر آن ادا به دارد  
برای سهولت تعریه تحویل  
پول در شهری شانگه های  
مختلف و در بانک های مختلف  
قابل اجراء است. باید خیسر  
قسمی ذغال توزیع آن آغاز خوا  
هد شد. البته قبل از توزیع  
است های مستحقین تثبیت  
شده از طریق نواحی شهر  
کابل این پروسه پیش برده می  
شود.

**منبع صحبت:** انجنیر فضل  
احمد رئیس برق کابل  
صحنه های را  
که از مسئولین امور خونه بسم  
نشانده اند این امر است که  
باید نسبت به این مشکل مردم  
حکومت تدابیر جدی توهمراه با  
ظرفیت های واقعی که بتوانند  
نیاز مندی های مردم را تکفیل  
نمایند اتخاذ نمایند.  
در حالت موجود معنی  
پوست کده مسئولین اینست که  
تخل به مقدار کافی وجود ندارد  
ناید تهیه شود. ذغال سنگ  
هنوز به مقدار کافی به کابل نرسیده  
شاید برسد. برق فعلا  
وضع بهتر دارد اما ممکن است  
وضع آن بد تر شود و اما مردم  
چه کند؟

**منبع صحبت:** دوکتور کد امیر  
معاون معاون وزارت معیشت  
معاون اقتصادی و کشاورزی

۲- انرژی برق:  
خوبه فخانه امسال بتایسر  
باران برق های زیاد سال  
گذشته وضع آب نسبتا بهتر  
است و از این جهت بر چسای  
برق در وقت های طولانی تر  
صورت میگردد البته در هشت ماه  
در امسال مشکلات بهالاستر  
برچای وی برق به وجود خواهد  
آمد. زیرا در این فصل بخش  
بهتر مردم به مصرف برق توجه  
بهتر مینمایند و بر علاوه  
تغییر بخت و بز توسط برق صرف  
رت میگردد. ظرفیت های موجود  
چود تولید برق برای شهر  
کابل به تناسب مصرف آن نا  
کافیست

شهر کابل توسط ۴۴۰  
برق و ۳۴۰ برج برق بر بوسط  
به فایده کات و د و بر دولتی  
از انرژی برق مستفید می شوند  
در بخش برق انرژی حرارتی  
مشکلات عدم موجودیت تهسیل  
وجود دارد و فعلا در ایمن  
مورد مشکلات کماکان پابرجاست  
وزارت آب و برق با اصلاح و  
تتاز پروژه های جدید میتوانند  
برق بیشتر را تدارک نمایند به  
اسمار و وجود پولی نیاز نیست  
است که با مصاد شدن امکان  
نات تسهیلات فراهم می شود  
و بیشتر اینکه برق به موجودیت  
آب در دریا های که در مسیر  
بند های برق جریان دارد  
متعلق است.

۳- انتقال مواد نفتی:  
تهیه و تدارک مواد محروم  
قانی در فصل زمستان برای  
شهر کابل کار خیسر  
مشکل است از یکسو مشکل انتقال  
لات و از سوی دیگر کمبود  
محرو قانی از طرف هم انتقال  
مواد به مرکز دست به دست هم  
میدهند تا مشکلات را جاکسر  
سازند.  
در زمانهای اخیر بنابر کمبود  
چوب ذغال سنگ و انرژی برق  
فشار معنی بالای مواد نفتی وار  
شده است به همین سبب نفت  
کمیابی کم شده است و از جوری  
نست آن در بازار های جهان  
افزایش یافته است.

در سال جاری حکومت تصمیم  
دارد تا از منابع داخلی مقدار  
نفت خام را تهیه نماید همچنان  
تدابیر اشافان شده تا شرکت  
های متفحصین خصوصی مساب  
نفتی را تویید و از طریق مساب  
استیشن های دولتی توزیع  
آن را تنظیم نماید تا نیای  
در این زمینه وجود دارد توارب  
داد های هم صورت گرفته است  
البته برای شهر کابل کویون  
های جدید جهت برای مساب  
نفتی توزیع خواهد شد. تصمیم  
استثنای برای مستحقین فروش  
در یافت مواد نفتی و جیسود

از ده سال به این سو زمستان یاد شیراری و ناملایماتی خاصی  
مهمان عزیزم ما می شود. زمستان همیشه فصل تا مهر با تست  
امای برای مردمی که آتش و نان ندارند نامهربانتر به یاد داریم زمستان  
سال ۱۳۲۷ را که کودگان مادم بانوای ها وقت پست استیشن  
های تیل جفت شدند و به خاطر دارم برقیهای سنگین وزن سال  
گذشته را البته که بات آن اراده نبردند و بر این سختی صبر  
ما برده است البته آنچه که در امکانات است مردم از آن استفسار  
مینماید. بکنند از مواد بزرگ است ست چیز های با مشکلات  
دست مینماید ولی حقیقت اینست که مردم هم شرایط جنگه را میداندند  
هم سوزان را درک میکنند هم معنی محاصره اقتصادی را بلد اند  
ولی با آنهم خانه ایگه سرد است آتش میخواهد و شکی که گرسنه  
است نان بطلبند و تن برهنه را باید پوشانند.  
حکومت در مسالهای گذشته با اتخاذ تدابیر توانست باری از  
مشکلات را بر دوش گیرد و چاره سازد همچنان تدابیر اضافی فرض  
حل یک سلسله از مشکلاتی که در اثر رو آوردن هواشنای از و لایمات  
به شهر کابل به وجود آمده نیز اتخاذ گردید. واقعت اینست  
که کابل شهر چند بار اگر چقدر از نفوس کم شده است. برق بیکه تنویر و  
تسخن خانواد و هاتوزیع مواد قفایی مواد مورد نیازمان در زمستان  
همواره بنابر افزون بودن نفوس و کمبودن امکانات باید اقل شیکه  
بخدمات اجتماعی مشکلات خود را میداشته باشد اما یک سوال مطرح  
می شود. آیا قدا بر حکومت به موقع اجرا میشود؟ آیا آنچه در  
دسترس است عادلانه توزیع می شود؟

ما برای زمستان نلال روان هم تشویش داریم و هم امید.  
زمستان خواهد آمد اما بی دایم و بی تدابیر مردم معیشت  
پوشان اند و وضع اقتصادی خیلی مردم بر سر صدمه ساخته است  
هنوز جنگه میبارد و هنوز بنگه راه میگردد. هنوز جنگه مسوزان  
خانواد و ها را جوانان نان آور و نیروی کار کاروان مشغول خسود  
نگهدارنده میا اینکه آنها را از صحنه زنده گن دور بوسازد صاعها  
ستم مسوز این امور به سوالهای میا وین در این مورد پاسا  
بگویند که واقعا چه داریم؟  
آیا مردم تشویش داشته باشند یا امید؟

کزاره گوی: همیشه "سیدی"

۲۸

راپورتاژ

# احتیاط کنید!

# تقلب

در



وقتی به شهر میرویم و میخواهیم  
چیزی بخریم در هر مورد در هر  
قلم و سواست داریم که می-آدا  
تقلیب باشد، مبادا کم باشد  
مبادا فریب بخوریم و ازین گونه  
تقلب امروز نه تنها در سنگهای  
غیرشیشه بلکه در اجناس ولوا نیز  
متشلف، خوراکی ها و مسکه  
اجناس وجود دارد. کفتر  
کسی است که قادر باشد یک  
تولیدکننده را دیوکت یا  
ویدئو تپ جایانی اصل را با  
ساخته هوش آن که از اینها  
کوبه و تاپوان می آید فرقی بگذارد  
مثلا بسیاری همانند اینند  
که تاریخ سری شده ادویه  
تجاری، کرم دندان، لوازم  
آرایش، رب پادنجان رومس  
کسروه، شکر خشک، پنیر، مسکه  
روغن و ازین شمار را چگونگی  
در نظر بگیرند و چه عواقب  
منفی را این تاریخ سری شده  
در قبال خواهند داشت؟  
من گزارشی خود را از - آه فر-  
چشکا مهرکه افغان اعظم می کنم جا-  
یک تقریباً یک از نقاط مرکزی



# محمد جا در محمد خیر

شهر است . در اطراف دکانهای مختلفی وجود دارد . و آنسو دست فروشان و فروشنده گان دوره گرد . کس بالاتر تصایب و در کنار آن رستورانیت ، در مقابل بازار و فروشگاه بزرگ افغان و افغان نشنل بدر جست غریب شویخ پری ها ، شور - نخود و پنشو بعد از نه سزای لپلاس !

میخواهم از ترکیاری و سبو فصلی خریداری کم چسی صمیم :

سنگ وزن که از خشت و آهن های عادی نمعه شده معادل وزن حقیقی نیست ترازوها پاننگ دارند و اگر یک جنس را در دو ترازو بسا تعویض جا وزن کس می بینی که یک پاو ، پاونست و چارک حتی سه پاونست !

بالای کراچی سبب فروش تکه سرخ رنگی نصب شده که سبب های سبز و خام را پخته می نما - مانند وقتی در خانه سبب های چیده شده خود را بار دیگر

می بینی متوجه میشوی که تریب خورده ای !

میخواهم بزیج و ماشرو لوبیا را قیمت کم . نرخها خیلی گران است و دکانداری که میخواهد خود را صادق تجلوه دهد میگوید برادر بازی نخورد و تمام بازار بزیج خوب نیست نه سبب میدهند ، فقط من خودم از بخلان بزیج خوب آورده ام به تمام سده بزایت صدمم . آبا پاورسی کسی سر راهم خانسی آمد که خریده س از سودا در دست داشت پرسیدم :

خواهر! چی خریده ای؟ - گت از منای کیونی گرفته ام . علاقه گرفتم وزن آنرا دقیق بسازم زمانیکه ۷ کلو بود و وزن کردیم ۶ کلو بود و وزن نیز مقدار کمتر از اصل بود .

برای خرید تخم من نمز باید آنرا در مقابل نور آفتاب بگسری که مبادا بجای زردی و سفیدی ، چوجه می در آنجا باشد . و زمانیکه میخواهم از تکه فروشی چیری را این بگم نمیدانم

کدام جنسی تکه اصل و کدام بدل است . یک متر قافته را باید به پنجمد افغانی بخن ایسا این پنجمد افغانی راه آب - انداخته ام با چیزی بدرد بخور خریده ام .

وقتی آنهاتگرا می کنند می بینی که حتی یک سانتی آنرا به نفع خود می برند . شهر خشک را نمیتوانی فرق بگذاری انواع و اقسام شهرهای تازه خ تهر شده را می بینی که به قیمت های مختلف از ۱۲۰۰ تا ۲۶۰۰ افغانی به فروش میرسد . جالب است که مثلا در فروشگاه انوب واقع مکرهون سوم یک کلو شهر خوب ۱۰۰۰ - افغانی است اما در شهر همین شهر

به ۲۶۰۰ تا ۲۰۰۰ چسرا؟ بقینا که در جای اولی انصاف است و در جای دوس نیست و آیا کدام مرجعی وجود دارد که شهر تاریخ گذشته را از بازار جمع آوری کند ، چرا که بیشتر این شهرها بصرف ساختن آیسکرم و شیری ویا الحقال

خورد سال میرسد .

در سزای لپلاس با بعضی نمونه های از لباس های ساخت وطن برخوردارم که بنام لپلاسی فروخته میشود درین باره تبصرو نمیکم . دوستی را دیدم که با تصایب دعوا داشت پرسیدم چرا ؟

گت دهروز از او گوشت خریده بودم در خانه متوجه شدم که گوشت بو میدهد معلوم شد که وی از مزاول شرف گوشت گرفتند یا بزرایج شده میخوا - هدو در طول راه این گوشت ها بومی گزند اصلا در باره تصایب های سار با - گت هیچ تغییری وجود ندارد که این تصایب ها مطیعین باشند مردم به گوشت های سن و خون دار که بمعنای ذبح نشدن حیوان است توجه نمی کنند . درد و آخانه میخواستم ادویه خریداری تمام اما متوجه شدم که اکثر دواها هندی است و این راه را ترجیح میدادم که اکثر دواهای ساخته چینه در صفحه ( ۸۴ )

# راځه د ادب بحر کې پېښان

اختره له همدې اوسنځخه  
ندارې چې شونکو نه دناسم  
او ترښت درې ورځې او همداس  
رنگه دمعلمانو اختصارم ولري))  
او خپل جاي يې وځننه او چېگي  
ته

په اوزده دهلېز کې دهلکانو.  
چغنی او بوغاري هره خواصی  
محسن چې ورو ورو يې ندم -  
اخست، داسې احساس راوړ  
چې په هغه لاره ندم زدي، کوم  
چې په رنځ او شور ختمېږي.  
هرکې دواړه رنځ او شور  
دټولگي په وروستي څوکسې  
کې يو هلک ناست وو په لسوړ  
زغ سره وويل:

(( استاد، زما پوښکسې  
کېسه زده ده))

محسن په هغه دهلېز کې  
چې په پای کې يې دده ټولگي  
وه وروښت گام اخيست، پ-  
نډه سره نري کې دادده لو-  
مړنې تسميره په اوبه دي ته  
پوهېده چې په ټولگي کې به  
دنده څخه ورهين شي ه نسو  
په دي ټول يې هغه کولسه  
چې هغه وخت تر راونه رسېږي  
نېره نيه تر گه پدې په خپل  
پيښتو دپخوا او انوار اوونست  
اوبه دي هلک يې نکر کاوچسې  
دخلکو په م کې درېدل همومره  
گران کار دي. دغه دپاره...  
وېس له دي نه چې سړي پوه  
شي کوم شي يه او کوڅې يه  
دي، ژوند تير پري خوايسا  
سروښش دژوند وروستې ناي  
دي چې سړي يک زده کړم  
کوي؟

ابا تاته بچيله، له شور -  
نمې څخه درېه ياد دي)) او  
په دغو پېښانه انگارومره وده  
شو.

گه پخ کلک چې له خوبه راپات-  
خېد بيا يې ځان دمدبر څپو څپو  
ته راوړسارو.

خو بيا ښکې له دي چېسې  
محسن ورسره روانه وکړې، را-  
دڅخه شو. دده دوستانو و-  
ايډل چې هلک داسې بللون  
انوشی دی چې په ځان کېسې  
يې لوي دي. دې لارون توپه يې  
هم دپېښو ده او دسروپيښان  
يې پرې چېلې رابره دي -  
هغه کېسه داسې پيل کړه:

(( زما پلار دښو کارو نسو  
خاوند يو سړي وو او څرنگسې  
وېښان يې لارل. ده په پوښت-  
که درلوده او په سترگه يې  
رنده پېږي وه. هغه هم داسې  
چې ده غوښتل دجا کونم  
وگنډې. کومه دوسه کلنه وو چې  
ده په ټول زور سره ونشوړاي  
کړای په هغه ښه ورنښامسې  
تر صبر شو چې کومه په خپله  
سپته باندې کېښدي. ده په  
ټول زور سره پر همدسې  
نشار واورو، خو ښه ترې څرا  
نوه او په سترگه يې ورنښوته.  
دناسو سره څه خوږ وو، زما  
پلار پوه سړي وو او داسې  
زېره يې درلوده چې نه اوږه  
ده وه او نه لنډه. ده د پسر  
کار کاوړ او کاسې هم به وو  
هميشه به له ده سره پوهنو-  
ره کوشن وي او هغه به يې  
چېرولې اوله سره به يې نوي  
کولې.

ابا تاته بچيله، له شور -  
نمې څخه درېه ياد دي)) او  
په دغو پېښانه انگارومره وده  
شو.

گه پخ کلک چې له خوبه راپات-  
خېد بيا يې ځان دمدبر څپو څپو  
ته راوړسارو.

هغه پر کوم شي باندې خپلې  
ريزې وي، خو محسن ورته  
څېر شو او دنورو ښوونکو څېر-  
ته يې غوږ ونيو. دوي هم په  
هغه هلک څېرې کولې، کسې  
چې دمحسن فکر يې مشمول  
وو. خو ترې يې داوړچسې  
دوي له بله نقطه نظره پسر  
موضوع باندې بحث کاوو.

کې چې په ټولگي کې هلکان  
کتاب وپلري څه بايد وکړو؟  
مدبر له تنگه نظره څخه  
سواب وکړه.



ادونه

ورکړه څو له دي کبله چې  
اد بجاتو سره يې لايره مېنه  
در لوده، بيا يې خپلو زندمکړوته  
تعبير ورکړ او داد بجاتو په لو-  
ستلې يې پيل وکړ.

په کال ۱۹۹۰ کې بهرورت ته  
ولاړ او ديوې ورځپاڼې مسوول  
مدبر شو چې له هغه سره سم يې  
صهېو ښيښې ته بيا زده هم  
کوله. په کال ۱۹۶۶ کې يې  
د "هدف" مجله راوکښله او  
په کال ۱۹۷۲ کې داسراټلې  
ما موزانو له خوا په داسې حال  
کې په گولې ووژل شو چې له  
خپلې لور او خور سره يې مورت-  
کې سپور وو.

عسان کفاني د ۱۹۳۶ کال  
د اپرېل په مياشت کې د  
دستخط يې په شمالي برخمنند  
عکايه سيمه کې زېږېدلی دی.  
د هغه کوچنيتوب د پانگامه  
پارټي ترمخو او بيا يې په کال  
۱۹۶۸ کې دستخط يې د اشغال  
له کبله له خپلې کوره تې سره  
نصوبې ته ولاړ او د دستخط يې  
مېشته شو. کوچنی عسان  
له خپلې کوره تې سره په فقري  
ژوند کاوړ او همدې څېرې دده  
پر روحيه باندې لايره اغېزه  
کړې وه. ده په داسې مشق کېسې  
خپلې زده کړې پای ته ورسولې  
او بيا يې حقوق لوستلو ته ادامه

کار بوخت وي، څو کله چېسې  
خپل کار يې ته ورسوي بيا نسو  
کوربه يې، مگر زه داسې  
عقېده لرم چې دي هلک هر  
نوي دي.  
هلکانو، کوچني له لاسونه  
ونکول او کوچني هم به د پسر  
وقار سره پر خپل ناي کېښل-  
ست، په دغه وخت کې پسر وه  
ښيښو سترگو دمحسن وځوانسه  
روي روي کتل. محسن چې  
دکسې تر ناښار لاندې راغلې  
وو له کوچني هلک نه وغوښتل  
چې له ده سره دمدبر دفتر ته  
ولار شي. په لپاره کې يې يو -  
ښته مني وکړه چې: (( ابا  
ته په رښتيا سره پوهېږي چېسې  
پلار دي مړ شوي دي))

سپه ده  
ټول خلک به دي پوهېدل  
چې دي کولای شي کونسي نوي  
کړي. په دي توگه به ورځ به  
ورځ خلکو ده ته ډېرې کونسي  
را وړلې.  
زما پلار به دښي تر ناوختې  
پورې کار کاوړ او پوره به يې پسې  
وېل چې:  
(( لا پر زړه زانې شو -  
نمې څه ولېږم)) او ورپه  
سې وېل چې:  
(( پېر زده پر زړه به آسوده  
او ارامه شي))

خو دلته کوچني هلک نور  
څه ونه وېل او غلې ودرېښته.  
محسن په لور زغ سره وويل:  
(( ولي دخپل دوست  
لپاره لاسونه نه ټکوي؟ ابا  
تا سو له دي کېسې څخه  
حيران نشوي؟))

خو دلته کوچني هلک نور  
څه ونه وېل او غلې ودرېښته.  
محسن په لور زغ سره وويل:  
(( ولي دخپل دوست  
لپاره لاسونه نه ټکوي؟ ابا  
تا سو له دي کېسې څخه  
حيران نشوي؟))

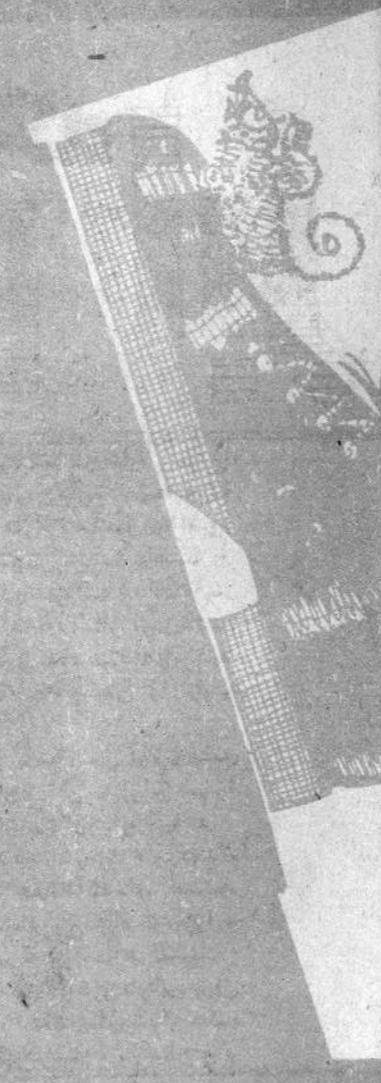
هلکانو وويل چې موز غواړو  
دکسې پاتې بېرته هم واورو.  
محسن کوچني هلک ته مخ  
رواړاوي چې: (( ستاکمه  
پاتې لري))

هلکانو وويل چې موز غواړو  
دکسې پاتې بېرته هم واورو.  
محسن کوچني هلک ته مخ  
رواړاوي چې: (( ستاکمه  
پاتې لري))

کومې خپلو خبرو ته داسې  
ادامه ورکړه.  
(( له دي مياشتې پوښته  
د پروخت تهرېده چې دپلار  
په مخ کې يې د بر کار انصار  
شوي وو. کار دومره ډېر وو چې  
ده ښو کولای کوره راشي.  
مور حېره وېل چې هغه يې  
له دي چې له صندوق څخه  
لاوړوش، شه او وړو کار کوي.  
شمن سړي به هڅه به پرېده  
کې کېښاسته او ډول ډول سرې  
به يې خوړلې او پوښکې به يې  
له مانې نه کښه راجول. چېسې  
سهار به شو، نو غونډې به دسپوړ  
له پرستو څخه ډکه وه. داسې  
چې خدنگارانو به نشوای کول-  
لاي چې زما دپلار صندوق دښو  
په صبح پيدا کړي. مور يې  
وېل چې دي به دومره په خپل  
کار کې بېمار وو چې هر هغه څه چې  
به دصندوق په سر لوبدل، دي  
به پري خېږه وو.  
د هر خلک داسې فکر کوي  
چې زما پلار عادت لري دصند-  
وق په منځ کې کېښي او په خپل

کومې خپلو خبرو ته داسې  
ادامه ورکړه.  
(( له دي مياشتې پوښته  
د پروخت تهرېده چې دپلار  
په مخ کې يې د بر کار انصار  
شوي وو. کار دومره ډېر وو چې  
ده ښو کولای کوره راشي.  
مور حېره وېل چې هغه يې  
له دي چې له صندوق څخه  
لاوړوش، شه او وړو کار کوي.  
شمن سړي به هڅه به پرېده  
کې کېښاسته او ډول ډول سرې  
به يې خوړلې او پوښکې به يې  
له مانې نه کښه راجول. چېسې  
سهار به شو، نو غونډې به دسپوړ  
له پرستو څخه ډکه وه. داسې  
چې خدنگارانو به نشوای کول-  
لاي چې زما دپلار صندوق دښو  
په صبح پيدا کړي. مور يې  
وېل چې دي به دومره په خپل  
کار کې بېمار وو چې هر هغه څه چې  
به دصندوق په سر لوبدل، دي  
به پري خېږه وو.  
د هر خلک داسې فکر کوي  
چې زما پلار عادت لري دصند-  
وق په منځ کې کېښي او په خپل

پولې يو صندوق وېجې له لرگي  
او يېسې اوږه پلو کاندو نسو  
څخه جوړې وو. په صندوق  
کې غېره پوښو مېږو او خدنگان  
...  
پلار دېسې پوښو مېږو مېږو  
شکل کې يې مېږو پوښو مېږو وای  
جانو دېسې مېږو مېږو مېږو  
دای نه وو، که چېرې ده غو -  
نښ چې کښه پېږي کړي، سو  
سپوړ وو چې له صندوق څخه  
راوړ شي. زما د پلار صندوق د  
پوښو مېږو مېږو مېږو مېږو  
سپوړ وو چې تر هغه  
پورته دېسې مېږو مېږو مېږو  
وو، که چېرې کوم سړي دمانې  
په سر درېدلای وای، هر کوم  
پوه يې شي، او څو کله يې  
دصندوق په موجوديت به نه وای  
وه شو. هغه څه مېږو مېږو چې  
په څنگ کې پورته شوي وو د  
صندوق څخه يې ډېر ښوول.  
نوره دي توگه زما پلار هېڅ  
کله به دي هلک فکر نه کاوچسې  
دمانې څښتن به يې پت -  
جاي پيدا کړي او دي به له  
ده نه بيا وپري. د مانې  
ښې هېڅ کله د باندوي نه  
راوت. دده خدنگاران دي  
نه چمتو وو چې هر څه دي وو.  
نورې هماغسې وکړې. د شمن  
خدنگارانو زما له پلار سره دده  
درازه ساتلو کې لاس وکړي  
وو او دي به بدل کې زما  
پلار د همدې کونسي مېږو مېږو  
پولې. زما پلار په يه جدي توگه  
خپل کار کاوو. اوله چانه نه



ابراهیم در کام آتش و دود فرو رفت و شعله های خورشان از هر سو او را گرفت و غمرو آتش صدای او را فریاد میزد. اکنون بسوی من آتش بیا ابراهیم چه کردی؟ آتش قهر و خشمند های ابراهیم را بسوخت و بگداخت و او را آزاد ساخت و خدا تعالی سوز وحدت آتش را از او فرودگذاشت و او را بر او سرد سلامت ساخت.

پس از چند روز که دود و شعله آتش فرو نشست، قوم منظره ای عجیب دیدند مشاهده کردند که ابراهیم سالم و سرخوش و آزاد بیازید عوت مشغول است. ایمن منظره ایشان را متحیر و مبهور کرد همه طوری که از شدت انفعال و شرمندگی سر هارا بزمین افکندند و ستواری و متفرق شدنند.

**ابراهیم و سرود**

این سرود است حیرت افزا و معجزه عظمی و سرود را جز طغیان و دوان نمیفرود زیرا ابراهیم را دشمن دستکامیاجیل و هادم بنیان جبروت خود میدید و از این رو ابراهیم را بسوی خویش خواند و با او بنای مجادله و احتجاج گذاشت و گفت: این چه فتنه است که برانگیزد ای وایمن چه آتش است که افروز خفته ای؟ و آن کدام خداست که بسوی او دعوت میکنی؟ مگر بجز من خدای سراج داری؟ و باغیر از من معبودی را سزاوار عبادت میدانی؟ کیست که در مرتبه ازم افزون باشد؟ مگر نمی بینی که تصرف شد بهر اهورنیش و ابرام قضایا در دست من است؟ فرمان من نافذ و حکم قاطع است و مردم و چشم بر حکم و گوشت بر فرمان من دارند و همه بمن امیدوار و از من هراسانند آیا با وجود اینها در خدایت من تردید داری؟ سپس گفت: چرا اتفاق و اتحاد مردم را بر سر زده ای؟ و تنهائشان را در هم شکسته ای؟ هرورد کاری که سوئی و دعوت میکنی کدام است؟ و خدایت که خلق را بعبادتش میخوانی کیست؟

ابراهیم با اعضای آرام و خاضری - مطمئن و بیانش روان در جواب سرود گفت: هرورد کار من آنست است که جان من بخشد و جان میستاند و تنها دوست که خلد را ایجاد میکند و نابود میسازد و توالم بشمار میآورد و آن را تا پایان عمر منسیر و اجن معد و زبیر میآورد. در اینجا سند احتجاج نوربند ابراهیم در نندان او هام سرود را در هم شکست، ولی سرود از سر فرود و جبروت راه منبره و مجادله پیش گرفت و از روی مخالطه با آئین سفسطه گفت:

منهم هر که را بخواهم و پس از آنکه در زمانم را با او نمودم در پرتو خویش

زنده میدارم و همچنین هر که را بخواهم فرمان خویش بچنگال مرگ میسپارم و جان از کالبدش بدر میآورم.

سرود بدینگونه جمال حقیقت بیان - ابراهیم را در خصوص انشاء حیات و بخشیدن و باز گرفتن آن در پرده سفسطه و مخالطه بپوشید و دست بدامن حیل و تزویر زد و ولی آن مشرور جاهل کجا میتوانست در برابر قدرت نبوت و مهول حجت ابراهیم پایداری کند؟

**قصه قلین**  
زبانهای بیوزله سواب

پراگند ساخت تا مردم را از سروری ابراهیم بر خرد سازند و از اطرافش بپراگند و - ابراهیم از جهت سخت گیری و آزار نمود بسوزنوش همه مصلحان ام گرفتار گشت و کم کم عرصه بر او تنگ شد و بخت هجرت افتاد و همی دعوت خود را از آن سرزمین بوی برکت که در بر این نسیم تو خندگلی بر شاخسار و رش نشکفت بازگرداند و قوم را در محیط استحفا و عذاب پشت سر نهاد و آهنگ فلسطین کرد و ولی در مسیر خود مدتی در شهر حران توقف نمود.

**ابراهیم در حران**

قحطی و خشکالی فرارسید و اسعار بطور بی سابقه ای بالا رفت و کارزنده کی در شام دشوار شد. پس ابراهیم ناچار

**شکست ابراهیم را که**

در این هنگام ابراهیم در جواب او - گفت: خدای تعالی خورشید را در جنبش تسخیر کنیده و برای او نظامی تخمیر نماید بر پر فرار ساخته و هر روز آن را از مشرق طالع میسازد. پس تو اگر چنانکه ادعا میکنی قدرت داری این نظام ثابت را تغییر ده و آن را از مغرب بر آور.

در اینجا سرود زیر صریح نیرو مند است استدلال قوی میبهرت شد و و کما هم و جعل و عنادش از پرده بدر افتاد و دروغش آشکار شد. اعضا بتر بلرزه درآمد و ترسید که پایگاه تخت جباریش در هم شکند و ولی در برابر این حجت باهر و برهان ظاهر چه میتوانست کرد و از اینرو اندیشه شد که اگر با او مستیزد و آشکارا دشمنی کند رسوا شود بیفزاید پس ناچار او را بحال خود گذاشت و درانتظار فرصت انتقام بنشست. سپس سرود جا سوسان خود را بهر سو

آهنگ مصر کرد و همسر خود ساره را نیز همراه خود برد و در آن تاریخ حکومت مصر را یکی از پادشاهان عرب عملی بود که روز کاری در آن سرزمین سلطنت داشتند. ساره جمالی خیره کننده داشت. پس یکی از بداندیشان در استان او زبانشی فوق العاده اش را بشاه خریداد و او را شفته جمال ساره ساخت و بگرفتن وی ترغیب و تشویق کرد.

این بیان با هوای دل شاه موافق افتاد و برای اجرای آن منظور ابراهیم را احصار کرد و از نسبت او با ساره جو باشد. ابراهیم مقصودش را دریافت و ترسید که اگر او را از حقیقت آگاه سازد قصد جاننش کند و تا مانع را از سر راه خود بردارد از اینرو ابراهیم گفت: او خواهر منست و مقصود ابراهیم خواهری دردین و زبان و انسانیت بود. شاه چنان پنداشت که ساره بدون شوهر است پس فرمان داد

تا او را بقصر سلطنتی برند. در این هنگام ابراهیم نزد ساره رفت و داستان را با او در میان نهاد و وی را - فرمان داد که بیان و اظهاراتش را تا میسر کند و سپس او را بدست لطف و نظیر عنایت خدا سپرد.

ساره را بقصر شاه بردند و در زیباترین لباس و جواهر آراستند ولی او آن روز دور اعتنائی نکرد و در دستگاه جلال شاه را به چیزی نگرفت و فکر شوهر و عاطفه و خانواده او را در زاویه اند و متوجه نشین ساخت.

پس چون شاه بسوی او آمد و حال - حزن و متاهت او را دید و نوشید تا غم و اندوهش را تخفیف بخشد و خوف او - حشمت راستین دهد و ولی در آن حال اضطراب و آشفتگی شدیدی احساس کرد که ناچار از ساره روی برتافت و با زچون آهنگ سازم کرد دستخوش همان پرهشانی و - اضطراب خاطر گشت و از اینرو بسختی

**شکست ابراهیم**

از ساره بهر اسید و او از شدت پرهشانی در رستخود بیارمید و چون بخواب رفت در عالم رویه یابر حقیقت حال واقف شد و دانست که ساره شوهر دارد و باید متعری او نشود و او را بحال بیدار نگذارد و چشم بدو را ننگرد. چون شاه از خواب برخاست دانست که ساره ای جز آزاد ساختن ساره ندارد پس هاجر را بحتوان خود - متکاری باو بخشید و او را به ابراهیم سپرد.

**اسماعیل**

ابراهیم با همسرش ساره و هاجر - دهه همسرش را زمر بسوی فلسطین رهسپار شد و او با او و موافق فرار از خود را نیز همراه برداشت و در میان اهل و عشیره خود و جمعیت کوچکی که با او ایمان - آوردند مسکن گزید.

ساره مترون بود و از آن جهت که میدید شوهر با وفا یزد و آرزوی فرزند ی بسر میرد غمگون میشد و روزگار ساره

بحد می رسید بود که دیگر امید فرزند آوردن نداشت. پس به ابراهیم اشاره کرد تا با کهنتر بنا جگر کنی باها و گرامی و فرمائیدار بود همبستر شود و تا مگر از او فرزند ی بوجود آید که شبستان زنده - گهشان را روشن سازد و سوت غم - افزای خانه ایشان را در هم شکند.

ابراهیم از راهی او سروری کرد و دیدی - نگذشت که پسری پاکیزه از هاجر ولادت یافت که او را اسماعیل نامیدند و قلب ابراهیم لبریز از شادی و خرمی و دیده اش از دیدار فرزند عزیز روشن شد و ولی آتش غم در دل ساره زبانه کشید و طوفانی سخت از حزن و متاهت او را فرا گرفت و او از خواب و آسایش بی بهره اش ساخت و کارش بجایی کشید که قدرت دیدن اسل عمل و تحمل مجاورت هاجر را نداشت.

در این طوفان روحی و انقلاب نفسانی سهمگین که زنده گانی ساره را از هر سو فرا گرفته بود و جز در ساختن اسماعیل و هاجر چاره ای نمیدید از اینرو از ابراهیم خواهش کرد که هاجر و فرزندش را بدهد و برترین نقطه ای از آن سرزمین ببرد که دیگر صد او خیری از ایشان نشود و از شکسته دیدار - در امان بماند.

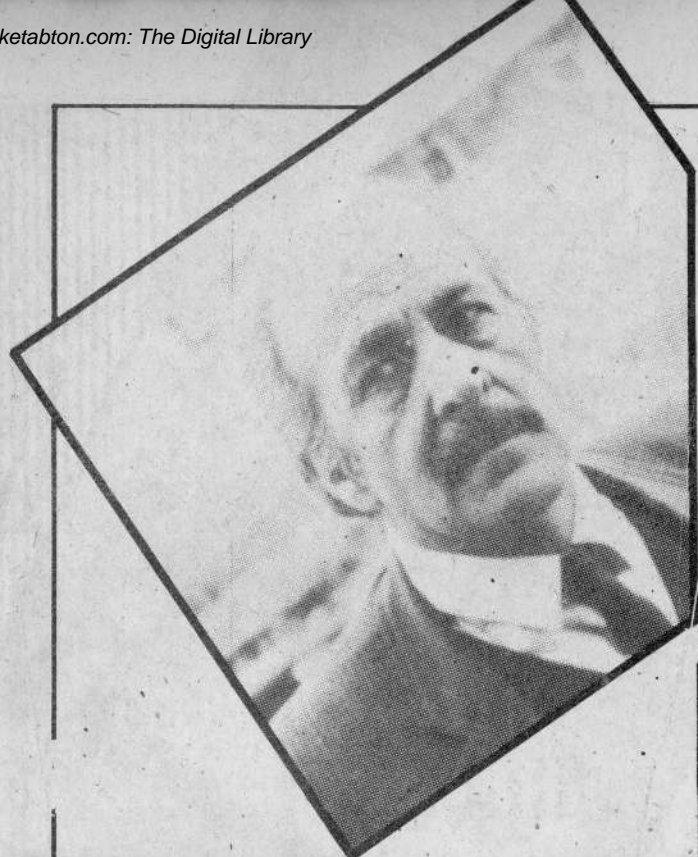
ابراهیم بفرمان الهی خواهش او را - پذیرفت و هاجر و اسماعیل را همراه خود برداشت سواره از شهر نهرین شد و بر اهنگاشی خدای تعالی و در پرتو عنایت او همچنان راه میبرد تا بجای کمبسه رسید. در آنجا بفرمان الهی هاجر و - اسماعیل را فرود آورد و در آن سرزمین سی آب و علف و بحال ضعف و مسکت و با سرمایه مختصری از طعام و ظرف کوچکی از آب و ولی با قلبی لبریز از ایمان و امید واری بخدا فرود آورد و بازگشت ابراهیم آن مادر و فرزند را در دامان پهن و گسترده آن بیابان جای داد و با آهنگ بازگشتن هاجر بدانشتر آویخت و نشان مرکبش را بگرفت و گفت: ای ابراهیم ه بجا سروری؟ و سارا درین بیابان سهمگین بنه میسپاری؟ هل جگر با اینوسله میخواست عواطف ابراهیم را تهییج کند و دلش را برقت آورد و شاید در این میان اشاره بقداقه فرزند عزیز هم کرده و او را واسطه قرار داده باشد و از بوس بر سنگی و تشنگی کشفده هزاری باشد: اکنون که مرا با این طفل بیگناه در این بیابان خطرناک میگذاری چه کسی ما را از جنگال گرگها و شریاب حفظ میکند؟ و ما با کدام نیرو میتوانیم در تاثیر آفتاب سوزان و گرمای طاقت فرسای

این بیابان مقاومت کنیم؟ آنگاه اسماعیل اشک را در روی ناله و تضرع خود پیش پای ابراهیم روان کرد و تا مگر بحال او - طفل عزیزتر رحمت آورد و ولی ابراهیم آنهمه تضرع و زاری را بجهت نشنود و سا کمال قدرت و صراحت گفت: این فرمان خداست (هاجر چون این بشنید بجای خود بازگشت و در برابر اراده و حکم الهی تسلیم شد و بر حرم و لطف او تنه زد و گفت: اگر اینکار بفرمان اوست پس تردید ندارم که او هرگز ما را خوار و زار نخواهد گذاشت. ابراهیم از آن تپه سر از پیرشد در حالی که از پستی و در لوای پس گامهایش را - سست میساخت و از دیگر سوی بیابان و طغیان بخشد او را به پیش میراند. جای تردید نیست که ابراهیم در این لحظه و از فرقی پاره جگر و فرزند بیگانه اثر که بهنگام پیری مایه دلگرمی و چشم روشنتر شده بود و در آتش حسرت میسوخت و ناله های موزناک از دل بر میآورد و سلاب سرشکش روان بود. ابراهیم با چنین تاسف و متاهت شری دل خود را در آن بیابان پهلوی فرزند عزیز تر گذاشت و در حالیکه خدا را بر جایست و نهایت در پاره او میخواند بوطن بازگشت

**چشمه لطم**

هاجر در برابر قضای الهی تسلیم شد و صبر جمیل پیشه ساخت و از طعام و آبی که همراه داشت صرف میکرد و تا توشه اش پایان یافت و گرسنه و تشنه ماند و هوش در دستانش بخشید و دیگر نه غذایی برای طفل خود داشت که گرسنگش را تسکین دهد و نه شربت آبی که سوز تشنگش را فرو نشاند و طفل از شدت گرسنگی و سوز تشنگی سخت بگریست و فریاد و ناله - سرداد و مادر بیخود بر برابر آن منظره همچون سوند بر آتش بفرار و پرهشان میدود و سهل اشش بدامن مهر پخت و آرزو میکرد که کافر میتوانست از شیر جان و خون دل و اشک چشم خود برای جگر کوفتی اثر آب و غذایی فراهم سازد و ولی هیبت

هاجر جد و جهد و کوشش بسیار کرد تا مگر از آن گرفتاری و پرهشانی راه فرار و نجاتی بیابد و چیزی که از همه بیشتر او را - مضطرب میداشت منظره فرزند عزیزتر بود تسخت بخود می سپید و پیش چشم - مادر نزدیک جان دادن بود. از اینرو ناچار کودت را بجای خود گذاشت و سرگشته و سراسیمه و دیوانه وار بهر سو میدوید و اگر چه گریه طفل و شومین فریادش را مانند مقلاتوس او را بسوی خود میکشید و مجال در روشن باو نمیداد.

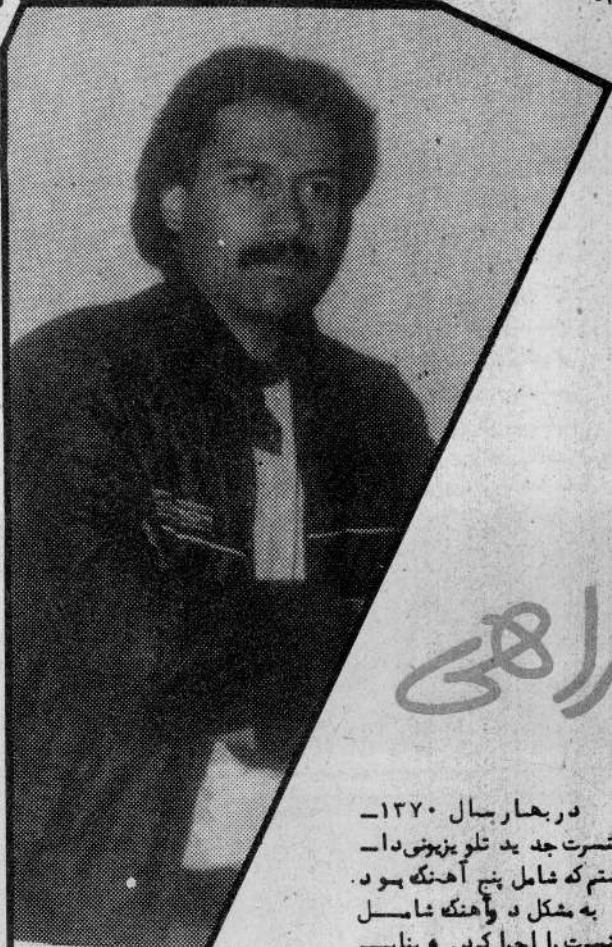


### جسور: «تاریخ مادرونی»

سواى کارکرد هایم در بخش  
درام های رادیویی و اجرای -  
پارچه های تئلی رادیویی و  
تلویزیونی - رویت برجسته ام  
در اوایل بهار امسال نوشتن  
سناریوی فیلم تلویزیونی «تاریخ  
مادر وطن» بود که تمام کردم  
و عنقریب به کارگردانی عزیزالله  
هدف روی سن خواهد آمد .

# چرا دستگیر شدی؟

تهیه کنند بزرگه هاجر



## راهی

در بهار سال ۱۳۲۰ -  
کسرت جدید تلویزیونی داد -  
شتم که شامل پنج آهنگه بود .  
به شکل د و آهنگه شامل  
کسرت را اجرا کردم و بنا بر  
نمود و کمبود نوازنده گان نتوا -  
نستم سه آهنگه دیگر را نسبت  
نمایم . امیدوارم ریاست رادیو  
تلویزیون کشور یک کمیسیون  
اصلاحیت ثبت آهنگه ها بسا  
وسایل موسیقی را ایجاد نماید  
تا آواز خوانان مابدون سخته کی  
کارهای هنرمیشان راد نبال  
نمایند .



## هدف

«سخن بی عمل نمیتواند»

داشته باشم که نظر به محدودیت  
دیت های سفرم به تعویق  
انداخته شد . کارهای کوچک  
و رادیویی ام را آن قدر قابل  
یاد آوری نمیدانم .

نمیخواهم برای علاقه مندان  
هنرم و خواننده گان مجلسه  
«سخن بی عمل» داشته باشم -  
شم من در اوایل سال تصمیم  
گرفتم سفری به مزارشرف



## یاسمین یارول: نقشی برای «عبرت»

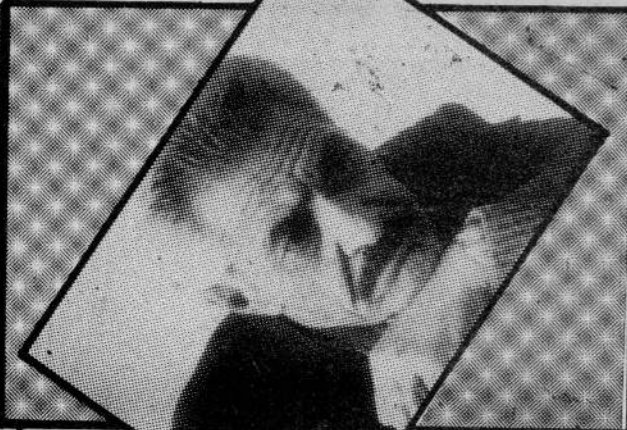
در طی چهارماه اول سال در  
تئاترآدمك هانقش مرکزی رادا -  
شتم که خوشبختانه در تئلیوآل  
تئاتری در سطح کشور جایزه -  
اول را گرفت ه افزون بر آن در  
همین گذشته هانفلم کوتا مسیما -  
بی سایه به کارگردانی نصیر -  
القاس به پایان رسید و به نما -  
پیش گذاشته شد ه فعلا مشغول  
اجرای نقشی در تئاتر تلویزی -  
ونی عبرت استم .

## همای ستمدی:

در جریان چهارماه گذشته  
مصرف بازی در فیلم سینمایی  
خاکستر بودم که کار آن به این  
گذشته های نزدیک به پایان  
رسید و من در آن نقش مرکزی  
را داشته ه همبندان درین روز  
ها در فیلم تلویزیونی سکوت و  
تئاتر خواستگاری مشغول شوم -  
تنگه و تهرین استم که به  
این زودی ها به نمایش خواهد  
آمد .

## بازی در خاکستر





## ف. فضلی؛ که دالبردی...

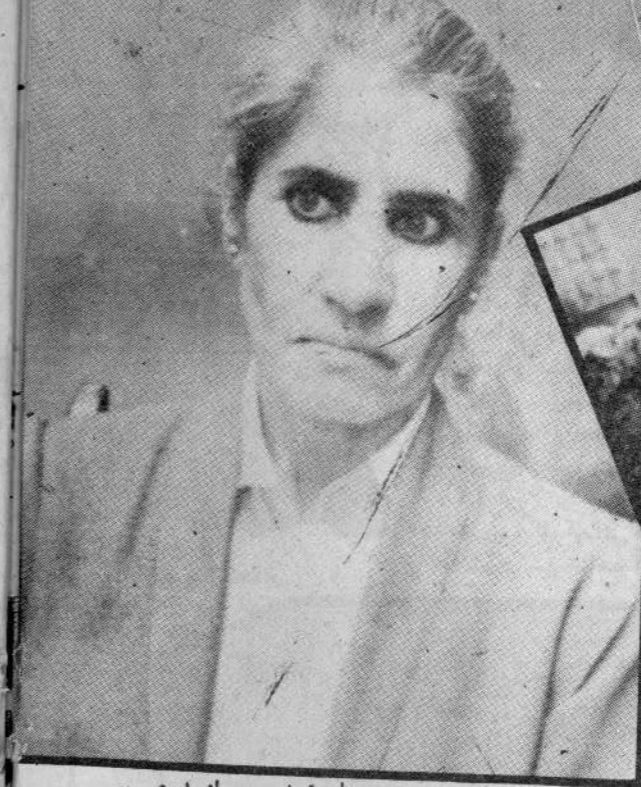
توکی بی خپله هم ډول او بوم  
د نوي کال او اخترونو په مناسب  
مي دراديو له پاره اوس تشلی  
پارچي جوړي کړي اودغه راز په  
همدغو مناسبو نومونو د تلویزی-  
يون له پاره هم پنځه پارچي  
جوړي کړي چې په دوو کې سې  
پورته عم درلوره . دغه راز  
د پانوکړه تياتر کې هم  
ډول اجرا کړ او د کونکورې او  
کجره په فلمونو کې هم ښکاره  
که دالبردي نو وروپاښت؟

زما کار ته په ختم ډول  
ډول دي . راديو د رامونه  
او داستانونه زړي کې اوپه-  
تيا



## مشغل شريار؛ په محي تداشتهلم؟

پيرسيد جقدر فعالیت -  
نکرده ام ، در راديو درامها  
وداستانهاي دنيا له دار هم  
نقش داشته ام وهم زده کرده ام  
در سهال دکونکورې نقيش  
داشته . ودر فلم خاکسپرنهيز  
په ډول را د ب کرده ، بزنامه  
ترانه جاز انشايس را به صورت  
شما بگوييد که چي نکرده ام ؟



## په خیر...

د اخذوري د پښتو تشلی  
هنر تکه لو بغاري چي اوس په  
سفر کې ده دراديو په درامونو  
او داستانونو کې يې غورا بیا-  
پسته برخه اخيستې ده .  
د پانوکړه نمایشنامې کې نښه  
وخلپه او د نوي کال او اخترونو  
نصل کې ما وولس نوي سندري  
په راديو او تلويزيونو کې  
پروگرامونو کې اجرا کړي  
اوددغه شان مود شاه محمدا و  
موند سره د خوشحال د فرمې  
ټولنې هنري وله جوړه کړه او  
لو مړني پروگرام مودگل او غزل  
په ناه د پښتو سندرونو سینه -  
والوته وړاندي کړه



## د گل او غزل پلانا مه صها

سوکال ماتي نوو کونو له سر  
فعاليت وکړه . دکال په لومړي

## د حاجي محمد کامران الوتنه



د سرواړون کار په دي  
موره کې زما د ( ادکها ) په تياتر  
کې ووه دغه نمایشنامه چي په  
تلویزيون کې هم نشر شو د -  
افغانستان د هنر مند انوتحاد  
په لخوا په جوړشوي فستيوال  
کې يې لومړي مقام او جايزه وگټله  
ددغس نمایشنامې . لکنه د دقير  
جرمانښور . اوداستاد ښکدله  
خوا د ايرکت شوي و . نورخو  
په نوي کال او اخترونو کې  
لندي تشلی پارچي اجرا کړي  
او وروستۍ کار يې په انتقا دي  
پارچه و چې له هغې سره ما  
هم الوتنه وکړه .

## آيا چي داشتيد؟

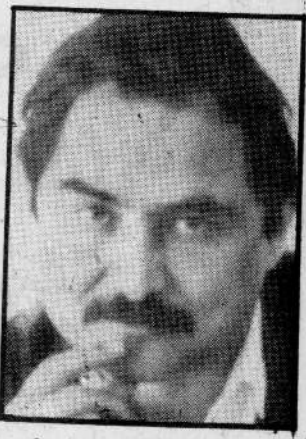
### دین محمد هیل من دی

و په ډیره مینه او شوق کار  
کړ . د سترې خدمت په پای ته  
رسولو د موسی ریاست ته را-  
فلم تراوسه مې په هنري برخه کې  
ډیر کار دی کړي و خوتنه  
په هره مباحثه کې مې یوه نوي  
سندرونه ویلی ده . هیل من مې  
د نوي ماموریت سره زمانوي  
سندري عم زیاتش .



### جوان شير عیاری و کنار

در طول چهار ماه اول سال  
سفری داشته به کشور تاجکستان  
ناظم مشترک افغانی و تاجکی  
را زیر نام گلزاره کارگردانی نمایم  
این فلم با پرسونل فنی سونایی  
هر دو جانب رنگسینما سکوب  
تهیه خواهد شد و هنرپیشه-  
گان هر دو کشور در آن نقش  
های خواهند داشت کار فلم  
پرداری و شونتکه آن به زودی  
آغاز خواهد شد .





ترجمه: آما سی

# مصلحت

سونیا گاندی با ارسال نامه احساسات را در پیش ریاست حزب ابراز کرد.

بعد از آنکه خاکستر راجیوگاندی صدر اعظم سابق هند در ظرفهای مخصوصی جایز گردید، در نیمه ریل مخصوصی در حالیکه اعضای کمیته کار حزب کانگرس آن را بدرقه میکردند به الله آباد فرستاده شد. ریل در هر ستیشن توقف میکرد تا سوگواران آن را از نزدیک ببینند. در حقیقت سفر مذکور آغاز گردید و در همین مراسم کهن این انتخابات بود.

مگر حرف عیده برای حزب کانگرس "اندرا" همانا انتخاب ریاست بود که بعد از ترور راجیوگاندی برای چندین روز حزب مذکور نتوانست کسی را در باید که جای راجیو را بگیرد و یا اینکه جبهه واحدی برای انتخاب سونیا گاندی به وجود آید. رهبران حزب کانگرس در عقب درها نشسته مصروف رزم و پیکار زمین جانشین کردن شخصی به جای راجیو گاندی بودند. چنین جا رو جنگال بعد از انشعاب سال ۱۹۶۹ در حزب مذکور به وجود نیامده بود.

یک بار دیگر یک آدم که لباس آستین کوتاه پوشیده بود و آری کی. داوان نام داشت به روی صحنه ظاهر شد و خانم سونیا را به پیش کشید تا رهس حزب کانگرس شود. آقای داوان را گروهی از رفقای راجیو کمک نیز کرد. لحظه ای که آقای داوان از مرکز راجیو اطلاع یافت همه بی نمایش رابست دست خود گرفت. با ماموران حکومتی و رهبران سیاسی کهها را هماهنگ ساختند و رول خود را خوب بازی میکرد. وقتی که خانم اندرا گاندی کشته شد همین آقای داوان بود که رهس جمهور زایل سنگ را به یک اشاره فهماند که راجیو گاندی باید به جای مادر ثریه حیث صدر اعظم انتخاب شود. به هر حال پیشین همان روز که راجیو به قتل رسید آقای داوان اشخاص چون میاتیش شرماء و جگدیش تانپله غلام نبی آزاد و فوتیدا رو مکن لال شرماء را با هم جمع کرد. آنها فقط نیم ساعت با هم نشستند و تصمیم اتخاذ کردند که سونیا باید به عوض راجیو به مقام ریاست انتخاب شود. باید گفت که افراد فوق الذکر همه همکاران شخصی راجیوگاندی در امور سیاسی بودند. مگر وقتی که کمیته کار چهارده نفری حزب کانگرس در همان روز با هم جلسه کردند و نتوانست کسی خلی ایجاد شده یا مرکز راجیو را بپرند. مگر در این میان رهس حزب کانگرس در ایالت مدیا پرادیش آقای ار جون سنگ پیشنهاد عجیبی کرد. او به همکارانش گفت:

"حزب کانگرس سقوط خواهد کرد و کشور پارچه خواهد شد. برای آنکه هر دو آن را نجات دهیم باید سونیا در اسقرار گیرد. پس بیاید که همه از سونیا تقاضا به عمل آوریم تا مسولیت را بپذیرد. مگر یک تعداد کمی از آنها جرئت کردند

که در برابر پیشنهاد فرار کردند و از آن جمله آقای کرشناکریم از هواداران سونیا پرسید:

"چرا در انتخاب رهس حزب عجله داشتید؟"

پس ما ششم. بگذار بالای آن مشوره کنیم و یا حتی تا به آتش سپردن آن را به تصویب بیاوریم."

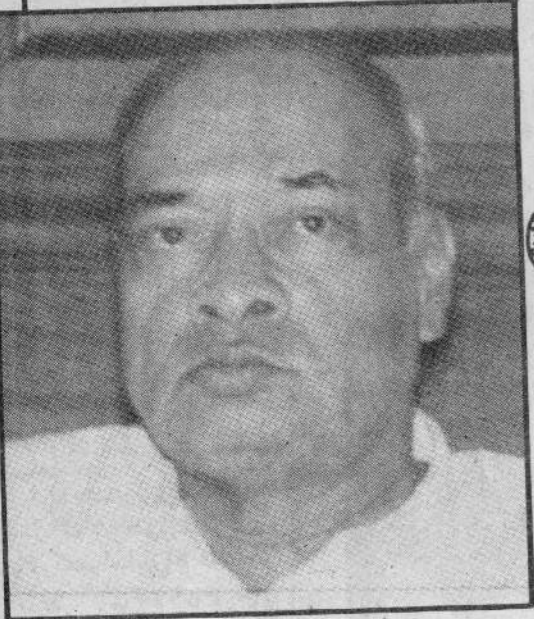
درین جریان آقای پاور اضافه کردند: "مادر مرحله دوم انتخابات قرار داریم. اگر ما رهس جدید انتخاب کنیم و گاندی بعد مابرای مقام صدارت کی خواهد بود؟ بیچاره نم در این مورد همین اکنون تصمیم بگیریم. در همین وقت آقای داوان و همدستانش کوشش کردند تا مباحثه را پایان دهند؛ مگر موضوع به ناراسیماراو گذاشته شد تا خاطر نشان سازد که آقای پاور حرف خوبی زده است."

آقای پاور یگانه کسی بود که به طرف انتخابات مایل بود و او آقای راو را به عوض خانم سونیا مورد پشتیبانی قرار داد. کپا و به جایی رسید که اعضای جوان پارلمان و طرفداران راجیو گاندی در مخالفت با مکتوره انتخاب سونیا به حیث رهس و رابطه بر قرار کردند. در همه بی تلاشها حرف عیده این بود که بازنگران در جلسه کمیته کار حزب کانگرس خودشان اشتراک داشتند. مگر سر جنرال حزب کانگرس آقای بکیت بعضیها را موقع داد تا آقای تهوری صدر اعظم ایالتی او تر پرادیش را نپذیرد. بگورند. موصوف در ساعتی که راجیو کشته شد

# کمیته

## تعلق گرفت

بعد از جابجایی آقای ناراسیمه را به مشابه گاندی سازش سر بلند کرد.



خود را به دهن رسانیده بود. به هر حال از جلسه کمیته کار کانگرس يك چهارم واضحاً هویدا بود که آنها بی که از خود کدام بنای سیاسی ندا شتند. از سبب وفاداری به خانواده گاندی میخواستند که سلسله کماکان ادامه یابد. به همین ترتیب آنها از عملیات داوان "پشتیبانی" کردند.

مگر پانزده ساعت تمام بر سونیا فشار آوردند تا ریاست حزب را بپذیرد و ولسی او از پذیرش آن ایا ورنه. همچنان دوستان نزدیک به رهبری آمیتا به چین او را مشوریدند تا به خاطر زنده کی خود و اطفالش از درگیری در سیاست خودداری کند. از مباحثه آنها عالمی از کپها به وجود آمد.

ناید تشنه گان قدرت از سونیا به خاطر به دست آوردن رهروزی استفاده کنند و بعد از انتخابات راه سقوطش را هموار سازند.

سونیا مجبور خواهد شد تا علیه ترور رهس موقت جدی اختیار کند. از آنرو حیوات خود و اطفالش با خطر مواجه خواهد کرد.

با وصف نقش او اگر حزب در انتخابات پیروز نگردد متخیر خواهد شد.

سونیا با ارسال نامه احساساتی به رهبری حزب از پذیرش ریاست حزب ایا ورنه بعد از آن بخش پارلمانی حزب کانگرس به فعالیت آغاز کرد. بخش مذکور

به گونه بی عادی توسط رهبران و یا در غیبت او توسط معاون آن تشکیل جلسه میکند. در حقیقت جلسه مذکور توسط وفاداران "داوان" دعوت گردید.

در اجندا جلسه طرح تصمیم گنجانیده شده بود. در طرح مذکور تقاضا از سونیا حذف گردید. مگر از بخش پارلمانی حزب تقاضا به عمل آمد تا تصمیمش را اتخاذ نماید که در اثر آن از انتخاب سونیا به حیث رهس حزب کانگرس استقبال کرد. اما برای انجمن حزبی سونیا درد سر شده بود که چرا ریاست را نمی پذیرد. هنوز "عملیات داوان" به سردی نگراید. بود که کمیته کار کانگرس جلسه دیگری را تشکیل کرد. جلسه رانا-راسیماراو سرپرستی میکرد و همه بی مکرر تر جنرالهای حزب در آن اشتراک کرده بودند. جلسه به خاطر تنظیم مقرراتی آینده انتخابات دعوت شده بود. مگر آقای کارونا کاران پیشنهاد کرد که سونیا رهبری حل نکرده و هیچ کاری به پیش نخواهد رفت؛ مگر جلسه صدای او را در گلو خفه کرد. بالاخره بدون آنکه کدام تصمیم اتخاذ گردد. جلسه پایان یافت.

اما رهبران بر جسته حزب کانگرس بیابن بر تعویق مساله خشمگین بودند. وقتی که سونیا واضحاً از پذیرش ریاست شانه خالی کرد آنها بر مساله انتخاب رهبر جدید فشار آوردند. در این

میان آقای وسنت سوپا به پشتیبانی آقای ناراسیماراو سخن زد و از آقای د نیش سنگه تقاضا به عمل آورد که کمیته کار حزب کانگرس باید هر چه زودتر نام سرپرست ریاست را نشانی کند. بالاخره آقای شراد پاور تا پایان انتخابات از ناراسیماراو پشتیبانی کرد. درین جریان انکشاف تهورانگیزی به وجود آمد. به این معنی که آقای ار جون سنگ نیز از ناراسیماراو پشتیبانی کرد و آقای تهوری هم به پشتیبانی ناراسیماراو شانه داد. به این ترتیب آقای ناراسیماراو به مشابه گاندی سازش سر بلند کرد. موصوف کرکتر طبیعی داوان و کسی از اویدگویی نکرد. است. این مساله نشاندهنده آن است که چرا او مورد پذیرش قرار گرفته است. به هر حال او هم بی این جا رو جنگالها یک مساله واضح گردید که رسیدن به ریاست حزب معنی در دست گرفتن همه بی قدرت را ندا رد. بسیاری از هواداران آقای تهوری فکر میکردند که بعد از انتخابات موصوف به یکی از رقبای سر سخت در پارلمان تبدیل خواهد شد.

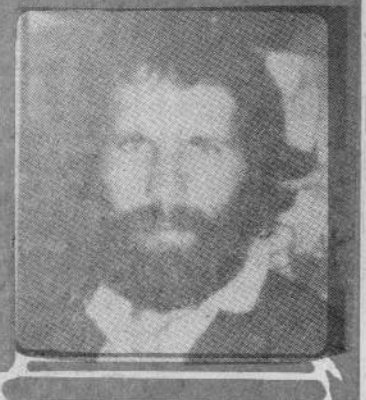
آقای پاور اظهار داشت که رهس کمیته سراسری کانگرس هند ضرورت نیست صدر اعظم باشد که این مساله یک قدم عالی به پیش است. مگر به نوبه خود یک تلاش میخواهد. مخصوصاً برای یک حزبی که از چهار دهه به این سو وابسته به پست

بقیه در صفحه (۸۵)

بیاورد • به گفته دانشمندان  
 این رشته • مریض همواره از  
 کمال یک دوره مکمل تسدای  
 دو باره صاحب قوه دید  
 دوره جوانی میگردد و در صورت  
 اینکه مریض مومنی بوده و بودا  
 پیش سعید شده باشد ۸۵ درصد  
 موهایی آن دو باره سبب میگردد  
 و قوه جسمی آن هم با حالت  
 جوانی بر میگردد ۵۰  
 مریض شما تا حال چقدر  
 روزه گرفته ؟  
 مریض من ۵ از مدت (۲۰) -  
 روز یکدینسو جز آب هیچ چیزی  
 نخورده است و حالام کاملا  
 سر حال است  
 هینو ترم چطور بالای -  
 افراد تا نهر میکند ؟  
 هینو ترم بالای ۸۵ درصد  
 اشخاص تا نهر در هینو ترم  
 ها زود تر و برخی ها دیرتر  
 به خواب میخوابند مریض  
 بالایی اطفال پنج الی پانزده -  
 ساله زودتر از پانزده الی سی  
 بیس ساله بعضی زودتر برخی  
 دیرتر و اشخاص بالاتر از سی  
 سی به بالا دیرتر به خواب  
 میروند  
 شما میدانید که انسانها به گفته  
 روانشناس مشهور آریستو  
 میگویند فریب داری دو ضمیر  
 اند ضمیر خود آگاه و ضمیر  
 ناخود آگاه  
 در حالت عادی ضمیر آگاه  
 برنده است و ضمیر ناخود آگاه (۶۵)



عبد الرحیم یوسفی  
 با استفاده از سنو تیزم  
 مریضان صعب العلاج را  
 مداوی میکنند

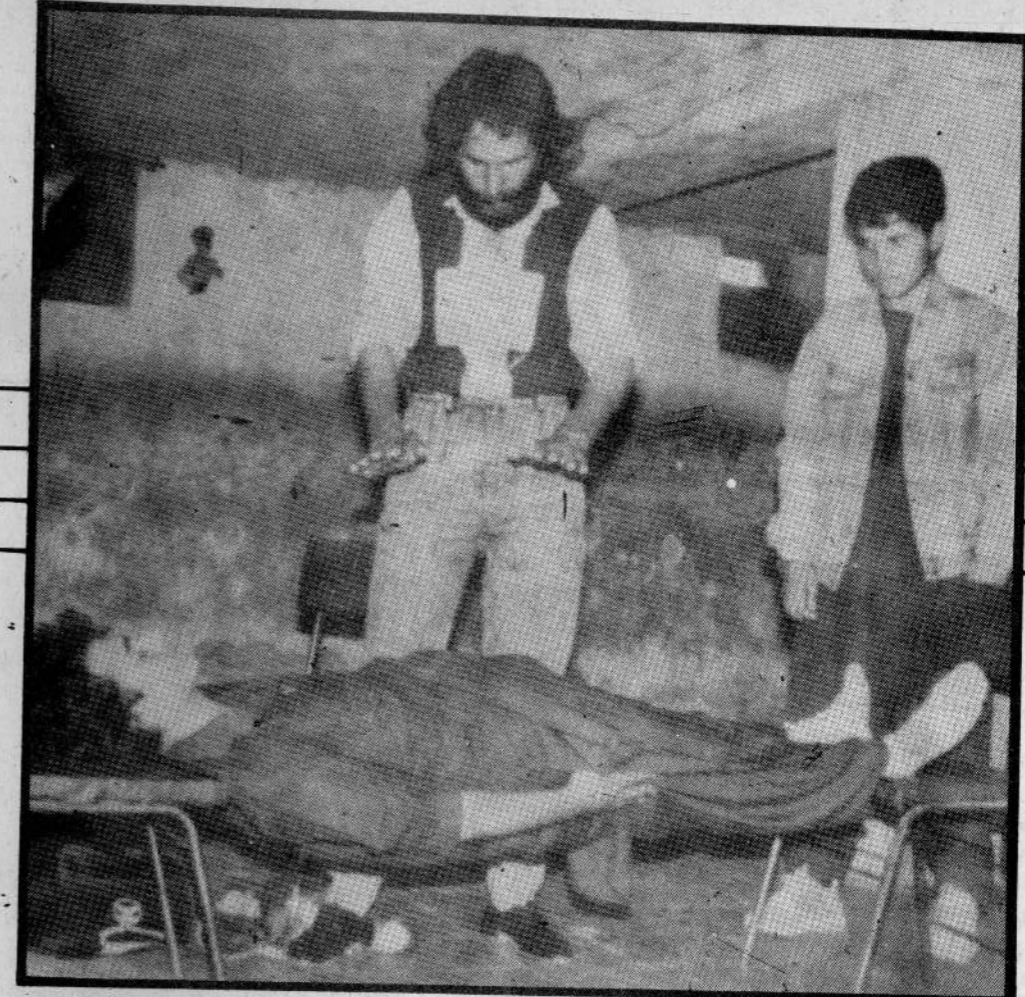


توصیه کردن چهل روز گرسنگی  
 کمال به مریض یکی از شیوه صحای  
 مداوی عبد الرحیم یوسفی میباشد

دین سگرت نزد چند تن و تدای  
 یک خانم ۳۰ ساله که از مدت  
 سه سال بدینسو از نفس تنگی  
 شدید شکایت داشته و تدای  
 طبی برایش موثر واقع نشده بود  
 و همین طور نزد چند نفر  
 دیگر که بیمار بودند نتایج مثبت  
 تدای نگنده را بدست آورده ام  
 - جالب است و لطفا در -  
 مورد این مریضتان معلومات  
 بیشتر را به من بدهید -  
 - این مریض که هنوز هم -  
 تحت تدای قرار دارد و فقط  
 یک ماه از معالجه اش میگذرد  
 نتایج بسیار قناعت بخش را به  
 دست آورده است  
 من این خانم را هفته یک  
 بار تحت تا نهر خواب مقنا -  
 طبی قرار داده و در همان  
 حالت برایش هدایت میدهم  
 این خانم که هر روز با خود  
 دو داشت و بدین آن یک -  
 ساعت هم زنده گی کرده نی -  
 توانست و حتی در هفته چند -  
 بار به شفاخانه های زفت  
 و اکسجین میگرفت فقط بعد از  
 دوین تجربه ، تمام دواهای  
 خود را قطع کرد و فعلا هیچ  
 نهای به اکسجین هم ندارد  
 من کاملا اطمینان دارم که  
 این خانم بعد از چند تجربه دیگر  
 صد درصد شفا یاب میگردد و به  
 زنده گی عادی خود دوام -  
 میدهد  
 - شیوه تدای و چگونگی چگونه  
 است ؟  
 - من از شیوه ( چار ) یعنی  
 ( چهل روز آب و روزه )  
 استفاده می کنم  
 در این شیوه مریض در مدت -  
 چهل شبانه روزه روزه میگیرد  
 و جز از آب چیزی نمی خورد  
 نه شب و نه روز  
 - آیا مریض در این مدت -  
 احساس گرسنگی می کند و  
 انرژی خود را از دست میدهد ؟  
 - احساس گرسنگی را توسط  
 هینو ترم در وجود مریض از -  
 بین میبریم و انرژی را که مریض  
 از زخیره گاه های عضویت مصرف  
 میکند بعد از اتمام این دوره  
 چند برابر آنرا دوباره بدست

توانسته ام به چنین حالتی  
 دست یابم • پس بجایست  
 که کاتب خوش را به چنین نام  
 بس نام و در پهلوی آن افتخا  
 را عا را بنام کشور خود ثبت  
 نام  
 - آیا تنها ورزشکارانگه  
 میتوانند به این نبره مخصوصا قهر  
 و غیر روانی دست یابند و پس ؟  
 - نه خیر ، نبره نبره های روانی  
 انسان که فعلا متذکره میسم  
 در تمام افراد وجود دارد که  
 استثناء در بعضی انسانها  
 فعال میباشد ولی بقیه انسانها  
 میتوانند آن را بصورت کمسی  
 با قبول ریاضت ها در وجود  
 خود فعال سازند • که ورزش  
 کاتگو بنا بر ریاضت زیادگی که  
 به کار دارد این نبره ها را هم  
 با ن تقویت فیزیکی فعال مسا  
 زد  
 - آیا شما نبره هینو ترم را  
 با استفاده از این ورزش در -  
 یافته اید ؟  
 - کاملاً  
 - چه وقت متوجه موجودیت  
 این نبره در وجود خود شدید ؟  
 - دو سال قبل به ترمینات  
 آن شروع نمودم  
 - از آن وقت تا حال از این  
 نبره در چه موازید استفاده کرده  
 اید ؟  
 - فعلاً از قوه مقناطیسی در -  
 تقویت ورزش خوی و اجسرای  
 عملیه های هینو ترم و تسدای  
 مریضان استفاده میکنم  
 - در مورد تدای مریضان  
 تان لطف نموده معلومات دهید  
 - در تدای مریضان من از  
 روش " هینو ترم و چسار " -  
 استفاده میکنم • قابل یادآور -  
 است که در ابتدا این شیوه  
 توسط یکی از دانشمندان روان  
 نی شوروی بنام پوری سوزورسکی  
 اساس گذاشته شد و بعداً یکی  
 از استادان روانی ایرانی بنام  
 استاد کاپوک آنرا عملی نمود  
 فعلاً کتابان بدسترس  
 من قرار گرفته که با آزمایش  
 نمودن تجربیات آن نتایج مثبت  
 و قناعت بخش بدست آورده ام ؟  
 که توسط هینو ترم در ترک نم

توانسته ام به چنین حالتی  
 دست یابم • پس بجایست  
 که کاتب خوش را به چنین نام  
 بس نام و در پهلوی آن افتخا  
 را عا را بنام کشور خود ثبت  
 نام



مصاحبه کننده : دکتور ظاهری

# سنو تیزم

## در طبایف افغانی

عبد الرحیم یوسفی جوان ۲۹  
 ساله ، محصل صنف چارم بود -  
 هنر طب معالجوی انستیتوت  
 طب کابل و بنیانگذار ورزش  
 کاتگو در افغانستان اخیراً  
 متوجه موجودیت نبره نبره نپانسی  
 در وجود خود گردیده و فعلاً  
 بنا بر گفته مومنی و وف هینو  
 انسان را پنج قوه در -  
 نی میباشد که عبارت از :  
 نبره ایسان ، نبره نکر  
 نبره اراده ، نبره نبره خیال  
 و قوه مقناطیسی است • که  
 هینو ترم جز از قوه مقناطیسی  
 میباشد  
 او با داشتن چار غبط در -  
 سال ۱۳۶۲ کلب کاتگو نسا  
 را در کشور اساس گذاشت و از  
 آن روز تا حال هزاران جوان  
 را با تکمیل هنر و تکنیک های  
 این ورزش ثقیل آشنا ساخته  
 اکنون بصورت ترمین دادن -  
 دو هزار تن در پنج کلب  
 میباشد  
 او که ورزش کاتگو را اختراع  
 ورزش اندان ساز میداند در  
 تلاش است تا به مراحل عالیتر  
 این ورزش دست یابد که در  
 راه موفقیت های هم داشته  
 است  
 آنروز که با او مصاحبه داشتیم  
 هکیت رهبری کلب های او از  
 تمام گوشه های کابل دور هم  
 جمع شده بودند تا پیرامون چند  
 موضوع با هم مشوره نمایند که  
 یکی از مسائل مورد بحث تقویت  
 نام کلب کاتگوه " فرهنگستان " -  
 تن و روان افغانستان بود  
 که با تأیید همه مورد قبول  
 قرار گرفت و مع سولات هم را  
 با این سوال آغاز کردم که :  
 - چرا نام کلب تانرا " فر -  
 هنگستان تن و روان گذاشتند ؟  
 - یک کاتگو کار وقتی به مراحل  
 پیشرفته تر وارد میشود نبره  
 جسمی روانی او از قوی می  
 گردد و قوا روانی پنج گانه  
 که فوقاً متذکره شدیم اگر در  
 وجود کسی فعال شود کار  
 های غارقی المعاده انجام داده  
 میتواند که خود پختانه من

در ماه اسد سال روان ، مسکوشاه—  
حادثه بزرگی در تاریخ بشر بود . سران  
ایالات متحده و اتحاد شوروی باهم نشستند  
و بعد از گفتگو های پیمان ( ستارت ) پیمان  
کاهش سلاح استراتژیک را امضا  
کردند .

در گذشته ، هنگامیکه رئیس جمهور  
ایالات متحده امریکا وارد مسکو گردید  
در منطقه البروج دیپلماتیک تمبری  
در محل ستاره ها به وجود آمد . آقای  
رونالد ریگان سیوکه اش را از کلکتهای کر—  
ملین بیرون کشید و اعلام داشت که دیگر  
اتحاد شوروی را به نام ( امپراتوری شیطان )  
پادشاهی و به این ترتیب جنگ سرد  
پایان یافت . مگر اکنون با رفتن جورج بو—  
ش به مسکو ، تمبراتی در موقعیت  
ستاره ها به وجود نیامد . اگرچه این  
نخستین سفر آقای بوشر به مسکو بود  
در عوض هر دو رضایت شان را به متقابل  
سهاستمداران فعال که در عمل بر مسا—  
هیم باهم کار میکنند ، نشان دادند . به  
هر حال ، قبل از آنکه آقای بوشر آخرین  
گام سفرش را به طرف شهر کیف بردارد  
آقای گریچف پیمان کاهش سلاح سترا—  
ژیک را امضا کرد . بر اساس پیمان  
مذکور می نماید از سلاح هسته ای تولید  
شده در زاد خانه های هر دو کشور کاهش  
داده میشود . آقای گریچف در مراسم  
امضای پیمان مذکور اظهار داشت  
که : امضای پیمان برای همه جهان  
بالرزش بوده قدم بزرگی در راه خلع  
سلاح خواهد بود . خداوند را شکر  
گذران که ما آنرا متوقف ساختیم و به عقب  
زدیم . ( )

چنان می نماید که برای نخستین بار  
ایر قدرتهای نظامی در صد دینتقیمر و کاهش  
سلاح دور بود هسته ای ، که توانایی  
تخریب هر دو جانب را داشت ، برآمدند ،  
به هر صورت با استفاده از فرصت آقای  
بوشر نیز حرفه های را اظهار داشت .  
( ) پیمان مذکور بی انداز پیچیده  
است ، مگر در مورد هدف عمده آن باید  
خاطر نشان ساخت که کاهش در نیروی سترا—  
ژیک هسته ای خطر جنگ را کاهش میدهد .  
( )  
بعد در کنفرانس مطبوعاتی که تدویر گردید  
ملتن از ژورنالستان پرسش به عمل آورد که  
چرا هر دو جانب همه بی راکتهای هسته ای  
رانابود نمیکنند در پاسخ به این پرسش  
چنان معلوم میشد که هر دو متفقا به یک  
موضوع اشاره میکنند . هر دو تاکید کردند  
که موضوع عملی نیست و نمیتواند که زاد خانه  
های شان را یکسره بپندند ؛ زیرا به نظر



نوشته ذیح الله آماسی



آنها هنوز هم ملت های وجود دارند که  
دارای سلاح هسته ای اند . آقای بوشر  
تکرانی بخصوصش را در مورد اسلحه  
هسته ای که در دست مرتدان قرار دارد  
اظهار داشت ، مگر چنان معلوم میشد  
که خطر شوروی را برود شود .  
به این ترتیب پیمان کاهش سلاح  
ستراتژیک برای نخستین بار بعد از قضا  
مسابقه تسلیحاتی بین ایر قدرتهای نظامی  
به امضا رسید . عهد نامه موثف چهار  
جوبی را بدست میدهد که بر مبنای آن امگا  
نات کاهش مجدد ( اسلحه ) بدون ضرورت  
به جستجوی راه دراز و پر مشقت ، همسر  
میکرد . با اینست یادآوری کرد که کاهش  
مجدد اسلحه نازلان و ضرورت است ، زیرا  
بر مبنای ( ستارت ) اگر سر و تیغ در صد  
کاهش در اسلحه صورت گیرد باز هم اتحاد  
شوروی ۷۰۰۰ واحد اسلحه هسته ای دور  
برد و هزارها واحد اسلحه برد کوتاه در ذخا  
بر خود موجود دارد و زمانی آن رانابود  
خواهد کرد که ایالات متحده به ناپسودی  
ذخایر خود موافقت کند .

بر علاوه کاهش اسلحه ستراتژیک  
دو جانب در جهان نقشه ها شان بر مسا—  
هله متعلقه بین زمین الطلی باهم به گفتگو  
شستند .  
توافق آنها بر کنفرانس صلح شرق میانه  
که در روابط ایر قدرتها خیلی مهم است  
امیدواریم که بیشتر را به وجود آورد . هر  
دوره بر بر تلاشها به خاطر استقرار آتش بس  
در یوگوسلاویا تاکید کردند ، مگر در مورد  
افغانستان ، کمیو چها و دیگر پرا بله های  
حل نشده متعلقه می ، که باری در مرکز  
رقابتهای آنها قرار داشت  
کدام اعلامیه پیش بخت نکردند و خاموش  
ماندند . در جلسه سران اظهار عقیده  
گردید که واشنگتن و مسکو اکنون مسا—  
هله مذکور را نوعی تلقی کرده ، در  
حالی که مسا—هله هم همانا تعمیق همکاری های  
دو جانبه آنهاست .

آقای بوشر در جهان سفر خود ، آخرین  
گامش را به شهر کیف ، مرکز جمهوری  
اوکراین اتحاد شوروی گذاشت . موثف  
در جمهوری اوکراین ملاقاتهای رانجام داد  
د . او بهانه بین دربارلمان آن جمهوری  
ایراد کرد و گفت که از پشتیبانان دموکراسی  
استقلال و آزادی اقتصادی چی در مرکز  
و چی در دیگر جمهوریها پشتیبانی میکند  
البته پشتیبانی او بر اساس شخصیت های  
بلکه بر مبنای اصول استوار است .  
به هر حال دستاوردها و مشکلات آقای  
بوشر در قیاسه با آقای گریچف ناچیز بود ؛  
بقیه در صفحه ( ۸۶ )

# سلاح هسته ای

استعداد يوازي دستان له پاره  
ونه ساته بلکه نورې هم ترې  
بهرمن کړل اوسوانو هنرمندانو  
دده نه داستادي هيله  
وکره لومړي ورته په تازېس گوړه  
کينوده، چا ورته دين محمد  
ایشان موند، غلام محمد تره  
باغي اوزو مو انانوحس  
په کوزه پينتونخواکي شوانو  
سندرغاړو ده د شاکردې  
گوړه کينوده او گلزمان په ديره  
مينه درې نه زده کړه پيل  
کړه گلزمان ته يوازي په  
افغانستان، بلکه په هندوستان  
ايران، بنگور، کوچه، مغلستان  
اود شوروي اتحاد په اتسو  
جمهوريتونو کي کسرتونه اجرا  
کړل او چي په يې خپوله پوځت  
په تاجکستان کي دکسرت  
ورکولو په جهان کي تاجکسي  
هنرمندان دده دواړي غزلو

به چي گلزمان سندرې ويلي  
نويخلي به له هرې کرکسي  
اودروزي شخړه پسته  
تر و د غوندي مندي دا توري  
زلفي جوړې کړه په تدي  
سندرې وپونکي سوان وويشي  
گلزمان په دې پوهيده  
چي دده همدغه سندرې دخلکو  
خوښيزي نو په دې بڼه يې  
سندرو ويلو ته دوام ورکړه د  
دوه لومړني بهالمنوب وو چي  
دخلکو زړونو ته لاره پيدا  
کړې وه  
دده سره مينه نه يوازي د  
ده د هنر خوښوونکو درلود  
بلکه نورو سندرغاړو ته هم  
دده استعداد معلوم  
وو او دده په زيار او کاسي  
ایمان درلود، نو چي دده نه  
دا هيله هم پيل شو چي  
نورو سندرغاړو ته سندرې

واو د گلزمان کليوالو او اولس  
غونډل چي دې نورم د شهرت  
پورې تړلې وي اوښه  
هيله يې دا وه چي دده له  
سندرونه نور پستانه هم خوندي  
واخلي او دده غني سلاوگوري،  
مکه ترې له ده نه هيله وکړه  
چي راديو ته ورشي دده هم  
داغونډل اوزره يې تلوسه ورته  
درلوده، خو يلاړه يې نه  
پهښود، هم له دې کبله  
چي ويل به يې راديو سري  
غز خرابي اوبل هم دا چي  
راديو ورته نه نه پهښوده، خو  
کله چي يې پلار سره تورو  
خاورو کي کينود نو ده هم  
نورې کلي کي گام ټنگه نه کړي  
شو او د پکتيا ولايت والسي  
ترينه هيله وکړه او روسي مکتوب  
يې په لاس ورکړ چي راديو ته  
مراجعه وکړي  
گلزمان راديو ته راغسي  
او امتحان ته کناست  
نصرت الله حافظ چي هغه  
وخت د پښتو موسيقی مشول وو  
وايي:

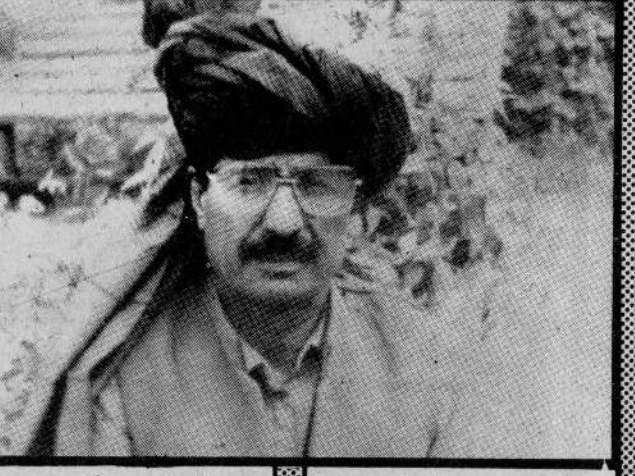
(ما ته يې وويل چي راسه  
دگلزمان په نامه نومون په  
پښتو سندرونو کي امتحان ورکوي  
کله چي زما غلموس ليدل چي  
درې ويونه دي او گلزمان داسي  
بناسته غزلې اويي سندرې  
وايي چي دسري زړه غواړي  
ساعتونه ورته کښي اويي وړي  
په دې توگه ۱۳۴۳ کال  
کي د ( بي بي شمعې نوري  
گلي) سندرو دراديو په خپلو  
کي بهرته دخوست دچيني کلي  
ته ولاړه او کليوالو ترې خوندي  
اخيست او پرې بهارل يې  
مکه يې (زانگي ليلو) ستا  
په سپينه غاړه دلونکو امله وښه  
ليلو) په همدغه کال دده لخوا  
په راديو کي اجرا شوه، نورس  
گلزمان يوازي دچيني کليوال  
نه وو، بلکه په هر پستانه کلي  
کي کليوال گرځيدلې وو او دې پروړلو  
ولايتونو څخه به خلک کاښل  
ته په گلزمان يسي راتلل او دې  
په يې ورونو ته د سندرو وپيلو  
په خاطر به وو  
په هر کليوالي واده کسي

نوبه يې يو کوچنی هلک هم له  
لغانه شو، بيوه دغه هلک  
چي دنجونو په کار کي راتنه  
خوډه تکان پيل کاښه، هم  
دچيني سره مينه پيدا کړه  
او زور ووه ده هم لاس پرې گرځاوه  
ترڅو دچيني پروژولو کي ماهر  
شو او پستانه به يې چمبه غزوله،  
نورنوي پرته سوان شوي هم  
وو او خپله پستانه سره نه  
به وو، دا دده لخوا د  
راره او دواړه ويونه په نه شوق  
دهغي په زده کولو او غزلو  
بوخت شول ترڅو چي دواړو خپل  
استعداد، نه وازويه اود سند  
رو په ويلو يې هم پيل وکړ،  
دلته نو د دواړو د سندرو ويلو  
او چي غزلو انگارې په تولسو  
نژدې اولرو پوکي خپري شوي او په  
هر واکه کي ددوي گون سرور  
شمير کيده، ان تر دې چي په  
کوي پښتون واکي هم ددوي د  
سندرو ليوال کسان زيات  
شول او تل به يې دوي کسرتونو  
راپيل، دا هغه وخت وو چي  
کوچنی هلک په گلزمان او پښتني  
وو او ټولو به دگلزمان سندرغاړي  
دچيني اوښه آواز ته غونډه  
کول، گلزمان اتلس کلن سوان وو  
خو دده دښه هنر په وجه  
په ورو، زړوگران او دهغو ي  
زړونو ته نژدې ووه په دغه و  
کلونو کي راديو اوراديو يې  
سندرو کليو ته هم لاره پرانست

پښتو سندرې اوبدلي هغه هنر  
دي چي دکليود خوښو اوښاديو  
څخه يې سرچاپورته کړي او په  
نني بڼه عصر ته راوتلي، خو  
اصلی تاتوب يې هماغه کلي  
دي چي دکورونو اولښتنيو  
واوښتو او ختوونو، مينسي،  
پلټون، وطن او سیراني په  
هکله دلته يو، سرکوکي گڼو،  
چاښتو، لوبو، غونډو او تنهونو  
دوه بڼه او ورسره ددداستان،  
تلو، سوغاتو، خوراکیو، نیکو،  
کښو په ډول ويل شوي دي  
او چي ترننه رسيدلي به او د غزل  
ښکلي دنيا ته ورگډي شوي، خو  
خپل سوچه والي يې نه دي هر  
کړي، کليوالي پيښلي او مله  
د سندرو ويلو کسي داسي  
لاس لري چي ته به وايي په  
سندرو ويلو کي به لښک  
اخيست دي، چا چي کسوم  
بود دغو پيلو او پيلما نو  
په منځ کي نه وندليزي نو هغه  
چانه يوازي په پيل کي، بلکه  
په نورو کليو کي هم دخلکو  
خوښ شي او ددو او خوښو ته  
يې راپولې او خپلې بنا دي د  
هغه په غز اوښو سندرو نوري هم  
نهاتي اوښکلي کوي  
دخوست دچيني په کسر  
کي دود دندا وو، پيلو نجونو  
به په ورونو کي سندرې ويلي  
او چي يې غزلې اوکله به  
چي بل کلي ته ودرتونه تللي



د سهيلا حسرت نغمې ليکه



ته حيران شول، مکه دي په  
دايره کي په نبي لاس (بېم)  
آواز او په کين لاس (نهر)  
آواز پاس، دوي به راديو حيرا.  
نورنکي او نه پوري وو، په رشتا  
هم چي دگلزمان دايره هغومو  
چي مشهوره ده هغومو يسي  
ساري، او ښکلي هم ده، دده په  
شان دايره تراوسه هچڅوک نشي  
غزلوي، دي په دايره کي  
خپل محلي تکورونه او محلي  
تښکري غزوي چي دادنه يوه  
اهه تانگه تاده، گلزمان  
سهره پردي، چي خپل محلي  
سازونه، لکه، ډهل، ساپ  
پاتي په (۸۹) بخ کي

جوړي کړي، ده دا هيله  
په ديري خوښي ونه استاد  
اولميرت يې!  
خو محفل نبي ساتي نوي چاونه منډر  
احمد ظاهر ته يې د (او) نه  
راسي جانانه زيا (گلزار يکسي  
ته يې د (راشه آشنا ستا  
ديدن لپاره نري سترگسي  
نورس، نلسي سندرې) او ولا  
ناهيده، رخشانسي، ميرمن  
پروين، منگل، نغمي، او  
بها نين شامحمد، دين محمد  
هنا او نورو ته يې ښکلي سندرې  
جوړي کړي چي شمير يې  
حتي ده ته هم نه دي معلوم  
په دې توگه گلزمان خپل

# غونډلې گلي

# گلزمان د سازونو او آوازونو



### نام

شهاب  
 از زلفی تنهایی خویش می آیم  
 سپلند  
 گردن افراخته  
 رحمتراز تمامی نای ها ه از تمامی فریاد های زمین  
 چه صلح ه چه دشغوار  
 شهاب به تماشانشستم  
 عاشقان محتاج  
 در گشاده تپهن روزها و شبان  
 حقیر و چه بسهار هعلق شاد می از کا و چهرای پائیز  
 به گدایی میروند

### در تارکترین درد ها و در ریخ من

خوشید را بر هیچ آستانه ای دستی به در بیزه دراز نکرد ه ام  
 آموخته ام دل به دریا ها را کتم  
 تخران دلی از من به وام گرفته است  
 تا بر ماسه های گریما گریظان رفتن را قامت خم نکند

آنک ه کوسه پیرو دند انبایش لحظه ها  
 و امید سپیدش که بر روی و موی من شگرفان شده است  
 و اینک ه تو ه که میخوای با مرکه خونگی  
 دگرا کنون به فریاد نرسیده  
 دلی از ذروه به زرفا افتاده است  
 در تعلق جان برگد عشق  
 با مضرای ه که گاه گاه بنواز دش

کهنک زده ه گنج ه منک  
 به عشقی نه ه که میخوام به دست نمی آید  
 به جانی ه که می بوسم و از دست می گریزد

لطیف پدرام



## دوبو موهار

راخوڙي دي جي به خ زلفي تار تار شي  
 به کي چو کي و کورنه د بهار شي  
 د خودي بياله به و نه عکسي به ژوند کسي  
 جي دجا ترخاري ستا دوزو موهار شي  
 که به لاردي دونا گامو نه کي دي  
 داس لاري توه زما به هم به لار شي  
 دوصال به تورو وشتلي رگي نيه دي  
 نه جي هسي خوک د ستا د بنو پنگار شي  
 که تپور نه ده (( سمع )) بيا به خير رافلسي  
 ستا که مخي به گلزار تول (( چپرهار )) شي

سمع الله سمع

## د شيدو جام

باوڙل چس ستا  
 د اوڙد و شنبوله اور دو لارو به  
 د سپور من کلي ته  
 د مين اوزده لاره وهم  
 او به دي خيال من  
 ستا پلو لپرتي کي ته و  
 چس من د هيلو مخته  
 د لمر له سترگو زير پدلي ماهان  
 د شهد و جام کي  
 له مارا نوسره ولسو بدل  
 اوز ما د مين لاره  
 لنگره نه شوه  
 لاپس اور ده پورته

۱۳۲۰ - ۲۲

کابل

کمال الدين مستان

## غزل

مئي د اثناله چس اسري وينم  
 خبر دي جي خوري او که ترخي وينم  
 تو د تورو زلفو مار چچلس ميم  
 بلس به وجود من سري لبس وينم  
 که جي به تاز سره موسکي شي مار  
 نو کله کي نگو نه ناتسري وينم  
 پر پشه لاله کي د صبا پر خه  
 ماويل جي ديار د صبح عولس وينم  
 که به بيزا به از غوضغ شي  
 نکه مي پنجه به وينو سري وينم  
 پر بزه جي به درکي شي مچون ته  
 اخر خوبه سره سکر کي دلنيس وينم  
 د اوصال زيري دي واحده نسبي  
 تله کي چس من رنگي و زمي وينم

عبدالواحد پشان

کیتان سینما:

# دنیای سینما را تغییر داد



فلسفای رانشانی کرد که ژورنالستان آن را سینمای موزی تعریف کردند • در فرجیام فقط اختلافهای همین سینما با سینمای دیگر اوراکشت و نابودتر کرد • شاید کار برداژه کشتن برای او نادرست باشد ، مگر میتوان گفت که مرگی به سواغش آمد • ممکن از دیها- لکتیک آن آگاهی داشت که نخواست ت به دفاع در برابر آن بپردازد • بانا سف که امروز سینمای مارا بیشتر ضد و نقیضها فرا گرفته است ، آنچه سینما میخواست بر آن غلبه حاصل کند •

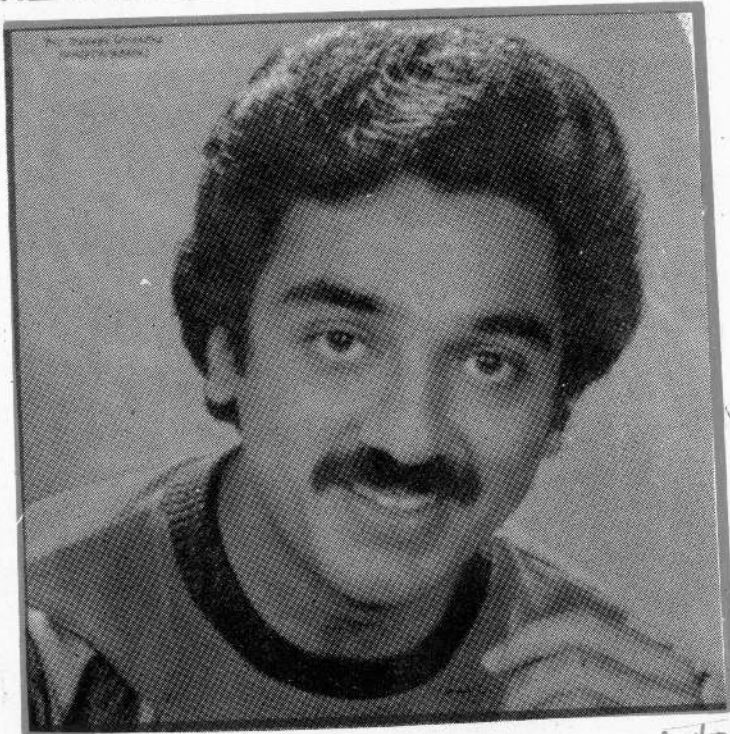
انسان در زنده گی خود چند دوست محدود میداشته باشد که در فراز و نشیب روزگار میتوانند در کنارش باقی بمانند • وقتی که سینما از دنیا رفت چنان نبود که کسی را از دست داده بی که با تو بزرگ شده است • به مرحال مرگ او هم ما هم دنیای سینما را تغییر داد که در هر صورت ت

امیدوارم آنچه من میخواهم بگویم حرفهای محض در مورد یک انسانی که از جهان چشم پوشیده و یک یاد بود شتاب زده نباشد • بیشتر از چهار سال میشود که او زنده نرفته و ما هنوز هم عشق او را در دل داریم • توانایی را که خداوند به سینما داده بود ، باعث میشود که یادش بیشتر در خاطر ما باقی بماند • من برای نخستین بار در سال ۱۹۷۴ در انستیتوت فلم پونسه او را دیدم • او به انستیتوت مذکور آمده بود تا دیپلومش را تمام کند • با دیدن او با خود گفتم که چهره سینمای دارد ، باید هر چه زود تصویرش را گرفت • کترین کماتی موجود اندک چهره بی چون سینما داشته باشند •

سینما آدم را آگاهی میدهد که در زنده گی چی چیز ممکن است و احساس را داده آن چقدر فریبنده است • او هم بی دوران







کمل هاسن

# سینمای ناکام هند

آنچه مراب خیرت بیشتر و امید دارد ایضت که اینجاءه کس سینمای ساخت بیسی را به باد انتقاد بیستزه میگرد از هنریشه ها گرفته تا کارگردانها موزیسین ها و تئاترگران ، اما کارها همانگونه که است ، جهان دارد . مثل اینکه آب از آب تکان نخورد به خاطر دارم چندی قبل یکی از کارگردانهای نام آور سینمای هند به من گفت : کمل توبه غرور چاق شدن مهوری و این خطر بزرگ هر لحظه ممکن است ترا از ستم بلند هیروی شماره اول به زمین باندازد . "وقتی به حرفهای او فکر میکنم ناراحتی ام بیشتر میشود - آهانام تیل - شریک هنرمند به خاطر این هیروی لاغر بودن است ؟ آیا این خودتیک کمیدی نیست ؟ مگر تاریخ هنر به جای ارزشمندها از وزن و سنگینی فیزیکی حکایه خواهد کرد ! من بانا سرف میکنم که سینمای هند بهترین هنرمندان خود را به زمین شو از دست داد : چاق شدن ! اصل شخص نباید معیارها و دیدگاه های هنری تماشاچیان مارا تشکیل بدهد - اگر مابه سوی چنین آینده ای مهوریم ، باید از همین حالا پیشبینی کرد که از دست و آوازی به نام هنر فرستگاه فاسله خواهیم گرفت .

(نوشته حاضر بخشی از کتاب "مباحثه" جلوانی کمل هاسن با گزارشگر مجله ستار اندستایل و نقطه نظرهای این هنرمند درباره سینمای تجارتن هند است )

\*\*\*

نقدانم ، این جنون از کجا به سرم زد که سینمای جنوب را وداع گفتم ، جانب فلستان بیسی اندم .

در سینمای جنوب یک اصل پذیرفته شده وجود دارد ، تقدم هنر بر جهمشده . در حالیکه در سینمای بیسی مساله برعکس است اینجا به چهره حق اولیت و ارجحیت داده میشود .

به عقیده من شاید یکی از دلایل شهرت موقتی داشتن همین باشد ، به خاطر اینکه نهایی چهره پلانا مانست و امانت عمر کوتاه دارد . آرایش صورت با گذشت هر روز در معرض تعدید خطر بیری قرار میگیرد ، اما هنر با گذشت روزگار به سویی جاودانه کی میروند امروز وقتی به تازم نهن فلم تجارتن (که خود در آن نقش دارم) می اندیشم و آنرا با فلماهای جنوب خودم مقایسه میکنم ، سخت احساس ناراضی می کنم . چقدر فاصله است از کیمت و آرا تا ایک دو - جن کی لئی .

آن مانند گذشته نیست . سمیتا از نیمه سالهای هفتاد و تانیمه سالهای هشتاد ، زمانیکه باشام بنگال ، گووند نهالانی ، سنجایت رای خودم و دیگران کار میکرد ، آراء بخشن عمده سینمای هند را به عهده داشت . با آنکه کوتاه زنده گی کرد ، مگر هم او در سینمای ما خیلی نهاد بود . گسره او را دوست میداشت و برای او گسره زنده گییش بود .

نخستین فلم من به نام بهوانی بهوانی در فضای دوستانه ساخته شد . سمیتا نصرالدین شاه ، ام پوری ، موهن گوپل و نیامین جیلانی بدون خواستن کدام پولی کار کردند . علی الرغم آن در لملمه باهم یکجا بودیم ، غذا میخوردیم و چون اعضای یک خانواده باهم زنده گی میکردیم سمیتا زنی بود که طبیعت آزاد داشت و نسبت به رولهای که او در آن کار میکرد روحیه آزادتر داشت . مردم در فلسم بهوانی بهوانی رقص او را به خاطر دارند . باری ما تلاش کردیم تا آن را دور کنیم . به این منظور شو تنگ را از سریلان ساختم . سه روز تمام سمیتا و موهن باهم کار کردند تا آنکه آنها در قالب آزادی محلی درآمدند . وقتی که اولم بهوانی بهوانی را به تماشا نشست ، گفت که واقعا از فلماهای بزرگ است . امروز فلم مذکور از فلماهای خوب و دست آورد بزرگی برای سمیتا محسوب میشود .

بعد از آن فلم هولی را ساختم که نصر و ام پوری رولهای کوچکی را به عهده داشتند . او نیز باید رول کوچکی را به عهده میداشت ، اما بنا بر وظایف دیگر نتوانست . در همان وقت پندار فلسم هیچ وصاله به وجود آمد . او واقعا مهوریمین فلم مذکور بود . او در فلسم رول زن آزادی را داشت که میتوانست کلمه "نی" را بر زبان آورد .

من نمیتوانم در مورد تمام قضایای زنده گی او تماس بگیرم ؛ زیرا که نهاد است و درین مختصر نمیتوانم مگر اجرا کارش خیلی عمده مینماید . فکر میکنم هومیکا رول ترسناکی را برایش سپرده که سمیتا خود را وقت آن ساخته است . به همین گونه از اجبارتا نام میگیرم و هونگامیکه به با هنرگی خود فضا میبخشید ، خیلی دقیق معلوم میشد . و این بود سمیتا ، سمیتا ی که تنها در خود فروخته زنده گی نمیکرد . او همیشه میخواست که دیگران را دست دهد ، دوستی باشد و به آنها بیونند و این یکی از دلایلی که چرا او هنوز هم در دل ما جا دارد .

خبر ما شیرین هفت رنگه محبوب  
ماجک تان در کنار مقبره  
احمد ظاهر هفت رنگه افتخانی

---

گلناره و ستاره دوهنگه  
ماجک تان که در کابل سقر  
هنری داشتند .





خود را محتاج سایه ، همبخت مجنون و -  
آشفته مضمون معزنی کرده بود ، اما سیه‌دی  
حقیقت زنده کی پردرخشش و فرزان‌ش شفا -  
فتر از آن بود که بتوان پنهانش کرد . زیرا  
او بیوسه و خسته‌گی نشناس ( به امید سیه‌ده )  
گام بر میداشت و قلم میزد .

عبدالحسین توفیق شاعر راسته ، پرک -  
ار و متواضع که از لحظه لحظه زنده گمش در هنگا -  
م برداشت و برخوردار با اشیا پدیده ها -  
و روزنه‌های جاری محیط پیرامون رخشنده -  
کی و تلالوی توفیق ورستگاری صمیمی -  
سرانجام به گفته خودش ، (( بار امانت -  
پنهاده بردوش )) حیات رابه منزلگاه رسا -  
نهد و نقطه پایان تلاش‌های سازنده و پسر

درین دیرینه دیردیر بنیاد  
زمانه داستانها میدهد باد  
بیانات در یکدیگر بدانیم  
که تنها ایست مرگه آن میزد

بارش را نقطه تمام گذاشت .

او یکمونه‌ها دو پاک سرشتی بود از سلا -  
له قلم و سخن که هفتاد و سه بار شاهد ورق  
برگردانی بهار و پیاپی بود .  
سه سال داشت که توسط خانواده اش  
به هرات باستان آورده شد ، تا در این مهد  
هنر پرور و تاریخی به معرفت‌های شعرا رف  
و سفرهایی به جانب سواحل رموز و کشف  
دقایق برتر دست یابد .  
وی نیز که به گفته نزدیکانش روان‌نا -  
آرام و ذهن پویشگرمی داشت ، پیه -  
م در دستجو بود و به پیش میرفت .  
در سفرهای به سوی سرزمین معنویت  
فقط از خداوند توفیق می‌خواست و کلا -  
الحی رایگانه و اولین چراغ رغبتی پرست  
شاهراه زنده گمش میدانست .

توفیق در برتونه‌های و با انکس به ترحم  
بی همانندش در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ -  
تحریر کشف المطالب ( آیات مبارکات -  
قرآن کریم ) را از روی قرآن مجید چاپ  
سلطانی همت نمود .

توفیق در طول عمر بیاری پراختیارش  
دامان این خط روشن اندیشه و باور را برای  
لحظه بی رهان کرد . شور پر شور عشق برد  
باتمام قوا جلو و جلو ترفت و چندمین  
اثر دیگر بر مبنای اندیشه‌های عقیدتی  
خوبش به رشته تحریر درآورد . در این  
راستا میتوان از اعلی نامه ، در خط قرآن ،  
الهدیر ( مجموعه بی در حال جذبات  
قرآن کریم که نظم گردیده ) ، برگردش قرآن  
( چیده های منظوم از تفسیر مشهور  
ملاحسین واعظ کاشفی هروی ) کلمه اللهم -  
العلیا و شماری از رساله های منظوم و مشور  
دیگر از جمله کتاب النور ( چیده گلعلی  
از گلستان قرآن کریم ) را نام برد .



# جام و گنجینه

## برجسته‌ترین کار استاد توفیق نگارش تفسیر قرآن مجید است

به گفته \* دانشمند فرزانه امروزگار  
مخترم نیک سیر بزرگترین و برجسته‌ترین  
کار عمل استاد توفیق نگارش تفسیر قرآن  
مجید است که وی آنرا آئین دفتر زنده گان  
نمایش آرزو میکرد که چنین شد \*

میردالحسن توفیق از محضر استاد  
حاجی شیخ محمد طاهر قندهاری گند  
به قول اکثرت، علامه \* زمان خود به شمار  
میرفته همواره میستفید بوده و از هموزبان عربی  
بیادای علم عقلی و نقلی فلسفه و حکمت را  
آموخت \* سپس با چنین پشتوانه، به روش علمی  
و اندیشه‌ی شعری راه پیشه گرفت \* و در جوانی  
به انجمن ادبی هرات راه یافت \* و به کار  
های قلمی اش شوق بیشتر بخشید \*  
اشعار آزاده این شاعر آزاد اندیش  
که به گفته منتقدی نبض زمان در آنجا میتپید  
درجیده \* (وطن) چاپ شده و به همه  
گان قوت قلب و ایمان داد \*  
استاد توفیق اکثرت نبضه هایش را  
در ولایت هرات به اسم مستعار \* جام و گنجینه

دروازه \* اتفاق اسلام چاپ میگرد. انگار  
جام ، آینه حقایق و صفت های جامعه -  
بی بود که شاعر در آن میهنه جام  
در سوره هایش که به شصت و چهار  
هزار میرسد (۱۰ بیشتر آینه دارم زبان بوده  
است هر چند تعدادی از مضامین فلسفی  
اجتماعی ، عشقی و تاریخی را نیز میآمیزد \*  
شعری پوشانیده است عشق و جوانی  
نوازی دل ، گلهای توفیق ، قطرات اشک  
فریادها ، سایه روشن ، جام ، طنین های -  
دل انگیز ، آهنگ صرا ، جهان ما  
پندار ، نقش تاریخ ، جرعه ها ، توانم  
ها ، سوخته گان ، به فرزندان من ، روشنگران  
شگفتی ها ، هرات ، اندوخته ها ، جویبار  
جای پا ، آسمانی ، فانوس خیالی

نجات بیشتر ، سایه دیواره اسپند  
به امید سپیده ها ، بر مزار رفته گان  
رملیات ، جامی و دیار جامی و چندین  
تای دیگر که تعداد مجموعی آنها  
به دویست و بیست و یک میرسد \* بخشی از  
آهنگ های قلمی او در رشته های دیگر  
است \*  
باندوی بی پایان باید گفت که این  
جام هنر و ادب از سه اجل بروی سنگر -  
شدهای تقدیر افتاد . روح ایمن انسان  
بزرگوار را شاد میخوایم \*  
سپهرین

بدون شك با زرين و شايدهم يگانه نشانه تمير كنده زيباي لطافت جلدي باشد . زيباترين چهره از نگاه ساختار اناتوميك با نداشتن جلد لطيف صرف - ميتواند براي يك لحظه ديسدن (آنيهم از دور) خوشايند باشد ، نه براي خيره شدن و تماشا كردن . طرح و ادايه \* اين بحث از در نقطه نظر متفاوت و درنگ بهتر ميخواهد :

تا بدست آن موسيست كس به خاطر پوشيدن لباس نازك و كثر ميتوان قسم زيادي از جلد بدن را بدون پوشش نگاه داشت به عبارتي ديگر تا بدست وقت مناسب براي شاپي جلوه هاي زيبايت اما اين امر در شرق و غرب از هم چقدر رفتار و دارد ؟

در كشور هاي شرقى همچ آنست جلدي به جز سرطانيتهالديت كننده سر از سر

موي براي زنان و - دختران نيست به خاطر اينكه فيصدي زيادي از مرد ها در برابر موي جنس مخالف به صور نفست آوري حساسيت نشان ميدهند . در اين كشور ها نظر بجرخي از معمار هاي عنعنه مي رفت - هنگي ، پر مويي از جمله بد - بختي هاي يك زن تلقى ميشود ، زير در ميان مردم پر مويي با تخيلات غير علمي مانند نقص جنسيت داشتن و نيمه مونث بودن و عقايت هاي احتمالي و خشونت طبع و كج - خلقي و غرور و غرور توام ميباشد . حال آنكه غالباً بين نيمت .

در كشور هاي داراي سطح زندگي بلند و كلتور متفاوت از شرق پر مويي زنان اصلاً پديده قابل توجه نه تنها براي جامعه بلكه حتمى براي خود زنها و دختر هانميباشد .

براي برون آوردن مويها ميتوان جهت خود شاييد ولد تيفسشر نيز تعريف شده است .

بشر از اينكه در باره شوره ها و روشهاي كوناگون از بوسن بودن پر مويي سخنان نشرد و مي گفته شود ، بهتر است بدانيم پر مويي چيست و چي گونه به وجود مي آيد .

پر مويي ( پايه اصطلاح علمي هر سوتيزم ) عبارتست از موجوديت مويهاي غير طبيعي و انساني در قسمت هاي غير شرمه بدن به ويژه در روي ( اشداد پاييني شقيه ها ، زنج ، پشت لب ) و قسمت فوقاني ابتدا د و جانيه \* كردن در زن ها و دختران .

اسباب :

۱- اساسي ترين سبب پيدايش هر سوتيزم مبالسه ارثيت ( از جانب مادر ) كه بيشتر به پند نسل و يا نژاد و خان ارتباط ميگردد ، دختران كند ميگن و يا سوز كه در آري مويهاي تيره سياه و يا خرمي ساي باشند ، بيشتر از ديگران به اين آفت مبتلا ميشوند .

۲- قوت فعاليت و پر خاري بوي از حد يت تعداد از -

۳- شماري از آفات و - امراض جلدي ( به ويژه در - ماتيت ها ) سرعاه سبب هر سوتيزم ميشوند ، بايد گفت كه يت تعداد ديگر باعث ريز : آني مونيز شده ميتواند .

۴- تقريباً تمام امراض اندوكراين ( آفات غدوات ) داراي افزايد داخلي و تشويشات و تغييرات وظيفوي هورمونيه مخصوصاً در زمان انقطاع طبت ( پائينگي ) ياد و ران پايان يافتن خصلت جنسي - زنانه در سنين پيشرفته ، بسا - عت هر سوتيزم ميگردد .

۵- امراض نظير پلاستيمت توموري و آفات خبيثه نيز مستقيم و يا غير مستقيم ( از سريت سر - سم زدن تعداد هورموني سر - سوتيزم را ياري آوردند .

۶- امراض كهستيك ما - نند سوست عاري تخمدان ، - امراض غد و قوت الكليه و ساير غدوات مترشحه مانند نخاميه و درقيه نيز سبب رويدن موي هاي اضافي مرسوند .

۷- فشار خاي عصبى ، - منيجانات و تالوف پيشرفته روانى ، اندوي طولاني (مخصو عا\* رنج بردن از پيدايش موي اناني ) نه تنها زمينه

فدوات خار در دوران بلوغ به طور ناگهاني همراه با تشو - شات و ناپهنجاريهاي عادت ماهوار يك زنك خطر براي - پيدايش هر سوتيزم بوده مى تواند .

۳- شماري از آفات و - امراض جلدي ( به ويژه در - ماتيت ها ) سرعاه سبب هر سوتيزم ميشوند ، بايد گفت كه يت تعداد ديگر باعث ريز : آني مونيز شده ميتواند .

۴- تقريباً تمام امراض اندوكراين ( آفات غدوات ) داراي افزايد داخلي و تشويشات و تغييرات وظيفوي هورمونيه مخصوصاً در زمان انقطاع طبت ( پائينگي ) ياد و ران پايان يافتن خصلت جنسي - زنانه در سنين پيشرفته ، بسا - عت هر سوتيزم ميگردد .

۵- امراض نظير پلاستيمت توموري و آفات خبيثه نيز مستقيم و يا غير مستقيم ( از سريت سر - سم زدن تعداد هورموني سر - سوتيزم را ياري آوردند .

۶- امراض كهستيك ما - نند سوست عاري تخمدان ، - امراض غد و قوت الكليه و ساير غدوات مترشحه مانند نخاميه و درقيه نيز سبب رويدن موي هاي اضافي مرسوند .

۷- فشار خاي عصبى ، - منيجانات و تالوف پيشرفته روانى ، اندوي طولاني (مخصو عا\* رنج بردن از پيدايش موي اناني ) نه تنها زمينه



مساعد کنند ، و رايبراي رويدن آن فراغم تر ميسازد ، بلكه هر سوتيزم را به وجود آورد و آنرا تشديد نمي تواند .

۸- عوارض جانيي يسك عده دوا سايز كه طي شوره ساي منشم صوتني تعداد و استعمال ميشوند ، دوا سايز نه عوار - جانيي آنها انشرا سبب رويدن موي سوسند عبارتند از :

- مشتقات درو ، كورتيزون ، قرصها ، يد حامله كي ، - دنيا زون ، ديلا ندامون و ديلا نتين .

۹- استعمال زياد لوازم آرايه ، تيز در زنهاي دونا سون عسريات و رنگها و آرايشي دن هد ايت و مشورت داکتر ناگهاني سبب هر سوتيزم شده ميتواند .

سوره سا از زين سرگن هر سوتيزم در دم او مرسود

تستين علمي آن ميسازد ، با از زين رفتن سبب اسن ميتواند از - پيشرفت آن جلوگيري نمود ، اما در ساير مويهاي اضافي موي سوسند ، عوارض مختلف زرين نشا كتون نشيه خوب داده اند : الف - سپيد ساري :

سپيد ساري اصطلاح پذير - شده شده براى مشورت ساختن موي زرين جلد است ، كه بهتر بود آنرا زرد نارنجي ساختن ميتواند ، زيرا با استفاده از رنگها ، بدون تلفيق و سهولت ميتوان تنها سر سوسند را از زين برد ، نه خود مويها را ، از آنجا بيه ادويه مخصوص سپيد ساري در - سماري از زنها و دختران درجات بلند حساسيست - ( خارى پندیده ني ) سوسند و لكه شدن و تشو و رايار

من آورد ، لذا درست تر است كه بيز از استعمال اول در - ساحه به اندازه يت حكميكار آز موده شود .

دواي تهيه شده را با يلاي يك ناحيه كوچك بدن تطبيق نموده و براي پوست دقيقه انتعار بكنيد ، در صورت نداشتن عكس العمل پيشگفته ميتوان از آن وسيعاً استفاده نمود ، اما ياد داشت هاي زيرين بايد به خاطر سپرده شوند :

۱- استعمال مداوم ادويه سپيد ساري براي جلد ناحيه آسوي مرساند .

۲- بهتر است ، دواها به فواصل حد اقل شتر روز و استعمال شوند .

۳- مايليات سپيد ساري مشر تراز پودرها و يا كرم هاي آنتي و آنرا ميتوان در خانه نيز تهيه نمود ، به هر چه ذيل : در حد و د شتا هشت گرم - صابون ورقه ورقه تراز شده رادر پوست سي سي خايد روجن پر - او كسيد حل نموده با لاي آن نخست سه قطره امونيا و پس از دو دقيقه دو قطره گليسرين علاوه نماييد ، مواد قوت را تا يله به سم آميخته و براى ( ۲۰ ) دقيقه انتظار شهيد ، ترتيباً ناعله براى استفاده مناسب است .

۴- تب از استعمال دوا و بر رات تا مومي مورد تشسر با كرم ريز ( مردانه ) ، ناميهو - سا ، سپيد اسفا ، محلولات معتدل سستشو و ملام سازنده نرم ساخته شوند .

ب : ترا سيدن :

ترا سيدن سريعتر و سهولت آما ترين سوره دفع عت سوتيزم است ، اما نتيجه آن مؤقت است ، زيرا پياز آن سالم ميسازند ، اما اينكه ميگويند ، مويهاي تازه نه پس از ترا سيدن مرسوند قوت تر و خشن تر ميباشند ، - حقيقت ندارد ، البته ترا سيدن لطافت جلد را از بوسن ميسورد ، مراعات نکات آني در اين شوره لازم است :

۱- هرگز نبايد مواخشت ترا سوده شوند ، زيرا آفات -

جلدي و خيمه ياري آورد - ۲- نبايد مويها را برخلاف ست و ميلان رويش آن ترا شهيد ، ( مثلاً از پايين به سوي شقيه ) جهت ترا ساري بايد مطابق موافق ميلان رويدن موي باشد .

۳- ده دقيقه قبل از ترا سيدن ، مويها را با كرم هاي مرطوب سازنده ، ملام ساخته و پس از پنج دقيقه نخست ساحه را با شامپوي خفيفه اطفال شسته و مويها را ترنگهداريد .

۴- حساسيت جلدي در مقابل تيج فزي همواره بسا تشديدن مويها ، سبب ميشود ، سرف در نواحي كوچك موي - استعمال دارد ، نه مواخشت ، قوت بوده و با بر ميدن ، از سياز خود كنده شوند ، مشورت امين سوره از زين رفتن دايي مويها ، اناني و نر آن در دستا بودن ميباشد ، به خاطر - بسياريد نه :

۱- استفاده از بر شدن مودر ساحات بزرگتر و رنج تشر بدن ، زياتياراست و امراض جلد را سبب ميشود .

۲- بين خريار بر شدن موي بايد حد اقل پنج الي شتر ساعت وقفه زماني وجود داشته باشد .

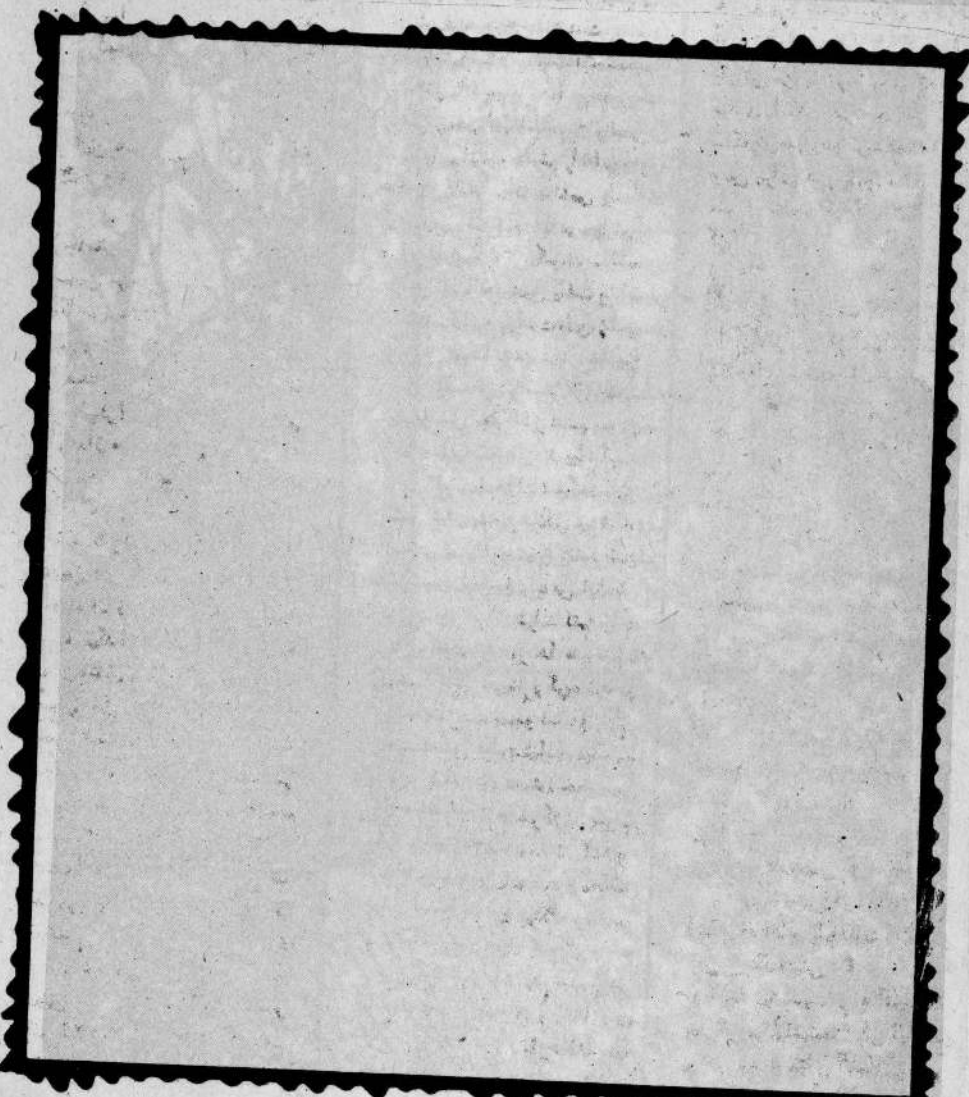
۳- افزايد ساري موي آن بر كنده شده است ، به شتر از دو بار با زيم موي تازه مرسود ، ديمر از ادايه اين سوره صرفي تشسر نماييد ، زيرا در دم اول خطرات آفات معمولي و در مراحل پيشرفته تر سرطاني هاي جلد وجود دارد .

۴- ديان نگهداشتن ساحه آني كه موي آن بر كنده شده است ، به خاطر مگروس تشدن حد اعلاي احتياط به كار است .

۵- براي اينكه بر كند موي به سهولت رويدن در - بيه در صقه ( ۸۸ )

# از سوزانند جلدي كه

نوشته دوكتور اسنند و با همكاراي نوحه و س سركا



میگوید: من به خاطر اعتراضی  
نزد شما آمده ام. از سبب بهترین  
و تلخترین لحظات زنده گیم  
به شما جنایت میکنم و رازی را  
برایتان فاش میسازم.  
بعد انگشتان خود را در جیب  
های پیراهنش نیرو میبرد. شرم  
زده سویم میبندد. نگاهم در  
نگاهش من نشیند. چشمها -  
پیش غمزده میشوند. مانند آه  
است که همه زنده گی او در  
چشمهایش جمع گردیده است.  
در چشمهایش درد است  
خزان زنده گیت هیرسادی  
آرزو هاست. در چشمهایش  
قصه نوره زار هاست. رازش  
مردن است و راز سوختن و -  
ساختن است.

و حقیقت این است: نمیدانم  
کجا آغاز کند. شاید هم دارد که  
مبادا نام او را بر زمین مجله  
بنویسم و یا شاید هم ندارد.  
وقت میگذرد و من قلم به دست  
چشم به دهانش دوخته ام.  
اندکی در جایش جا به جا  
میشود. و بعد میگوید: بگذشته  
من هر لحظه مانند فلم سینما  
از مقابل چشمهایم میگذرد و سرا  
به سختی می آزارد. درین قلم  
دختری را می بینم که همه سر -  
ماهی هفت و شرافت خود را به  
پاد فنا داده است.  
دختری که فقط فاصله بین  
خانه و مکتب را میدانست. به  
خانواده اش انس داشت.

هستنی هایش را دوست  
داشت و استادش را احترام  
میکرد. بگذرد از این فلسف  
لمنتی که هر لحظه از مقابل  
چشمهایم میگذرد و زجرم مید -  
هد. برایتان بگویم. آن را بنویس -  
بمسجد تادرس باشد برای -  
دختران جوانی که چشم و گوش  
بسته به منجلا بیدنامی سرو  
موروند. لطفاً به خط درشت  
به همه مادرها بنویسد که  
مراقب جگر گوشه هایشان باشند  
و نگذارند دختران معصوم  
شان به سر نوشت من مبتلا  
شوند.

ببینید. حال من چه استم یک  
درس عبرت. یک لکه تنگه یک  
زهر تلخ. من یک زخم همک  
زخم ناسور. من هر لحظه رنج  
مهرم. درد میکشم. رنجی  
که نمیتوان آن را انداز گرفت.  
درد من تقسیم کردنی نیست  
اما گفتمی است.

من در اگر دستف ۱۱ یکی از  
لیسه ها بودم. در اگر خوب  
و لایق صنف خود بودم. با و ر  
کمند خیلی خوشبخت بودم.  
خانواده ما یک خانواده نمونه  
بود. آینده ام را از در چینه  
خوشبختی نظاره میکردم. همین  
داشتم که گل سعادت و خود  
شبختی در زنده گیم میکشید.  
آن وقت همه وجودم بهار میشد.  
براز شکوفه میشد مانند هر

دختر جوان از روی رفتن به  
خانه بخت را داشت و لب  
اقنوس که دستهای گل خوش  
شبختی ام را بر پر کرد. خانه  
بختم ویران شد. دستهایم  
بهار و خزان کرد. امسک  
در رگهایم مرد و من امروز یک  
کشتزار سوخته ام. یک زمین  
نور زده.

این همه یک سال قبل اتفاق  
افتاد. استادان حالان را پیش  
رو داشتیم و - ال تعلیمی به  
فرجامش نزدیک میشد. ماری  
صمیم ترین دوست من بود.  
ما گاهی به خانه همدیگر میر -  
فتیم و در درسا همدیگر  
را کمک میکردیم. آن روز که  
فر دایش امتحان الجبر داشتیم  
ماری از من خواست تا به خانه  
اش بروم پذیرفتم. خوب به  
پاد دارم. ما یکی دو ساعت  
الجبر کار کردیم. در خلال  
همین دو ساعت ماری هر  
لحظه اتاق را ترک میکرد و سرا  
تنها میگذاشت. بار آخر که  
ماری اتاق را ترک کرد و من  
سرگرم حل معادله می بودم.  
کسی هسته ادهسته از عقب  
به من نزدیک شد تا خواستم  
روم را به آن سو دور بدهم  
دفعته. دستان قوی و نیرو -  
مندی که بدون شک دستهای  
یک مرد بود پاد ستایم و  
دهنم را محکم گرفت. بی وی  
تندی شبیه بوی درای خشک  
ببینی و دهنم را پر کرد. هر  
قدر تلاش کردم نتوانستم خودم  
را نجات بدهم. بعد از یک  
کشکش خسته کننده تصور  
کردم تم سبک میشود و من در  
بحری فرق می شوم. معلوم  
نیست چه مدتی بین نیمه بس  
هوش قرار داشت اما در تمام  
این مدت حس میکردم جسم  
سنگینی مرا در خود میفشارد و  
بوم تم در قالب دستهای -  
کسی شکل میگیرد. کسی بسا  
درنده خوبی تن صحت مرا  
در بازویان خود میفشرد. وقتی  
به هوش آمدم در یافتم که کسی  
و یا کسانی به من تجاوز کرده  
اند. ماری را ندیدم. بسا  
آبروی بر باد رفته و چشمهای

اشکیبارا و تن لرزان راه خانه  
را در پیش گرفتم. همین که  
وارد اتاق خود گردیدم و درس  
را بهانه قرار داده دروازه را  
ببرم بستم. همه وجودم میسو -  
خت مشقیقه هالم از شدت درد  
شهر میکشید. نمیدانستم  
چه کنم؟ به یاد ندا رم که چه  
کردم چقدر گریه کردم. و لسی  
گریه نمیتوانست آشتی را خاموش  
کند. ولکه سیاه بدنای را از  
دامن من بپوشید. دقیقه هفت  
از بی دقیقه ها میگذاشتند  
اما زمان پایان نمی یافت و شب  
به صبح نمی پیوست. آن شب  
نا قوس بدنایم در گوش هایم  
صدای برداشت. از آن شب  
شکجه روح من آغاز شد و من  
زندانی زندان بی دیوار گرد -  
دیدم. از آن روز زنده گی من  
ملو از رنگها و بی رنگی هافند  
و من ساهی و زشتی زنده گی  
را لمس کردم. در باقی اضا -  
عات نتوانستم اشتراک کنم. به  
بهانه مریضی روزها دروازه  
اتاق را بروم بستم و گریه کردم  
از یک سال بدینوشب و روزم  
در یک کابوس وحشتناک میگذا -  
رد ماری آن مار خوش خط و  
خال را دیگر هم هرگز ندیدم.  
نمیدانم چه تعداد دختر کاش  
معصوم را به بهانه حل معا -  
دلات الجبری به پرتگاه بد -  
نامی افکنده باشد؟

چندین بار خواستم خودم  
کشی گم ولی یک فکر و یک اند -  
یشه مرا ازین عمل باز داشت.  
تکر انتقام از دوستی که دوست  
خوشبختی و سعادت من بود  
دوستی که راه نشاط را بر من  
بست و خنده را بر لبهایم -  
خشکاند. انتقام از مردی که  
هرگز چهره اش را به خاطر  
ندا رم. تم ملو از نفرت است.  
همینکه به بستر مهرم تصور میکنم  
قبری پیش چشمهایم در هن باز  
کرده است. خواستگارها همه  
وقت به خانه ما می آیند و لسی  
جواب من همیشه منفی است.  
ببچاره مادرم چه زن خس -  
بوست زیاد میکوشد از من  
جواب مثبت بپسندد ولی چه گونه  
میتوانم بگویم: ماد را دخترت

نمیتواند به خانه بخت برود.  
به عوض پیراهن سپید عروس  
اورا کفن بپوشان زیرا که بخت  
دخترت را از دست داده اند حالا از  
هر چه مرد است بجزارم. از همه  
آن ها نفرت دارم. دستهای کتشف  
جوانی من یا دستهای کتشف  
مردی مانند ظرف چینی بروی  
سنگش هوا و هوای شکسته است  
و من برای هر پارچه آن تسا  
سرحد خسته گی گریه ام.  
گریه دخترت را مجال صحبت  
کردن نمیدهد. کلوش پسر  
میشود. از چشمهای زیبایت  
که در نظر من از آسمان خدا  
پاکتر اند قطرات اشک چون -  
دانه های مروارید من هم بر  
رخساره های رنگینیده اثر فرو  
مهریزند. یک لحظه تصور میکنم  
بزرگترین بحره ناپیشتی رو هم  
سریزه کرده است.

دخترت اشکهایش را بسا  
بخت دست پاک میکند و میکشند  
بین حالان یک آدم تنه  
استم. آدم تنها بازنده کسی  
تبی و برج. با آینده نا  
معلوم. برای مادرها بنویس  
و ده که شمارا به خدا متوجه  
دختران تان باشد به آنها  
زیاد اجازه رفت و آمد به خانه  
دوست و همسفی راند همد.  
من پرسم وقتی آن حادثه  
اتفاق افتاد چه را والدینت را در  
جریان نگذاشتی؟  
از آنها میترسیدم. آنها  
حقا. مرا میکشند. ولی ایگاش  
میگفتند ما دستان آنها از رنج  
مرگ تدریجی رهایی می یافتیم.  
بعد میخواهد برود با اجبار  
قدم بر میدارد. من از عقب او  
را میکشیم که لرزان پس تما دل  
آهسته آهسته چون سایه  
بی از روی زمین برچیده میشود  
و لحظی بعد چون ستاره ای  
که افق زنده گیش را کمر کرده بسا  
شد ناپدید میگردد.  
حالا که این سطور را می نویسم  
چهره معصوم و چشمهای گریه  
آورد او پیش نظر من می آید و شاید  
تا دیرها تا شنیدن من راز دیگر  
و تا نوشتن یک کشتزار سوخته.  
دیگر نفس خاطر می باشد.

# اخبار نوشته اولی سعادت

## مشال خوشبو

مردی به اتهام قتل محاکمه میشد و قاضی رویه مرد کرده گفت: شما چرا آن زن را ازبام انداختید؟

مرد گفت: به خدا سوگند است که از پشت سرمش خوشبو معلوم میشد.

ارسالی محمد نعمت "مهینار"

## عذر بلندی

### از گناه

آواز خوان بد آوازی که در یک پروگرام تلویزیونی کسرت داد و بعد از آنکه برنامه اش را اجرا کرد و از تلویزیون بیرون آمد معده ای از مردم را دید که با چوب و چاق در جلو دروازه خر و جی ایستاده اند و حالت تهدید آمیز دارند.

آواز خوان با ناراحتی گفت: انشاء الله از بابت اینکه صدای من خوشتان نیامده باین کاری خونه خواهید داشت!

یکی از آن ها گفت: نه ما با آن کنی کار داریم که ترا به تلویزیون آورده!

## تصرف با بیستگال

بایسکل یک قاطر آهنگس است که دو پادار چون جو نمیخورد از آنرو خیلی لاف میزند است بوسله گوشه اش هدایت میشود قبحین لازم نیست باید در شکمش لگزد ها تیز تیز برود و برای ایستادن گوشش را محکم باید گرفت.

دو دفتر تبلیغاتی ریاست بنظری خبر میدهند که ترافیک یکی از جاده هاد رفته کنترل به خواب عمیقی فرو رفته که در اثر این خواب و چادری خالص نی رانند باد موثرهای تیز رفتار که آخرین درجه سرعت را گرفته بودند به فضای لختا-هی پرانند به نقطه نا معلوس برده است. خبر اعا ف می کند. ترافیک هم چنان مصروف دهن خواب های شهرین بود. قصبه تحت تحقیق و بررسی خاص کجا در ری اثر را از دست داده قرار دارد.

امروز شاگردان و دانش آموزان کتاب ولیسه هسا نخستین دور امتحانات شان را در فضای کاملاً دموکراسی با نقل های طوماری و تازی آغازند.

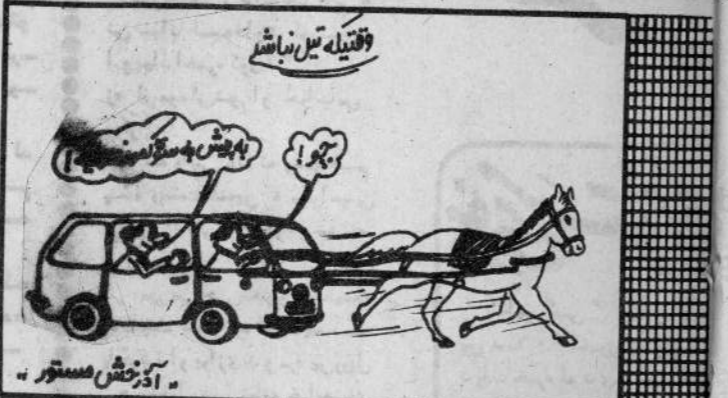
خبرنگار ریاست بنظری گزارش میدهد که در جهان امتحانات معلمین و معلمات حاضر بوده با این که حضورشان لریزه بر اقدام امتحان دهندگان انداخته بود و با آن هم با ملاحظه نقل های نقل و ریزان صمیمانه تیرخود را می آوردند و خبر می افزاید که یکی از اعضای مفتشون و اعتماد شاگردان را در زمین تهیه و تدارک تابلوها به سایر های مختلف عالی دانسته و آینده بسیاری حتی در سطح تحصیلات عالی برایشان پیش بینی نمود. گزارش علاوه میکند که سهم و سهم داران نیز چون سال های گذشته در این دور امتحانات قناعت بخش بوده است.

پروترکول دوستی همکاری دو جانبه بعد از نصف دشب میان ترافیک و تکسی ران یکی از محلات مزد حم شهرد رضای آرامی که گاهگاه با صفا ای ملول آبی خند ق وسط سرك مختل بقیه در صفحه (۸۱)

# خواب پریشان

گفت: شما خجالت نمیکنید که بالای مرکب دو نفره سوار شده باشید؟  
گفتم: من شنیده بودم که روی با-سکل دو پشته سوار شدن را ترافیک شغ کرده ولی در مورد مرکب چیزی نشنیده ام! فغان در حالی که از خشم سرخ شده بودند گفتند:  
- حیوانک معلوم را از دست نمیکند.  
تازه متوجه شدم که روی موس تری که آنان از آن پیاده شده اند نوشته شده: "انجمن حایه حیوانات". فهمیدم که کارم زار است مرا سه صد افغانی جریمه کردند. جریمه را برداختم. یکی از آن سه نفر پرسید:  
- اسم این حیوانک چیست؟  
خیال کردم بپریم را میگویند. گفتم: "فصلو". گفت:  
این مرکب قشنگ را میگویند نه پست را.  
و از غلطی هدم و گفتم:  
نام ندارد. من او را حیوان - بقیه در صفحه (۷۲)

اندیشه ها و چرتها به خواب رفتند. اما میدانم چن خواب دیدم.  
- باغچه نشان دادیم تا او خواب را که دیده است همه کند. فقیر جان او امه داد.  
خواب دیدم که یک خردارم و با پسر فضل احمد جان در راهی روان هستم. ما هر دو در مرکب سوار بودیم و با هم آهنگه "اگر جلوه نمانی" را زمزمه میکردیم در یکی از جاها ناگهان موتری شبیه امبولانس پهلوی ما توقف کرد. و سه نفر از موتر فرو آمدند و به سوی ما آمدند. یکی از آن ها کتابچه اش را از جیبش کشید و قلم به دست گرفت و از من سوالی کرد:  
اسم شما چیست؟  
گفتم فقیر جان.  
او از وظیفه محل حکومت من و سالم هم پرسید و بقیه در صفحه (۷۲)



دختر تروشنندی با یک مرد فقیر و نادار ازدواج نموده روزی به شوهرگفت:  
مودانی عزیزم از جمله چیزی که من در خانه داشتم یکی هم شادی بود که خیلی خوشم میآید. مرد گفت:  
حالا هم اگر دلت میخواهد - برای شادی میخرم!  
زن گفت:  
نه عزیزم، حالا که ترا دارم همه چیز را دارم تو که با منی فکر میکنم شادی ام در پهلوی من است.

# خواب پریشان

آدم که بیچاره ماند چه افکاری نیست که به گله اثر - خطر نمینند. من و فقیر جان و مدبر عهدال و سر معلم فقیر همان طوری که یکجا بکتابخانه پایان رسانیدیم و همزمان وارد مشاغل دولتی شدیم به فاصله کمی از هم دیگر تقاعد کردیم معمولاً با هم جمع میشدیم و یک میز زنده رقصه میزدیم خاطرات و ماجرا های زندگی را به یاد می آوردیم و از دوستان بخفور و مرحوم خود یاد آوری میمانیم فقیر جان که از بانی ما مورد ولست بوده و در پست های مختلف کار کرده و چند بار به خارج هم سفر کرده است همیشه یک کپ را سر زبان داشت مرتب شایه است میکرد که:  
- چرا ما انجمن های حمایتی نداریم. مثلاً چرا - انجمن متقاعدین نداریم انجمن حایه حشرات نداریم انجمن چی و چی نداریم.  
فقیر جان که به قول خود در درباره حیوانات بسیار مطالعه کرده است بیشتر درباره حیوانات شایه حرف میزد.



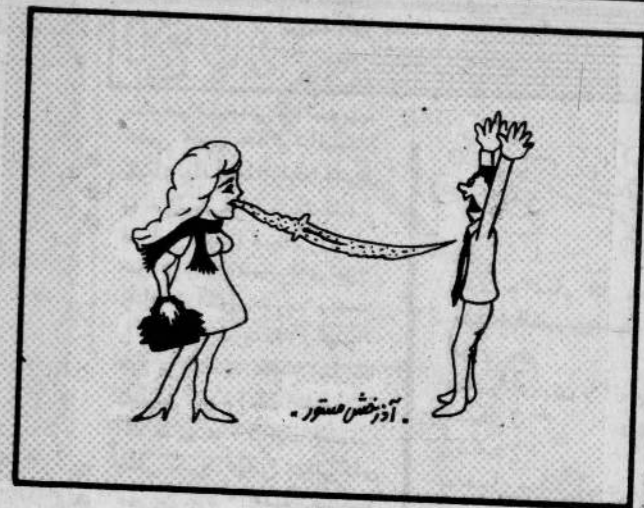
کرده پرسید:  
ملاچی موشی چرا -  
رسمان را به کسرت بستای؟  
ملاکت: میخواهم خود نکسی نامم!  
شخص پرسنده گفت:  
اگر مهل خود کنی داری یا پسند رسمان را به کسرت آویزان کنی نه در کسرت!  
ملاکت: خوه چقدر رهوشمار استی و بیشتر در گردن خود بسته کردی بودم قریب بود که بپریم.  
ارسالی دایانا ارشاد "خند - ان" متعلم لیسسه خدیجه جوزجانی.



فرید شاکرد یکی از مکاتب واقع در یکی از قصبات دور افتاده یکروز آمد پیش معلمش و به او گفت:  
پدرم گفته است تا از شما بپرسم آیا خروس را دوست دارید؟  
معلم پاسخ داد: البته پسر جان و خیلی زیاد دوستش میآید. مگر چه باید کرد؟

شاکرد جواب داد:  
پدرم میخواهد برای من یک خروس بیاورد. چند روزی گذشت اما از خروس خبری نبود. بالاخره حوصله معلم سر آمد و گفت:  
فرید جان مگر خروس را که وعده کرده بودی چه شد؟  
شاکرد گفت: الحمد لله که وضع خروس فعلاً خوب شده است.





# کالیزه

زور په کلي کی چاکلېزه  
 باساکره نه پخوانده هخچس  
 کله مور بارته کده راوگره ه نو  
 دغه لو به موم په کور را ننوته  
 ورم کال مې نیکه چس عمر چس  
 په نوی کلو نوښه اړولې او د  
 آزادی په جگړه کې یې لاس پورته  
 په چه تاوول ه دکاندی په  
 کور کې دده دو پروکې زوی کا  
 لیزی ته تللی و . کله چس کورته  
 راغی نووا رمی زما پلارته سخ  
 وړ وای او ه  
 بچو! په رشتیا چس مور  
 خوشی عمر ترهگر ه نه موخپلهکا  
 لیزه زموه اونه هم د ژوند په  
 خوند پوه شو .  
 پلار مې له واره لخوا ب ورگره  
 باباجانه هته زره  
 خوره ه په نیت کې مې ده چس  
 ستاد کور مې کالیزه ونس .  
 نیکه مې د پلار زخیره په  
 خوله کې ورزیده کړه :  
 ته دکور سوغمه کوه  
 اوس زمانه دکور سوډه ه کا  
 و تر شونډ لاندی موسکې شواو  
 زما مورته یې لسانانه په دک نظر  
 ورکستل ه لیکه چس مور مې دوه  
 درې ورځی دسخه تانه ورکړی  
 وه او ورته یې یو چس [سپین  
 زهر په ه بودا .  
 دنیکه لمدی خبری سره  
 مې پلار مجبور شو چس بله ورځ  
 دکور په چت پوری رنگه کاغذ و نه

مې اناد کالیزی په کله کی پنځا  
 شمسی و تو مېلی اوتیرتال مې له  
 پلار سره دکالیزی شوو پید ا  
 شو . پلار مې دکله له پاسه  
 پنځه دیرتر شمسی ولگولی اوبغا  
 مې مړی کړی ه مور مې دکالیزی  
 په ورځ له پوی حوانی پنخلسی  
 کلنی پینلی خنجه هم زیاته سره  
 او سپینه پرقیده ه خنجه چس  
 پنځه ویشت کلنی یې ثابت شو ه  
 او هغه په دی چس خان زمانه  
 پلار خنجه لس کاله کشر بولی .  
 خو تر توله په زړه پوری دا د ه  
 چس همدا سز کال خووړ خس  
 د مخه مور راته وویل :  
 " زویه ! ستا په کالیزه کسې  
 به کله و خاندو " .  
 له دی خبری سره یومشبهه  
 په چرت کی شوم ه خنجه چس  
 د مور کشر زوی وم ه که خه هم  
 دتذ لری له مخی خلور دسر تر  
 کلن مې ه خود عمر پتو لو پسر  
 خه کی مې دخپلی کور سید  
 د رواغو پتو لو په خاطر مور ته  
 وویل :

مورجانی [ زه تراوسه  
 پوری لا زېږېدلې نه مې هکله چس  
 وزېږېدم بېاد کالیزی خبره کوه .  
 مور مې له خنجه راته وویل :  
 " وې بچمه ! داته خس وای ه  
 نن سجاد لسوخاوند کسېری  
 او بېاد خبره کوی ؟  
 زه لېر موسکی شوم او خواب مې  
 ورکړه .

بڼه وایم ه که ته رشتیا هم  
 پنځه ویشت کلن مې ه نوداس  
 یې پوه له چس زه لاتراوسه نه  
 مې زېږیدلی .  
 مور مې چس خپلی اشتباه  
 ته متوجه شوی وه له خا په  
 پاخېده او یوازی دو مړه یې وویل  
 " رشتیا مې زمانه خرابه شوی  
 دده ه که نو زوی خنجه مور ته  
 دا خبره کوی .

# مرښت

براتی وروسته دد وه درې  
 مياشتوپه یونور خبرات پېښ شو  
 د واره یې خان کوچ ته کسې  
 ترخو درې نفری غوری په یوازی  
 سره ووهی ه همغی چس وایې  
 پېس پېسو راخی د طالع  
 پسر طالع راخی ه لیکه دبراتر  
 دلس دم دخیرات آشیز راخوت  
 نود ستر کویه ستر گرکیدو سره  
 د فورس دغوښو دت قاب پسر  
 غوری اسانه شو ه براتی هم  
 خوراک تمداسی دوام ورکړ چس  
 ته به وایې دخوړو لو په کوهسه  
 مسا بقه کی یې گدون کړی و ی  
 او د پلو همنخ دیوست مې  
 ردنه کړ همپشه و چس په دستر  
 خوان بانده ی او رد اوورد و غزید  
 اوبه لسوتوبی په زینل کې وا  
 چا وه اود شفاخانې به لوری یې



دینار و کپه  
 هسې لال : باغچون  
 په کور کې هم د ماشومانو د  
 مور له لاسه پرتاویج را بانندی  
 توره شهید ده . هر سهار چس  
 دهند اری ترنخ د پیری خربلو  
 لپاره د پېر ه نو په تر سوسو  
 تند ی اوله گواښ نه دک غز راته  
 وایې :  
 " بېاد چاله پاره رېزه خبری ؟  
 ضرور له بل چاسره تارغو لسی  
 یې ه که دغه ماشین مې در  
 لخنس په لنکری کې ونه تکاوه ه  
 دیوکللی لور به نه مې .  
 که سپینه یې ووايم اوله تا  
 سویی پته نه لیم نو دا پنځ شپږم  
 ماشین دی چس دچ مرېکسی  
 غونډی زمور دکور په لنکر کسې  
 تکړی .

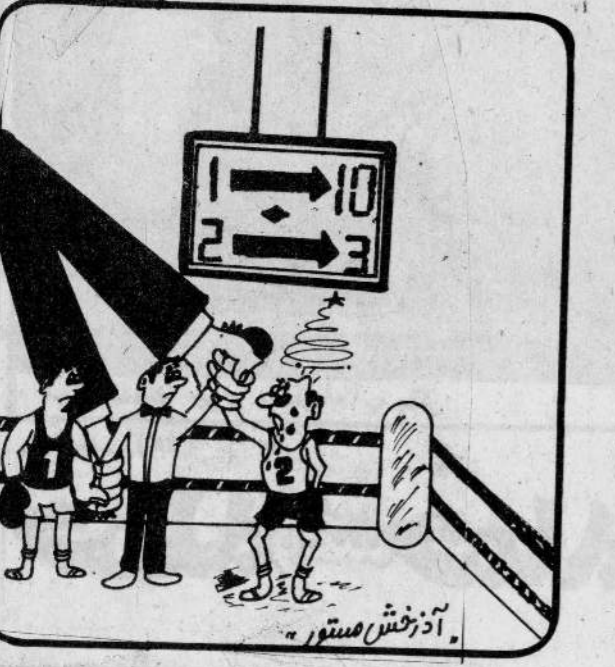
# نوی ستوری

# د یاتو توگی

# غوره شوی معلومه

تېت قد په کتاونه لسوړ  
 پری .  
 په شرو مهوکه چاغېدای ه  
 غوړکه به چاغ شوی وه .  
 د ایمان زوال دروغ دی  
 دتو تو زوال ددوغ دی .  
 گناه په خپله کړی ه لعنت  
 په شیطان وایې .  
 غله ته هر بوتی مسری  
 دی .  
 په خپله خرته لری د پل  
 په آرمپوری خاندی .  
 خره ښکر گېل غوړونه  
 یې بایدل .  
 پتوی اوبیان اوخی تېت  
 تېت .  
 اوزه له لپوه تختیده ه  
 د قصاب کره یې شپه شوه .  
 پېشو چس خوب ونسی ه  
 چوموزک په خوب بکی ونی .  
 اول مېزه به نوسه هاو  
 جسی نسی یې نوتېنگه یې نوسه

د فېل په غورکی وید ه پشی  
 تن سپاسی واسطه ه فیفسه  
 او خپلوی ولری ه نووړ کسری  
 یې خوره .  
 مگر تمخود ایو هم نه لری ه نو  
 بېاداله کومه شول .  
 ساد ه خانه [ یو با جه مې  
 په میخا براتوکی غت سړی دی ا  
 بل په ښاروالی کی وښهغه لری  
 کاکا خسر مې د پېښنا په  
 ریاست کی باشی دی اود او سو  
 رسو لو په ریاست کی مې دوخته  
 همصنغیان کار کوی .  
 اود کور د پاره دی خه  
 سرشته نهولی ده ؟  
 سرشتی مې خوشکې درته  
 وویل چس تولی خلاصی دی .  
 ددغوا سناد و په در لو دلسو  
 سره ښاروالی مجبوره ده چس پوه  
 نومره لیکه راته را کړی ه لیکه  
 چس تلهفون ه پېښنا ه تل او د  
 صفایې کتابچه مې کوره نه وی  
 " ددیالوگ په پای کی دی  
 دلوستنو نکو له خواد قهرگلی دغه  
 سند ره وویل مې چس وایې :  
 " رايخه چس پوه جوړه کړچو  
 نکره په خنکل کی ه خود یاد  
 ولو ورده چس په خنکل کی دی  
 په کابل کی وویل شی .  
 شمشه پورخانه ه خسر . . .  
 بېادی کوم خوامنه کړی ده ؟  
 - تخم چس نن یې دکور د صف  
 یې د کتابچی وعده را کړی ده  
 - مالو مپوری چس دکور خنستن  
 شوی یې ؟  
 - تراوسه خونه مې ه مگر د پسر  
 زړه یې خنستن شم .  
 - خنکه ه او په خه ؟  
 - دا چس کارونه یې ټول خلاص  
 دی او یوازی کور پاتی دی دتل  
 امر مې اخیستی او کارونه مې ورته  
 خلاص کړی دی ه د پېښنا مېتر  
 خود ایو کال کپری چه له امر  
 سره یو خای مې د دفتر په مېز  
 خانمکی کولې کړی دی ه او  
 تلهفون مې هم خو ورځی د مخه  
 له نو مړی سره یو خای تر گرو کړی  
 اوس تخم چس د صفایې کتابچه  
 هم ورته واخلم .  
 - چس داسی ده ه نو ضرور  
 دی کور هم تر لاسه کسړی دی  
 اوزموړ شپرنی دی لیکه چس  
 د کور توغو ندی وکړه کله که خه ؟  
 - شمشه پور کورت خود دی خو  
 خان ته یې نه کړ پوی . کله  
 چس د کور خنستن شوم بېادغه  
 خسر ی کوه .  
 - چس دکور خنستن نه یې ه  
 نو تلهفون ه پېښنا تل صفایې  
 کتابچه دی خنکه تر لاسه  
 کسړل ؟  
 - زو روره ! ته رېښتیا هم چس



# تازه های دانش

## چاقی اطفال و بیماری قلبی

دوکتوران بر این باورند که بیش از نیمی از کودکان چاق در بزرگسالی نیز بیش از اندازه چاق خواهند ماند و در نتیجه در معرض خطر بیماری های قلبی و دیابت قرار می گیرند در این رابطه روزنامه واشنگتن پست در بخش بهداشت خود نوشته دوکتوران متخصص اطفال معتقدند چاقی بیش از اندازه باعث درد سر در بزرگسالی است. این دوکتوران معتقدند عدم خذیه صحیح مصرف بیش از اندازه مواد چسبناک مانند شیرینی ها و شکلات و چاقی بیش از اندازه در دوران طفولیت و بزرگسالی می شود دیگر تلویزیون از نظر فروش کت های تبلیغاتی هیچ مزه یعنی بر سایر رسانه ها ندارد.



اجرای تکنیک تیمو و سانهاال آه آپ چاکی

## حمله و فتل حمله

### تلویزیون بدون اعلانات

برای خلاصی بینندگان تلویزیون از اعلانات فراوان تجارتی اخیراً جایابی ها دستگاهی ساخته اند که به کمک آن تماشاچیان تلویزیون در فواصل برنامه های خوشی خود نگاه نکنند. این دستگاه (۱۰۰۰۰۰۰) نام دارد و تا به حال ۱۰ هزار عدد از آن در کوریا جنوبی به فروش رفته است. در این رابطه تبلیغات چی ها سخت نگران شده اند زیرا اگر رفتار باشد بیننده تلویزیون به راحتی از مزاحمت اعلانات ناچار می شود تلویزیون خلاصی شود دیگر تلویزیون از نظر فروش کت های تبلیغاتی هیچ مزه یعنی بر سایر رسانه ها ندارد.

## حای مثل آپیرین

گروهی از دانشمندان در ایالات این ادعا می کنند که نوشیدن چای در سلاطین انسان اثر مثبت دارد. چای معده دار و مازان چای آن به دنبال آزمایشاتی اعلام کرده اند انواع چای تخم تره هیزیت در خون را تحت فشار قرار می دهد. تجمع تره هیزیت یکی از مراحل اولیه انسداد رگ انتقال خون از قلب است. تاثیر چای به دلیل وجود مواد مختلف رنگی در آن است. این مواد مانند اسپرین برای جلوگیری از لخته شدن خون مؤثر است.

اصول کوریایست که سابقه چندین هزار ساله دارد و در کشور جهانیه آن در کشور کوریا جنوبی در شهری به نام "کوکی وین" است و این - یک کاملاً مبارزه می محض است که حرکات نمایشی در آن کستر به چشم می خورد مگر سبک تکواندوی هوانگ که در کشور چین المپلی آن در کشور کانا دا می باشد سابقه هژده ساله دارد و سبک کلاسیک تکواندو می باشد. حرکات نمایشی آن به شتر از کاراته الهام گرفته است درجه موج تکواندو درجهان به عنوان کاملترین و خوشترین سبک رزمی در میان سایر هنرهای رزمی شناخته شده است. عبدالناصر هرتکی صرفاً از کمیته ملی المپیک تقاضای است تا بخاطر منجم ساختن کامل -

## گلگون روی رانندگی و نگین

باد ریان صحیح کلودرد (تیز - رقی یک پنی - لاین) منابع بروز عارضه قلبی است. این استن تو کوکی یکی از بیماری های نسبتاً شایع اطفال در سنین ۱۰ الی ۱۵ سالگی است که شروع این بیماری در فصول پاییز و زمستان حدود ۱۰ برابر بیشتر از فصول دیگر است. عامل این بیماری "استرپتوکوک بتاهمو لیتیک" گروه A می باشد که به راحتی بر اثر تماس نزدیک و توسط ذرات معلق در هوا، از راه دستگاه تنفسی به فرد مستعد منتقل می شود. یک تا پنج روز پس از ورود میکروب به بدن، علامت بیماری به صورت تب ناگهانی، گلودرد دل درد، استفراغ و گاهی لکه های جلدی شبهه مضمک ظاهر می شود که پس از مراجعه به طبیب در معاینه حلق و رهران این رشته که حده و دفتناد کلس همین اکنون ترین این ورزش را میگردند. راسون را ایجاد نماید هزیرا زمانیکه یک ورزشکار به صورت کلی از آمون ورزش تکواندو موفق بد می آید مجبور است تا از کشور دیگری کمر بند این ورزش را به دست بیاورد که این مسئله در واقع امر اگر خطا نکته باشم احساس می شود. لیتی محض در برابر ورزشکاران است. ماه قضا به کمیته ملی المپیک پیشنهاد می نمود تا بار دیگر خوشرا به اصطلاح "به کوچیه" حسن چپ نژده "پیشنهاد" دات ورزشکاران را به مثابه جزه از فعالیت های مربوط به خوش بداند در غیر آن کمیته ملی المپیک یعنی چی؟

## پیرویزم

انسان بر صورتنا خود آگاه شخص حاکمیت دارد و آنرا تحت کنترل قرار میدهد در حالی که خواب مغناطیسی ضمیر ناخود آگاه را بیدار ساخته حالت می دهد و از آن طریق هر چه خواسته باشد به شخص تلقین میشود به شرط اینکه با کراتر "معمول" این تلقین موافق باشد. "معمول" در حالت خواب مغناطیسی میتواند برای خود و دیگران پیشنهادهای دهد. لیکن همین شخص در حالت بیداری در باره آن موضوع چیزی نمیداند و حتی چیزی را بخاطر آورده نمیتواند.

به پنی سلین از تزریق آن خود داری کنند زیرا بر اثر عدم تزریق پنی سلین تجویز شده توسط دکتر فرزند آنها ممکن است مبتلا به تب روماتیسمی شده و دچار عارضه قلبی - روماتیسمی گردد که تا آخر عمر طفل را گرفتار و احتمالاً زمینگیر می کند که در آن صورت دیگر پشیمانی سودی نخواهد داشت. در همین جالزم به تذکر است. چنانچه اگر کودک بر اثر قلت مبتلا به تب روماتیسمی عارضه قلبی ناشی از آن گردد، برای پیشگیری از بروز تب روماتیسمی از تزریق ماهانه پنی سلین طبق تجویز دکتر به هیچ وجه نباید خود داری شود زیرا با هر بار خود تب روماتیسمی اگر عارضه قلبی وجود نداشته باشد ظاهر خواهد شد و اگر همین بیماری وجود داشته باشد تشدید می گردد. از آنجاییکه در اطفال کمتر از پنزده ساله حساسیت نسبت به پنی سلین بسیار کم است، لذا میتوان به مشوره دکتر آنرا تزریق نمود در این صورت نیاز به تزریق جلدی نمیباشد.

آزروی تان چیست؟ - آزرو دایم عده برای تکلیف یک ورزشکار یک تاز و توضیح در رشته کانگوا هم اولیو دکتر روانی باشم که از طریق تلویزیون بتوانم روزی هیولنا غیبت را تدا وی نام لگه همچنان عمدتاً از ریاست محترم صحبت روانی تمنا دارم از کسانی که به هیئتیزم دست یافته اند در تدا وی میباشان شان طلب همکاری نمایند. - آها شما حاضر هستید در صورت تقاضای ریاست صحبت روانی با آنها همکاری کنید؟ - بسی - آخرین گفتنی تا چه چیز؟ - آخرین گفتنی می اینست که زنده کی خون من می خواهد فخر اقبال رایگانی نیست.

## امریکا و شوروی

دانشمندان امریکائی و شوروی در نظر دارند تا یک گروه بین المللی زبانی بر روی کوه میخ ارسال دارند این برنامه قبلاً قرار بود توسط امریکائی ها صورت گیرد اما شوروی ها نیز حاضر شدند در این پروژه و همپوشانی هر دو شوند. هزینه این برنامه بر روی هشی بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار است و مطالعه ای است که توسط چهار پرفیسور ۲۰۰ دانش جو صورت خواهد گرفت. طبق این بررسی اقرار است یک دستگاه مدار جلدی بد ساخته شود که خرج آن معادل ۳۰ میلیارد دلار است. از زمان کشف لنوز در سال ۱۹۶۰ توسط (امپاین) دان نشمند امریکائی این پدیده مراحل پیشرفت و تکامل را سرعت یافته و طی می سالی اخیر لنوز از اتاقهای ازنا پیشگاه ها وارد زندگی روزمره مردم شده است.

یکی از زمینه های جدید لنوز طراحی دقیق قطعات صنعتی با روشی شبهه بسنه نوی فتوکپی به بعدی است. این روش که با پیوند رشته انفورماتیک (۰۰) پلیمرهاوت لنوز در صنعت جوشکاری و برش قطعات ضخیم فلزی نیز استفاده می شود. در ضمن حال هم اکنون لنوز هائی با قدره بیشتر بسن ده تا پانزده کیلووات در از مایشگاه های مورد استفاده و تراریس گرد و آخرین تحول در این زمینه برنامه نصب یک لنوز ۲۰ کیلوواتی در مرکز فنود تملیحاتی در آرکی فرا - نه است که توسط آن بالغ بر ۲۰ میلیون دلار است.

# تخصصی ورزشکاران

# فرجام عالی و پیشگام عالی

## حالا پدرم یک دایم الحسب است و مادرم دیوانه و بیگانه است

امروز کسی در من فریاد میزند. یک نیروی جدا از من مرا به نوشتن وامیدارد. میخواهم در مورد مسوولان و حمادت بی جاوی مسوولان مادرم بنویسم. زیرا این مساله خانوادها ما را به یاد فدا داد. آرامش زنده گی ما را بر حمانه به هم زد. حالا شب و روز من در گریه یک کابوس است. از همه زنان و شوهران از همه مادران و پدران میخواهم تا قصه خانه ما را به دقت بخوانند زیرا در آن درس بزرگی نهفته است. مادر بزرگ حسودی نبود. همیشه بالای کپه کترین چینی پنهان میگرفت. همه وقت مرا قب حرکات و رفتار پدرم بود اندک ترین تخمیری که در حرکات پدرم میدید بالای پیش ایسرا د میگرفت همین که در مهمانی ها و مهمانی ها پدرم را میدید که باد و مستش و با خانم دوستش صحبت میکند فوراً عنکبوت حسادت و سوء ظن در دلش تار می تنید. وقتی به خانه می آمدند سهل بر مشها و پر خاش هانتار پدرم میشد. بیچاره پدرم در چنین حالات خاموش میماند. زیرا مادر را زهد دست میداد. اما مادر -

ندانسته توشه به ریشه سعادت خود و همه مامزد. در فرجام پنهان صبر و حوصله پدرم تپس شد. روش غیر انسانی مادرم باعث گردید که پدرم به مشروب پناه ببرد. بیاد دارم آن شب هرد و از عروس برگشته بودند. پدرم نشاء بود. به مشکل تعادلش را حفظ میکرد. به مجردی که داخل اتاق شدند باز مادرم شروع کرد: "بگو آن دختر کی بود که چند بار در چوکی مقابلش شستی و کتک کتک زد و خنده کدی. پدرم که سرش را به پشتی چوکی تکیه داد و بعد چند لحظه سوی مادرم دید و بعد از جایش برخاسته از الماری یک بوتل مشروب برداشت. آنگاه مرا صدا زد او گلاس میخواست. من از ترس ماندم. بعد از پدرم گلاس را با قهر از دستم گرفتم. آن را پرکرد. دوس و سو مسو راهم بایک نفس سر کشید. من دوباره به اتاق آمدم در دستم افتاد خواب به چشمهایم نمی آمد رفتم چسبیده به کلکین ایستادم. باز صدای مادر بلند شد که میگفت: او شرابی خوده مهربانی و عشق دخترک ده - سرت زده؟ پدرم نتوانست

تحمل کند آن وقت بوتل را با شدت تمام سوی مادرم پرتاب کرد. بوتل به دیوار اصابت کرد پارچه پارچه شد. چهره پدرم از قهر و غضب زیاد کبود شده بود. بی حال روی چوکی افتاد. چشمهایش مانند دو کاسه خون بود. نمیدانم. مادرم آهسته آهسته چه میگفت که یک بساز پدرم غضبناک روی چوکی نهم خیز شد. و با شدت تمام بر مادرم فریاد زد: "اوزن روی خدا ره بیهن. زنده گی ره سر خود و مه د و زنج نگیوان. من عقیب شیشه کلکین گریه میکردم. آبی آنها من برادر را اصلاً به حساب هم نمی آوردم. بعد مادرم خیلی بی اعتنا از جایش برخاسته زهوراتش را بالای میز آرایش گذاشت و با بی اعتنایی روی تخت خوابید. من به امید آن که دیگر مشاجره آنها به پایان رسیده. به بستر رفتم. تانیه های شب خواب به چشمهایم نمی آمد. اشکها با لاشتم را -

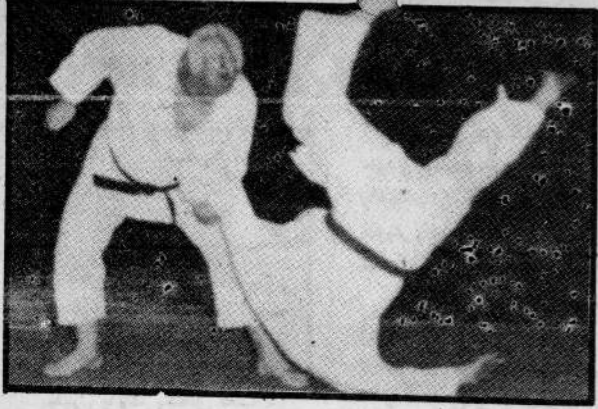
و در میان عشقش گریه میگفت: "اگه بوتل به سرم - میخورد؟" بعد مشاجره تند تر شد تا آن جا که یکبار پدرم فریاد زد: "بس اس دکه زن - هر چه حد و اندازه داره." مادرم بی اعتنا به فریادهای پدرم و چهره های رنگ پریده و تن لرزان من و برادرم گفت: "دکه نمیتوانم کت تو زنده گس کنم. طلاق به بی." این دفعه مشاجره آنها دو سه روز ادامه داشت. گریه ما و مدخله قوم و خویش همیشگی رفتند و بعد آن دوباره محکم رفتند و خیلی آسان از هم جدا شدند. من برادرم با همسرمان ماندیم. مادرم نزد پدرم مادر خود رفت. برادرم ۸ سال داشت. از وقتی که مادر ما را ترک کرد. در ردهای درمانی بنه جان برادرم افتاد. همیشه در آنتر تب مسموخت مریض او ۴ ماه ادامه داشت و یک روز هیچ که لحاف را از رویش برداشتم دیدم که چشمهایش به سقف اتاق مانده اند. شاید او تاب جدایی مادرم را نداشت.

وقتی بار آخر چهره او را از لای کفن دیدم. یک چشم او نیمه باز بود. زنها میگفتند:

او دیده به راه مادران. - بیچاره طفلک دل انداخت وقتی جنازه را میبردند مادرم آمد. مانند دیوانه ها بود. خواست خود را بالای جنازه برادرم بیندازد. مگر پدرم - برایش اجازه نداد. با خشونت او را از خانه کشید و نگذاشت که روی پسرش را ببیند. از آن حادثه یکسال میگذرد. من - تک و تنها بدون هیچ خوشی ماندم. یک سایه لرزان. - بدون امید زنده گی میتم. در حالیکه دختری به سن و سال - من به محبت والدین چنان - ضرورت دارد. مانند گل به - آب امان از محبت هرد و محروم. همیشه با خود میگویم چنین است فرجام حسادت و سوء ظن که کانون خانوادگی ما را بر باد ساخت. ما آواره شدیم خندیدن و خوش بودن را فراموش کردیم.

حالا پدرم یک دایم الحسب است و مادرم دیوانه و بیگانه است. چنین پدری زنده گی میتم و با چنین زنده گی میسازم و مسوزم.

## مغلوب ساختنی بدون...



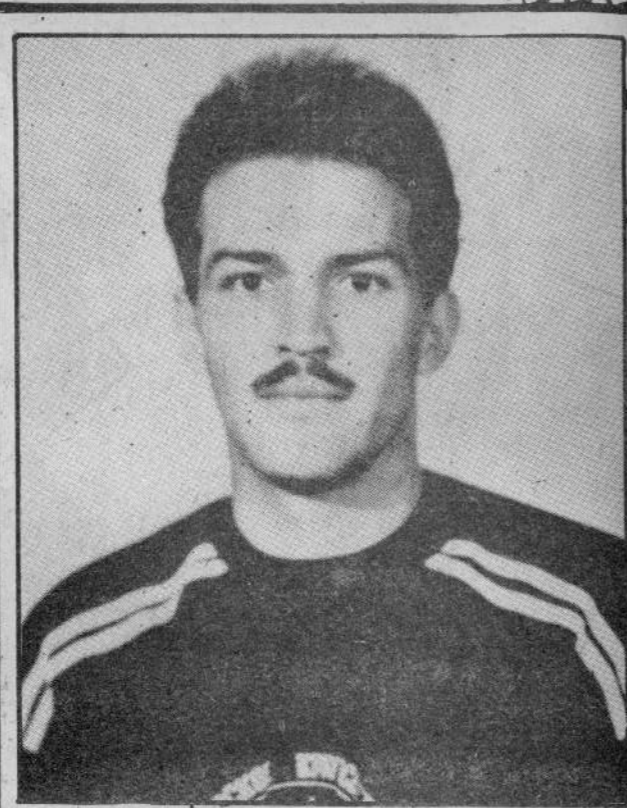
جودو و کاهلی را ازین برد و لذت جودو و بهادر کنند. ای نیروی کار در نهاد ادبی است. باید متذکر شوم که در جودو اشخاص قوی و کم قوت شانس مساوی دارند. و برای خانها یک وسیله تدافعی بسیار خوبی است. این ورزش نخستین مرتبه از کشور چین نشأت نموده و در - جاپان انکشاف یافته است. مفهوم جودو اصلاً از کلمه "جو جو سو" مشتق گردید. و در پهلوی جودو شعبات دیگری نیز از آن جدا شده است. قابل یادآوری میدانم اینکه: موفقیت در جو جو سو بهایه کار بردن زور، قوت و خشونت ممکن نبوده. بل با مهارت زهره گی هنرمی و ملاحظه میباشند که جودو بعد هابیه صفت یک ورزش بی خطر از جو جو و سو مجزا گردید. س: چنانچه که تعمیم شد جودو از جمله ورزشهای رزمی به حساب میآید و تکنیک و تخیل آن با سایر ورزشهای رزمی چه تفاوتی به هم میسازند؟

های رزمی انکشاف یافتند و شامل بازیهای المپایی گردیدند. مشکل میباشند. زیرا جودو و عاری از هرگونه ضربات و جراحت است. صدمه ها و خطرات بسیار اندک است. کشتی چینی سمیت شمال کشور یک بازی بی خطر و خوشایند میباشند. از انجمله گفته اند مهم احتیاط می گردید که جودو یک صورت رزمی نبوده و تخیل های آن شامل پرتاب ها و محکم گرفتن و خفه و تاب دادن مفاصل است که هیچکدام برای ورزشکاران در اجرای مسابقه خطری را ندارند. تخیل های این صورت به طور کلی در مسابقه عملی می شود اما از سایر شاخه های این ورزش که احتمال خطر در آن محسوس است بطور کامل عملی نمیشود. ویژه گهای عالی این صورت در این است که زن و مرد در اجرا و بهیچتردان - محکم شده میتوانند تفاوتی به هم ندارند. س: چند نوع تخیل در این صورت وجود دارد تحت کدام نامها؟

ج: جودو در یک کودوکان که اولین استنوت تحصیلی جودو در جهان است و در توکیو مرکز جاپان فعالیت دارد متشکل میباشند از: تخیل پرتاب ها، به زمین زدن و تخیل محکم گرفتن و کوزاری نانا که همه با تخیل

# آرزو دارم همیشه قهرمان بمانم

چندین سال است که -  
 بود آنهاى ورزشى کشور مهربان  
 - دختران ورزشکار نبودند -  
 است با وسيله آنها سالها قبل  
 تصبهاى دختران ورزشکار در  
 سطح کشور غوغای رابریا نموده  
 بودند و اما به يكباره گسى  
 دامنه آن چنان پيچيده شد كه  
 نشانی از آن باقى نماند و خود  
 شبخفته در رايى اواخر به ویژه  
 در این روزها در كالیبى بی روح  
 ورزش و دختران روح دمدمه -  
 زنده كشته است به هموسن  
 منسو ر پای صحبت یكى از قهر  
 مانان بد منتون محترم، میا میر  
 ورزش در انستیتوت پولی تخنیت  
 كابل عنو تنبهاى ملی بد منتون  
 و پیوسته بانك مشتفیم میخوانیم  
 که در مورد خورد ورزش چس -  
 گفتنى دارد .  
 - میخان اگر موافق باشوید  
 پرسشهايم را طرح ميکنم .  
 - باكمان میل . چرا آن بهتری  
 راکه در دستم دارم برای شما  
 باز دو مینمایم ، بعدا با شوخی  
 عربى میگوئید : نشود که سوال  
 بنای مشتى را از من طرح نمائید



است اما در کشور خودمان  
 آنطور یک میبایست در این  
 عمره کار شود نشده است و  
 نیز نداشتن امکانات وسیع  
 جهت ارتقای سطح این ورزش  
 تا شهر ناگوار خود را در ساحه  
 ورزش به جا میکند که مسن  
 سعی نموده ام تا صرفا از -  
 اندرخته ها و تجارب ورزشکاران  
 ران خارجی استفاده اعظمی  
 نماع که میتوانم این دستاوردها  
 های ورزشی ام را برای شما  
 بشمارم هشت مدال طلا ، ۱۰  
 د پیلوم ورزشی و لقب ماحتر  
 سپورت در سال ۱۳۶۶ به  
 سفت بهترین گولزن از جانب  
 فدراسیون فوتبال کشور به من  
 داده شد .



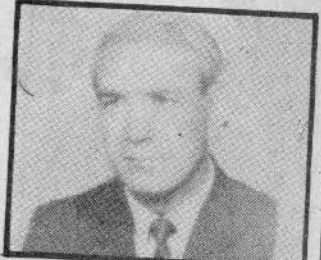
# فیبالیستى باید در پیشگامه های داشته باشد

مجله با اعلام رسول رحیمی عضو تیم ملی فوتبال کشور

فوتبال ورزشیست متکی بر  
 تخنیکها و تکنیکهای زیبای -  
 هجومی و حمله ای که این ویژه  
 گیهایش سبب گردیده تا عدد  
 بیشماری از جوانان خوش  
 ذوق ورزشکار را در دامن خود  
 بپوراند ، از جمع جوانان ور  
 زدکار ، با فبالست ممتاز صمیمی  
 و علاقه مند سر سخت فوتبال  
 غلام رسول رحیمی مواجه  
 شدم که مصاحبه را با من  
 پذیرفته به سوالاتم چنین پاسخ  
 ارایه کرد :  
 - چرا از میان سایر ورزشها  
 فوتبال را برگزیده اید ؟  
 - آسانی که فقط یک تماشاچی ،  
 بودم ذوق زده می این ورزش  
 شدم به مرور زمان در وجودم  
 علاقه ای نهایت نسبت به  
 این ورزش به وجود آمد ، به  
 همین سبب بعد از تمرین  
 متواتر و پشت کار خودم از هفت  
 سال به اینطرف به عضویت در  
 تیم ملی فوتبال کشور پذیرفته  
 شدم همین اکنون در خط  
 مهاجم تیم ملی مسروف بازی  
 میباشم .  
 - مشخصات یک فبالست  
 خوب در جرمیان سابقه  
 چیست ؟  
 - در گام نخست یک فبالست  
 باید آراسته باد جلیپن عالم

تهیه کننده لطیفه سهند

# مغلوب نمودن بدون اسلحه



این نجیب زاده ها صنعت  
 جود و را بعد ها به طرز بهتر  
 واصلا ختر به هموسنان  
 خویش و جهانپان پیشکش  
 نمود .  
 جهت آشنایی بیشتر  
 ارجمند خواننده می این  
 صفحه مصاحبه ای را با محترم  
 نظرمند نیکزاد ترهیز تهیم  
 ملی جود و انجام داده ام  
 که در ان میخوانیم :  
 س : جود و به نوع ورزش  
 بوده و در جهان چه  
 سابقه ای دارد ؟  
 ج : جود و یکی از بهترین  
 ورزشهای بدنی و یک واسطه  
 انکشاف فکر و سرعت در عکس -  
 العمل و تمرین وجود واخذ  
 قدرت عالی جسمی بوده که  
 سازند .  
 یوگورو کانوکی از شاگردان  
 بقوه در صفحه ( ۶۷ )

دان دو " و ترهیز تیم ملی  
 تکراندوی پو سه کلد هدایت  
 میباید ، بهتر خواهد بود تا  
 در مورد گفته های خود ترا -  
 با هم بخوانیم :  
 " از سال ۱۳۶۲ که مدت دو  
 سال از تمریناتم در روزر بوکس  
 سپری شده بود ، نظریه مح  
 سبه همه جانبه از استعداد  
 و توانایی فیزی وجودم به نگو -  
 اند و رو آوردم و بعد از سپری  
 شدن یکتنم سال موفق بدر -  
 یافت گمر بند سرخ شدم .  
 باید بگویم که این رشته را  
 بطوریکل و منظم در کشور ایران  
 فرا گرفته ام ، ابتداء کاراته  
 شو تون که یک سبک چاپانی  
 است و متعاقبا به کانفو تو و  
 در آخرین مرحله به تکراندوی  
 پوسه علاقمند شدم که همین -  
 اکنون این رشته را با علاقمندی  
 دنبال مینمایم . در جرمیان  
 آموزش در کشور ایران مصاحبات  
 را با ورزشکاران ایرانی اجرا -  
 نموده ام که نتایج همه ی آنها  
 برایم قابل محاسبه میباشد ؛  
 زیرا در اثر موفقیت من در مساب  
 قات گمر بند " سیاه - وان دو  
 بقیه در صفحه ( ۶۵ )



# مجلس ضد حمله

کلام شهواپی دارد و بهان  
 فصیح ، اورا از نزدیک دیدم -  
 فنون تکراندو و آیین ورزش -  
 معاصر را به قدر توان واستعد  
 اد خویش در ذهن متمرکز  
 ساخته است .  
 این جوان آراسته باتوری  
 و پراتیک ورزشی ، عبدالناصر  
 "موتکی" دارند ، گمر بند سیاه -  
 بقیه در صفحه ( ۶۵ )

# معلمان در معلم

گزارشگر: مهنا آفرین

سپه صم یکی از معلمان شهر خوارگه کودکان دوستی - چنین گفت: بسیاری مادران کودک مریض را به کودکانستان میآورند که این کار نه تنها برای کودک خود اثر زنج دهنده است بلکه سبب اذیت و آزار دیگر کودکان نیز میگردد.

بعد از آن به طرف صنف بالا تر این کودکانستان که در آن جا کودکانی از سن سه تا پنج ساله مصروف درس خواندن و کارهای عملی قصه گوئی میباشند رفتیم.



با دیدن مادران که به رسم احترام همه از جا برخاستند پس از آن که همه شان به جا های خود جا به جاشدند به درس خود که از طرف معلمشان تدریس میگردد ادامه دادند.

با اندکی تأمل از نقشه همدردی معلمان این صنف در مورد این که چو بعضی کودکان به مجرد جدا شدن از مادر یا پدر جانب کشود کستان به گریه میمانند؟ پرسیدم.

او در پاسخ چنین گفت:

معلمان میگویند: کودکانی که مادران تحمیل کرده دارند...

نخست از همه سوز زدم به کودکان دوستی با داخل شدن به محوطه این مهد پرورش اطفال، توجه ما را نظافت، سلیقه و کار دانی استادان و آمین امن کودکانستان جلب نمود. پس از معرفی همراه معاون کودکستان دو ستن راه صنفهای مختلف آن چهارا پیش گرفتیم.

اولتر از همه داخل شهر خوارگه این کودکانستان شدیم معلم هاهم مصروف آرام نشستن و تنظیف نبودن کودکان بودند. در آن جا کودکی سنجکوست، دیگران مسمی خندیدند. شاید آن یکی گریه بود که نهاد منمود، معلمان پس هم به جانب کودکان سید و پنداران جا اگر مادری بود او حالت معلمان را سجدید دیگر همه حرفه ابرایش حل شده میبود و شاید هم نمیگفت که کودکم در کودکانستان هر روز گریه میکند راستی هم چقدر دشوار است. ما دوری از چقدر میماند، از ناراستی اثر شکایت نمیگردد اما دیگر برای معلمان کودکانستان حزن وجود نداشت که کودکان نا آرام نشسته کودکان میکرد و...

# کودک

گزارشگر  
کودستانفکار  
شهر



هدف این گزارش سواد معلمان والدین و معلمان در تربیت اطفال از کودکانستان است. در این گزارش به بررسی وضعیت کودکانستان در این شهر میپردازیم. در این گزارش به بررسی وضعیت کودکانستان در این شهر میپردازیم.

کودکستان دوستی یکی از مراکز آموزشی و تفریحی است که در این شهر واقع شده است. این مرکز با هدف تربیت و پرورش کودکان و افزایش آشنایی آنها با محیط اجتماعی و فرهنگی شهر تاسیس شده است.

در این مرکز، کودکان در کنار بازی و تفریح، درسهای مختلف را یاد میگیرند. معلمان این مرکز با استفاده از روشهای نوین آموزشی، تلاش میکنند تا کودکان را به یادگیری و کشف استعدادها تشویق کنند.

یکی از مشکلات اصلی کودکانستان دوستی، کمبود امکانات و تجهیزات آموزشی است. این کمبودها مانع از ارائه بهترین کیفیت آموزشی به کودکان میگردد. بنابراین، نیاز به سرمایه گذاری بیشتر در این بخش احساس میگردد.

علاوه بر این، کمبود نیروی انسانی متخصص در این مرکز نیز یکی از مشکلات است. معلمان این مرکز با کمبود حقوق و مزایا مواجهند که منجر به کاهش انگیزه و خروج نیروهای متخصص میگردد.

در نهایت، میتوان گفت که کودکانستان دوستی با وجود مشکلات، نقش مهمی در تربیت و پرورش کودکان این شهر ایفا میکند. با توجه به اهمیت کودکانستان در آینده کشور، نیاز به توجه بیشتر و سرمایه گذاری در این بخش احساس میگردد.

# تواریخ بر سرستان

صدای موزنم • آنان خروشهیدند و گفتند :  
 عالم ... حتی يك نام خوب برای او انتخاب نکرده ای زود باش به خاطر این اهانت بصری کب " صد افغانی " دیگر جرمی بدی •  
 صد افغانی دیگر هم از سن گرفتند • نفر سوس که معلوم میشد وتر نداشت پرسید :  
 - غذای این حیوان را چطور به او میدهند ؟  
 گفت :  
 خودش میخورد •  
 آه چی آدم بی بند و باری •••  
 بهادارشه را نداشتی به اویدی با تو گفتی •  
 - نخبر ••• چی خیال کردی •  
 اید ••• رشقه را هر روز با پتاس پودرنگات می شویم •  
 انهن ••• جای او خراب نیست؟  
 نزدیک بود بگویم که در طولمه میخواهد اما از ترس جرمه گفتم :  
 اتاقش پاک و عفاست • در رز -  
 مستان بخاری برقی و درتسا -  
 بستان برایش کولر میگذارم •  
 - آبی که به او میدهند چگونه است ؟  
 - همین آب معمولی آبیسی که خود ما هم می نوشیم • اویدید بطرفم دیده گفتم :  
 - ظالم ••• حتی آب را جوهر هم نمیدهی ؟  
 وارخطا شدیم و گفتم :  
 - بسیار معذرت میخواهم نمی فهمیدم که این حیوان چای هم میخورد •  
 - جای لازم نیست •  
 - طرف هایش چگونه است ؟  
 نزدیک بود بگویم گویا که اما

موراه گفتم :  
 با شمشه •••  
 اما فکر باغچه که حتماً نا -  
 شکن باشد •  
 - اتاق او چیزی کم ندارد ؟  
 از ترس جرمه شدن گفتم :  
 - يك راديو گيت برایش گذاشته ام که موسیقی بشنود ولی اگر شما امر میکنید برایش يك تلو -  
 یز یون هم میخرم •  
 او سوش را تکان داد و گفت :  
 - خوبست ••• برای انبساط روحی او بد نیست ••• منتها فکر باشد که بعضی برنامه های تلو یز یونی بسیار خسته کن و -  
 تکراری است • گفتم : اگر تکرار میگوید فرض برآورد ویدیو میخرم • گفتند :  
 - لازم نیست ••• دیدن زها د به طرف تلو یز یون چشمانش را ضعیف میکند • آنها با مهر -  
 بانی به سرو روی مرکب دست میکشیدند •  
 وترتر باز توصیه کرد :  
 - وقتی که برایش رشقه میدهی باید دست هایت را با صابون بشویی گفتم :  
 - اگر فکر میکنی دستهای مسر -  
 کتف است رشقه را بعد از این با قاشق و پنجه به دهنش -  
 میدهم •  
 فقیر جان اهی کشید و گفت :  
 دوستان عزیز در همین وقت من از خواب پریدم از عرق پهرانم ترشده بود بعد از آن عهد کردم دیگر در فکر چنین چیزها نباشم •

با درن خانه زن را رسانید  
 میزند • نوریه ظهرا از آنکه  
 محمد نسیم به بلای راسر  
 سر آورد نواست • در یک کج  
 دکان آرام میگرد • محمد کریم  
 مالک دکان محمد نسیم را از -  
 ر کونکی موسی و اف میسازد  
 به اتفاق هم  
 این زن گریه را از دستش می کشند  
 بالاخره زن را صبح رها می  
 سازند • نوریه بعد از پرسیدن  
 وجویان • به رهنمایی پت زن  
 راه خانه اش را در پیش میگرد اما  
 به خانه شوهرش نمیرود پس به -  
 منزل کاکا ر شوهرش پناه میبرد •  
 بعد از جستجوی شوهر زن -  
 دستگیر می شود اعتراض می  
 کند • ونشکته دیناریکه شوهرش  
 ویراستم به سرفه هشتاد هزار  
 افغانی نموده است که نوریه آن  
 را در بریان تحویل خود رد  
 کرد راست • اما اینکه اصل  
 قضیه چه خواهد بود و به خوا -  
 هد شد ؟ به مسوولین میازره  
 با جرایم جنایی ولایت کابل  
 ارتباط میگرد •

سر راه در آن پای پیوند مقدس  
 از دواغ و پاشوازان طفلان کند  
 شمره می آید پیوند مقدس میسا  
 شد در میان است • زنی بنام -  
 نوریه که یکسان جمل با نسیمی  
 به نام نسیم در صفه مقدسی  
 نشیند و سوخته پایداری را بر  
 دستان میاورد نسیمه دلایل  
 بر اساس و ویرا خنوسر دو بار  
 مورد لگ و توب قرار داده •  
 است راه فرار از منزل شوهر را  
 واقع در قریه گلخانه ناحیه  
 نسیم در پی میگرد و به عرف  
 شهر میباید • نوریه که حسنی  
 عاشق مادرش را زبیر پناه  
 و طفل بار ماهه را را در منزل  
 رسان کرده مدت چهار شبانه روز  
 را در منزل اشغال مختلف و -  
 ناشناس سپری میساید بالاخره  
 در پیش از روزها باید سرساز  
 به نام محمد کریم رو برو میشو د  
 محمد کریم زمیتره • دیده  
 زن را به پنهان آنکه به منزل  
 شوهرش در دوباره میسازد راه -  
 تایید را در پی میگرد و در -  
 یک از دکانهای رنگرزی

# اوراخواهر خواهد داشت بدفشارکند

## هوس را بر خودکش ترجیح داد

کوه بارشانا کید براسین  
 نقطه شده است تا شوهران  
 نسبت به خانمهاشان راه -  
 انعطاف را در پیش گیرند تا از این  
 طریق بتوانند به رازها و اموال  
 درونی زنان پی ببرند • اما  
 میبایست تعدادی از مردان را که  
 هیچ سیر معمولی به و چشه  
 میروند و سمره منزل می آیند •  
 بدون اندکترین توجه نسبت  
 به زن و فرزند خویش که این امر  
 باعث بروز فاکوارترین نواقص  
 و مسرافاتند که بعضی شوهران  
 نزد مردم می شود • یا م این  
 قضیه را با نامه موسوم به قشه

بیمانه آنکه زهیده خوب زندگی  
 برای شقیقه موسر نیست و پرا پیه  
 منزل خود • در مکرور بیان میبرد  
 دخترش روز به بهانه آنکه به  
 دیدن مادرش میبرد از خانه  
 کاکایر بیرون می شود به -  
 رهنمایی خواهر خوانده از  
 این سرویس به آن سرویس یا  
 در پوران و نگرانان این های  
 مختلف شهری معرفی می شوند  
 به حدی که شب بخارا با دیو -  
 ران و نگرانان سرویس های کلون

اقترا • متوجه شده و دیده  
 اینکه در پوران پس های شهری  
 با نصب دستکارت های رنگارنگ  
 و پوشش ستاره های طلوع و شبنم  
 کت های موسیقی از با م  
 تا شام عده بین را مجذوب و -  
 عده بی ران را راضی میسازند و -  
 مجد و بین آنها همان جوانست  
 های کوتاه اندیش میباشند •  
 بهایید این قشیه را که دختر  
 یازده ساله بی بنام شقیقه  
 با شنیده ناحیه یازدهم شهر -  
 کابل مرتکب گردیده است با هم  
 کاکایر به موسوع پی برده به

# درد هلیزهای معاکم چی سیر است

## بیوهی که بیوه نبود

زن طرف به این عوز خود را زن  
 بیوه وانمود میسازد بالاخره  
 از هر کج تقاضا میکند تا با هم  
 یکجا زندگی کند زیرا هیچ  
 کمزوری ندارد آنها یک خویشی  
 را به کوبه میگردند و مدت شش  
 ماه را در آنجا مشترک سپری  
 میکند بالاخره بالای موسیقی  
 بنا میسازد شان بر هم خورده و -  
 کینه های میان شان به  
 وجود می آید • در یکی از روزها  
 سگینه با استفاده از غایت پر  
 یکل دخترش آینه را که درازده  
 سال دارد از خانه فرار می دهد  
 و مدت یکسال سگینه از هلسان  
 منطقه لا دورت میشود به اشرف  
 جستجوی مسوولین کشف جرایم  
 جنایی سگینه دستگیر می شود  
 اما از اختطاف دخترت -  
 در رازده ساله خویش را بیسی  
 خبر وانمود میسازد و موضوع  
 خالب اینکه سگینه زن بیوه نشه  
 بل زن شوهر دار است که شوهر  
 هرگز در کوال متقاعد قوای -  
 مسلح میباشند سگینه تا اکنون -  
 به جرمش اعتراف نکرده است اما  
 شواهد گواهی میدهد که جواز  
 اختطاف کننده آینه دختر هر کج  
 سگینه کسی دیگری نیست

چنانچه بر همه همد است  
 عدس از زنان جوان مانعست  
 به شهادت رسیدن شوهران  
 شان بی سرپرست شده اند  
 و آنها مجبور اند تا برای فرار  
 هم آوری همیشه فرزند دان  
 يتم شان در پی جستجوی کار  
 بگردند • اما دیدم شده است  
 که یک عده از زنان با وصف آنکه  
 شوهران شان حیات اند بخاطریه  
 یک ترجم مردم را نسبت به سینه  
 خویش برانگیخته باشند خویش  
 را بیوه بی کن معرفی می دارند  
 با هم این چال و فریبک پت زن  
 را میخوانم :  
 دو سال قبل از امروز -  
 هر کج زن بیوه بی که با خود  
 چند طفل قدرتم داشت  
 پلخمی را به قصد دریافت کار  
 به طرف کابل ترک میکند و در -  
 دستگاه ساختن هلسان به  
 صفت کارگر اشغال وظیفه  
 میسازد زنان بخورند چینه  
 طفل يتم خود را از راه حلال  
 به دست میاورد • در یکی از روز  
 ها با زنی به نام سگینه رو برو  
 می شود بعد از مباحثت و -  
 گفتگو با هم معرفی می شوند

مصاحبه از نگین

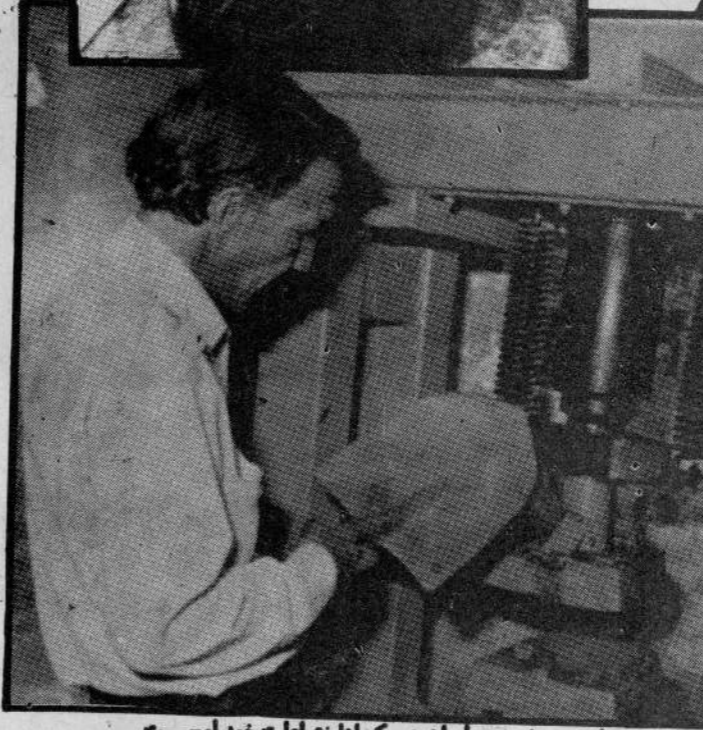
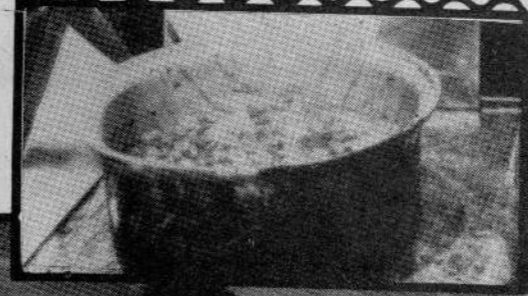


# صدیق مخترع و اختر کتاب در چند ثانیه



صدیق مخترع در چند ثانیه گوشه را با زاویه مخصوص اتمه کتاب  
کتاب میسازد

تنگ مخصوص که صدیق با زاویه مخصوص کتاب در طرف  
نیم ساعت در آن شهر میزند



صدیق صرف میسازن بیل توسط ماشینی که از اختراعات خود اوست

گفته می‌راند که صدیق از آن به  
جای کوکورد با سکره لایق استفاده  
می‌سازد

چندی پیش صدیق مخترع  
به اداره مجله سیاهین آمده  
و خواست تا در مورد اختراعاتش  
چیزهایی را به نشر رسانم.  
اداره مجله سیاهین این  
که توانسته باشد با بی ککسی  
را انجام دهد روزنامه آه جرد  
بد واد بووتلوپوزون را در جهان  
گذاشت که اینت مصاحبه آنرا  
با خبرنگار مجله سیاهین می  
خوانید:

باز هم غمگین استه باز هم  
دل‌زانیانته آنغضیاست ه  
باز هم می‌خواهد نهاد کند -  
صدیق مخترع که ساامان درای  
را با نهیدستی گذارنده است  
اما هنوز به اختراعاتش ادامه  
می‌دهد.

مرد عظیمیست چنان  
مادانه صحبت میکند که گوی  
سالمات با او می‌شناسی مرد  
بست متوسط قامت با چهره  
استخوانی و لاغر اندام این بار  
خودش به دفتر ما آمد بیست  
از سلام و علیک مختصر چوکسی را  
اختیار نمود و با همان تپ مخصوص  
شش یا را بالای پا قرار داده  
نشست خیلی مظلومانه حرف  
میزد بعد از لختی درنگ  
پرسیدم حتماً اختراعات جدیدی  
را انجام داده اید؟ در حالیکه  
کف دستهایش را با هم می‌مالید  
گفت همیشه آرزو دارم که برای  
وطن و مردم خدمتی را انجام  
دهم که حلال بعضی معضله‌ها

باشد و هموطنان ما بتوانند  
برای سهولت کارشان از آن‌ها  
مستفید گردند.  
بعد با هم به طرف چاپک -  
لوازشر را گذاشته بود راهی  
شدیم.  
صدیق قبلاً همه وسایل را  
مقابل آفتاب گذاشته بود تا آماده  
تجربه باشند نورناهیستان همه  
دور از حلقه زدند.

بعد صدیق مخترع شروع  
نمود به کار.  
ابتدا یک مقدار گوشتی را که  
برای کباب و پختن شورا آورده  
بود توتی نموده بعد در بین  
دیگ گوشت را با باد لانه اندا  
خته و سر صندوق شیشه می  
راکه از هر چار طرف با آهن  
احاطه بود بست و برای یک  
ساعت به زاویه معین مقابل  
آفتاب گذاشت.

بعد ۹ خمیری را که خود  
آورده بود در دیگ نان پزی  
قرار داد که برای پختن نان  
و دیگ خمیر را نیز در یک صندوق  
که بالایش از شیشه و چهار اطراف  
نشر از آهن بود گذاشت. نسا  
گفت نمائید که بالای هر دو صندوق  
یک یک آینه بگذارید تا نور آفتاب  
صدیق سیخ پوز گوشت را  
بالای تشت آهنی که روی آن -  
از نزدیک پو شانیده شده بود  
به زاویه مخصوص در مقابل آفتاب  
قرار داد پس از لحظه کوتاهی

همه متوجه شدیم که از گوشه  
دو دیگ بلند میشود. اما تا گران  
همه در حیرت فرورفته و لبخند  
میزدند زیرا در مدت پنج ساعت  
هفت دقیقه کباب پخت شد.  
ایا این اختراعات را برای دیگران  
هم می‌آموزند؟  
در حالیکه سرورهایش را از عرق  
پاک میکرد گفت: بلی کورسی  
را برای علاقه مندان اختراعات  
و ابتکارانم که اگر علاقه به یاد  
گیری آن داشتند ایجاد نمود  
ام که هشتاد نفر به آن مراجعه  
نموده اند.

دین کورس چه چیزهایی  
را شاکردان می‌آموزند؟  
دین کورس اختراعاتی همچو  
گرم نمودن آب در حمامها پخت  
و پز غذا که گرم نمودن اتاقها  
با در نظر گرفتن زاویه آفتاب تولید  
آب از آفتاب - نوب نمودن هر  
نوع فلز به درجات مختلف با لونی  
که می‌توانند توسط آفتاب چند  
کیلوپتر فاصله را طی کنند.  
آیا حکومت برای ایجاد این  
کورس با شما مساعدت‌ها می‌راند  
انجام داده است؟ در حالیکه  
زهر خندگونی می‌از چهره او  
نمایان بود گفت: بالاخره به  
ناظر پیشبرد این کورس شده عدد  
نظم و ده جلد کتابچه برای تدوین  
این کورس هرما مساعدت کرده  
در حالیکه من همیشه خواستار  
ام تا زمته خوبتر کار برآیم

ساعت کرد زیرا هدم خدمت  
برای اجتماعتته برای خودم  
چنانچه چندی قبل به  
منظور ایجاد یک ورکشاپ به  
یکی از مراجع ذمه‌دار و بود  
در آن جا نه تنها حرفهایم  
شنیده نشد بلکه توهین هم کرد  
مدم پرسیدم آیا این گوشه  
برخوردها شمارا دلسرد از کار  
نمی‌نماید؟  
در حالیکه چشمانش از حده  
برآمده بود گفت: باور کنید در  
مقابل چنین برخورد ها ان قدر  
دلسرد نشدم که دلم می‌خواهد  
فهاد بترم و ان چه راه اختراع  
نموده ام ازین بهر و نوب تمام  
باری صدیق اتفاق گفته  
بود: ( آنچه را که تاکنون اوب  
خه ام از برکت نام صدیق  
مختصر است یعنی زمانیکه نسا  
جوانی بهش نمودم و نام صدیق  
مخترع را شنیدم همیشه ذهنم  
مشغول اختراعات اوست و  
آرزو میکردم روزی من هم بتوانم  
از همین طریق خدمات شایسته  
نی برای هموطنانم انجام دهم  
که همانطور شد.  
آز ۳۰ سالگی شما کارهای  
او ارتباط داره؟  
خود را اختراع ساخته  
که در صفحه (۸۵)



### داوینکو سمندر

داوینکو به خیو کی من دردونه بیادوم  
 داخیل خمیری گهوان ته سیلابونه بیادوم  
 برحال من هیس خاندی زمانه او که تقدیر  
 چی وئی بردهان نیاسی مینونه بیادوم  
 بیلنو ته ستاله لاسه دا جهان واره تورم شو  
 به تورو نیوکی هیس شه الو نه بیجا نوم  
 داوینکو سمندره ای و داستاستو خپو کسه  
 دغم د یاسه غم کی طوفانو لسه بیادوم  
 و هیس مستو نیکی خیار ساتی بیه زاری  
 (( ژوی )) ستادنی گونی پر هرونه بیادوم

## دعمونو نو پوه چیو کی

زبه سپاه دنجونیه په لسه  
 کی هغه بیخله که چی لسه  
 خلورو کلونو رایه دیکخوا  
 کس لکی اوله دورو کلسو  
 راهیسی شمروای  
 زبه وایس چی پوره دولس  
 کاله دناروی په بستر کس  
 پوره و او خلورو واری دمرگ  
 شربولی تللی ده - هسی  
 دپوی پو بستی په خواب کی  
 داسی وویل:  
 (( لکه دنورو نچو نویسه  
 شان تری پره وخته پوری لسه  
 کوره نی سمانتو نو سوه مخا-  
 من و زه زه کوره نی لپاره  
 شمرویل نه کار نه ووه خو  
 ماد لیکو او شمرویلو لمن  
 پری نه بوده او دای او د  
 غه کاره هخول کهنه  
 دینشو شمرا نو په لسه  
 کی د حافظ او ددی شعره  
 نوخه دتعارفاسی له اشعارو  
 سوه خامه بیه لر  
 زبه سیا غواری چی هپوته  
 ورته و نه دشعریه زه لسه  
 نیل کوکل غصه زاوایس .

## دراکبر اولاکبر

عبدالاکبر از سماها و تاناک  
 شعر امروز جوانان است که  
 تقریباً در راه و رسم ویژه هسی  
 شعر میسراید و دارای نقطه  
 نظرهای بسیار تازه نسبت به  
 هنر میباشد - او چه سنجال  
 بیشتر به شاعری پرداخته  
 و اینک چهار مجذومه آماده  
 ولی چاپ نشده دارد  
 آگاهی یافتیم که عبدالاکبر  
 از مدت یک سال به اینطرف  
 به خاطر شعر دست به قلم  
 نبرد است و وقتی درین مورد  
 او او پرسیدم در پاسخ گفت:  
 هنوز هم در ایستاد ایمن  
 سکوت خایوشم  
 در شعرهای وی که غالباً  
 به وزن شاملی می باشد دیدیم  
 وافق تازه و شگفتی نسبت به  
 اشیا و پدیده ها و روشهای  
 جاری هستی به مشاهده میر-  
 سد  
 او میگوید در باره شعرهای  
 چیزی گفته نمیتوانم اما به  
 الهام ناگهانی باور دارم بدون  
 الهام یک مصراع نیز سروده  
 نمیتوانم  
 شعری از عبدالاکبر به نام ماور  
 کج را با هم میخوانیم:

من در خانه بی چشم کشودم  
 که کلید در انرا در دهان مار زهر ناکسی  
 گذارد و بودند  
 وان مار  
 در دست وسط خانه به دور خود پیچید و بود  
 و من از کنار خانه  
 فریاد میزدیم  
 \*\*\*  
 با هم جنگیدیم  
 مار



## دختران - پسران



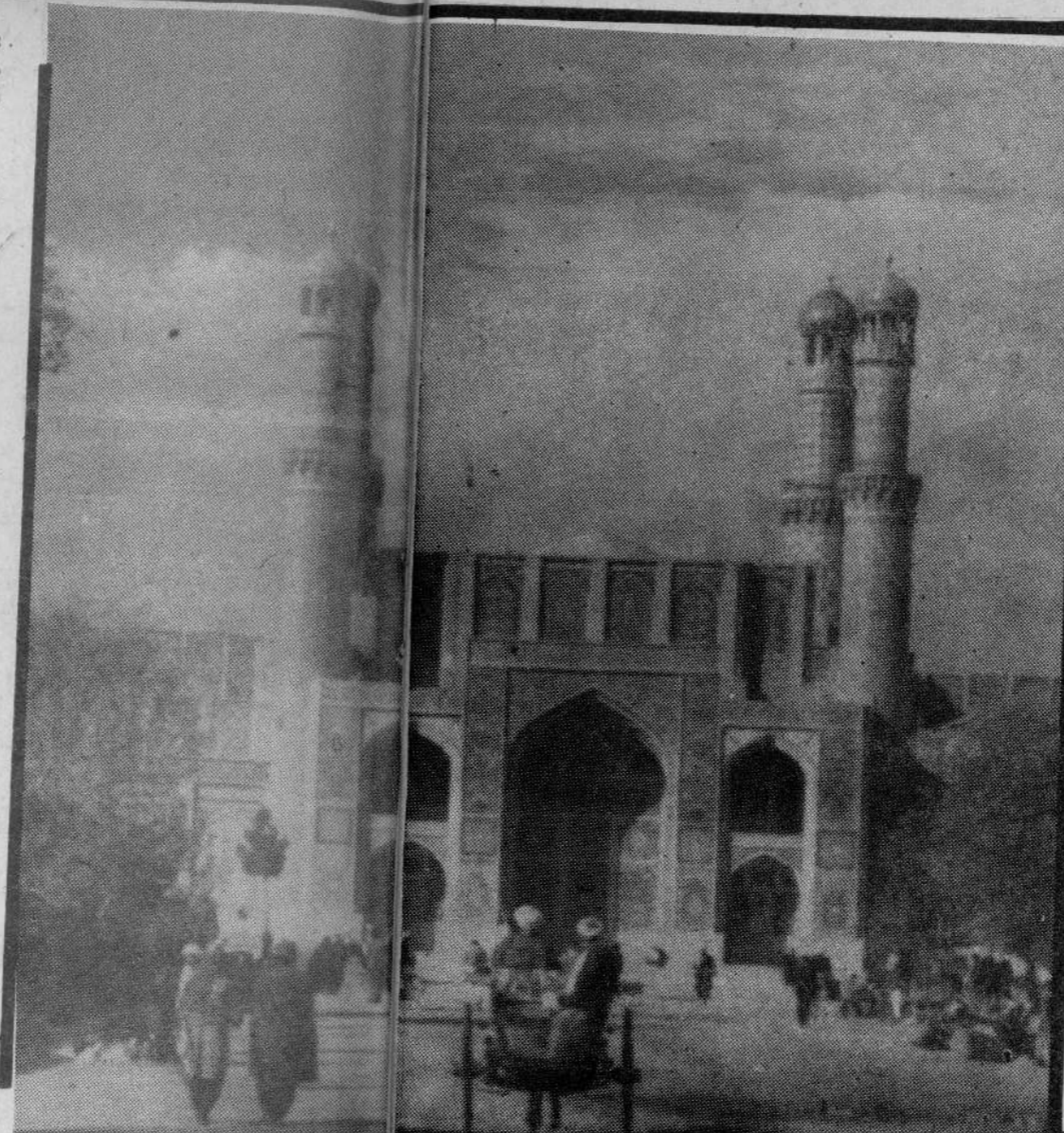
با آنکه مسجد جامع بزرگ شهر هرات جایگاه مقدس مذ هبى است، مگر از چندین نگاه طرف توجه علاقه مندان علم وهنر قرار میگردد، زیرا در این جایگاه مذ هبى آثار هنسى انواع هنر و صنعت و مین ( مهندسى و سنگراسى و میناتورى - کاشیکارى خوشنویسى و گچپزى و ... ) در بخشهای بهمانند یافته اند .

آنچه بر عظمت و شکوه بهشتیان مافزاید اینست که علاقه مندان علم وهنر هر کدام شیکار بهوا و طرافت های آتراه رفته و بجزه خود وابسته میدانند و حق بجانب هم استند .

با اینکه نخست جدا از مذ هبى بودن این جایگاه - مسجد جامع یک طرح و اثر بزرگ مهندسى و معماری است با بهره کبهای سبک مهندسى اسلامى ( *Islamic Architecture* ) این طرح بمنظوریکه ساخته شده است کاردهی ( *Function* ) کافی ولانم داشته و در آید و نیز خواهد داشت دور نیاها و نیاهای دورى و بهر حال زیباى برجسته کسى و بهر حال دارد . چنانکه دور - نای شهر هرات با بهینسوی مسجد جامع آراسته و دلپذیر گفته است و سهای شمسى مخصوص به آن داده است . از سلمات بهره کبهای دیگر منحصر به گردان اینست که هنر ها و صنایع مهنوسى نگارنى کارى سنگراسى و نقاشى گچپزى و الا غره جلوه های شمیر وادب پنحو خوب وپنر با طرح مهندسى آموزش یافته اند ها بگونه که همه اینها در موند با یکدیگر طرح مهندسى را بنیهايت بهار ساخته اند . بکار بهرفت از تناسب خوب - هماهنگى کافى و تکرار معین کانتراست (تفرق نمایان) لازم و تضاد مؤ چه که لازمه هراتر خوب هنرى میباشد بخورد ار اند .

یکی دیگر از برجسته کى - های آن موفقیت صنعت سا - ختمانى بحيث یک شیکار دیگر است که ظالها با در نظر داشت مواد ساختمانى کار شده (سنگ خست پخته و سارو) آن زمان واز نگاه محاسبات ستاتیکسى و امکانات موجود اعمار چنین واحه های بزرگ با ارتفاع بسیار (  $20m \approx 15m \approx 10m$  ) عرض ( برای عملا بسیار دشوار بنظر میرسد ) با آنکه گسان نمرود که محاسبات ستاتیکسى بشود معادل به امروز صورت گرفته باشد . در حالیکه مهارت و عظمت ساختمانى آن با این شوه و مواد شگفتی انگیز هم است .

آنچه درین نوشته مطرح میشود اینست که آیا انکشاف ویا انکشافات تاریخی و مهندسى این مسجد او صاف و خصوصیات اصول وابسته بخودش را دنبال میکند یا به بهراهنکی مایلرود ؟ پیدا است که سهای کوشى آن - در گذشته های دور و نزدیک - چنین نبوده است اما این نکته در تحقیق اینست که بعد هم پیش از امروز انکشاف تسمیر واز سازی این بنای تاریخی و مهندسى با الهام از سبک مهندسى بهین هماهنگ و متوازن با آن صورت میگرفته است . هر چند اندک - بنگارنگی هائی از اثر درکارها رخ میداده مگر هرگز به بیابان دهه اخیر نبوده است که - درها تا کنون نیز ادامه دارد . اگرچه طرح های جدید و انکشافى باید متناسب با طرح گذشته و بهر حال آن وادامه دهند و بهره کبهای آن نیز باشد و از زمان پدید آى خود هم حکایتی داشته باشند . این گوناگونکافات و طرح های بنگانه در آثار تاریخی - تنها اثر تاریخی بوداى کاردهی بهتر نسازند بلکه از اهمیت تاریخی و هنرى بکاردهى آن بقدر کافى کاسته و آن را از لحاظ هنرى و مهندسى در یک سوه قیمت نامساعد برانگنده و نا آشنا قرار میدهند .



این طرح های انکشافى بنگانه در دو بخش درونى و بیرونى مسجد جامع بدینگونه بکاررفته اند :

۱- بخش درونى :

الف: - سنگرش جدید و نیمه کاره صحن و صومعه درونى مسجد بجای فرش خشتى قدیمى سا آنکه به تناسب صف و مشون و مساحت لازمه هر نماز گذار - تقسیم بندى شده اما از نگاه مرتکب و تون سنگرش ( سباه و سبهد ) اثر بخشى و هماهنگى لازم را با عناصر اصلی مسجد دارا بوده نمیتواند . شاید استفاده و بکار برد نوع کاشى بارنگها یکدیگر در تزیین دیوارها و کلدسته ها - ( صلی ها ) بکار رفته در تزیین کعب آن مؤثر تر میباشد . و از سوى بعهد پنداشته میشود که تقابل و تفرق ( *Contrast* ) بتواند جای بهتری داشته باشد .

اگر از فراز نام مسجد جامع - در زمینه ژرف نگریسته شود ، این انگاره نادرست جلوه مى کند که تقابل و تفرق پدید آور زیباى سزه پى شده باقد و باز با بودن دستگه جبهه کعبه - شى سازی در مسجد جامع - مورد نیاز میتوانست به آسانى در دسترس قرار بگیرد و بهتجرب از همه این صحن بزرگ که دو تا بستان بهتتر مورد استفا ده

قرار میگردد . داغ شدن - سنگرش کاردهى آن را مورد بهر شى جدی قرار میدهد . ب: - وضوخانه داراى دو قسمت درونى و بیرونى است بخش درونى از نور کافى طبیعى برخوردار نبوده و امکانات نور رسانی دیگر هم فعلا - مسو بالای آن یک طرح بنگانه از - مسجد است . بخش بیرونى حوضى دارد که در بنگارنگى - مطلقا محیط خود قیزار - دارد . آب هردو بخش زهبر پوشش وضای نیمه با ز قرار دارد و در واقع کشتزار چانک ها و نباتات آبی اند . این مسئله عدم لزوم چنین شوه بکار گهرى وضوخانه های بویژه از لحاظ صحن بیان میدارد . در شرایط معاصر اینگونه مسامیل با استفاده از امکانات جدید آبرسانى بهتر حل شده سنى تواند .

الف: - پارک در واقع باغ مسجد بوده با بهر حال شهر وندان و رهگذران در اوقات فرازادى نماز و دیگر مراسم در ارتباط است چه رهگذران چاده های اطراف آن همواره مشاهده اش میکنند . - بحيث تفهنگاه نیز از آن استفا ده واز لند سبک *Modern Style* با تزیین ساحه ضعیف برخوردار -

دار است . چون این جایگاه راعاه - مردم احترام زیاد میکند ازنده و بهر همین بنیاد بوده که انکشاف و آبادى های جدید آن در محراق توجه و علاقه مندى مقامات قرار داشته و از همین سبب ساخته ها و انکشافات آن ( از هر چمن ستن ) اخت - بجان اینکه داراى یک چشمه ل پلان انکشافى مهندسى باشد . چون انکشاف این بخش هم در بنگارنگى مطلقا از سبک مهندسى مسجد شهر نبوده - بنا بهننده نا آشنا - این قسمت را ملحق و متعلق به مسجد فکر نخواهد کرد . در چند دهه اخیر در - دن این پارک کارهاى بهین انجام شده است . الف: - احاطه در دو مرحله - در مرحله اخیر کتاره و ادخال های قلزى ناموافق که احاطه یک مسجد و بهر حال این مسجد بوده سنى تواند بالای احاطه خستى - بهین کار شده است . ب: - حوض های وضو گهرى داراى نل های بد شکل چانسی و بکرتر ساختمانى بنگانه و دارنده چانک ها . ج: - اتاق وانی سب داراى بکرتر صنعتى نیا . بقیه در صفحه ( ۸۴ )

# مسجد جامع هرات

## نما و دورنما

هدف عمده :

مفاصل ران و قسمت های خارجی ران ها را سفید ساخته و موجب تقویت شکم میگردد .

تبصره :

توجه کنید که پای دراز شده باید تا که میتواند - استوار نگه داشته شود . تا جاییکه توان دارید این پوز را برای مدت طولانی نگه دارید .

تمرین پایه کمک دیوار

هدایات :

- ۱- طوری ایستاده شوید که پشتتان به سوی دیوار باشد .
- ۲- تنفس کنید و پشت را به دیوار چسبانیده و فشار دهید .
- ۳- نفس بکشید و ساق پای راست را تا سطح لگن خالصه بلند کنید . پای تان باید نرمش و ارتجاعیت داشته و زانوهای تان راست باشد . این حالت را برای مدت (۱۰) ثانیه نگهدارید . عمیقاً تنفس کنید .
- ۴- تنفس کنید و پارا به حالت اول پایین کنید . استراحت کنید و پارا عوض نمایید .

فوتوی شماره (۴۰)



هدف عمده :

ماهیچه های چار سرولگن خاصه را سفید میسازد .

تبصره :

در موقع بلند کردن پا میتوانید با چسباندن دستها به دیوار توازن خود را حفظ کنید .

تمرین سطح

هدایات :

۱- شکم را روی فرش بچسبانید و دراز بکشید طوری که دستهای تان در کنار تان قرار داشته باشد و هوله رانزیر لگن خاصه هموار کنید .



فوتوی شماره (۳۸)



38

هدف عمده :

بطن را خرد و ثابت نگه میدارد .

تبصره :

موقع نفس کشیدن و بلند شدن توجه کنید که شکم را بداخل فرو ببرید .

تمرین بلند کردن پا

هدایات :

- ۱- روی پاها وزانوها تکیه کنید .
- ۲- ساق پای راست تان را به یک جناح به طرف خارج دراز کنید . پای تان باید ارتجاعیت و نرمش خودی را داشته باشد . ولی پای دیگر تان باید روی فرش - محکم و استوار باشد . نوک انگشتان تان باید موازی با - شانه های تان باشد .
- ۳- کمر به طرف چپ مایل شوید و ساق پای راست را بلند کنید . عمیقاً تنفس کنید و همین حالت را برای (۱۰) ثانیه نگهدارید .
- ۴- آهسته آهسته پا را پایین کرده و استراحت کنید . پارا عوض کنید .

فوتوی شماره (۳۹)

# یوگا

- ۲- تنفس کنید و در همین زمان قسمت علیا و سفلی تنه را بلند نمایید. کمر را قات کنید و به بالا بنگرید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید. عمیقاً تنفس کنید.
- ۳- نفس بکشید و به تدریج به حالت اولی برگردید. یکبار دیگر این تمرین را تکرار کنید.

فوتوی شماره (۴۱)

هدف عمده:

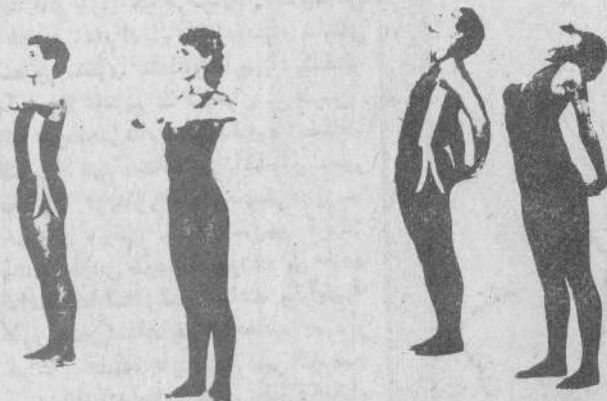
سینه، کمر، ران ها، لگن خاصره و شکم را تقویت میکنند.

تبصره:

این بزرگترین تمرین تقویت کننده عمومی بدن است.

تمرین فشار و هم آشنگی

هدایات:



- ۱- با راحتی ایستاده شوید.
- ۲- کف دستها را به هم محکم بگیرید و بازوها را تا سینه بلند کنید. آرنج های تان را قات نگه دارید.
- ۳- عمیقاً تنفس کنید و بعد نفس بکشید و کف دستها را بهم بفشارید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۴- خود را آزاد سازید و تا شمارش چهار استراحت کنید. تمرین را بار دیگر اجرا کنید.

فوتوی شماره (۴۲)

هدف عمده:

سینه و بازوها را سفت و متناسب میسازد. این تمرین به صورت خاص برای بند دست و مساعد نهایت مفید است.

تبصره:

موقعیکه کف دستها را بهم میفشارید سعی کنید عضلات سینه نیز فشرده شوند.

تمرین های درانت

هدایات:



42

- ۱- روی دستها وزانوها اتکاء کنید.
- ۲- زانوی راست تان را به یک جناح به طرف چپ بپسرون تا که میتوانید بلند نمایید. توازن و کنترل را حفظ کنید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۳- ساق پارا تا حدود شش انچ پایین کنید و این حالت را مجدداً برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۴- آهسته آهسته پارا پایین آورده تا بحالت اول برگردد. استراحت کنید و بعد تمرین را با پای دیگر مجدداً آغاز نمایید.

# جنگی اصفهان

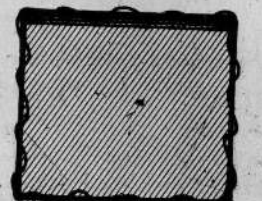
نوشته بود من اگر عطار را بلبوی فروش هم بودم  
برای تو آلبوی فارس را که یگانه داروی -  
بیماری تو می باشد منی فرستادم تا از آن  
مرهی بگیری و نواده چنگیز در جهان وجود  
نداشته باشد .  
و صول نامه مژ بور مرا خشکین کرد و  
دانستم که سلطان منصور مظفری پادشاه  
فارس مدتی است مغرور و خود پند و  
نادان چون اگر نادان نبود در جواب -

من راجع باصفهان که می گفتند قدیم  
ترین شهر عراق است بیزها غنیده بودم  
و میل داشتم که بروم و آن شهر را بپوشم یکی از  
علل حرکت من از خراسان در فصل  
زمستان بسوی ماوراءالنهر این بود که  
در بهار سال ۷۸۰ هجری برای غنیمت  
بطرف عراق آباد میباشم و بتوانم خود را به  
اصفهان برسانم من نمیدانستم بعد از -  
اینکه باصفهان رسیدم چه خواهد کرد و  
آیا عازم فارس خواهم گردید یا نه ولی  
اطلاع داشتم که باید روزی سزای سلطان  
منصور مظفری سلطان فارس را در کف  
بگذارم ( توضیح - در تواریخ فارسی  
نام این شخص شاه منصور مظفری است -  
مترجم ) شرح اختلاف من با سلطان منصور  
مظفری از این قرار است : در سفر دوم -  
خراسان ، وقتی وارد آن سرزمین گرد -  
یدم حال من خوب نبود و پزشک من عقیده  
داشت که کسالت از گرس میباشد و اگر آلبوی  
فارس بخورم کسالت رفع خواهد گردید در  
خراسان آلبوی فارس پیدا نمی شد من  
گفتم که تو از سلطان منصور مظفری بخواه  
که با کاروان - ریح السه را را به برای تو  
مقداری آلبوی بفرستد .



## بینی

# بیتها گمشده



من آن نامه را ننوشتم در همان روز که نامه  
مژبور من رسید تصمیم گرفتم که روزی دماغ  
سلطان منصور مظفری را بخاک بمالم ولی  
تا وقتی عراق را نمی گزفتم نمیتوانستم خود  
را بفارس برسانم زیرا بطوری که گفتم یک  
قشون بزرگ نمیتوانست از راه کوه ایسران  
عبور کند و در راه جنوب عراق یعنی نزد  
کسریان و فارس برساند .  
وقتی بهار سال ۷۸۰ هجری فرارسید  
باید قشون یکصد و بیست هزار نفری از ماوراء  
النهر براه افتادم و وارد خراسان شدم  
من قشون خود را به واحدهای چهل هزار  
نفری تقسیم کردم و فرماندهی د و واحد  
را بدو سپردم خود را گذاشتم فرماندهی واحد  
دیگر را خود برعهده گرفتم از طوس به  
راهی عریض بسوی ری میروم و من آن راه را  
پیش گرفته بودم و اینکه بمقامتی برخورد

جاری می گردید آن شهر را مشروب می کرد  
ولی دو سال قبل از این که من به ری بروم  
در زمستان زلزله ای مهیب شد هر را بلرزه در  
آورد و آن شهر بزرگ پس از چند دقیقه  
ویران گردید و آرزوی غیر از ویرانه ای باقی  
نماند عده ای از مردان و زنان که توانسته  
بودند هنگام زلزله از شهر خارج  
شدند و در قریه های اطراف پناهنده شدند  
از آن پس چون باصفهان نزدیکی می  
کرد بدم قشون کشی من وضع جنگی پیدا  
کرد و دو طایفه بجلو فرستادم و من اول  
و دوم پنج فرسنگ و بین طایفه دوم و قشون  
من پنج فرسنگ فاصله وجود داشت طایفه  
ها و همپسین عقب د اران موظف بودند  
طرفین را به راهم تحت نظر بگیرند تا ما  
از جناحین غافلگیر نشویم از روزی که من

وارد ری شدم راه اصفهان را بستند  
شتم هیچ کس بسوی اصفهان نبرد تا کسی  
خبر حرکت قشون مرا بسوی اصفهان بان -  
شهر نرساند من میخواستم اصفهان را غافل  
گیر کنم تا اینکه مجبور به رفتن بدو نشدم  
**اگر اصفهان بدون مقاومت از پای در میس**  
**آمد من میتوانستم راه فارس را پیش بگیرم**  
**و سزای سلطان منصور مظفری را در کتار**  
**بگذارم اما اگر اصفهان مقاومت میکرد**  
و جنگ طولانی میشد ممکن بود موقع قشون  
نشی بفارس بگذرد گوا اینکه شنیده بودم -  
که هوای فارس گرم تر از هوای عراق است  
پس از اینکه اصفهان را محاصره کردم  
میدانستم که شهر مزبور از تنگی از یاد رنمی  
آید ، زیرا علاوه بر ( زاینده رود ) که از -  
وسط شهر میگذرد اصفهان در بطوری که

فمن تابستان را با نیز خریه داری می نمایند  
بدین ترتیب که در اطلال راد رفس تابستان  
ابتیاع میکنند و خیزم راد رفس را نیز و نظام  
قطع درخت های خشک یا اشجار زائد خریدار  
ری می نمایند لذا توانستار نداستند که  
اصفهانها به بزودی از گرسنگی از یاد آیند  
ولی از ایام تابستان قصص در شهر آغاز  
خواهد شد .  
من نمی توانستم یکصد و بیست هزار سرباز  
خود را تا ایام تابستان پشت حصار اصفهان  
معرض کنم و علاوه بر هزینه قشون از شمال هم  
خیلی ماضن نبودم . من میدانستم که در -  
خوزستان دشمنان سرسخت دارم که اگر -  
بعین دسترس پیدا کنند مرا با سخت ترین  
شکنجه ها بقتل خواهند رسانند و نیز اطلاع  
داشتم که در آن ریایجان پادشاه نوریست

کردن و بعد نبود که بوسیله نبوتی از  
بلاد دیگر کتب بخواهند . عادت کبوتر  
این است که هر جا باند بسوی آنجا  
پرواز می نماید و اثر کبوتر را در اصفهان  
آسیان دارد در فاصله پنجاه فرسنگی -  
اصفهان رها نمایند ، بسوی شهر پرواز می  
کند و وارد آسیان خود می شود . گاهی فکر  
میکردم که محاصره اصفهان خاتمه بدهم  
وراه فارس را پیش بگیرم و جنگ پادشاه فارس  
بروم ولی من فهمیدم که قرار دادن شهری  
مستحکم چون اصفهان را در عقب خود -  
ورفتن بسوی فارس دیوانگی است چون شاید  
راه مراجعت مرا قطع نمایند .  
گاهی هم با خود می گفتم بماوراءالنهر  
برگردم و سال دیگر عزم اصفهان کنم ولی غرور  
من مانع از این بود که بدن کشودن شهر  
اصفهان مراجعت نامم .  
در بهار ماه روزی از نزد هم جمادی الاولی  
در سال ۷۸۰ هجری قبل از اینکه آفتاب -  
طلوع کند و اندکی بعد از اینکه فجر دمید  
صله بزرگ علما اصفهان شروع شد .  
گفتم حصار اصفهان سخت فرسنگ و نیم  
طول داشت و درای سصد برج بود و از -  
پشت حصار را به عبور میکرد . هیچکس  
نمیدانست آن حصار چه موقع ساخته  
شده ولی بدفعات آنرا درست کرده  
بودند .  
پیشتر نماز قصبه ( سده ) برای نقل -  
کرد که حصار اصفهان از طرف نوح پیمبر  
ساخته شده و آنقدر حصار مزبور محکم است  
که طوفان نتوانست آنرا ویران نماید و حتی  
گفت که نوح پیمبر قبل از طوفان -  
کشتی خود را در اصفهان ساخت و از آنجا براه  
افتاد . ویران کردن آن حصار حتی به  
وسیله احتراق باورت کاری بود مشکل برای  
اینکه خیلی غصاحت داشت . معذرا برای  
اینکه بتوانم زودتر شهر را تصرف نمایم -  
مجبور بودم که حصار را ویران کنم و وقتی  
از سربازان خود را وارد شهر نمایم وقتی  
سربازان من وارد اصفهان شدند در تمام  
آن شهر یک شب و یک قاطر و الاغ و یک  
سکه وجود نداشت و سکه اصفهان تمام  
جانوران را از فرط گرسنگی خوردند بودند .  
در آنروز گرسنگی سکنه شهر خیلی با  
کمک کرد و اگر اصفهانها گرسنه نبودند -  
بسهولت از یاد رنمی آمدند چون در -  
مدت محاصره طولانی شهر اصفهان نشان  
دادند که میتوانند مقاومت نمایند . پامداد  
آنروز آفتاب در آمد و وحداران هواستور  
از ابر گردید . و با نظره اولین باران -  
پانجمی باریدن گرفت . و پیش باران مارا  
از بیت میکرد لکن بجنگ ادامه میدادیم .  
ادامه دارد

هست و هرگاه امیر خراسان و امیر شمال  
و پادشاه آن ریایجان با هم متحد شوند می  
توانند بی قشون نوریست علیه من هجوم  
نمایند . این بود من میباید هر چه زودتر  
کار اصفهان را بپرستم . ولی صدای کلنگ  
زدن ما توجه اصفهانها را جلب میکرد و طول  
نمیدید که از بالای حصار مشعل هایی که  
بطناب آویخته بودند نمایان میگردد و در سای  
حصار را روشن می نمود و صد کلنگ  
های گران ، سر سبازان مافرو میآمد .  
من از جنگ اصفهان بی آزمایش دیگر  
تحصیل کردم و آن ضرورت تر بود  
شاهین بود . و اینکه من وارد اصفهان  
شدیم هدهه کردم که روزها دست  
هاش از کبوتران در آستان شهر پرواز  
میکند .  
اهالی سده میکنند که اصفهانها  
خیلی به نبوت علاقه دارند و از کودکی کبوتر  
انرا تربیت و اهلی میکنند ولی من دانستم  
که کبوتران مزبور سوله انتقال خبر از نقطه  
ای به نقطه دیگر هستند . اصفهانها  
بوسیله کبوتران زود پند شدن من بشهر -  
مطلع شدند و خود را برای دفاع آماده  
ادامه دارد

# احیای کتید

هند اصلاً تا عهد اردبیل چسرا که میگویند بخاطر ایزان بودن قیمت آن تا حیران ادویه به کپنی ها فرمایش میدهند که مثلاً امپلین ۵ ایتالیایی و کوئو امکا نول ۸ ایتالیایی تهیه کرده بفرستد اینک مواد آنرا از چی می سازد مهم نیست در همین رابطه است که نزدیک است ادویه های تولید شرکت هونست فارمی ساخت وطن که خیلی موثر و مفید است ایزان را بیافند بجای چهل

تابلیت ویتامین یا مسکن هندی ده تابلیت از همین نوع ساخت وطن موثریت بیشتر دارد در حالیکه قیمت آن نیز می تواند اقتصادی تر باشد اما متأسفانه در شرایط فعلی بنابر بلند بودن قیمت آن مردم ترجیح میدهند ادویه ایزان اما غیر مفید و آخر پداری نمایند اغلباً هشتاد پان بیسواد مردم مانی که از اطراف می آیند ادویه تاریخ تهر شده را بدست میآورند که حتی سبب

# مسجد جامع کرا

۱- مناره یادگاری (مونسو - منت) دارند وجود غیر ضروری  
۲- تانک بزرگ فلزی برای ذخیره آب بالای دیوارهای سنگی بلند و کلفت  
۳- تشناب های عامه و چاه عمیق جدید (دوراز خصوصیات ماحه)  
۴- حوض های تزئینی با ارتفاع بلند دیوارها و دارای دید دشوار که هیچگاه زیست بخش و ظریف بوده نمیتواند و نام هیچ سبک مهندسی را روی آن نمیتوان گذاشت

خدمات و عناصر بسیار شده بالای شده که در خارج احاطه متعلق به مسجد باشد استفاده از امکانات تکنیکی و یا تفاوت ارتفاع (تفاوت بیش از ۲ متر در سطح) در زیر زمین بکار گرفته شوند تا هم سوا می مهندسی این بخش زیبا بهم نمیخورد و هم ناموس ترازان بدست میآید  
همه و همه اینها اهدای خوب و شریفانه می بوده اند که جهت فراهم آوری تسهیلات بیشتر و بهتر برای مردم و آراسته و پیراسته ساختن این شاهکار جاودانی، از نگاه اهمیت تاری

مرگ بیمارشان میکردند  
روپ با دنجان رومسی  
که از دستها به اینسو ماجرای  
دورود را از سرگذشتانده  
است هنوز در انواع قلبی  
خود وجود دارد به فروش میرسد  
در اکثر منازل بخاری  
ها و اشتوب ها و در اکثر جاهها  
حاشین مؤثره خراب شده  
اند چو که در تیل آب مخلوط  
میکردند و این آب آفت  
مانین آلات است که چقدر  
ضرر دارد خدا میداند؟  
روغن های که با کچالو پر می  
شوند همزگم  
نیست اگر بخواهی برای ساعت  
باراد بوی پاکدام و نسکه دیگر  
بظری بخری حافظت نمیشد  
بیوانی بخری امیل پیدا کنی  
حوس اکثر انواع آن قلبی است  
و بهتر از چند روز کار میدهد  
وسرگام باین  
تقلب چه باید کرد؟  
بدرست ساختن  
مردم را از طریق اعلانات و تبلیغات

یخی، مذهبی، هنری و مهندسی مسجد درست و بجا بکار بسته نشده اند و حتی از اوج و بیهای مهندسی و هنری آن کاسته اند هرگاه کسی به این بخش چشم بدوزد همای یک مو سه ساختمان فرا روی او سبز میشود تا الحاقیه یک مسجد نگرستن به این واقعیت آشکار می سازد که یا مهندسی مین مراجعه نشده و یا مهندسی روی بعضی موا مل مجال و امکانی برای طرح های موافق و موثر نداشته اند  
این گونه برخورد های شتابزده در برابر بنا ها و ساختمانهای دارای اهمیت تاریخی فرهنگی و مهندسی و بیوژن در بارانکشاف مسجد جامع بزرگ هرات فردایی نخواهد داشت چنین مسائلی از چند نگاه مزایه برپاد شده مای بالا زمان های اقتصادی زیاد رانیزه بار میآورد  
۱- اعمار طرح های نا

بلند پسر شاروالی کابل  
از تادرنست ن راکترو  
کند باید جلو تقلب را بگیرد  
ترازی که بی انصاف است  
ود وست وزن نمیکند ترازی  
تصابی که پیش از وقت اندازد  
شده چرو دارد باید مجازات  
شود اجناس فروشنده گان  
باید در بازار چت شود آنچه  
تا این گذشته و غیر صحت است  
باید از بازار جمع آوری شود  
و نظمه هر مشعری ماست  
که هنگام خریداری نیاز مندان  
انسان را در انتخاب اشیا  
و اجناس مورد ضرورت شان از  
تدر دست بودن و صحت بودن  
کمت کنند آنچه ندهند که بدی  
فروشنده های بی انصاف  
خان به چشم خریدار ساد  
بخورن باید پیا شد  
لطفاً به دوستان و نزدیکان  
همکاران و مسایان خود  
بگوید که در خرید و در هر  
خرید محتاط باشند چرا که  
این بازار قلب جقدر رنگا  
رنگ شده

موافق  
۲- تخریب همین طرح های ناموافق در آینده روشنی  
۳- پیاده نمودن طرح های موافق دوباره در آینده روشن فرهنگی  
بمنظور جلوگیری از برهم زدن همای فرهنگی و مهندسی آثار تاریخی که در واقع بیانگر تاریخ و فرهنگ هر جامعه بگونه مادی آن اند و جلوگیری از زیان های فراوان اقتصادی ناشی از بی توجهی به خود ها ضروری و حتی است تا صلاحیت طرح و دیزاین و عمارانکشاف مهندسی آثار دارای ارزش های باستانی و هنری به اهل فن و مهندسی که به تاریخ و اثراتشان و علاقه دارند داده شود و باید هر اثر قابل ترمیم و انکشاف دارای جنرال پلان و یا دورهای انکشافی باشد و این مسئله ای است که اندک توجه و دستوری به آن نبوده است

# بیار و جنتیالهای

خانواده شناسایی شده است، از نظر سایکو لوژیکی نیز استقرار حزب کانگرس که شخصیتها ی چون جواهر لال نهرو و اندرا گاندی و راجیو گاندی در راس آن قرار داشته کار بزرگی است و ضرورت به آن در رد تابه راه هنوز هم بیشتر و خویتر رهبری شود.

## شرح مختصر زنده گی ناراسیمارو :

پامو لاپتوری و ینکاتانارا سیماراهو پی سیار مردی از جنوب هند است. او زیاده شناس هدا نشینند، و ژورنالوست و حقوق دان و معلم و اداره چی برجسته است. آقای راو که به تاریخ ۲۸ جون سال ۱۹۰۷ روان هفتاد ساله شد چندی قبل مسوول لیت بزرگی را عهده دار گردید. او به تعقیب قتل راجیو گاندی به حیث رئیس حزب کانگرس اندرا را انتخاب شد. آقای راو زاده یک اداره چی یا تجریه است از روی مهربانی پی پی وی صدا میزنند و همیشه کارهای کلیدی را چون مستهای وزارت دفاع و وزارت خارجه منابع انسانی، حقوق و صحت و تعلیم و ترمه هم در مرکز هم در زادگاهش ایالت اندرا پرادیش از سال ۱۹۶۲ به این طرف به عهده داشته است. همچنان او را اعظم ایالتی اندرا پرادیش نیز بوده

است

موصوف در سال ۱۹۲۱ در یک خانوادۀ دهقان در محله کربننگرایانست اندرا پرادیش دید، به جهان گشود. او با معنویت بزرگ شده و طبیعت شاعری نیز دارد. آقای راو درسه پوهنتون درس خوانده که عبارت اند از: پوهنتون های عثمانیه، بیثی و هنگ کونگ و درجه لیسانس در علوم طبیعی را به حقوق یکجا کرده است.

پس شهرت و اعتبار او به ثابۀ انسانی که بنفدین زبان را میدانند سایبر استفاده ها و دستاورد هایش را تحت تاثیر قرار داده است. مهارتش در حرف زدن به دلسانیهای انگلیسی و هندی سانگریت و تیلوگو، کانادا، امرای قاره سی مغربی و هسپانیوی و فرانسوی او را یکی از مؤثرترین وزرای خارجه هند و ستان نشانی کرده است. در پهلوی آن کارهای ادبی اثر نیز قابل ملاحظه است و جلایزه اول ساهیتیا اکادمی را به خاطر ترجمه اثر "ویشواناتاستهاناراینا" به زبان هندی به دست آورده است. او همچنان نا ولی را از زبان مراتی به تیلوگو ترجمه کرده است. ناول مذکور را نوشته

پسندۀ معروف هری نارایان اپتی نوشته بود و مورد تحسین فراوان نیز قرار گرفته بود. آقای راو برای شش سال در راس کمیته انتخاب جایزه جان پت قرار داشت. آقای راو هنوز در مکتب بوده که به سیاست رو آورد و در اعتراض علیه حکومت نظام که سرودن و آندی ماترام راضع قرار داده بود، در سال ۱۹۳۸ در کالج خود فعالانه سهم گرفت. به همین گونه او در

جنبش آزادی هند در سال ۱۹۴۲ سهم فعال داشت.

مگر آقای راو بعد از آزادی هند چهارم شناخته شده سیاسی شد. از ۱۹۵۲ برای بیست سال تمام عضو اسمبله اندرا پرادیش بود. در همین مدت برای ده سال سمت وزارت و سه سال هم صدراعظم ایالتی اندرا پرادیش بود. او برای نخستین بار در سال ۱۹۵۴ از کربننگر خود رابه اسمبلهکانند بید کرد و چندین بار بازمه از هماغانجا وارد اسمبله شد. همچنان او برای نخستین بار بعد از انتخابات سال ۱۹۶۲ در کابینه سنجواریدی به حیث وزیر مقرر شد و خانم اندرا گاندی او را در سطح ملی راه داد و به حیث سکرتیر جنرال حزب در زمان حاله اضطرار مقررش کرد. هم چنان در سال ۱۹۸۰ او را وزیر خارجه ساخت.

راجیو گاندی نه تنها از سبب کبریا و بزرگی بلکه از سبب استعداد شریه ناراسیمارو احترام داشت. راجیو گاندی بعد از پیروزی در انتخابات سال ۱۹۸۴ مقام وزارت دفاع رابه آقای راو سپرد و بعد او را به وزارت انکشاف منابع انسانی تبدیل کرد.

به این ترتیب جای تعجب نبود که چندی قبل به حیث رئیس حزب کانگرس اندرا تعیین گردید. راجیو گاندی و دیگران او را به حیث فرد دم حزب موشناخته حتی احزاب سیاسی رقیب در انتخاب او و به حیث رئیس حزب کانگرس مکن العمل مثبت نشان داد.

آقای راو سه پسر و پنج دختر دارد و خانمش در گذشته است.

# کیا بی طرف ...

گفت: راه مدین افغان جدا و راه مدین مخرع جداست. کارهای ما بی ارتباطی با هم ندارند. اثر مدین افغان مرا همکاری بر منهایی کند همکاران را من پذیرم آن هم به خاطر خدمت به مردم و ملی رفته های ما از هم جداست. کسی که کسانی شمارا در دست کارهای تان مساعدت نموده اند؟

— من هرگز یک های استیفاء دان پوهنتون کابل را فراموش نخواهم کرد مخصوصاً کمیت استاد مانی را نمیتوانم بدست فراموشی سپارم و در کار آن ها دوتا ریه نامهای طاهر و حاسی حمعه آن در دست من و دیزاین به مانی به مسی مساعدت برای کرده اند از این همنه مشور با هم بود.

— آهای زینه آری بهتر از خارج

از کدیر و پیشبرد کارهای تان ایجا در دیده است؟  
— چندین سال قبل که امریکایی ها به وریا بودند به کسی مثل این خواستند تا با امکا تان به بی اختیارانم را در امریکا اعلام کردند و من چنانچه آن را رد نمودم.  
— آسمعه در مساحیه های تیلی تان خوانده ایم شما بیست مانی بیل سازی نیز اختراع نموده بودید که روزانه صد ها بیل تولید مینمودند در این مورد لایقاً روئین بیندازید؟  
— زمانیکه مانی بیل را اختراع نمودم فکر کردم که توانسته ام تسهیلات را برای دهاتین و دیگر هموطنانم مهیا نموده ام

اما یانا ست هیچ عکس العمل و تشویق را در مقابل ندیدم و آن ماشین را برای کسی که خواهر خریداری آن را داشتند فروختم.  
بعد از ختم کلام متوجه شد که باید دیگها را از زمین دایر بگردن آورد قبل ازین که به غیره دیگها را بردم گفت: من چیزهایی را بیجان که مردم هموطنانم به آن ضرورت دارند. یا تان به تان به طرف دیگها رفت زمانیکه روی دیگ را برد داشت و اتعا جانب بسود دیگ شوریا محو مید و بیجان دین ریخته شده بود که همه را متحد ساخت.

بسیاری از اطفال ها اطفال  
 نثارا قبل از این که به کوچه  
 کستان بیاورند عادت داده  
 اند تا به کوچه ریشو برآی  
 شان از بازار مکتوب خوردنی  
 بخرند تا طفل شان بارها به  
 به طرف کود کستان بیایند  
 اما اگر روزی همان کار صورت  
 نگردد کودک یا طفل با راهی  
 شدن به طرف کود کستان  
 به گریه می افتد دیگر این که  
 بسیاری از کودکان در روزهای  
 اول که به کود کستان می آیند  
 نابلد میباشند از همان سبب  
 با آمدن به طرف کود کستان  
 ناراضی می شوند میشوند اطمینان  
 به نشان داده است که این  
 گونه اطفال پس از مدتی بسیار  
 کود کستان چنان انبساط می یابند  
 که حتی با آمدن به این طرف  
 دیگر خدا حافظی را با والدین  
 خود فراموش نمی نمایند در لغت  
 از لحاظ نورانی مساوی  
 کود کستان دوستی در صورت  
 آن چه که اطفال در کود کستان  
 می آموزند پرسیدیم

تشرف برده بود و دیگری نیز  
 برای مدتی رخصت گرفته است  
 با ظاهره ظاهر مساوی  
 کود کستان ستاره بعد از یک  
 صحبت کوتاه به طرف منسوب  
 کود کستان راهی شدیم  
 معلم میشد که  
 معلمان همه با چندی بلندی  
 اطفال سوگرت اند و غویب  
 آن دادگر برای شان خسته  
 گشته نیست با بدین مایکی  
 از معلم ها آمد از خاموش  
 باشد ، برای معلمان سلام  
 نهدید ؟ بعد همه اطفال باد  
 یک صدای باد زدند سلام و هر  
 کدام آمدند آمدند در سوار  
 به جاهای شان نشستند من  
 با ستاره از وضع پرسیدیم  
 راباز کردید و این دیوان در سخن

بالای تریه اطفال چه نقشی  
 را داراست ؟  
 - ما خانه باید گفت که استند  
 بسیاری از نواهران ما که  
 ظاهر آراسته و تحصیل خوب  
 دارند ولی در برابر کودک شان  
 برعکس عمل می نمایند یعنی  
 لباس طفل اتوباشند و کتف  
 میباشند و به شکل ستوان قبول  
 کرد که طفل از اوست سپس از  
 ماله دوست معلم دیگر  
 کود کستان ستاره پرسیدیم که  
 هدف عمده کود کستان چیست  
 آیا صرفاً غذا دادن به اطفال ؟  
 نخر غذا یک ضرورت است  
 اما در کود کستان التین بر سر  
 نندزه و نگهداری اطفال تشویق  
 نمودن اطفال به خواب ، سا-  
 مت تیری ، بازیهای خفایه

نداشتند و اگر چند شاگردی  
 هم گماستند همه در خواب اند  
 مام سخنان او را گوش داده  
 روز دیگر مراجعه نمودیم  
 با داخل شدن به صحن  
 کود کستان مگر میشد که  
 کود کستان روز قبل نمیشد  
 معلم ها و شاگردان با جدیت  
 و نظم صرف کار بودند بسیار  
 استفاده از وضع در صنف های  
 این کود کستان قدم گذاشتیم  
 در صنفی که داخل شدیم معلمی  
 به اسم حضرت نیاز مصروف  
 صحبت با شاگردان بود بعد  
 از معرفی بوالاکی را با او مطرح  
 نمودم که سخن ماله بسیار  
 پاسخ ما را ارائه نمود  
 مثلا از حضرت نیاز خواهیم  
 تا در مورد بازیهای شان  
 در کود کستان چیزهای بگویند  
 او هنوز لب ننگزوده بود که ماله  
 چنان پاسخ داد : نداشتن  
 سامان بازی مواد درسی یکی  
 از بازیهای عمده است  
 بعد پرسیدیم چگونه اطفال را جذب  
 ب کود کستان می نمایند ؟

# معلم، مادر و ...

بقیه از صفحه ( ۲۱ )

با پلا تیدی پاسخ داد  
 در کود کستان اطفال موسا  
 یکبارهای مدتی و همیشه  
 سازی و سرور کاری خواندن  
 سرودن شعر ، نواز ، کتاب  
 نماز گوی روش ادب و با اخلاص  
 و بعضی معلومات آسانی بسیار  
 در نظر داشت من شان آشنا  
 میشوند و با ناطق که توانستیم  
 آن این امکانات را برای شان  
 فراهم ساخته ایم  
 بعد از ختم سخنان محترم  
 ناطق در سخنانی از پی تشکر  
 نموده و پس از این ساعت  
 کوتاه وارد کود کستان ستاره  
 گردیدیم  
 این کود کستان گریه  
 نداشتند و همیشه ترنسبه به  
 کود کستان دوستی به نظر می آمد  
 اما سلفه و نظافت درین جا هم  
 کاملا برقرار شده به چشم  
 می خورد ، با پیروان در بازیهای  
 دور و دراز عقب در مساوی  
 رسیده با تا یک ساعت گذشت  
 در هر دو کود کستان آمین شان  
 تشرف نداشتند یکی به خارج

و نشان درسی این ها همه  
 پلان هایست که باید بالای اطفال  
 ل تطبیق شوند  
 رحمه مشخص معلم دیگر  
 کود کستان ستاره برای مادران  
 کم تجربه چنین گفت : زمانیکه  
 یک دختر مادر میشود باید  
 بیشتر از همه توجه صحت ، نظا-  
 لت و تکوین در بازی طفل خود بها  
 شد در ضمن آن طفل کیودهای  
 راه در وجود خود احساس  
 نمایند همه تا تیرا صورتی  
 اند که آینده طفل راه خط  
 میاندازد در غم حرفهای  
 معلمان کود کستان ستاره  
 ره مان را به طرف کود کستان  
 شور و تمهین نمودیم ، ساعت  
 دویم پس از آنکه بود و تن  
 به آنجا مراجعه نمودیم  
 با ماله میاندیدیم آن کود کستان  
 معرفی شد سخن ماله  
 جان پس از معرفی و ختم  
 سخنان ما از او است تا  
 روز دیگر به آن جا برویم چه  
 به گفتم خود در از طرف  
 بعین آن قدرها نهاد شاگرد

ز اندم از جمله معلم صاحب  
 ها یکی مسرور هام را تا به  
 نمود دیگری سرخسور استند  
 و آن دیگر تیسر می نمود ناگه  
 هر معلم شیر خوار گناه  
 کود کستان ستاره در پاسخ  
 یکن از پرسیدیم گفت : بعضی  
 جار و جنجال های خانواده گن  
 بر خاست مادر و پدر و از همین  
 تحمل حالات تاثیر مستقیم  
 بالای روان کودک دارد ، ما  
 داشتیم ام از همین گونه  
 اطفال که روحیه می بوده اند  
 همان حالت پرورده کی طفل  
 پس اطفال دیگر را نیز تا تر  
 میازد ، این وظیفه معلم  
 ست تا چه گونه طفل را از تشویش  
 های روانی ، خشکی و دلنگی  
 برهاند زیرا راجحان بسیار  
 سازد که طفل همه تشویش  
 درونی را فراموش نماید تا گفتم  
 نباید گذاشت که سلفه نمودن  
 خفا خوب زنده کی بسیاری  
 طفل در قدم نند و وظیفه  
 با تقویت اوست  
 پرسیدیم تسلیل مادران

بقیه از صفحه (۶۱)

# آرزو دارد ...

بد منتون پذیرفته‌شدم که در هر دو رشته قهرمان می‌باشم .  
 - آیا به نظر شما ورزش بد منتون ثقیل نیست ؟  
 - بلکنی میکند و با جسم می‌کوبد به تصور من سوال شما از این نکته منشاء می‌گردد که من یک دختر استم .  
 - نخیر ، های-چنین حرفی در میان نیست و صرفاً از نگاه ورزش طرح نمودم .  
 - خوب ، بشنوید ]  
 ورزش بد منتون ، ورزش - اجتماعیست که به تعقیب و الهیال یگانه ورزش ثقیل می‌باشد و زیرا این ورزش هم به شکل دبل و - هم به شکل سنگل " انفرادی " اجرا میشود و پرورزشکاران را تا حاکمیت عام تمام بالای میدا ن داشته باشد ، البته در شکل

انفرادی آن با نام این ورزش - بکیت بد منتون ، پروجا ل میا شد .  
 - به اثر معلوماتی که در مورد شما به دست آورد ، ام شما - همیشه قهرمان بوده اید . راز موفقیت تان چیست .  
 - در مورد اینکه همیشه قهرمان بوده ام ، و فعلاً خودم را از این نمی‌شم و اما در این زمینه از - تیمران خوب خود محترم - محمد عظیم و محترم محمد رسول دشتی سپاسگزارم و در قدیم دهم پشت کار و حاضر بودن - خودم به شکل منظم در تمرینات - بنات می‌باشد . موصوف افزود چارصال قبل مسابقات فاینل جهت انتخابات اعضای تیم ملی

از طرف کمیته ملی المپیک در - انستیتوت پولی تخنیک کابل راه اندازی شده بود که با اخذ مدال طلا تقدیرنامه و یک کپ قهرمانی مقام قهرمانی را حایز شدم که - البته در رشته پینگ پانگ نیز دسترس کامل دارم و در این رشته یک مدال نقره و یک کپ قهرمانی و بی شما تقدیرنامه های ورزشی دارم .  
 - چندی پیش سفری به کشور اتحاد شوروی داشتم در مورد نوعیت و نتایج مسابقات تان حکایتی شنیدم .  
 - یکجا قبل که جهت اشتراک در مسابقات دوستانه عازم کشور اتحاد شوروی شده بودم با - تمسهای جوانان رشته بد منتون و پینگ پانگ مسابقات را اجرا نمودم که به اصطلاح همیچ " باخت " نداشتم و از آنجا با خود یک تابلوی ورزشی و یک پتتون که تصویر ورزشی بروی آن حک شده بود از جانب -

فدرا حوسن آن کشور برام داده شد .  
 - در اخیر اگر پرسشی را طرح نکنم خودتان چی خواهید گفت :  
 اینکند آخرین لحظه رشته کلام را به دست من سپردید با استفاده از فرصت می‌گویم که ورزش بد منتون از سالان د رازی در دست ورزشهای کشور ما درج گردیده و ورزشکاران بسیار - متعدد همین اکنون در این عرصه دارم و اما اندک پیش توجهی بخاطر حضور ما - ورزشکاران این رشته در خارج از کشور نشده است و - موضوع دیگر اینکه همیشه و - میخواهم مقام قهرمانی ام را حفظ نمایم .  
 - من هم موفقیت و قهرمانی همیشه کنی برایتان آرزو میکنم .

## د (۳۳) سخنی را اخذ و بفرماید ...

(( داهلك لوتى دى . نيه به داري چي كوم بل شونهي تهين ولبزو ))  
 هلك وويل :  
 - (( و لوتى ته يم . راصه چي دهنه شتن سري ماهي ته ورشو او کونسي وگورو ته به حتما وويي چي دهنه د کونيو شاو خواز نداد يار له غونيو جهر شوي او ياشي چي دهنه دوه سترگي او پوزوه زوز د کونيو به تلي پوري نيشي وي ))  
 مدير وويل : (( و عقده لرم چي دا کوچني لوتى دي...؟ محسن سواب وورکر :  
 (( دهنه لوتى ته دي . ما پخيله هم خو واري خيلي کوب نبي دده يلازه ووري دي ، خو دوروستي بل لپاره کله چي ورطم ، مانه بي وويل چي م شوي دي ))  
 دهنه خنگ م شوي دي ؟ بو و ن دهنه فونشل چي به سوه کونيه کن سخ وويي . کله بي

چي کار پايته ورخته و ي ليدل چي خيل کونسي ته کلي دي . تا سو وگوري ، دهنه داسي محکم سندان و هلس ووي چي نژوي ووسندان سوري شي دهنه لاسره سندان پوري کلک نيشي و او تول دهنه خلک چي به لپاره تهيدل ، مرسته بي ووسره ونگره ، هوکي ، له ده سوه چي مرسه ونگره او دي به سندان پوري نيشي م شوه ...  
 مدير محسن ته چي دکوب چني تر خنگه ولاړ ووه ، وکل . دهنه دواړه داسي پويول نيشي ووه چي تابه ويل دوا - ره سوه بو دي او مدير خيل - سر خو واره بي له دي چي وواسي ، وپوزواوه . بيا بوسه وگرديد او په خيل بسه خوکی کيناست . دکافله پاني سي دسزه سوه واخيستي او شو شيمي ووسته به سي دسترگو له کونيه محسن او کوچني هلك ته وکل .

بقیه از صفحه (۵)

# مردم در ...

اتحاد ولدوله سردار احمد - القدوس خان صدر اعظم بوضاحت مشاهده رسیده است . چنانچه همینکه سردار موصوف از کابل روزه عقد هار گردید در فزانه سران قبايل مختلف چون محمد آغا هزاره ، عباس خان هزاره ، محمد رحمد خان توري ، محمد الله خان قبايق ، نواب خان و سهند خان الکوزايي نوبر - محمد شاه خان قزلباشي محمد اسلم خان بلوچ ، حاجي - محمد محقوب خان توخسي و يك عده ديگر از خوانسين ه علماء و روحانيون تا شهر قندهار زير شمار هاي اتحاد و همبستگي در صفوف مبارزين پيوستند و با -

طرد هرگونه اختلافات فذهبي قوس و منطوقی چون مفت واحد علمه د ضمن همبازره پرداختند و به این ترتیب وحدت ملی مردم افغانستان که توسط رهبران ملی تبلیغ می‌شد تا - بانگر پیروزی تاریخی آنها علیه استعمارگران انگلیس بود . این اقدام پروسه مبارزه در راه استقرار حاکمیت ملی در کشور را تکمیل کرد . لذا دیده می - از هم پیوسته و امرا استقلال کشور روی احساسات پاک و وطن پرستی مردم خطاب می‌کردند که این امر منجر به استرداد استقلال کشور ما گردید .



صورت کبره پوست دقیقه قبل از آن محل را با خاکستر گرم و با داغ اما پاک و مانند خاکستر کاغذ پاک و خاکستر سکرته و خاکستر تکه های ظرف زهر سندی بمالند .

۶- مالش دادن یک توتنه مکعب شکل پنج پاک قبل و بعد از برگرداندن موی علاوه بر جلوس گیری از نفوذ انتانات و میکروب های عادی در درازنای کاهش میدهد .

# ازموهاری که رنج ...

بقیه از صفحه (۵۷)

در مراحل بعدی میتواند برای همیشه آنرا از بین ببرد . طرز استعمال آن نیز زیاد سهولت دارد .

ورقه ضخیم موم داغ را بالای ناحیه هموار نموده و اندکی انتظار بکشید تا سرد شود . سپس آنرا برخلاف جهت تایل روی بدن موبد داشته به طرف خود بکشید . در این صورت استعمال پارچه تکه و پلاستیک لازم نیست .

شوره دوم آنست که موم گذاشته شده اما قابل تحمل را به آهسته گی روی جلد هموار نموده پس از یک دقیقه پارچه نازک و پاک و خشک ساخته شود . در مورد مدت تطبیق آن لازم است تا بادا کتر جلدی تمام گرفته شود . زیرا استعمال آن روی جلد کمتر از مدت معمولی میباشد .

افیدت معیاره باعث تخشش سوزش و آفات پیشرفته میگردد . استعمال در او روی جلد در رساحه گزیده گی زخم ها لکه های جلدی نواحی دارای خارش جلدی مطلقا ممنوع است . در این شوره رویدن موی تازه تا نوزده روز نامکن است . پس از ختم عمل جلد بار دیگر پاک فست و کرم تطبیق گردد .

هنگامی که موی نرینه شوره نجات از برهمنی مخصوصا برای پاهای بازوان و زهرها و غلبه واکسینک است . که رویدن موی را کم تا دو سه نامکن ساخته میتواند البته

تل شود . نوبه آن تبخیر خواهد شد . جوهر لیمو را با آن یکجا ساخته تا وقتی که قوام موم برسد حرارت دهید . سپس آن را از منبع حرارت دور کنید و نم قاشق کلسیمین به آن علاوه نمایید . دیگر واکس تهیه شده فاسل استفاده میباشد . تست حساسیت مانند قبل حتمیست .

## الکترولیز :

شوره بدن از بین بردن موی آنست که باید تحت نظارت متخصص و یادا کتر جلدی مجرب صورت پذیرد . زیرا خالی از خطر نیست . الکترولیز به شش هفت گزیده تفاوت از فرستادن تداوم جریان برق به فولیکول موی میباشد . پیاز موی قطع راه تغذیه مسدود ساختن مجاری ارتباطی موی باعث میسر و سوزاندن ساقه موی صورت میگردد . این راه از بین بردن موی است و اما یک بار دیگر قابل هشدار است که باید با آن حد اعلای احتیاط و سواغات هدایات تخصص جلدی در نظر گرفته شود .

به خاطر بسپارید که از بین بردن موی اضافی به این صورت برای صاحبان تکالیف قلبی دیابت ( موی شکر ) و دختران کنتراز سن شانزده مطلقا ممنوع است .

پس از بین بردن موی با شوره الکترولیز باید تمام بدن را حقیقا کرم جلدی تطبیق نمود .

معمولا به خاطر پوها نندن بر موی ساعد از موی پها زیاد استفاده میکنند که به دلیل ذیل باعث زیاد شدن موی این ناحیه میشود :

حاصلت تمهیک پذیری و اعتماد رفق موی ساعد در برابر تماس های مداوم با چوبها .

در سایه قرار گرفتن ناحیه تصرف مداوم پوشش .

# گل

طبله ، هارمونی ، اوشیلیس غزولای شی به ماندولین اکاردیون از موی همینه لاس گرمی اویه غزولای درخ کوهی .

گلزمان ، دینتو موسیقی لوال اودغی موسیقی خدی متگاردی دی دینتو اصلی موسیقی خوشبوکنسی اویه نه اونگی بی بی دودی خوشبوکنسی اولاری دی اوحتی دغری موسیقی ته هم دستندرو

# زمان

به جورولو کی کارا خلی گلزمان به ناتوریتوالو نوکی گدون کری دی دینتوستان به نیتوال کی بی افتخاری دیلیوم ترلاسه کر چی دنگس دانسامیل دنتظم چاری ویه غاره شوی ، نغسه انسابل ته بی ویر کاروکر اونگی سندری بی جبری کری له دغ انسابل سو ویرو نپوالو نیتوالونو له لرا و دالان به فولکلوریک نپوال

بقیه از صفحه (۷)

# نهیضت

خان صد راغظم طی نامه از شمس المشایخ ونورالمشایخ مجددی برادرش خواها ن اعلان جهاد علیه مشروطه خواهان شد و آنانرا واجب القتل قلمداد کرد .

چون اهداف برنامه مشروطه خواه با به قدرت رسیدن شاه امان الله پا در هوا ماند و اصلاحات سیاسی واجتماعی شاه نتوانست روشن فکران را مجاب سازد بنابراین مقاومت های ایمن روشنفکران در مقابل شاه آغاز یافت . شاه همیشه مقاومت روشنفکران را در مقابل خود احساس نمود یکایک آنان را از پهلوی کنار گذاشته در عرض افراد فرصت طلب و مقاپرهت را به جای آنان گماشت و رو به پرفتور اداره دولت شکل یک اداره مطلق العنان را به خود گرفت علاوه محمود بیگلرگری طرزی از وزارت خارجه معزول شد . محمدولی خان وزیرخبریه از پست فعال وزارت خارجه

به و نیغه تشریفات . کیا شاه کاشته شد و عبدالهادی - داری وزیرتجارت از کابینه استعفا نمود و میرسید قاسم خان از امور مهم مملکت دور ساخته شد .

با این حال شاه در جرگه ها و گرد همائی باعکس العمل های روشنفکران رو برو شد . غلام محی الدین خن آرتسی و کهل انتخابی کابل در لویه جرگه ( ۱۹۲۸ ) فریاد کشید : **گمبخترا !**

مادامیکه این وزرای مشهور با القادشا تا پای محاصرات در مملکت میکنند .

برای شاه موقعیت دشواری پیش آمد حکام و مأمورین فرصت طلب که به عوض مشروطه خواهان کرسی ها را اشغال کرده بودند بدون هیچگونه احساس مسرولیت به چورو چپاول و مکیدن خون مردم مصرف بودند که پیمان آن

نارضایتی مردم از شاه بود .

شماره ی غریب که شاه از اروپا با خود آورد بود با واقمیت های زنده گی هاضمات مذهیبی و عرفی و ادب سستی مردم موافق نبود بنابراین تحریکات انگلیسهارا خوتر نتیجه کرده میتوانست قسر تحصیل کرده و قلمبسم ملت که با تند روی شاه موافق نبودند و در سیاهی سواران اهداف برنامه مشروطیت را رویه قنایمید یدند از تگبار شاه دور ایستادند .

بنابر آن شاه مجبور شد با این شعار که : **مهرم تاتونشوی نامم اگر از نام من ترانک است** وطن را ترک گوید ولی در پایان نهیضت امانی قشار موج معکوس فعالیت های تندروانه شاه را امانی متحمل شدنکمه اصلا با تگباری های امان الله خان موافق نبودند تعد از نه این رو شنفکران اعدام شدند و یادار غلوزنجیر زندان ها افتادند که ادا به شیخ آن از حوصله این بحث خارج است .

بقیه از صفحه (۶۱)

# اخ

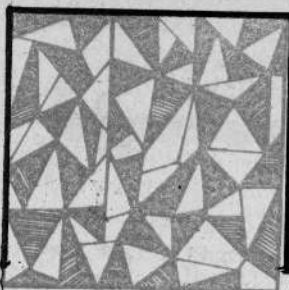
میکردید به امضا رسید . در متن پروتوکول آمده است : **ماهر** در جانب نقض رشوه گیرند مورشوه دهند . را مخفیانه بازی نموده از تخلفات همدیگر زهر کانه گذ شم منجاسیم و تمهد مس - بندیم که به شکایات خورد و - بزرگ از طفل بی دندان گر - فته تا پیر مردی که آخسین دندانش را حین بالاشدن به سرس از دست داد ماند و وقعی نمیکاریم .

به اثر سعی تلاش منمو - بین آمهت جمع آوری بیستکارت مدیهت مبارزه با جرایم فلسی در هرز مقدار زیاد تصاویر و - بیستکارت های مغایر اخلاقی وکلتر از نژد " متن پرورد - بزرگ دوست " شاگرد صنف ششم یکی از کتاب کشف چه دست آمد . بیستکارت تصاویر به دست آمده ضبط گردیده مضمیم به چنگال بهره های - نهشدار صنفی هاسپرد شده قضیه تحت تحقیق نگران صنف قرار دارد .

از خواننده گان ارجشند صمیمانه تقاضا به عمل مایسد تا با خواندن این مطالب بر ما خنده گریز نکنند .

# ملاقات در مسکو

معدا سفر بوش به سکو از نظر سیاسی ضروری نبود . دوکراتها او را ملاقات میکردند که باید در پاسخ به تهمیرات در اتحاد شوروی خیلی محتاط باشد و تلاش نکند تا از مداخلات گراچف پشتیبانی به عمل آرد . شاید از همین سبب بود که آقای بوش در میانه خود احتیاط را از دست نداده و پشتیبانی اشرا بر بنیادی اصول وانمود کرده است . و بالاخره پشت نما - لبتدای صلح جهانیه ابرقدرتار اعالن اینها می کند . اگرچه ( ستارت ) نگران انسانهارا از خطر های اسلحه هسته ای دور نگریه ؛ مگر متوان گفت که سرفراز خوین برای ایجاد جهان فارغ از جنگهای هسته ای خواهد بود .



در این ماه برج به ستاره وجود دارد که نامش است -  
! اما! اینرا پیدا کنید .



این به نشانی مریز است  
بآن دلیل که نام بی از ایالات  
متحدہ امریکا در آن بیستم می  
خورد . این ایالت کدام است



### اعداد امروز

اعداد امروز  
در ایندها هر برج ، نقش  
عددی را باری میکند و شما این  
اعداد را از روی علائمی که در -  
اعتراف آنها دیده میشود می  
توانید پیدا کنید .

# حل کنید و جایزه بگیرید

تهیه کننده لطیفه "سهدی"

افقی :

- ۱- عروس شهرها . دلبری
- ۲- مخفف کز . دنباله درخت
- برسر
- ۳- از شهرهای عربستان .
- از القاب انگلیسی
- ۴- لکه کوچک حرف معمول
- به واسطه .
- ۵- از اسمای ارضی ، فراغنه
- مصر .
- ۶- اگر چیزی از روزگار باشد
- آدم خالخورده چشیده .
- است .
- ۷- حرف انتخاب جمله کتب
- طلبی ، از حالت دریا .
- ۸- کتاب جمع شده . در یکی
- از آثار جان اشتاین یک پنهان
- شده است . فلزی است .
- ۹- خوراکی با تخم مرغ ، از
- هرازان دوت .
- ۱۰- رسن فلز گرانبها .
- ۱۱- هنر پیشه فلم بیک
- نهک .

عمودی :

- ۱- مسردترین نفاثر جهان
- در حال حاضر
- ۲- از حروف الفبا ، انگلیسی
- بینوع ویتامین ، کالتر .
- ۳- از سران آلمان نازی ،
- خواننده گلستان .
- ۴- بخاطر سپردن . از انواع
- خواهر برادر .
- ۵- از جشنهای باستانی ، از
- کلمات پرستش تصدی روس .
- ۶- واعظ در جمع .
- ۷- سنگ تازی ، میزان کر -
- دن معددی است .
- ۸- از ادارات تابع وزارت -
- کشور ، از موجودات افسانه
- ای .
- ۹- تکراری از حروف . روایه
- صحرا
- ۱۰- نخس ، از خاکهای -
- صنعتی ، از حیوانات مزاحم .
- ۱۱- از مخترعین معروف -
- امریکایی .

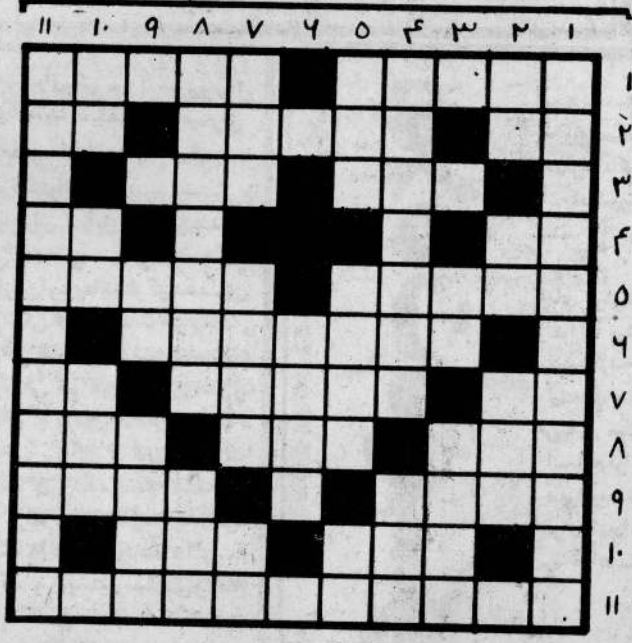
# سعدی

# ۵۵



# پند و اندرز

# ها



# حل کنید و جایزه بگیرید

- ۱- استغفار احوال است نه مصافح
- ۲- در سرد را متعین شود
- ۳- برای زیبایی آن ورزشی -
- ۴- است - رنگ در دردمند - مایه زنده گانی
- ۵- تکرار یزدی - جنون را جمع
- ۱- شود - در امان و آسوده خاطر
- ۶- آریاه لعن تشبیه کرده اند سرانجام است و بعد از آن است
- ۷- هر چه - مبرورین
- ۸- مرکب موش در مبرورین - امر در آن زنده در مریضند
- ۹- و در دیدن - هشتم و زهران در مبرورین و میموند
- ۱۰- به غذا غرض می ورزید - علم به دست دارد - در ردیف دوم خودی - ب - ویند
- ۱۱- بی میدان و زهران است
- ۱۲- وزیر بار - اثر از آن صرف می خوانند شراب است - صحت راست
- ۱۳- پدر مردگان - ستاره غنا و شهنشاهی آسمانی
- ۱۴- تغییر در پشت و زانو را در اداره می کنند - محمود - به آیین کریم می زنند
- ۱۵- وسیله تا زنجار - نوعی بود کیمیاوی - خداوند کار
- ۱۶- یک از فنون - آیین تارل مارش بوده که اصول موسیقی از علم را تشریح می کنند
- ۱۷- (..... فارسیها) کتاب - بیست از لغون تولستوی
- ۱۸- آواز کیوسک است و از سنا هم شعری - و دینی دارای اقلیم مدیترانه که پرومیس زیتون در آنجا سمورت می گیرد
- ۱۹- متحرک نیست - پست و فرو مایه - کدام غله جات
- ۲۰- دختران هندو بدست برادرانش می بندند - اولی - نوع طیاره و دوس هفتاد و پنج
- ۲۱- فراموش در پشت و پنجه گاه است و کتابه از وطن - سمت چپ
- ۲۲- مزده دهنده مرکز ولایت نهمروز - اول و شروع است با پانزدهن حرف و او
- ۲۳- تکرار حرف پهن در پشت می گویند - بودم - از امراض خطرناک - روز چهارم
- ۲۴- حاتم شاعر که الماس کوه نور را به احمد شاه بابا تحفه داد - ناف آهوی مشت

- ۱- مد - نار و بار دستند - جرم دارد - شبد نهنگی
- ۲- در زمستان برای تسخیر می گذازند - شستن و پاک کردن آن - سیب را جمع کنید
- ۳- کلوله (لرزه او.....)
- ۴- پروگرام است در تلویزیون - صفت و پشت سر هم
- ۵- سرزمین نامی از آن - برای عید می یزند - فرودگاه بوسه کلمه فازه
- ۶- در ردیف عبادت مشغول است - پنج در روز یا چارسا

۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

|    |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
|----|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|
| ۱  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۲  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۳  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۴  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۵  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۶  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۷  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۸  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۹  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۱۰ |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۱۱ |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۱۲ |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۱۳ |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۱۴ |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۱۵ |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |

- ### افغانی
- ۱- شاعر پارسی گو پاکستان شاعر جوان ماهه مریخه در خطا فله از است
  - ۲- دره زیبای در میان فص امر رساندن از جهویات است فاره است
  - ۳- جانوریست - جبهه جلیاسه که در آب و آتش زیت می تواند معلوم و دست رسید خدمت مقدسیست
  - ۴- شانی که ریا می کنند اما بر سر است - کسی را کشته از فلان غدا - سرور بر آغاز
  - ۵- رقم را جمع کنید - بد نیست از شهرهای مشهور امریکا من و سما
  - ۶- پای بر جاردن است و منکن مستر آن - نورانی - رعیت واحد است
  - ۷- نم سدای حیوانیست - نهایت زمان عمر - حد رحما - هرنگ که گلها را می بویند - در پشتو - پسر از ارکان سورسورا - نا از آنوی
  - ۸- ام یو پا - آخری علم بد ستان
  - ۹- کشتزار - علم نو آموزان تخم القاق شده - سلم رستم
  - ۱۰- اسن نیست - پیشوا و رهنمون - زیری و باهوشی
  - ۱۱- عدت نعن که در او کلمه می آید و معنی آنرا تغییر میدهد

- ۱۲- تغییر در پشت و زانو را در اداره می کنند - محمود - به آیین کریم می زنند
- ۱۳- وسیله تا زنجار - نوعی بود کیمیاوی - خداوند کار
- ۱۴- یک از فنون - آیین تارل مارش بوده که اصول موسیقی از علم را تشریح می کنند
- ۱۵- (..... فارسیها) کتاب - بیست از لغون تولستوی
- ۱۶- آواز کیوسک است و از سنا هم شعری - و دینی دارای اقلیم مدیترانه که پرومیس زیتون در آنجا سمورت می گیرد
- ۱۷- متحرک نیست - پست و فرو مایه - کدام غله جات
- ۱۸- دختران هندو بدست برادرانش می بندند - اولی - نوع طیاره و دوس هفتاد و پنج
- ۱۹- فراموش در پشت و پنجه گاه است و کتابه از وطن - سمت چپ
- ۲۰- مزده دهنده مرکز ولایت نهمروز - اول و شروع است با پانزدهن حرف و او
- ۲۱- تکرار حرف پهن در پشت می گویند - بودم - از امراض خطرناک - روز چهارم
- ۲۲- حاتم شاعر که الماس کوه نور را به احمد شاه بابا تحفه داد - ناف آهوی مشت

## حل جدول

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

|    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱  | ن | ک | ز | م | ر | س | ر | ی | ا | س | ت | ا | ف | ق | ا | خ | ا | ن | ج | ا |
| ۲  | ب | ا | ب | و | ن | م | ا | ی | ر | ا | ی | ا | ر | ا | ا | ن | ج | ا | ن | ج |
| ۳  | ه | ت | ن | ا | ف | ت | ر | ی | و | ی | و | پ | ا | و | ا | و | ا | و | ا | و |
| ۴  | ع | ی | ا | د | ت | ت | ن | ش | ا | و | ر | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز |
| ۵  | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز | ز |
| ۶  | م | ت | ق | ط | ح | ر | س | ر | ی | ا | س | ت | ا | ف | ق | ا | خ | ا | ن | ج |
| ۷  | ت | ی | ک | م | ح | ر | س | ر | ی | ا | س | ت | ا | ف | ق | ا | خ | ا | ن | ج |
| ۸  | ی | ل | ی | ا | ر | ا | ر | ا | ر | ا | ر | ا | ر | ا | ر | ا | ر | ا | ر | ا |
| ۹  | و | ی | ن | د | و | ا | م | ا | ن | ا | ت | ا | ت | ا | ت | ا | ت | ا | ت | ا |
| ۱۰ | ن | و | ی | ن | د | و | ا | م | ا | ن | ا | ت | ا | ت | ا | ت | ا | ت | ا | ت |
| ۱۱ | ا | ج | ا | ن | ج | ا | ن | ج | ا | ن | ج | ا | ن | ج | ا | ن | ج | ا | ن | ج |
| ۱۲ | س | ن | ا | ت | و | ر | ا | س | ن | ا | ت | و | ر | ا | س | ن | ا | ت | و | ر |
| ۱۳ | ج | ک | س | ر | ط | ا | ن | ا | ت | ا | ت | ا | ت | ا | ت | ا | ت | ا | ت | ا |
| ۱۴ | د | و | ب | ل | ی | ن | د | و | ا | م | ا | ن | ا | ت | ا | ت | ا | ت | ا | ت |
| ۱۵ | ه | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا |

## حل کننده گان

محترم عبدالصبر نواز زئیر  
 محترم صفیه نواز زئیر از مکروریان  
 محترم بشیر احمد امیری  
 منوره مسمود محصل حقوق  
 محترم سها خورشید از لسه - زرغونه  
 این بور محصل سال جارم  
 انستیتوت طب کابل  
 محترم حسنا غزال از پوهنتون - کابل  
 محترم نوره ناصر محصل طب پک  
 محترم محمد جاوید سرماز - زرغونه

# سپاوون کورکات

## شیر سوه و عسل

ترجمه : حسام الدین برومند

۱- خرگوشی که در سوراخ همک درخت زنده گی میکرد ، متوجه شد که زنبور های عسل بسیاری شان خانه ساخته اند . خرگوش به فکر افتید که چگونه از سوراخ بیرون برآید ، از زنبور دوستش موش صحرایی رابه کمک صدا زد . آن وقت هر دو سبزه ها و علفهای خشکیده را از بالای درخت جمع کردند تا به اطراف زنبور ها در بدهند . با ایسن کار شان زنبور های عسل دسته جمعی پریدند آن گاه خرگوش و موش صحرایی ماندند و عسل ها .



۲-۳ : وقتی آن ها به عسل چسبیدند و مصروف خوردن شدند یکبار سرورکله شیر در آن جا پیدا شد و غریب :

تیز تر ، تیز تر از درخت پا- بین بیائید . خرگوش که متوجه شد فریاد کشید و خشمگین است لرزان لرزان گفت : موش

صحرایی مراد علف بیچکان وقتی این کار انجام یافت . خر- گوهر به شیر گفت : تو میتوانسی به خاطر آسوده راحت را بگیری و بروی ، من خود به خود پا- بین میسوم . خرگوش بدین ترتیب پاره نجات خود را سنجیده و از درخت خیز زده و پتان پرید که نهی .

شکار که از پنک شیر فرار نموده بود ، ازین رو هیچ پشمش را از موش صحرایی دور نمیگرد



۴- لحظه یی بعد ، شیر با خشم زیاد بر موش صحرایی غریب : پایمین شو .

بدین ترتیب موش صحرایی مجبور شد که خود را تسلیم کرک نماید .

۵- شیر در حالی که موش صحرایی را بر زمین خوابانده و میخواست خفکش کند ، گفت : تو جور جرات تیری از جنگل من عسل بخوری ؟ موش صحرایی بازار زد و عذر گفت : بشیو جان خرگوش مرا وادار به این کار ساخت و غریب داد . فشیر



باد رنده خوبی تمام با پنجالش بر موش صحرایی حواله کرد اما موش صحرایی بدون آن که پنجال فشیر بر وجودش برسد ، آن را در هوا محکم گرفت بعد از آن جستی زده و در میسان بته ها خود را ناپدید ساخت .

۷-۶ خرگوش را که غسل موزه  
 داده بود اینبار با سنگ پشت  
 قصد خوردن غسل نمودند باز  
 هم سر و کله نشیو شده پیدا شد  
 گرن بلا فاصله بر خرگوش غرید :  
 بیا پایین شو ، چرا معطل  
 استی ؟ اما خرگوش در مقابل  
 گفت : اگر توبل میدهی مرا  
 قورت نمیشی ، پایین میومم گوشت  
 بسیار سختی دا دم و پسر علاوه  
 کوبنک استم ، وقتی نرم شدم -  
 طعمه خوبی برای تو میومم  
 آن وقت مرا به دم خود نشان  
 چنچ بده ، بعد به زمین بز  
 آن وقت پیش از آن که نفسم  
 برآید مرا نوتر جان کن . نشیو

بلا فاصله خرگوش را بردمش  
 نشاندم . دمتر را چنچ دادا  
 چون دم کوتاهی داشت هخر -  
 گوش از دمش لغزید و ناپدید  
 شد .



۹-۸ : اکنون تنها بیچاره سنگ  
 پشت بر درخت مانده بود اما  
 هر قدر که نشیو بزوی حمله کرد  
 و حیوان را پنجال کند بر سنگ -  
 پشت هیچ تا ، نهر ننمود . یکبار  
 سنگ پشت سرش را از میان لاکش  
 بیرون آورد ، نشیو خور شد و آن  
 راه آب انداخت . سنگ پشت  
 در آب شروع به آبیازی نمود نشیو  
 به دنبال آن خود را به آب اندا -  
 خت ، لیکن درین میان خودش  
 نغر کرد .

۱۱-۱۰ : نشیو خشمگین به  
 سرف جنتل خزید . آن جا کلبه  
 خرگوش را دید . آرام داخل آن  
 رفت . لکن آن جا را خالی  
 یافت . خوب منتظر برگشت -  
 صاحب خانه ندست . خرگوش



به زودی آمد . اما چی میدید  
 پل پا های نشیو . ۴۴۰ واقعا  
 چا یکی و تیز هوش را از -  
 دست نداد و با عجله گفت :  
 صبح بخیر کلبه من .  
 صبح بخیر .

نشیو به دنبال خسر -  
 گوش دوید . اما شکار از چنگ  
 رفته بود زیرا به همان اندا -  
 زه که نشیو ساده بود هخر گوی  
 زرنک بود و با خود فیصله کرده  
 بود که مخصر صا ، ننگدار ، نشیو  
 غسل بخورد .



محترم نظیفه احمدی از اکا-  
دمی علوم ج ۱۰  
طرح تان برای نزدیک بین  
رسید. وی امیدوار است در  
اینده طرح ادبی بفرستد.  
از شما سپاس گذاریم.

دوستدار سبله مهم میبیدی  
نزدیک بین در مورد کسی  
که شما پرسیده اید که چرا بر-  
نمیگردد از قول عوام میفرماید:  
اگر ده بار کسی محکم گرفته  
نمیواند. حوصله مند باشید.  
همکار خوب تور یکی اسدی  
از لیس مهم:

نه تنها شما بلکه تمام خوا-  
نده گان عزیز سبله هر گاه  
مخواستند بگویند (سبا و ون  
چطور باشد؟) باید همراه با  
مطریات خوشتر یک قطعه نو-  
توی خود را نیز ارسال بدارند  
از شما تشکر.

ساکت باش:  
مگر که دوستم داری بگذار  
این جمله بر لبهایت بلسزد  
ولی به صدا نیاید.  
خواهم آن را از دور احساس  
نمایم. از رویا بیدار مکن  
و مگو که دوستم داری. آه  
ساکت باش.

همکار خوب مهم کمال از  
لایه اربانا.  
ما بوس نشوید. نزدیک -  
بین شما را در طرح جدول -  
تشویق خواهد کرد. چرانی!  
ما از تمام همکاران خویش طرح  
جدول میگیریم. مگر به شرط  
آن که خودتان به اداره مجله  
تشریف آورده طرح جدول -  
تان را تسلیم نمایند. از شما  
تشکر! جدولست باشید.  
محترم مسعوده مهجور ار  
اکادمی علوم.  
نزدیک بین هر قدر شیشه  
هنگام را پاک کرد تا نام تان  
را درست بخواند مؤفق نشد  
بالاخره از دور بین کمک خوا-  
ست او بعد از آن که حرف  
را زهر داد و زهر داد و جنگ  
انداخت، توانست بخواند  
ولی توانست از آن مضمون

محترم عبدالشمن شهزوی -  
کارمند ریاست برق کابل!  
شما حتماً سبله را هنگام  
برجای برق - العه مینمایید  
که متوجه حساب بانکی سبله  
که در خود سبله درج است  
نشده اید. نزدیک بین برای  
خود دید روشن و برای شما  
برق روشن و توی شما نمیدانید.  
همکار همیشه حاضر سبله  
حکمت الله ناظمی حکمتجو از  
شاروالی کابل!  
نزدیک بین نام تان را خوا-  
ند و گفت که شما از خصایص  
نیک انسانی برخوردارید.  
ای کاش دور بین هم چون شما  
میبود. به هرحال از غیبت که

بگذرم باید گویم که من هم  
دعایم روزی شکست لاتی تان  
اگر به جایزه یک هزار افغانکی  
تمادت نمیکند به جایزه صد  
افغانی تمادت کند. از شما  
تشکر! امیدوارم در آینده  
بعضی سلام بچه ها را در حق  
خوانده بعداً حرفهای تان  
را همراه با فوتی تان بر-  
سند. نزدیک بین واسطه  
خواهد شد تا بدون تو بست  
چاپ شود. در لاتی برنده  
باشید.  
آخرین چیزی که از دست  
بمورد امید است.  
حقیقت را میتوان خم کرد  
ولی آن را نمیتوان شکست.

# از نزدیک

درست بگرد. مشوره بنده به  
شما این است که از خداوند  
برای این دو نفر سواد عاجل  
و دانش کامل آرزو کنید. ماه  
برای شما مطالب جالب آرزو  
نمایم.  
همکار عزیز سید خالد حکمی  
از لیس دوستی.  
چرانی! شما میتوانی به  
شعبه (اطلاعات و نامه ها)  
اداره سیاون تشریف بیاورید  
و در مورد ذکر شده از نزدیک  
بین کمک بخواهید. قابل  
تشکر نیست!  
علاقه مند جواب به نامه ها  
روشنه جان زین.  
نزدیک بین از احساس نیک  
تان نسبت به او تشکر میکند  
ولی این که خوانسته اید تا یک  
قطعه فوتی را در این  
صفحه سنجاق نماید. -

وی میفرماید: همکار گل! درین  
مفرد معمولاً عکسهای علاقه  
مندان ما چاپ میشود. اگر  
این جانب نیز عکس خوشتر  
سیناق نمایم، همکار دور بین  
ساحب بالایم می بگرد که  
گویا من خودم علاقه مند خود-  
هستم لذا معذرتم را بپذیرا  
شوید. و بگذارید ما این تقاضا  
را از شما کم. و در مورد  
نامه تان باید گفت که اگر  
شما به جای نزدیک بین می  
بودید باید نامه خشک می  
میکردید؟ جز این که از تو-  
بسنده اثر نامه های (ترا) آرزو  
میکردید. از شما تشکر. بر  
عکس نامه تان ترو تان باشد.  
محترم فوزه وردک.  
برسیده اید که چرا هنرمند  
محبوب نهراد دریا در کشور  
کم دیده میشود?  
نزدیک بین میگوید: به  
خاطری که در خارج از کشور  
زیاد دیده میشود.  
همکار عزیز احمد حاوید  
سمی:  
نسبت از بهاد مطالب  
نزدیک بین نمیتواند تمام نیک  
های ارسال تان را نشر  
نماید اما چون به این عقیده  
است که (( اخلاق مهم است ))  
لذا دو نیکه از نیکه های  
ارسالی تان را در مورد -  
اخلاق انتخاب میکند.  
خلق خوش چرافی است  
که صفات خوب ما را روشن می  
کند و بر صفات بد ما سایه  
ماندازد.  
خلق خوب پول رایجی است که  
باهر نعمتی عوض میشود.

همکار عزیز سید خالد حکمی  
از لیس دوستی.  
چرانی! شما میتوانی به  
شعبه (اطلاعات و نامه ها)  
اداره سیاون تشریف بیاورید  
و در مورد ذکر شده از نزدیک  
بین کمک بخواهید. قابل  
تشکر نیست!  
علاقه مند جواب به نامه ها  
روشنه جان زین.  
نزدیک بین از احساس نیک  
تان نسبت به او تشکر میکند  
ولی این که خوانسته اید تا یک  
قطعه فوتی را در این  
صفحه سنجاق نماید. -

شمار قدیم نورالرحمن  
نوبین از شهر بلخمری.  
برای کسانی که شما کانتینر  
کانتینر سلام فرستاده بودید  
همه بالمقابل کانتین - کانتین  
علیت مفرستند. و به جواب  
کله تان دور بین میفرماید:  
حالی که بی فایدهم، بی رقم  
همی که تخلصتان را دیدم،  
خیال کردم که از همکاران شما  
هستید، باز هم برای آن که  
قهر نشوید، همانم نزدیک -  
بین معذرت میخواهد. برای  
آن که جبران نکرده باشیم، می  
خواهیم عذر شما را در قطار هم  
کاران دایمی بچاییم و لطفاً -  
در نامه های آینده بی قطع  
فوتی تان را ارسال کنید، و اینک  
مطلب زیبای طنزی تان را بخوا-  
ند:

آمدن کارمندان به وسیله  
آمدن جناب رئیس به دفتر  
شورفته خواست دلبر.  
از مدتی صاحب محترم وابسته  
است به کش موتر مایکلتر.  
از ما مورعاً حب وابسته است  
به پنجر شدن مایکلتر.  
واژ ملازم بیچاره ساعت هفت  
صبح و بدون در زدن داشت  
شکلر.

محترم غم ریانی مرادی از  
صحت عامه ولایت بلخ: از مرا-  
ملات شما، صرف فوتی میا-  
رک تان را چاپ میکنم و امید  
واریم در آینده مطالب جالب  
تان را نشر نمایم.  
محترم ریثا کوشی ایماق از -  
شهر مزار شریف.  
دور بین حیران است، چی  
کند؟ بی شمار عزیز ما میفرماید  
کهن دایمی هستیم، چرا -  
نو خطاب کردید. ولی  
بعضی فرموده اید که همکاران ما  
تشریف دارند. حال آنکه در  
شماره های گذشته، نامه -  
های فراوانی از شما را پاسخ  
گفته ایم. به هر صورت در -  
همین حال هم جای شکر است  
مانند مفضل جالب شما  
هستم.

# خواب زیاد خطرناک است

خواب زیاد به قدری خطرناک  
است که ممکن است منجر به  
موت انسان شود. زیرا موقعی  
که مایه خواب میروزیم آهسته تر  
نفر میکنیم یعنی کمتر اکسیجن  
جذب میسازیم. کربن را  
در خون نگه میداریم. جمع شدن  
اکسید کربن در خون برای  
بدن (۸) الی (۱۰) ساعت  
بختان سرور ندارد ولی اگر  
ازین مدت تجاوز شد، مسمومیت  
از بلخ.

ارسالی: فرید احمد میهن  
در خورتان.

# از دور

# چه وقت باید از دور واج کرد؟

تفاوت سن زن و مرد در موفج  
از واج بستن سال باید باشد؟  
یک روانشناس مشهور فرانسوی  
مؤلف شد فورمولی برای خواب  
دادن به این سوال پیدا کرد  
که به عنوان یک کشف جالب -  
مورد قبول عدّه زیادی از  
دانشمندان واقع شده است  
فورمول ازین قرار است: اگر  
سن شوهر را نصف کنیم عدد  
هفتزایه آن افزون نماییم سن

# در نزدیک مکتب

دختر اولی: از تو نقد ولکه  
میوشی که سگرت بیف میوشد  
او نموده دوست داره.  
دختر دوم: کی، سو جیب  
آبی ره میوشی.  
دختر اولی: بیلی بیلی هموره.  
دختر دوم: چپ با بر احمق  
که اویدم این.

# افزودن

هر کس زبانش را ندان بگیرد  
در جای غیبتش چالان میباید  
شد.  
اگر ناخنهای پت دست گرفته  
شود و از دست دیگرانی به سرو  
سکه حمله میکند.  
اگر ناخنهای گرفته شده به  
زیر پا انداخته شود، فقر  
می آید.  
اگر در چشم، مهبان می  
آورد.  
ارسالی: ریثا کوشی ایماق از  
بلخ.

کودتاجهان مستقیمه دفاع کنند؟  
 - اقلی کار میچف، حزب کمونیست چه موضعی دارد؟  
 - پولیت بوری حزب تاجا حالا موضع خود را تعیین نکرده است. دیروز دفتر سیاسی جلسه داشت، اما تاحال اعلامیه میداده نشده. کمونیست ها منتظر اعلامیه هستند. بوداشت شما از این حوادث به شایه زور نالاست چیست؟

- از نهای ها مختلف است، بعضی ها تغییرات اخیرا پشتیبانی می کنند و بعضی ها پشتیبانی نه نموده و آن را کودتای خوانند.  
 - مردم چه فکر می کنند؟  
 - مردم در تشریح هستند.  
 دیروز رئیس جمهور وجود داشت و صبح میخ شد. ما له بر سر قانونت و حفظ آن است. در ما سکو اکون، ارتش، تانکها و ماشین های محاروبی و سربازان وجود دارند. مردم می پرسند که اگر سربازان برای دفاع از ما سکو آمدند، این دفاع در برابر چیست؟ از سوی دیگر اگر رئیس جمهور بیمار است پس چرا واحد های ارتش را باید مستقر ساخت؟  
 - آینده کودتا را چگونه پیش بینی می کنید؟

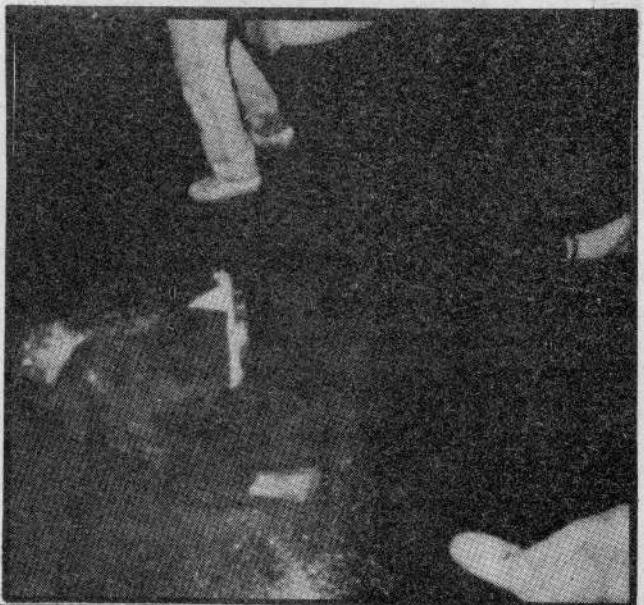
- حالا شاقشه اصلی در کشور تقابل میان رهبری جدید و جمهوری روسیه است. من امیدوار هستم که حوادث به خونریزی نماند، هر چه دیشب با مرگ سه نفر خونریزی لغز شد. من نمی خواهم باور کنم که کشته فوق العاده (ک) ج. ب. (خواستار خونریزی است!) - به نظر شما اکنون ابتکار به دست کیست؟

- ظویر که پولندی ها می گویند ابتکار در دست کسی است که تانک ها در دست اوست.  
 نظر شما در مورد مقاومت بوریس یلتسن چیست؟  
 - در ماه شهریور یلتسن گفته بود که هیچ وقت به گریباچف باور نخواهد کرد و حالا اوازگر باچف دفاع می کند.  
 موضع معازن روزنامه پر اودا - بدینگونه بود. سخنان او نشان می داد که کودتاجهان پیش از همه

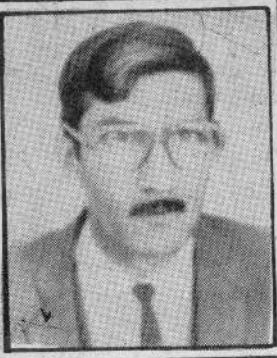
# ۷۲ ساعتی که جهان را تکان داد

پیشینیان حزب کمونیست حساب می کردند. اما آنها متوجه نشده بودند که این حزب و خاستگاه رهبری این باتن در ندادن به نوسازی بشرک موانع گذشته از مدت ها قبل با سپیدین به شعار حفظ قدرت و ایجاد موانع در برابر دموکراسی و کوشش برای کد ساختن روند های نو، ابتکار سیاسی را از دست داد. موبه یک حزب بی امید ییال و مخالف جریان تاریخ تبدیل شده است. درست به همین دلیل آنها این ابتکار را بدست گرفتند و مقام پیش قراول مقاومت را بسراری حفظ دموکراسی بدست آوردند که نیاز تاریخ و زمان ما را درک نمودند. نیاز زمان ما اروپیکه تجربه اروپای شرقی و اکنون روسیه نشان داد عبارتست از مبارزه به خاطر دموکراسی، مقابله با دیکتاتوری ها و تسو ایتر یانیزم و احترام به اراده آزاد مردم (در روز سوم کودتا یعنی روز چهارشنبه ۳۰ اسد (۲۱ اگست) ستارت روسیه وارد مرحله مهم شد. پارلمان روسیه توانست اجلاس خود را آغاز کند. شب گذشته یلتسن با آقایان بوش، میتران، جان ميجر خانم تاچر، هارن لهوالینسا و بعد

دیگراز رهبران جهان تا ماسها تیلیفونی داشت آنها با یلتسن هم نظر بودند: کودتا یسان فوراً تدرت قانونی را اعاده نموده و کدور را تروا گزیند! همزمان سنگر بنفشی ها ادامه داشت و - تا اهرات اوج میگرفت (۴۸ ساعت گذشته ستارت بیز از بی نیر گرفت اجلاس پارلمان روسیه در روحیه هیبتنگی کامل با بوریس یلتسن ریا تایید در خواست همگانی برای برگشت رئیس جمهور قانونی میخائیل گریباچف و عقب رتن کودتا چنان توأم بود. کودتاچیان موفق نشدند رادیو تلویزیون روسیه را که به مرکز عمده کار سیاسی، تبلیغی وسیع افکار عامه مبدل شده بود، ببندند حمایت غرب از موضع ستارت پیوسته انتراین مییافت و این امر بار و روحیه چنگنده گان را آزاد را تقویت می کرد. این امر زیر پای کودتا چیان راست نمود. روحیه آنان را درهم شکست. کودتاجهان فعالیت پارلمان شوروی، فعالیت بوریس یلتسن و برآمدن پایان دهها هزار انسان را متوقف ساخته نتوانستند. حواسی ظهر روز سوم کودتا نهر از شایعات در باره شکست کودتا پر شد. تلویزیون سی. ان. ان که عمده گهبری از شهریان ماسکو آن را دیده می توانند این شایعات را به موقع به اطلاع عامه رساندند. در یک گزارشی گفته شد که یانایف و چکا در حال فرار در میدان هوایی دیده شدند. درست ساعت آبعد از ظهر رادیوی روسیه از توافق رهبری روسیه با نظامی ها در مورد خروج قطعات از شهر اطلاع داد. همزمان فعالیت ها برای فرستادن دیات جمهور روسیه نزد رئیس جمهور گریباچف که در کرمیاد رجال ستراحت به سر می برد آغاز شد. در رأس هیأت صدراعظم جمهوری روسیه سیلا یف قرار داشت. و از تیم گریباچف بهره صرف در متن از اعضای شورای امنیت شوروی که یکی آن - بهره معروف پریاکوف بود در تلویزیون ظاهر گردید. آنها نیز نازم کرمیابودند.  
 کودتاجیان در برابر اراده مردم به زانو درآمدند و دموکراسی یکبار دیگر به پیروزی رسید.  
 قسمت دوم در شماره آینده



# چراغی در راه روشنایی



شماری از آفریده های جهاد:

- ۱- کو جهان انوی ژوند رجا پ شده
- ۲- دگلو خولی دجلد اول چاپ شده
- ۳- دگلو خولی دجلد دوم رامید وار چاپ
- ۴- دلدنو و پشتمد وار چاپ
- ۵- دلدنو داستانونو مجموعو ( امیدوار چاپ )
- ۶- دشمرنو و انشرونو مجموعو ( امیدوار چاپ )
- ۷- دنوی دانتو لهکوالو دغوره اوژابل شوپو داستانونو مجموعو ( امیدوار چاپ )
- ۸- ددختغی - رمان عشقی حماسی ( چاپ شده )

وده ها زمان داستان آفریده است که شماری از آنها باهنوز - اقبال چاپ نمانده اند . چندین آفریده او جایزه های را کاپی برده اند . که از جمله رمان عشقی حماسی ( دخت غی ) او جایزه اول انجمن نویسندگان افغان - نیستان رانصیب گردید .

جهاد در آفریده های ادبیتر با اندیشه و تحلیل بلند به حیات عاقلی میرد از دانه زمین حرکت است که خواننده حساس را در محدوده گرمی گهر میکند و تا پایان اثر بیدرد نمیگذارد .

و در رخ و دردی که این نرزانان قلمدار با هزاران درخ و همهات ، دامن عمر بر چید و دلی را که سالها از سوختن بردن به تنگ بود ، آرام و بین تیر با خود به خاک برد .

روانش شاد باد !

دانشگاه کابل راه یافت . به سال ۱۳۵۸ در روزنامه " میواد سمت مسمر اقتصادی راه دوش گرفت . و سپس به مجله " جرگه " از آن جا به مجله " سپاهن و آخرسن و ظیفه " رسمی اثر دست معاهدت خرید . هنر بود .

جهاد با آن که به درد خانگاه قلبی دچار بود ، اما شکیبایی و همت بلند ، چنان در راهش داشت که هرگز ، نزد هیچکسی لب به شکوه نمیگشود و در درد ناگهین حالات خود نهنزد است از قلم و آفرینش بر نمیگرفت .

این شخصیت بلند همت و - خیر دراز مناسی حیات آفرید . نشی فرهنگ خد مدعا مقاله " سیاسی ، اجتماعی و اجتماعی به نشر سیرده است . به همین گنه صد هاشعر ، پارچه های ادبی ، در راه های رادیو سی

... و چنانی دیگر از جراتانان عمر نویی ملند . با زلم دیدار " دانه " امید اناده بی فرو - سریزد و دلغای در تیر هجرت جاودانه " غزوی ، التهاب سون و ماتم میگردند . و خشت چندمی دیگر ، از حصاره فرهنگ مان بهله میزدانند ، نویی انند .

مصطفی جهاد ، نویسنده " اندیشه " ، شاعر شکیبای - روزنامه است بر دیار کشور در ماه اسد همین سال ، دیده از شروع هستی بر بست .

مصطفی جهاد به سال ۱۳۳۳ هجری خورشیدی در قره توه خیل ولهالی ده سیزلاست کابل دیده به دیدار هستی آورد . دانشهای نخستین را در مکتب باغ علم بردان آقا زو سپس در - لویه " حبیبیه به انجام رسانید و از آن جا به دانشکده " حقوق

## اوجش در جهان ...

پایه از صفحه ( ۲۵ )

کد شته فرو میخلتند . بعد میهرسد د یگر چیزی که نمانده ؟ میگویم سها سنگد را از شما .

هنرمندان تاجیکستان که در آستانه هفتاد و دو مهین سالگرد استقلال افغانستان به منظور اجرا کسرت ها در جشن افغان ها به دعوت اتحادیه جوانان افغانستان تشریف آورد . بودند . پس از اجرای یک سلسله کسرتها دوباره به کشورشان عودت نمودند .

اداره " مجله " سپاهن از - بصیر باسل مهمان دار اینس گروپ که در قسمت فراهم آوری زمینه مصاحبه با ما همکاری - نمودند ، قلبا تشکر مینماید .

به اتان تعلق دارد . پس از یک لحظه هتیمی به لب می آرد و میهرسد : آیا همین ، همین طورا دامه میدهد یا سوال های تان ختم خواهد شد .

میگویم فقط یک - وال دیگرم را پاسخ دهید و پس :

« اسال کدام آهنگه افغانی را باز خوانی نمود . امید و چرا ؟ - آهنگهای " اوخدا جان - دلم تنگ است " و " بیچمجان لوگری " را برای مردم دستدا - شتی افغانستان اجرا میکنم . آن همه به خاطری که از اینس گونه آهنگه ها مردم افغان خاطره های خوشی دارند و با شنیدن این آهنگها باری به

که در سال های قبل موا استقبال میکردند احساسات شان نسبت به آهنگهای بیشتر شده است و چنان برایم کف میزدند که خود را محبوب تر از گذشته احساس کردم .

« ایما از آواز خوانان تازما افغان - نی با آهنگهای تازه شان کسا - نی توجه شما را جلب کرد مانند ؟

بارضایت پاسخ میدهد : - همیشه شنونده آواز فرهاد دریا و وحید صابری اعضای ارکستر لاله ها و نواد رامسز خواهم بود . و فکر میکنم کسه آینده موسیقی کشور افغانستان

تنبور روحم را ارامش میبخشد این ساز یگانه همراز زنده گیم است .

« پیش از عزیمت به افغانستان چه فکر میکردید که در استان افغانی تان از شما چیزی نه استقبال به عمل خواهند آورد ؟

با حالت از خود راضی این طور ادامه میدهد :

- پیش از آن که به افغانستان بیایم با خود می اندیشیدیم و هراس داشتم که میا دا بسرای علاقه مندان افغان نمیکند چه بهره خسته کنند . شکره باشم ، اما آن طور نشد همان گونه



# رستوران محبت



میزبان خوش طعم و شیرین غذاهای ویژه میزبانان محترم، روز در رستوران محبت برگزار  
 نمایند. رستوران محبت با محبت و اخلاص در شرایط سخت و غیرعادی خود  
 کیفیت و لذت را در بهمان سطح عالی برقرار نگه میدارد.  
 پنجشنبه رستوران محبت به روزه در ساعت ۲۰:۱۱-۲۱:۰۰ ظهر  
 نماز عشاء با سه چاشنی در خدمت مشتریان عزیز است.  
 آدرس: محله اول جاده یوسف محرابی است. تلفن: ۲۵۷۶۶

رهنمایی در خرید  
 و فروش خانه  
 زمین آپارتمان و موتور

## رهنمای مسابقات

### روح الله تقیری



## آدرس:

شهر نو چارراهی حاجی یعقوب  
 متصل مسجد جامع شیرپور  
 تلفن ۳۲۵۲۹

# آریانا مارکیت

## تازه به فعالیت آغاز نموده

آریانا مارکیت که تازه به فعالیت تجارتي آغاز نموده، اجناس از قبیل لوازم منزل و



لوازم آرایش، لباس، مردانه، زنانه، طفلانه، ظروف بکلی

تلویزیون و غیره اجناس را بطور عمده و پرچون برای مشتریان

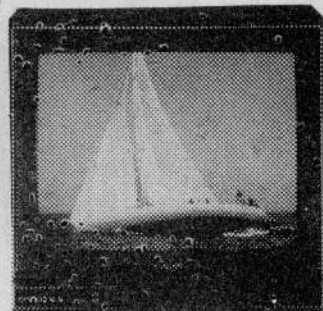
محترم عرضه می‌دارد.

آدرس: ایستگاه و افغانان تعمیر سابقه افغان اعلانی

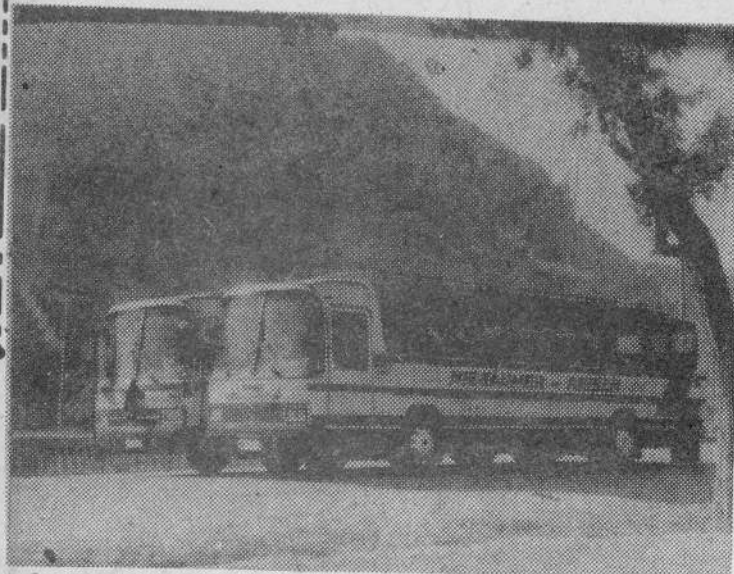
# فروشگاه فلیس دیلایت



فروشگاه دیلایت شیک ترین اجناس  
رلاز شهرترین کمپنی خارجی جهانگ تان ولرد  
نموده و بلا مشرتراغ عرضه می‌دارد.



تلویزیون، رادیو، فلیس، اتوماتیک ریوت کنترل دلد به سایزهای مختلف با یک سال  
گرنتر، ویدئو کست شارپ، جاپان، مدل VC-M730E اتوماتیک دلد از ثبت کار، سیستم  
ریوت کنترل دلد، ارقام رادیو کست، اتوماتیک فلیس، با یک سر مینر، تلویزیونهای سلفون و دیگر  
۱۱۰۲۰ انچه سیاه سفید سخت استاد شمدرن. آدرس: مقابل شاهه الی کابل محمدخان ۱۱۰۲۰



اگر قصد سفر دارید  
در بسته‌های خمیده آرام  
و مستریج ۳۰۳ سفر  
کنید .

بازار کت پنج‌سیر بس شمارا  
از کابل به پنج‌سیر بستمنگان  
دعوت شریف مع الحیر میرساند  
آدرس :  
کابل - ساحه د افغانستان پل خشتی

تلفون ۲۱۷۸۴

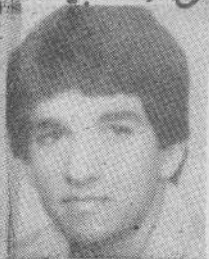
سفر

بازار کت

پنج‌سیر

# فروشگاه چشمه

زیباترین مپردی مردانه ، بهترین لوازم آرایش و  
عطریات ، مرغوب‌ترین پیراهن های زنانه و مردانه  
شیک‌ترین سیلر ها و پلوتونهای مردانه و بچه‌گانه  
مقبول‌ترین دیشی های اسپرتی و  
کاوبای ، جاکت و دیشی های  
پشمی را از مشهورترین کمپنی های



جهان تازه وارد نموده و به قیمت مناسب عرضه  
نمیدارد .  
آدرس : شهر نو چارراهی طره بازار خان تقبال  
افغان کارت

دو سه موسم سال گلبنار  
تازه و مهندسه عمر بهت کرده  
مطلوبه کنید .  
گلدست عروس ، خنجر و کلچر نور  
همه مطبوعه ذوق خوشما



آدرس : چارراهی طره بازار خان

گلفروشی سنبل  
گلفروشی سال

# آریا پامیر لمتد

## یک نام بزرگ تولیدی اجناس فلز

با خریداری اجناس فلزی مستحکم و بادوام تولید موسسه تخصصی آریا پامیر لمتد به زیبایی

دقتر و منازل شما مشتری افزایش

اگر میخواهید اتاق های تان را زیبایی خاص بخشید آدرس زیر

یادداشت کنید . فابریکه : عقب باغ پارتیفون ۴۲۷۳۲

فروشگاه : حصه دوم جاده میوند تیفون ۲۴۸۳۷

فروشگاه : سالنگ وات منزل اول آریانا پارت تیفون ۲۳۷۴۷



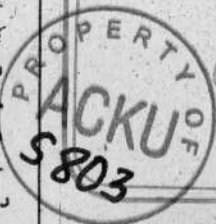
آدرس : قوطا سبه فروش صد ف  
ایستگاه موتوهای گولای پمارک  
حصه سوم خیرخانه واقع دماغانا

اخبار هفته جوانان امروز و سایر نشریه ها را  
به قیمت نازل عرضه میداریم

قرطاسیه فروشی صد ف اقم کتاب و کتب  
انواع قلمها خودکار و دستگیره و صد ها قسم جنس  
مورد نیاز طلاب معارف ، مجوسه دول

# برای شما دیدن آیم

## سروش شما در ماه میزان



۱ میزان - روزیست که برای دختران و خانمها که در ماه حمل تولد گردیده اند برابرم های گذشته شما از این روزه بعد دوباره حاد میگردد تلاش کنید که از هرگونه ساقته دوری جوید .

۲ میزان - روز آرام و خوبی برای آنمده ای خواهد بود که در ماه های جوزا سرطان و حوت تولد شده اند روز خوب برای معاملات تجاری تی خواهد بود . علاوه بر آن برای کسانی که در ماه میزان تولد گردیده اند روز خوبی برای ازدواج خواهد بود .

۳ میزان - ناراحتی هایی که برای شما در این روز شدت بی سابقه ای کسب خواهد کرد و خانمها و دخترانی که در ماه سنبله تولد شده اند امروز روز خوبی برای شما نخواهد بود . در این روزها کوشش کرد تا جالسو احساساتی شدن خود را بگریزید به خصوص متولدین ماه سنبله خیلی محتاط باشید تا اکنون سعادتتان در این روز از هم نپاشد .

۴ میزان - متولدین ماه های حمل ، جوزا ، دلو و حوت در این روزهای ۱۶ میزان به مسافرت اقدام نه ورزید برای متولدین ماه ثور این روزیک روز خسته و بیسی خواهد بود ، اگر تلاش کنید دوست آزرده شده تان در این روزها شاماشتی خواهد کرد . روز خوبی برای انتخاب همسر زنده کسی برای تولدین ماه ثور خواهد بود .

۵ میزان - برای متولدین ماه های جدی و حوت روزیست جنجال بوده در این روزها تان زیاد میروند تا شمارا در کار تان فحش دهند و این کارونستی می شوند . متولدین ماه عقرب بیاد داشته باشند که این روز برای حل و فصل نزاکت.

میزان و دلو روز خوبی خواهد بود . خانمهای متولدین ماه های عقرب و حوت در زمان سیات خانوادگی تان در این روزها حوصله مندی نه استفاده نمایند . روز خوبی برای ازدواج برای متولدین ماه حمل خواهد بود ، اما از انجام معاملات تجاری در این روز صرف نظر کنید و غیران بدشانسی انتظار شمارا می کند .

۶ میزان - روز خوبی برای مردان ، دگران و نظامیان متولدین ماه میزان خواهد بود . برعکس برای متولدین ماه حوت روز خوبی نیست . جنرالهای فامیلی و بعضا تجارتی و تحصیلی انتظار تان را می کنند . جنرالهای متولدین ماه عقرب از این روز به طرف حل شدن پیش میروند .

۷ میزان - متولدین ماه های حمل ، سرطان ، قوس و حوت منتظر شنیدن یک خبر خوشی در این روزها باشید . کوشش کنید تا رسیدن آن را در این روزها از دست ندهید . متولدین ماه های جوزا ، اسد دلو برعکس منتظر شنیدن یک خبر ناگوار باشید ، اما در مقابل آنمده کسانی که به برابرم های اقتصادی دست و گریبان هستند از این روز به بعد وضع اقتصادی شما بهبود می یابد .

۸ میزان - متولدین ماه های جوزا ، اسد سنبله میزان ، جدی در آخر ماه میزان همه کارها به مراد دل شما پیش خواهد رفت ، به خصوص در مسائل عشقی و مناسبات شما با جانب مقابل . در این روز شانس خوب برای متولدین ماه جدی و دلو در امور رسمی پیدا خواهد شد از آن استغاده . اعضای نماید، متولدین ماه حمل اگر میخواهد کدام معامله تجارتی را در این روز انجام دهد آنرا به فردا بگذارد .

۹ میزان - روزیست که برای متولدین ماه حوت اگر یکدم جنجال مواجه شده باشند از این روز به بعد کارها به مراد دل شما پیش خواهد رفت ولی در هر حال از احساساتی شدن بپا خودداری کنید . در ضمن آن شانس خوبی را از دست نخواهید داد .

۱۰ میزان - برابرم های شخصی متولدین ماه عقرب و قوس و حوت در این روزها میگرد و این کارالی آخر ماه میزان آسان خواهد یافت . متولدین ماه حمل و سرطان محتاط باشید که جراحت سدید در این روزها انتظار شمارا می کند .

۱۱ میزان - برای مسافرت متولدین ماه های جوزا ، اسد

های ایجاد شده فامیلی تان نخواهد بود این کار را بگذارید .

۱۲ میزان - روز خوش شانس برای متولدین ماه های سرطان ، اسد ، میزان و حوت خواهد بود . از هر نگاه متولدین روز خوبی برای معاملات تجاری و کاری شما خواهد بود . متولدین ماه حمل کوشش کنید تا در این روزها ازدواج نکنند . متولدین ماه دلو متوجه باشند که با هیچ کس در این روزها سخن گفتنی نیست .

۱۳ میزان - متولدین ماه های ثور ، سرطان ، میزان و عقرب منتظر حادثه غیر متوجه در زندگی تان باشید اما از سفر در راه

# موتورهای انصاری وات

آه شما هم حفظ کنید، هر وقت یک در موتور هستی.  
 آیا با اقتصاد و شرکت کر و ناز جدید مدل ۱۹۹۰ را حاضر گم دارید؟  
 و هر نوع بنزها را مدل جدید و موتورهای انصاری وات تازه  
 ارائه نموده است.



شما از نمایشگاه این موتورها در چهارراهی انصاری شهرنودین کنید  
 و موتور لخواه تانرا باریک مورد پسند انتخاب کنید • همچنان موتورهای  
 انصاری موتوهای مدل جدید ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ بنز تویوتا و سیکپ های  
 مختلف النوع را به دستر دارد اشخاص و موسسات دولتی میتوانند با شرایط  
 سهل موتور مورد ضرورت خویش را دستیاب شوند •

که سرترا بار دیگر بخاطر داشته باشد  
 تلفن ۲۰۵۲ چهارراه انصاری شهرنودین

ACKU  
سلسل  
DS  
350  
22 ص  
v4 lms

# یک چشم بزرگ در فروشگاه بزرگ

معافل خوشی تا نراد در سورا  
فروشگاه بزرگ افغان بگلزار  
نمایند تا خاطره آن همیشه شاه  
بماند  
وقت را بزرگ کنید

# فروشگاه بزرگ افغان

شما می‌توانید در منزل مختلف فروشگاه بزرگ افغان خرید کنید  
تجدید کرده‌ایم تا شما را در هر وقت خودی را بخرید

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**